ارتش آزادیبخش ملی ایران

هجرت پیروزمند انقلابی

انتقال مجاهدین از عراق به آلبانی

مسعود رجوی

نشست های مجاهدین در لیبرتی

آبان - بهمن ۱۳۹۴

هجـــرت پیـــروزمنـــد انقلابـــی

انتقال مجاهدین از عراق به آلبانی

انتشارات سازمان مجاهدین خلق ایران

بها: معادل۵۰یورو

فهرست

فصل اول **۹**

رژیم بازندهٔ استراتژیک پیش به‌سوی تحول بزرگ و خیر عظیم برای مجاهدین- ۱۶ آبان ۱۳۹۴

موضوع چیست؟ صورت مسئله چیست؟ ۲۵

فصل دوم **۱۴۵**

تغییر و طوفان در راه است، پیروزی پیشاپیش مبارک!

۱۴ آذر ۱۳۹۴

سلام و درود بر قهرمانان پایدار و برگشت‌ناپذیر مقاومت تاریخی مردم ایران ۱۴۷

فصل سوم **۲۳۳**

آماده باش برای حرکت مؤسسان چهارم بسوی پایگاه امن

۲۸ آذر ۱۳۹۴

فصل چهارم **۳۵۹**

خطرها بر سر راه انتقال مؤسسان چهارم

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات-۱۷بهمن ۱۳۹۴

قسمت اول

خطرهای جدی و واقعی برسرراه انتقال مؤسسان چهارم ۳۷۴

فصل پنجم **۴۰۷**

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات- قسمت دوم

فصل ششم **۴۹۹**

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات- قسمت سوم

فصل هفتم **۵۷۳**

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات- قسمت چهارم

اتمام حجت نهایی قبل از آزمایش بزرگ و اعزام به مأموریت

اشرف- نشست عمومی، تغییر دوران پس از یک دهه پایداری-

۲۷اسفند ۱۳۹۰ ..... ۵۸۴

ابلاغیهٔ مجدد اخراج و ترک لیبرتی-۱۷بهمن ۹۴ .....۵۹۵

پاسخ به ابلاغیهٔ ترک لیبرتی

گزارش معاونت پرسنلی ارتش آزادیبخش- بهمن ۱۳۹۴ .....۶۰۱

اتمام حجت پرچم فروغ وابلاغیه ترک لیبرتی ۶۰۲

آنچه در این کتاب از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، متون بحث‌ها، برگرفته از ۷ برنامه تلویزیون سیمای آزادی در مورد سلسله نشستهای فرمانده ارتش آزادیبخش با مجاهدان مستقر در رزمگاه لیبرتی، ۶ماه قبل از شروع هجرت پیروزمند و انتقال به آلبانی است. این برنامه‌ها در سال ۱۳۹۶ از ماهواره پخش شده است.

فصـــل اول

اولین نشست عمومی در لیبرتی
بعد از حملهٔ موشکی
آبان ۱۳۹۴

رژیم بازندهٔ استراتژیک
پیش به‌سوی تحول بزرگ
و خیر عظیم برای مجاهدین

۱۶آبان ۱۳۹۴

درود بر یکایک شما
و سلام بر شهیدان

شما جایشان را پر کردید و خواهید کرد هر چند که هستند و در اطراف و بالای نشست در پرواز هستند.

قهرمانان مجروح که در امداد خودمان هستند در یک نامه مشترک از من خواسته‌اند که برای آنها آیه‌ای از قرآن بگویم.

حالا می خواهم در ابتدای نشست ، این آیه را هم برای آنها و هم برای همهٔ شما بگویم. این آیه مربوط به همان لحظات بعد از حمله و شلیک موشکهاست یعنی پیامی برای همه ماست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ[1]

آن کس که گمان می کند و می پندارد که خدا او را (پیامبرش و راه او را) در این دنیا و در آخرت یاری و نصرت نمی کند،

می تواند طنابی به آسمان (و سقف بالای سرش) بکشد، سپس آن را قطع کند و نتیجه را ببیند ـ که آیا در نتیجه این کار- غیظ و کین او برطرف می شود؟ ! آیا داغ دلش تسکین می پذیرد؟ !

۱- سورهٔ حج، آیهٔ۱۵

در یک جمله و فقط در یک جمله همه حرف را گفته است. . .

حرف این است که به دشمن و مزدوران و پشتیبانان و همدستان و خلاصه جمیع قاتلان و جنایتکاران و زمینه سازان به همان معنا که در زیارت عاشورا می خوانیم، می گوید برو خودت را از آسمان و یک سقفی در بالای سرت با یک طناب آویزان کن؛ آن وقت طناب را قطع کن و نتیجه را ببین.

واضح است که نتیجه این است که مدعی کله پا می شود و محکم بر زمین می خورد، سرنگون می شود، همان تعهد سرنگونی و استمرار آن در مدارهای بالاتر و بیان این که غیظ و کین دشمن و پشتیبانان و مزدوران پایان ناپذیر است.

همان غیظ و کینی که امروز به وضوح در کارزار تاریخی مجاهدین، برای سرنگونی به چشم می بینیم غیظ و کین نسبت به مجاهدین، نسبت به ایستادگی و رأیت شرف ملت ایران که بر دوش می کشند.

می گوید غیظ و کین اینها نسبت به شما پایان ناپذیر و به همین خاطر درمان ناپذیر است.

در یک مثال بسیار جالب در جنگ سیاسی، خدا خودش خیلی ظریف و پرمعنا این احاله را به آنها می دهد! خودت را از سقف و ارتفاع بالا آویزان کن، طناب را قطع کن، با سر به زمین بخور و سرنگون شو. . .

آنگاه بنگر که آیا غیظ و کینه ات نسبت به پیامبر رحمت و رهایی و مجاهدان رکابش رفع می شود؟ کدام غیظ و کین؟

این که فکر کنی خدا در دنیا و آخرت او و مجاهدینش را نصرت نخواهد کرد.

- باور کنید که حرف خدا جدی است، خیلی جدی است. . .

برای همین می گوید اگر کسی گمان می کند که خدا او را (پیامبرش و راه او را) در دنیا و آخرت یاری نمی کند، راهش این است که خود را از آسمان یا سقفی بیاویزد و سپس نقطه اتکا را قطع کند و بر زمین بخورد و سرنگون شود.

پیشرفت و پیروزی در مسیر تکامل را خدا خودش تضمین کرده است:

إِلاَّ تَنصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُواْ ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لاَ تَحْزَنْ إِنَّ اللّهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُواْ السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [۲]

اگر او (پیامبر و راهش) را یاري نکنید، قطعا خدا او را یاري می کند هنگامي که کساني که کفر ورزیدند او را (از مکه) بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که در غار (ثور) بودند وقتي به همراه خود مي‌گفت اندوه مدار که خدا با ماست پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با لشکریانی که دیده نمی شدند مدد کرد و کلمه کساني را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمه خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است.

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُواْ السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللّهِ هِيَ الْعُلْيَا[۳]

علت در این است که کلمه و پدیده و نقشه مسیر حق ستیزان، دست پایین و سفلی است، سفله گری است.

ولی کلمه خدا دست بالا را دارد سرانجام خود را بالا می کشد؛ به اوج و نوک قلّه می رساند و اثبات می کند.

وَكَلِمَةُ اللّهِ هِيَ الْعُلْيَا:[۴]

این همان تاریخچه ۵۰ساله سازمان است. همه کس از هر سو در این ۵۰سال بر سرش ریختند. ارتجاع و استعمار و هرکس و ناکس دیگر، از شیخ و شاه تا انواع و اقسام مزدوران و نظریه پردازان ارتجاعی و استعماری و قلم به مزدان، از خائن و زالو گرفته تا اپورتونیست و پیمان شکن و. . . و. . .

اما باز هم می بینیم که شاه رفت، شیخ هم رفتنی است و عنصر ماندگار همان «کلمه علیا» است. . . .

آیۀ ۴۰از سورۀ توبه مربوط به لحظاتی است که پیامبر با ابوبکر در غار بودند.

۲- سورۀ توبه، آیۀ ۴۰
۳- همان آیه
۴ - همان آیه

می گوید: شما هم که کمکش نکنید، خود خدا هست و کفایت است؛ وقتی که او را از شهر و دیارش بیرون کردند، وقتی که درصدد قتل او بودند و به تعقیب او برخاستند؛ اول به خانه‌اش رفتند تا او را در رختخوابش به قتل برسانند. اما دیدند علی به جای او در بسترش خوابیده است. به عبارت دیگر، در تاکتیک رزمی و جنگی، او برای رزمی بالاتر در این میدان، جاخالی داده و به جانبی دیگر هجرت کرده است. . .

اکنون با ابوبکر در یک غار تحت محاصره است و دشمن دارد در پیگرد خود به او نزدیک و نزدیکتر می شود.

إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لاَ تَحْزَنْ إِنَّ اللّهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا[5]

آن هنگام که به هم صحبت خود میگوید:

ناراحت و اندوهگین مباش، خدا با ماست. سپس خدا سکینه خود را (که همان آرامش و اطمینان قلب باشد) بر او فرستاد و او را با نیروها و لشگرهایی دیده ناشدنی مدد کرد.

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُواْ السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللّهِ هِيَ الْعُلْيَا [6]

و به این ترتیب کلمه حق ستیزان را دست پایین و سفلی قرار داد و کلمه خدا را بالا و بالاتر برد و عالی و عالیتر قرار داد.

یعنی که در جریان تکامل روی محور پیشرفت و ترقی هر چه فراتر و بالاتر، آینده متعلق به آنها و از آن آنهاست.

بله، ته دره نصیب و جایگاه نیروهای ظلمت و ارتجاع باد! نصیب و جایگاه کلمات خدایی و مجاهدان راه خدا و خلق نوک قلّه و پیکان تکامل است.

موشک باران ۷ آبان در منتهای استیصال

از همان نیمه شب ۷آبان (شب جمعه را می گویم) من که هر گزارشی را خواندم و با هر کسی که حرف زدم و هر ماجرایی را شنیدم، بدون اینکه

۵ –همان آیه

۶– همان آیه

شماها از حرفهای همدیگر خبر داشته باشید یا از نامه‌ها و گزارشات بقیه خبر داشته باشید، کد مشترک، «معجزه گونه» است. یعنی اینکه تعداد و ابعاد موشکها طوری بوده که انتظار شهدای خیلی بیشتری می‌رفت. خیلی از بچه‌ها می‌گفتند که شدت انفجار و صدای انفجار به حدی بود که فکر می‌کردیم موشک اسکاد B برای صفرصفر و قتل‌عام تمام مجاهدین در لیبرتی است. واقعیت هم این است که اگر فرمول ۵تا ۱۰ثانیه را اجرا نمی‌کردید و اگر به میان سنگرهای روباهی پر از آب در فاصله ۱۰متری نمی‌پریدید، تعداد شهیدان و مجروحان بارها و بارها بیشتر می‌بود. فکرش را بکنید که اگر همه ۸۰موشک که خودتان اعلام کرده‌اید و بر روی زمین حدود ۱۰میلیون دلار خسارت ایجاد کرده است، به هدف می‌خورد، چه تعداد شهید می‌داشتیم. . .

قدروشأن یکایک شهیدان را همه می‌دانیم از خواهر نیره گرفته تا فرمانده والا حسین ابریشمچی و حسن نورعلی و منوچهر و فرشید و حمید و حسین گندمی و اکبر و رجب و کیومرث و شریف و جواد و بقیه و سهراب و بهزاد و ابوطالب و محمدعلی و عبدالرضا و حمیدرضا تا حسین سرو آزاد که از ۳۶گروگان بود و رستگار شد و بقیه. . . ***سلام الله علیهم اجمعین***

در مورد شأن شهیدان از هواداران گرفته تا داخل ایران همه دارند می‌گویند و می‌نویسند و اصلاً چیزی نیست که نیازمند تشریح و توضیح باشد. البته هر چه بگوییم و بنویسیم کم است، به خدا کم است، ولی الآن من چیز دیگری را می‌خواهم بگویم؛ کد مشترک خودتان «معجزه گونه». . .

آیا مبالغه است؟ خیر هرگز!

دشمن بعد از ۲۲ماه از آخرین شلیک در ۵دی ۱۳۹۲، در هفته بعد از پایان اعتصاب ۱۰۸روزه، حالا می‌خواست چه کند؟ چرا؟ چرا درست در شب سوریه؟ چرا در برشام و برجام؟ چرا قبل از سفر آخوند روحانی به فرانسه که مریم در آنجاست؟ من در همان پیام شب اول، ساعتی بعد از شلیک نظرم را گفتم و تحولات آینده صحت و سقم آن را نشان خواهد داد. منظورم همان پیام کوتاه است که بعداً منتشر و پخش شد.

آثار خرابی های موشک

مجاهد شهید نیره ربیعی

مجاهد شهید حسین ابریشمچی

مجاهد شهید فرشید ربیعی

مجاهد شهید منوچهر براتی

مجاهد شهید حسن نورعلی

مجاهد شهید اکبر علیدوست

مجاهد شهید حسین گندمی

مجاهد شهید حمید دهقان

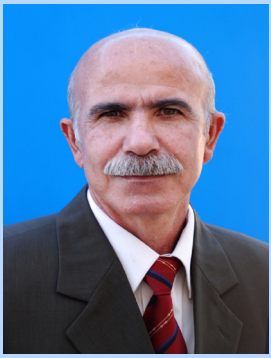

مجاهد شهیدشریف ویسی

مجاهد شهیدکیومرث یوسفی

مجاهد شهیدرجبعلی قربانی

مجاهد شهید جواد میرسالاری

مجاهد شهیدبهزاد میرشاهی

مجاهدشهیدسهراب همایونفر

مجاهد شهیدحسین سروآزاد

مجاهد شهید رضا وادیان

مجاهدشهیدحمیدایمن کاشان

مجاهد شهید جاسم قیصر

مجاهد شهید حسن ابراهیمی

مجاهد شهید احمد مسچیان

مجاهد شهید حسن توفیق جو

مجاهد شهید امیر حسین اداوی

مجاهد شهید محمدعلی میرزایی

مجاهد شهید ابوطالب هاشمی

موضوع چیست؟ صورت مسأله چیست؟

موضوع این است که بعد از ۲۲ماه که در کارزار شماره ۶بودیم، تحول عظیمی صورت گرفته است. تا حدودی منتظر آن بودیم. چون تعهد سرنگونی و دوران سرنگونی رژیم جدی است و کارزارهای آن هم جدی است. بحران در درون و بیرون رژیم جدی است. توطئه های زنجیره یی دشمن برای انهدام مجاهدین، برای جداکردن سر از بدنه، برای نابود کردن مقاومت هم جدی است.

اما فعلاً بگذارید روی همان کد مشترک، روی همان کلمه وحرف مشترک در حرف ها و گزارش های خودتان، یعنی در مورد همان کلمه "معجزه" بگویم. واضح است که منظور شما در مکالمات درونی خودمان که برای کسی سوءتفاهم نمی شود، این است که به گونه یی معجزه آسا، به گونه یی نامتصور، خدا مجاهدین را حفظ کرده است والا هیچ بعید نبود که با این همه ضربات و موشک ها از پا در می آمدند یا کمرشان به لحاظ سازمانی و سیاسی در هم می شکست. . . .

اما در آیه ای که خواندیم، قرآن به صراحت گفت، یعنی در جنگ سیاسی و ایدئولوژیک، عمداً با یک طنز گزنده گفت، خاطرتان جمع باشد که خدا پیامبرش و روندگان راه او را نصرت می کند و اگر کسی خلاف آن می پندارد، برود خود را از سقف آویزان کند و آنگاه نقطه اتکا را قطع کند تا ببیند که آیا حقد و کین او فرو می نشیند یا خیر؟ ! به زبان خودمان، رژیم و سگ های زنجیری اش باید بروند سرشان را به دماوند و البرز کوه بکوبند!

توجه کنید که این کلمه و کد معجزه گونه و«معجزه» را من نگفتم. بلکه از حرف ها و بحث های خودتان گرفتم و از قضا با استغفار از چنین تمثیلی که فقط برای تفهیم و تفاهم در درون خودمان بکار می بریم، آن را خیلی بالا و پایین کردم. البته واضح بود که شما ابعاد ضربات و انفجارهای موشکی و ابعاد خصومت دشمن را در نظر داشتید و اینکه

مثل همیشه برون‌رفت خود را در ضربه به مجاهدین و مقاومت ایران می‌بیند. غیظ و کینی که تسکین‌ناپذیر است و تا روز سرنگونی ادامه دارد.

بخصوص ما از شلیک موشک‌ها تا امروز الآن بیش از یک هفته است در تحریم کامل و مضاعف قرار گرفته‌ایم. یعنی همان غذا و مختصر دارو و سوختی را هم که وارد می‌شد قطع کرده‌اند تا ترس و رعب ایجاد کنند. تا موشک و آتش‌سوزی و سیلابی که هنوز خشک نشده در تحریم کامل ضریب بخورد، بلکه این مجاهدین جا بزنند و نادم و تسلیم شوند. رژیم و سگ‌های زنجیری آن از این روال دست برنمی‌دارند زیرا چاره دیگری ندارند.

مجاهدین هم ۵۰سال است که در اتاق‌های شکنجه و میدان‌های تیر و تبر و پهنه‌های مختلف کارزار، دست‌بردار نیستند. می‌گویند بجنگ تا بجنگیم. . . ! و در جریان همین جنگ بر ضعف‌های خود غلبه می‌کنند. از آلودگی‌های طبقاتی و اجتماعی و انفرادی پاک و پاکیزه می‌شوند. می‌آموزند که می‌توان و باید جنگید و تا پیروزی ادامه داد...

شما هم چنین دارید با مریم و مجاهدان و یاران اشرف‌نشان در سراسر جهان، زیر و بالای رژیم و محور شر و همدستان و سگ‌های زنجیری آن را در تمام دنیا افشا می‌کنید. زیرا تحول عظیمی صورت گرفته است، و اگر درست بگوییم، آثار عظیمی هم خواهد داشت که با گذشت زمان اثبات می‌شود. کاش هیچ شهید و مجروحی نمی‌داشتیم.

کاش هیچ خرابی و خسارتی نمی‌بود. کاش اصلاً جنگی در میان نبود و تمام دنیا به‌خصوص ایران ما امن و امان و در صلح‌وآزادی و آبادی و عدالت و قانون بود. . .

اما اینها آرزوهایی‌ست که برای تحقّق و فعلیت‌یافتن آن باید بهای سنگین و خونین پرداخت.

آیا وقتی‌که شماها می‌گویید آن شب، انگار که معجزه بود، به‌معنی چیز شگفت انگیز و خارق‌العاده یا نامتصور، واقعیت دارد؟ بله، زیرا حاوی

یک عنصر واقعی مشخص است. زیرا در این شرایط مشخص، در آن شب مشخص، اگر مجاهدین ۱۰برابر یا ۲۰برابر و بیشتر، شهید می‌دادند، جای تعجب نبود و دشمن برای همین طراحی کرده بود که طرح قتل‌عام در لیبرتی را مانند اشرف به‌اجرا دربیاورد و البته باز هم ادامه خواهد داد. مگر این‌که خودمان با نبرد روزانه و کارزارهای پیاپی آن را پس برانیم.

اگر یادتان باشد ـ به‌لحاظ تاکتیکی و مخصوصاً از بابت همزمانی می‌گویم ـ رژیم در اشرف هم، شب سوریه را غنیمت شمرد و قاسم سلیمانی از ۶شهریور۹۲ به‌مدت ۴روز با مالکی مشغول بحث و گفتگو برای حمله به‌اشرف بود. بعد از حمله هم، به‌خبرگان ارتجاع که بالاترین ارگان دربار و سلطنت آخوندهاست، رفت و گزارش داد.

این بار هم در آبان۹۴، شبی بود که کنفرانس وین یا دعوت رژیم برای سوریه بود و به‌لحاظ تاکتیکی، رژیم زمان را مقتضی و مناسب و ضروری دید؛ البته با استفاده از ضعف آمریکا و عبادی در برابر رژیم که در یکدیگر ضرب می شوند.

گفته‌اید یا نوشته‌اید که اگر به‌جای ۲۴شهید، مثلاً ۲۴۰شهید یا خدای ناکرده ۴۸۰شهید یا بیشتر هم شهید می‌داشتیم، در چنین حمله‌یی، جای تعجب نبود. بله این درست است. ابعاد حمله و محکم کردن طنابها و ریسمان محاصره تا امروز ۱۶آبان، همین را نشان می‌دهد.

از طرف دیگر رژیم دنبال این است که از طریق وحوش عراقی و مزدوران و سگهای زنجیری در عراق و خارجه، به‌هر قیمت اطلاعات مشخص به‌دست بیاورد. مثل همیشه رژیم بهانه می‌کند که «خانواده‌ها» نگران هستند! مجاهدین که خودشان با خانواده‌هایشان در تماس هستند، خوب اگر تو برای خانواده‌های خودت نگران هستی پس چرا موشک می‌زنی؟! ترفندهای بسیار کثیف و لو رفته‌یی است که دیگر بعد از این همه سال، چنگی به‌دل نمی‌زند و فقط رژیم و ایادی آن را رسوا و رسواتر می‌کند.

رژیم که اول فکر می‌کرد مجاهدین در مورد تعداد شهیدان، عدد واقعی را نمی‌گویند، از سفارت رژیم به‌بیمارستانهای بغداد جاسوس وزارت اطلاعات و جاسوس نیروی قدس فرستاد.

پیکرهای پاک شهدای حملهٔ موشکی

در لیبرتی هم وحوش استخبارات دنبال این هستند که آیا واقعاً تعداد شهدا همین بوده است؟ آیا مجروحان بیشتری این طرف و آن طرف مخفی نشده اند؟ ابعاد بلاهت و حماقت مزدوران و وحوش را می‌بینید؟!

آخر مجاهدین چرا باید تعداد شهیدان و مجروحان خود را پنهان کنند یا خیلی کمتر بگویند؟ چرا نباید طبق رسم همیشگی خود به‌خانواده شهید یا صدیق خبر بدهند؟ تا آنجا که من می‌دانم مجاهدین به‌استثنای شهادت فرزندان جلادانی مانند محمدی گیلانی یا جنتی رئیس خبرگان و دبیر شورای نگهبان رژیم، همیشه وظیفه خود دیده‌اند که وقتی مجاهدی به‌شهادت می‌رسد یا فوت می‌کند، به‌خانواده‌اش اطلاع بدهند. حتی اگر رد آن خانواده را نداشته باشند، تلاش می‌کنند هر طور شده پیدا کنند. در مورد مجروحان هم که خودشان می‌توانند با خانواده و ارگانهای بین‌المللی

در میان بگذارند؛ اما رژیم که این چیزها حالی‌اش نیست...

نکتهٔ دیگر این‌که رژیم آمد مثل دفعات پیش، بوزینه‌ای به‌نام واثق بطاط را دوباره مصرف کند. ولی آن‌قدر اضافه بارش کرد که یارو در ترس از اقدامات بعدی مقاومت ایران، در مراجع بین‌المللی، با قسم و آیه اعلام کرد که من نبودم و خبر نداشتم. گفت درست است که من اینها را منافق می‌دانم، اما هرگز من نبودم که به‌قرارگاه اینها حمله کردم. حرفهای او البته فضای عراقی و عربی و بین‌المللی را نشان می‌دهد.

به همان معنا که در زیارت عاشورا آمده می‌گویم :

اَللّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشّاکِرینَ لَکَ عَلی مُصابِهِمْ

بارخدایا حمد و ستایش سزاوار و خاص توست، حمد شاکرانت به‌ویژه آن‌گاه که مورد اصابت و در معرض مصیبت قرار می‌گیرند.بله، حمد در شرایط ضربه و مصیبت و جراحت؛ حمد در شرایطی که جگر آدم برای یکایک شهدا و مجروحان شعله ور است؛ با انبوه گوشهایی که پرده آنها در اثر صدای مهیب انفجارها پاره شده؛ با بدنهای مجاهدین که در اثر موج انفجار دچار پارگی شده و آسیب دیده است؛ با پاها و زانوان مجروح، اما محکم و استوار...

حمد و سپاس برای مجاهدان صبور و شکوری که آنها را برای آزمایشها و مأموریتهای بعدی نگه‌داشتی. برای دستکم صدها تن دیگر که به‌گفته شما به‌گونه‌یی خارق‌العاده و معجزه‌آسا مورد اصابت موشکها قرار نگرفتند و آفرین بر شما که با فرمول طلایی« ۵ تا ۱۰ثانیه» و پریدن به‌داخل سنگرهای روباهی (البته آب گرفته)، مختصر جان‌پناهی پیدا کردید.

در روز حمله موشکی آمار مجاهدین در لیبرتی۲۲۰۰نفر بود و دشمن آن را از طریق وحوش کمیته سرکوب به‌خوبی می‌دانست و از دید خودش طوری طراحی و زمانبندی کرده بود که از بابت شهیدان و ضایعات انسانی، در این بنگالهای حلبی و مقوایی، دهها برابر بیشتر از آنچه در عمل واقع شد، به‌ما ضربه بزند.

آتش سوزی های گسترده ناشی از اصابت موشک -۷آبان۱۳۹۴

آثار خرابی های حمله موشکی --۷آبان۱۳۹۴

٢٢٣

بسیج برای جمع آوری آثار خرابیهای موشک

نمونهٔ سنگر روباهی و آب گرفتگی آنها قبل از موشک

امروز هنوز ما نمی‌خواهیم وارد جزئیات بشویم تا به‌دشمن اطلاعات برسد، اما روزی خواهد رسید که من با جزئیات توضیح بدهم که مجاهدین قبل از حمله و در شب حملهٔ موشکی چه کردند و آن شب چه شد .

وقتی همین دو ماه پیش می خواستید در پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان، فیلم تبدیل شهر سنگستان لیبرتی را به گلستان، پخش کنید تا هموطنان و یاران اشرف نشان ببینند.

تبدیل شهرسنگستان لیبرتی به گلستان

پارک پرستو

من خواهش و تأکید کردم برای غافل ماندن دشمن در چندین مقوله چیزی را نشان ندهید. از تجهیزات و تمرینات دفاعی و الزامات اداره جنگ در حملهٔ زمینی و هوایی گرفته تا چاههای آب و سیستم آبرسانی زاپاس، برای مقابله با قطع عمدی آب توسط دشمن، مشابه تابستان ۹۲ در اشرف.

تمرینات دفاعی برای حفظ آمادگی

حفر چاههای آب و سیستم آبرسانی زاپاس

مجاهد قهرمان مصطفی خسروی، شهید حمله موشکی۲۱بهمن۱۳۹۱ درهنگام حفر چاه آب

از شیوه‌ها و ابزار بازسازی بنگالها که هنوز مشغول آن هستید گرفته، تا الزامات تقویت سقف جان‌پناهها و سنگرها در زمان شلیک هوایی و شلیک منحنی و مخصوصاً در زمان حمله زمینی.

الزامات تقویت سقف جان پناهها و سنگرها

الزامات تقویت سقف جان پناهها و سنگرها

کمپرسی ۲/۵تنی و جراثقال -ساخته شده توسط رزمندگان

همه می دانید که از حمله موشکی در ۵ دی۹۲ به یونامی نوشته بودیم که دستکم ۳ میلیون کیسه شن برای آببندی سنگرها و بنگالها لازم است. اما مشاور امنیتی مالکی فقط با ۱/۵ درصد آن موافقت کرده است تا به سازمان ملل و آمریکا بگوید که کارش را کرده است. بنابراین باید خودتان فکری می کردید....

Sub: sample trailer for sandbags

Jan 26, 2014

Dear ambassador Busztin

In last week's meeting you asked for the plan for putting sandbags around the trailers. I have enclosed for you the plan of putting sandbags around one trailer. I also added a photo of a bunker in camp Liberty when the US forces were stationed here. Based on this plan each trailer needs 2400 sandbags and each bunker needs 1000 sandbags and our demand for the sandbags is 3000,000.

Best regards,

The number of sandbags needed for one trailer

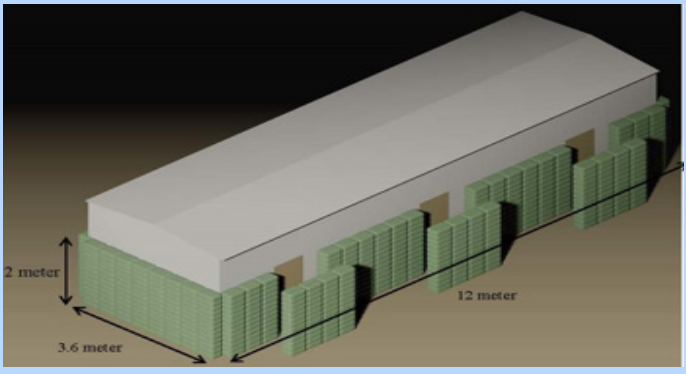

The sandbags will be put around each trailer from ground to a height of 2 meters. The total number of sandbags needed for one trailer is 2400 sandbags.

A sample photo of a bunker in a camp Liberty at the time US forces were stationed in Liberty is attached below. The estimated number of sandbags for such bunker was 1000 sandbags.

می خواهم بگویم آنچه که در پنجاهمین سالگرد برای پخش در ماهواره فرستاده شد، بواقع بخش کوچکی از ابعاد واقعیت در لیبرتی بود. اما همین کفایت می کرد تا هموطنان و یاران اشرف نشان و زندانیان و مخصوصاً تیم های ارتش آزادی در داخل ایران پیام «هزار اشرف» و «جنگ صدبرابر» را دریابند. بله با دست خالی و در شرایط محاصره و زندان هم، بقول مریم« می توان و باید»....

پارسال در آبان ۹۳ آمار دادیم که از روز ۳۰ بهمن ۱۳۹۰ که اولین ستون از اشرف به لیبرتی آمد تا ۳۰ مهر ۹۳ به مدت ۳۲ ماه، مجاهدین دستکم در اینجا ۳۰میلیون ساعت کار کرده اند. این آماری است که خودتان در محتاطانه ترین ارزیابی، ثبت و برآورد کرده اید. ۳۰میلیون ساعت، بدون کمترین امکانات و در شرایط محاصره که فقط با کار طاقت فرسای یدی، اما در منتهای خلاقیت و ابتکار با استفاده از کمترین امکانات از قلوه سنگ تا شن وخاک وقطعات تخته پاره ها انجام شده است.

در یک سال گذشته یعنی از ۳۰مهر۹۳ تا ۳۰مهر۹۴ هم لااقل ۶/۵میلیون ساعت کار دیگر بر آنچه مجاهدین در لیبرتی انجام داده اند، افزوده شده است.

درست کردن الزامات کار سازندگی با کمترین امکانات

الزامات ابتدایی حمل بار

کارهای آماده سازی زمین ها برای فضای سبز با کمترین امکانات

سال ۱۳۹۱

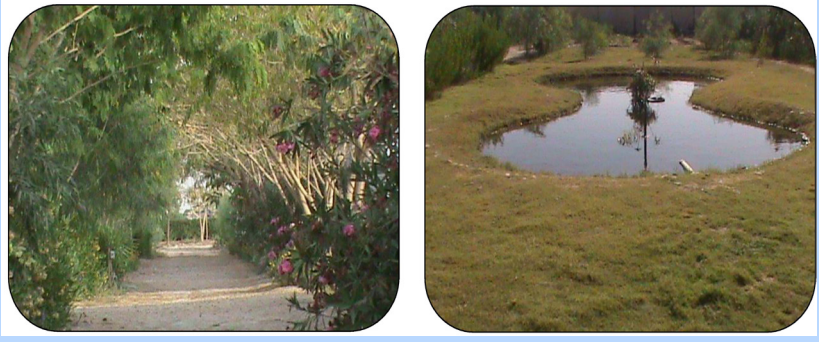

پارک ها و فضای سبز در مقرهای یکان ها

پارک ها و فضای سبز در مقرهای یکان ها

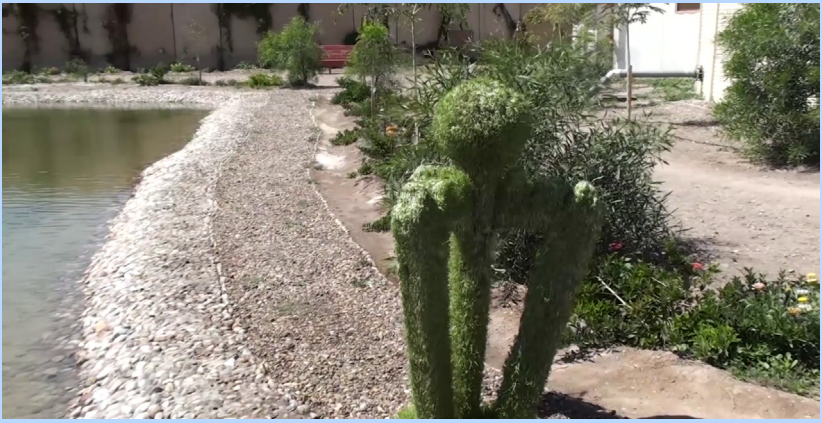

با کار وتلاش بی وقفه، فضای سبز درکل لیبرتی ایجاد می شود

بیمارستان

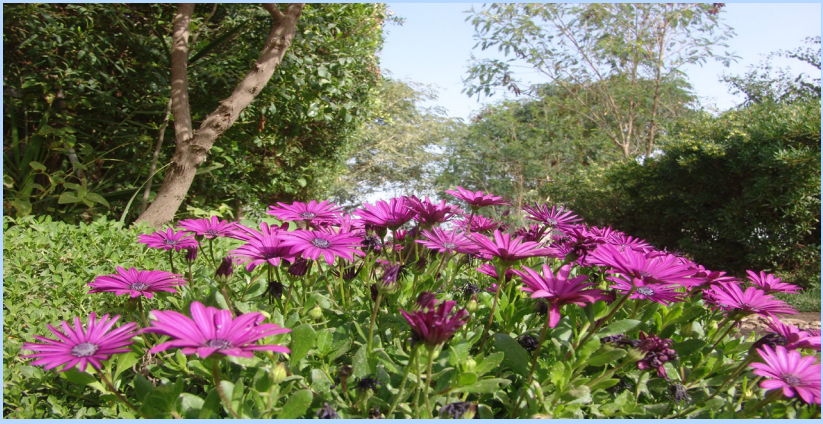

بلوار بیشماران
تیر ۱۳۹۲

پارک پرستو
پارک پرستو

بخش مسلم
۱۵اردیبهشت۱۳۹۲

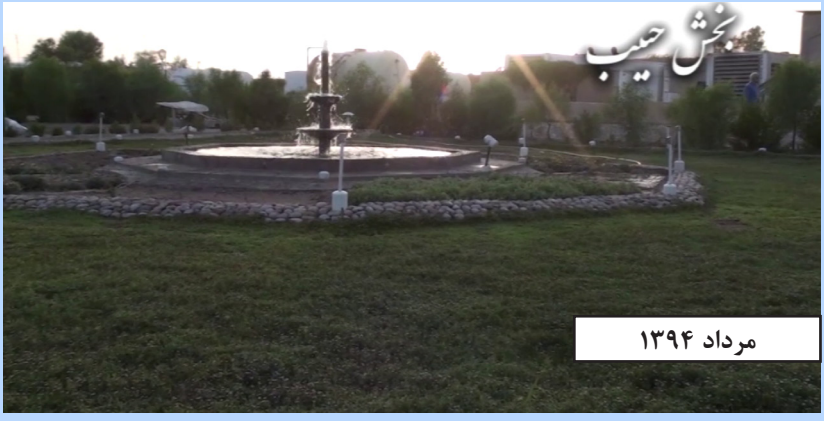
بخش حبیب
مرداد ۱۳۹۴

۱۰آبان ۱۳۹۳

تیر ۱۳۹۴

ماشین چمن زن دست ساز

استفاده از انرژی خورشید برای روشنایی خیابانها

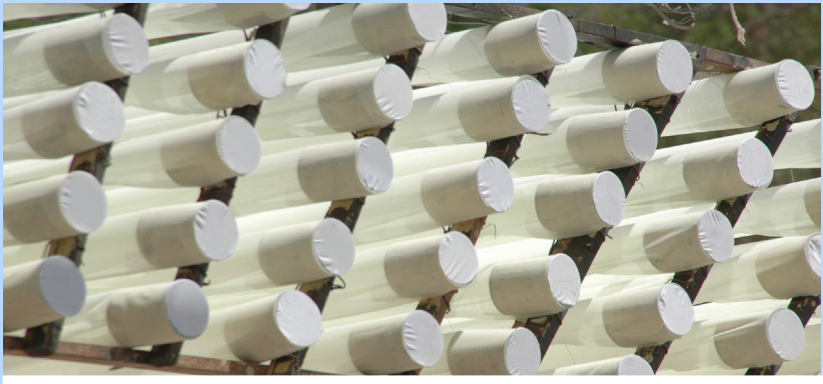

آماده سازیهای دکور نور و صحنه برای اجرای مراسم بزرگ

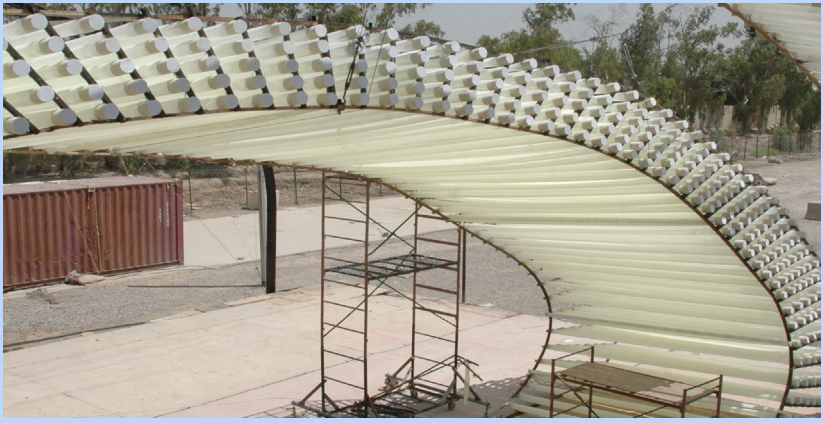

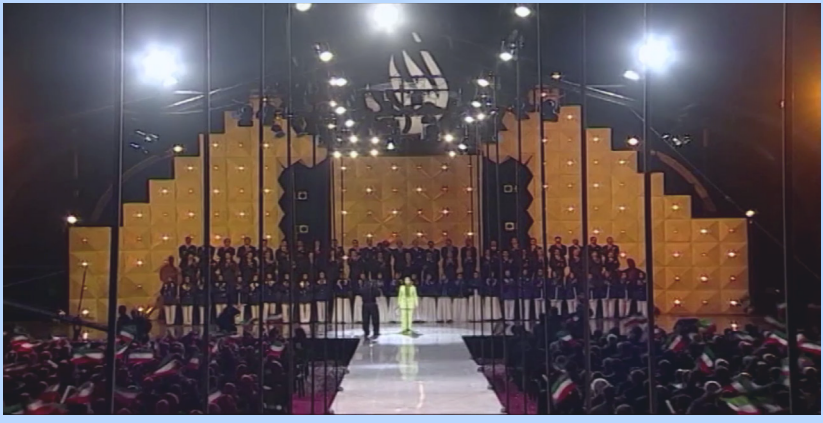

ساخت نمادها

یادواره اسطوره اشرف
۱۰ شهریور ـ ۱۳۱۲

بگذریم که در حملات موشکی پیاپی در ۲۱بهمن ۹۱، در ۲۵خرداد۹۲، در ۵دی ۹۲ و در همین حمله آخر در ۷آبان ۹۴ بسیاری از ساخته‌های ما تخریب شد.

حملات موشکی پیاپی درسالهای ۹۱-۹۲ که بسیاری از ساخته ها تخریب شد

حمله موشکی به لیبرتی ۲۵خرداد ۱۳۹۲

آثار تخریب حمله موشکی به لیبرتی ۷آبان ۱۳۹۴

آثار تخریب حمله موشکی به لیبرتی ۷آبان ۱۳۹۴

آثار تخریب حمله موشکی به لیبرتی ۷آبان ۱۳۹۴

اما مجاهدین از پا ننشستند و دوباره ساختند و بهترش را هم ساختند. بسیاری از اقلام را هم با هزینه های گزاف و ابتکارها و خلاقیت شگرف، حل و فصل کردند.

هرکس این چیزها را بداند آن وقت روی کد مشترک شما، و هم‌چنین از آیه‌یی که خواندیم. فهم و درک بهتری پیدا می‌کند.

بله اینجا جایی است که باید گفت اگر کسی گمان کرده است که خدا، مجاهدان راه خودش و راه خلق در زنجیرش را در همین دنیا و آن دنیا نصرت نمی کند، برود سرش را به البرز کوه بکوبد یا از بالای قلّه دماوند خودش را به پایین پرتاب کند و ببیند که آیا حقد و کین او التیام پیدا می کند؟

الهی لک الحمد و لک الشکر. . .

فقط یادتان باشد که صرفنظر از محاورات درونی و تفهیم وتفاهم درونی خودمان، به معنی دقیق کلمه، برای من و شما معجزه ای در کار نیست و قرار هم نبوده چنین باشد. قانونمندی های خدشه ناپذیری وجود دارد که به اتّکا آنها معجزه را باید خلق کرد. با کشف «استاتو» و قوانین محیط، با کار سرسخت و طولانی، با پرداخت بها، با هوشیاری و عمل انقلابی، نظیر تمرین و شرطی شدن نسبت به«۵تا ۱۰ثانیه» رسیدن به سنگر، با حفر سنگرهای روباهی به نحوی که در هر جا و در هر شرایطی در فاصله ۱۰متری یک سنگر روباهی در دسترس باشد. این چنین امکان غافلگیری و ضربات غافلگیرانه از دشمن گرفته و خنثی می شود. حداقلش این است که نمی گذاریم دشمن به آن حداکثری که می خواهد دست پیدا کند.

2013 7 1

2013 7 1

نکته مهم بعدی که به‌آن خواهیم پرداخت آثار عظیم این تحول عظیم است. اما تا همین جا بگذارید بگویم:

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُواْ السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللّهِ هِيَ الْعُلْيَا[۷]

بله، به‌واقع، کلمه خدا دست بالا و موضع برتر را دارد و خواهد داشت و این هر روز بیشتر اثبات می‌شود.

حالا که آیه سورهٔ حج را که الهام‌بخش همان ترجیع بند و کد مشترک شماست برایتان خواندم، بگذارید یک آیهٔ دیگر در همین سورهٔ حج را هم بخوانیم:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ[۸]

و از مردمان کسی است که خدا را یک‌جانبه و یک‌طرفه میپرستد، پس اگر به‌او خیری برسد، برآساید و اطمینان پیدا می‌کند، اما وای به‌وقتی که مورد اصابت و در معرض آزمایش و فتنه‌یی قرار بگیرد، در این صورت روی برمی‌گرداند، عقبگرد می‌کند...

وای که چه سرنوشت بدی، خدا آمده تا در این آزمایش به‌او بپردازد اما او روی بر می‌گرداند، عقبگرد می‌کند و دنده عقب می‌گیرد، خدا آمده او را به‌این وسیله تضمین کند، اما او پشت می‌کند و به‌طور مضاعف زیان می‌کند.

خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ زیانکار دنیا و آخرت می‌شود

ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ این است آن زیانکاری آشکار و بزرگ

بارخدایا، مجاهدین را از این ضرر و زیان بزرگ و آشکار در امان بدار! بارخدایا ما را خسر الدنیا و الآخره نکن!

۷- سورهٔ توبه، آیهٔ ۴۰

۸- سورهٔ حج، آیهٔ ۱۱

ما را هم در دنیا و هم در آخرت هم‌چنان‌که خودت گفته‌ای، نصرت و یاری کن!

همان نصرت و یاری که امروز مجاهدین به‌چشم در لیبرتی می‌بینند و در محاورات و فرهنگ درونی خود به‌آن اعجازگونه می‌گویند. همان چیزی که من به‌آن محصول کار و کارزار و آماده‌سازیها و هوشیاریهای خودتان در قصه ۴ساله شهر سنگستان در محاصره پر قساوت دوران می‌گویم. این چنین است که حق تعالی عنایت و نصرت می‌کند.

خلاصه بحث

حالا بحث را با شماره‌بندی خلاصه می‌کنم. علتش این است که فکر می‌کنم در قدمها و مراحل بعدی کارهای زیادی داریم. تردید نکنید که بعد از این حمله موشکی بزرگ علی‌القاعده باید تحولات بزرگی هم در راه باشد. هر ماده را که می‌گویم اگر نیازمند توضیح است بیشتر باز می‌کنیم. جوهر مطلب این است که فکر نمی‌کنم رژیم برندهٔ استراتژیک این ماجرا باشد. اگر می‌توانست همه را چنان که می‌خواست قتل‌عام کند یا ضربه کمرشکن بزند، وضع فرق می‌کرد. اما تا امروز را می‌توانم به‌یقین بگویم که برندهٔ استراتژیکی، بر فراز آبشار خون و فدا، شما هستید و رود خروشان خون شهیدان در پرتو مهر تابان مقاومت و آزادی ایران، ضامن پیروزی نهایی و محتوم شما و خلق شماست.

حالا خلاصه می‌کنم:

۱- کد مشترک «معجزه‌آسا» در محاورات درونی مجاهدین، حاکی از یک رخداد بزرگ خارق‌العاده است که زمینه‌های آن را قبلاً خودشان فراهم کرده بودند و حق تعالی هم مدد و نصرت کرد.

۲- درود و آفرین انقلابی بر یکایک شما و هر آنچه در این ۴سال در مورد سنگرها به‌خصوص حفر سنگرهای روی زمین انجام دادید. شما علاوه بر سنگرهای ۲متری روی زمین، با هزاران و هزاران ساعت کار،

سنگرها را که دائماً به‌خاطر باد و باران و طوفان خاک خراب می‌شد، به‌روز و آماده استفاده نگه‌داشتید. یعنی که خون ذخیره کردید و ثمرهٔ این ساعات کار را خدا برایمان جبران کرد.

۳- من بلادرنگ باز هم روی فرمول طلایی (که یک نامگذاری درونی است) تأکید می‌کنم که بایستی بیشتر و بیشتر به‌روش جاری و به‌عادت و انعکاس مشروط تبدیل شود.

فرمول طلایی یعنی حداکثر بین ۵تا ۱۰ثانیه خودمان را در هر شرایطی که هستیم به‌سنگر یا جان‌پناه برسانیم. در همه شرایط، چه خواب و چه بیداری، چه در کار انفرادی و چه در کار جمعی، در نشست یا کمیته‌های انقلاب یا کلوپهای بحث و گفتگو در پنجشنبه شبها... باید سنگرهای حفر شده در زمین در فاصله ۱۰متری در دسترس ما باشد.

۴- ضوابط آمادگی و آماده‌باش از شروع تاریکی تا طلوع آفتاب را با خطوط قرمزی که اتاق عملیات لیبرتی و فرماندهی آن بسته به‌اطلاعات و اخبار و شرایط روز و آنچه در اطراف ما می‌گذرد، معین می‌کند، دقیقاً مراعات کنید. به‌عنوان مثال در زمان انفجار وقتی که ناگزیر باید به‌میان سنگر آب گرفته پرید، سر باید چند ثانیه زیر آب باشد و تحمل کنیم. بهزاد (میرشاهی) سرش از آب بیرون بود و در اثر موج انفجار و خونریزی مغزی به‌شهادت رسید، سلام الله علیه.

مجاهدین خلق ایران
مجاهد شهید بهزاد میرشاهی

در حالیکه مجید (محدثین) که در کنار بهزاد شهید بود، هر چند آسیب دید و مجروح شد، اما به‌خاطر این‌که سرش چند لحظه زیر آب بود، خوشبختانه زنده ماند. این در حالی بود که موشک در چند متری سنگر روباهی آنها فرود آمده بود. از این موارد و نمونه‌های مجروح یا مصدوم در میان برادران و خواهرانمان زیاد است.

همه شما به‌خوبی می‌دانید که حتیٍ در چند متری انفجار هم، اگر در ارتفاع پایین‌تر قرار بگیریم، نتیجه کیفاً متفاوت است. همه شما می‌دانید که این نمونه‌ها یکی و دو تا و سه تا نیست، بلکه یک قلم ۸۰ مجروح و صدها مصدوم داریم که سی و چند نفر از آنها یک یا دو پرده گوششان پاره شده است. اللهم فاشهدا!...

۵- آنچه در میهن اشغال شدهٔ ما، در اشرف و لیبرتی و در هر کجای دیگر جهان که مقاومت ایران حاضر و ناظر است، در اشکال گوناگون، نبرد ارتش بزرگ آزادی برای سرنگونی استبداد منحوس دینی در جریان است. اگر کسی خود را عمداً نابینا نکرده باشد، سؤال این است که اگر بحث سرنگونی در میان نیست، به‌راستی این رژیم، با مجاهدین زندانی در لیبرتی چه کار دارد؟ مگر تو نمی‌گویی مرز تو ساحل مدیترانه است؟ مگر نمی‌گویی قَدر قدرت و ابرقدرت این منطقه از جهان هستی؟ مگر توافق اتمی هم برای تعامل با آمریکا+ ۵ نبسته‌ای؟! مگر در عراق، مالکی و کتائب و عصائب و ۹بدر و هادی عامری و فالح فیاض نداری؟ بگو ببینیم این مجاهدین محبوس در لیبرتی چه تهدیدی هستند؟ مگر چه می‌کنند؟ مگر سلاح دارند؟ مگر حتی بیل و کلنگ به‌تعداد لازم و کافی دارند؟

این همه کشتار و محاصره و فشار و اعزام گروههای مزدور تحت عنوان خانوادهٔ ما از اقصی نقاط ایران برای چیست؟ ممنوعیت وارد کردن یک گیاه یا تخم گیاهان به‌خاطر چه بود؟ هر چند مجاهدین آنچه را که باید مخفیانه وارد کردند و از سنگستان گلستان ساختند. مجاهدینی که در پاییز و زمستان سال۱۳۵۰در اوین بودند به‌یاد می‌آورند که در بحبوحه

شکنجه‌های ساواک در همان زمان هم در سلول عمومی امکاناتی داشتیم که ساواک هیچ‌گاه خبردار نشد.

از آنچه گفتم، می‌خواهم نتیجه بگیرم که مرحله سرنگونی و نبرد و کارزار برای سرنگونی هر چقدر هم که به‌درازا بکشد، برای خلق در زنجیر ما خیلی جدی است.

پاسدار شمخانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم ورد زبانش شده که اگر در سوریه نجنگیم و خط نبندیم، آن وقت در تهران باید همین تلفات را که در سوریه می‌دهیم، بدهیم. رژیم دیگر اصلاً پنهان نمی‌کند که اگر بحران را صادر نکند، خودش را داغان می‌کند؛ تازه رفسنجانی گفته بود که اینها نوک کوه یخ است.

واقعیت چیست؟ شاخ ولی‌فقیه در قیام۸۸ شکسته، جام زهر اتمی به‌گلویش ریخته، قافیه را در منطقه به‌لحاظ سیاسی باخته، به‌لحاظ نظامی در سوریه به‌دامن روس آویخته و در داخل ایران بر شمار اعدامها افزوده... ۴وزیر آخوند روحانی، می‌گویند و می‌نویسند که از زمان برجام در دی‌ماه۱۳۹۲ تا امروز قیمت بازار و شاخص بورس ۴۲درصد یعنی بیش از ۱۸۰تریلیون تومان کم شده است.

به‌راستی اگر دوران سرنگونی نبود، نیازی به‌این چنین حملات موشکی نبود؛ همان قیامی که در سال۸۸ به‌آن خیانت شد حالا مثل آتش زیر خاکستر از هر منفذی در اشکال و انواع اعتراضها در هر زمان و هر مکان، سو سو می‌زند و هر دو جناح رژیم با تمام قوا می‌خواهند آن را خاموش کنند. چرا؟ چون آزموده‌اند که از جرقه حریق برمی‌خیزد.

از طرف دیگر گزارشهای داخل ایران حاکی از این است که به‌رغم تمام دعاوی و تبلیغات دشمن و طیف رنگارنگ مزدوران و همریشان و متحدانش علیه شورای ملی مقاومت و مجاهدین، از قضا دامنهٔ تأثیرات و نفوذ جایگزین دموکراتیک به‌ویژه رئیس‌جمهور برگزیده آن برای دوران انتقال حاکمیت به‌مردم ایران گسترش پیدا می‌کند.

۶- این حقیقت را از روی یکدست بودن فضای سیاسی ملی و بین‌المللی در حمله موشکی اخیر به‌وضوح می‌توان فهمید؛ به‌استثنای مزدوران خلّص رژیم، چه ایرانی و چه خارجی یکدست و بدون شکاف در طرف لیبرتی و مجاهدین قرار گرفتند.

از وزیر خارجه آمریکا تا رؤسای کنگره و سنا و دولتهای آلمان و انگلیس و اسقفهای انگلیس و حقوقدانان عراقی و شهرداران فرانسوی و الوطنیه و المتحدون و سازمانهای کردی که هر کدام دهها تشکل دیگر را پوشش می‌دهند. از عشایر عراقی تا نمایندگان فرانسوی و از سازمان بهداشت جهانی و موج عظیم موضعگیریها در ۵قاره جهان. جان کری می‌گوید:

یک حمله‌یی شده که هیچ دلیل و معنا و محرکی نداشته است. فکر می‌کنم بازندهٔ استراتژیکی بایستی رژیم باشد و تحولات آینده این امر را روشن می‌کند. ابلاغیه صریح رژیم به‌سفیرش و نیروی قدس این است که اگر مجاهدین را راحت بگذارید آنها نظام را راحت نخواهند گذاشت!

ترس را می‌بینید؟ به‌کوتاهترین صورت، علت ترس عبارت است از تلفیق عنصر اجتماعی و قیام با توجه به‌شکاف بالایی رژیم و ترکیب اینها با مقاومت سازمان‌یافته یعنی دستگاه هدایت‌کننده و عنصر پیشتازِ ذیصلاح...

وقتی دندان اتمی رژیم را کشیده‌ایم، واضح است که هر چقدر هم که جنجال و به‌قول خودش غوغاسالاری بکند، در تعادل و در تمامیت قطعاً ضعیفتر شده است. داعیهٔ آخوند روحانی در مورد رشد و توسعه اقتصادی حرف مفت است. حتی اقتصاد دورهٔ پایانی شاه را که خمینی می‌گفت همه جای ایران را قبرستان کرده به‌خواب شب هم نمی‌بینند.

در چنین تعادلی است که رژیم درماندهٔ ولایت، شما و جنبش مقاومت را خطرناکتر می‌بیند و به‌چنین حملاتی دست می‌زند شاید که متلاشی و منهدم و نابود کند اما تا امروز کور خوانده و بور بر جای مانده است.

خواسته‌های مبرم ما که ۲روز بعد از حمله موشکی در ۱۰آبان (اول نوامبر۲۰۱۵) متن آن به‌زبانهای مختلف به‌همه جا فرستاده شده و ارگانهای ذیربط بین‌المللی دریافت کرده‌اند، خیلی ساده و روشن است. هر کدام را که انجام ندهند نشانه غرض و مرض است. نشانه کوتاه‌آمدن یا پوئن دادن به‌رژیم است. مگر ما چه خواسته‌ایم؟

اول- تعدادی ماشین‌آلات خودمان در اشرف مانند جراثقال، لودر و بولدوزر برای پاکسازی قسمتهای آسیب دیده در قرارگاه و انتقال بنگالها و انبوه اقلام منهدم شده و جابه‌جایی سنگرهای فرو ریخته.

دوم- هزار تیوال از تیوال‌های متعلق به‌لیبرتی که ۳سال و نیم است با سنگرها بیرون برده‌اند و برخی از همین سنگرها را با قیمت چندین و چند برابر دوباره به‌خودمان فروخته‌اند.

سوم- لااقل۵۰۰هزار کیسه شن (۲۵×۴۰سانتیمتر) برای پوشاندن بنگالها و سالنها و سنگرها و محلهای غذاخوری و استراحت.

چهارم- آوردن ۳۷۰عدد بنگالهای خودمان از اشرف مابه‌ازای همین تعداد بنگال که منهدم شده است و مابه‌ازای ژنراتورها و ترانسهای برق و منابع آب و سوخت و خودروهای منهدم شده که دهها و صدها برابر آنرا در اشرف داریم و هیچ هزینه‌یی برای حکومت عراق ندارد و هزینه حمل‌ونقل هم توسط خودمان پرداخت می‌شود.

پنجم- ممانعت نکردن از خرید و وارد کردن قطعات مورد نیاز برای بازسازی شبکه برق رسانی و آبرسانی در داخل قرارگاه و کامپیوترهای از بین رفته در حمله موشکی.

ششم-تیم پزشکی تخصصی گوش و حلق و بینی برای مداوای ضایعات شنوایی، آسیب دیدن گوشها و پارگی پرده گوش.

Urgent Requirements for Camp Liberty following missile attack

November 1, 2015

1. Two cranes, four front-end loaders, two bulldozers, four dump trucks and flatbed for cleansing areas, relocation of destroyed trailers and piles of items, and relocation of ruined bunkers -- to work in the camp till the end of cleansing.

2. 1,000 T-walls for dining halls, gathering places, power-generators and tanks with no T-walls around them.

3. 500,000 sandbags (40 ^{cm} X25 ^{cm}) for covering trailers, dining halls, bunkers and dining and sleeping places.

4. Bringing from Ashraf 370 trailers purchased by the residents, three 1-megawatt power generators, two electrical transformers, 30 water, fuel and black-water tanks, and 20 vehicles to compensate for destroyed and out-of-order items in Liberty.

5. Importing parts for overhauling repairable vehicles, parts for worn-out generators, necessities for reconstruction of usable trailers, necessities for rebuilding power distribution network inside the camp, necessities for reconstruction of water supplying network, and importing 300 personal computers and their accessories to compensate for the computers destroyed in the rocket attack.

6. Stationing an ENT specialist medical team in the Camp's clinic with necessary equipment and facilities to treat those who came down with hearing tolls, ear injuries and shattered eardrums due to the missile attack.

اول نوامبر۲۰۱

آقای یان کوبیس، نماینده ویژه دبیرکل در عراق

نماینده ویژه دبیرکل

روز گذشته سفیر باستین، معاون نماینده ویژه دبیرکل در محل کمیساریا حاضر شد و هیاتی از ساکنان با او و هیات همراهش ملاقات کردیم. ایشان حامل تسلیت‌ها و سمپاتی یونامی و شما از بابت حمله مرگبار ۲۹ اکتبر به ساکنان لیبرتی وخانواده شهدا بود. من ضمن تشکر از شما مایلم در ارتباط با پاره ای نکات که روز گذشته درگفتگوهای ما مطرح شد نکاتی را به اطلاع شما برسانم:

۱-حمله ۲۹ اکتبر چه از نظر خسارات انسانی و چه از نظر انهدام قسمت های زیادی از کمپ، تاکنون شدید ترین حمله علیه لیبرتی بوده است. آقای باستین در ملاقات روز گذشته گفت سازمان ملل نمی تواند تضمین کند که این حملات تکرار نشوند. هم چنان که به آقای باستین گفتیم، حقیقت اینست که سکوت و بی عملی سازمان ملل در قبال اقدامات سرکوبگرانه و جنایتکارانه علیه لیبرتی در گذشته برای رژیم ایران و عواملش در دولت عراق چراغ سبزی بحساب می‌آید که حملات خود را علیه لیبرتی تشدید کنند. آنها اطمینان دارند در قبال این حملات بهایی نخواهند پرداخت. اگر سازمان ملل در چهار سال گذشته با بی طرفی و قاطعیت نقض های مستمر ام او یو را به شورای امنیت گزارش کرده و دولت عراق را بخاطر آنها مورد مواخذه قرار میداد، مطمئناً بسیاری از این حملات قابل اجتناب بود و یا ابعاد خسارات و تلفات آن بسیار محدودتر بود.

۲-در ماه سپتامبر رژیم ایران با همکاری فالح فیاض و دیگر عوامل رژیم در عراق، با انتقال مزدوران وزارت اطلاعات و نیروی قدس به لیبرتی برای حمله ۲۹ اکتبر زمینه سازی کرد. ما بارها در این باره هشدار دادیم. اما متاسفانه یونامی و کمیساریا نه تنها اقدام بازدارنده‌ای نکردند بلکه با

دیدار با این مزدوران عملا به اقدام غیرقانونی آنها مشروعیت دادند. یونامی و کمیساریا حتی حاضر نشدند اکاذیبی که این مامورین به نقل از یونامی و کمیساریا علیه ساکنان منتشر کردند تکذیب کنند، چیزی که بطور مضاعف به مزدوران رژیم اطمینان خاطر داد.

۳-من در ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۵ برای شما نوشتم: حضور این افراد در لیبرتی " زمینه ساز یک کشتار دیگردر لیبرتی" است و آقای محدثین در۱۰ سپتامبر برای شما نوشت « برای اینکه رژیم ایران از نام یونامی و ملل متحد برای براه انداختن یک کشتار جدید سوء استفاده نکند، یونامی در مقابل این اقدام غیر قانونی که نقض آشکار یاداشت تفاهم امضا شده بین ملل متحد و دولت عراق است موضع بگیرد.»

۴-ما امروز به سفیر باستین در باره استفاده از عباراتی نظیر "ساکنان لیبرتی دشمنان زیادی در عراق دارند" و یا اینکه "دولت عراق کنترلی روی کشور ندارد" گفتیم اینها صرفا باعث در بردن مسئولان جنایت علیه بشریت ۲۹ اکتبر می شود. مردم عراق هیچ مشکلی با مجاهدین خلق نداشته و ندارند و سالیان درازی است رابطه دوستانه‌ای با مجاهدین دارند. کشتار مجاهدین از زمانی شروع شد که حفاظت اشرف به دولت مالکی سپرده شد. نیروهای ملی و دمکراتیک در عراق بارها تاکید کرده اند هیچکس در عراق جز عوامل رژیم ایران خواستار اخراج مجاهدین نیستند. ۱۵ماه بعد از برکناری مالکی پرونده لیبرتی و مدیریت آن در دست همان افراد وابسته به رژیم ایران است که منصوب مالکی هستند. یونامی هم به رغم درخواست های مکرر ما هیچ اقدامی در این زمینه به عمل نیاورده است.

عدم کنترل کشور توسط دولت عراق تا حدی که ۸۰ موشک به یکی از حفاظت شده ترین مناطق شلیک شود، برای هیچ کس قابل قبول نیست. چنین موشک بارانی بدون استفاده از امکانات دولتی که توسط فالح فیاض و دیگر عوامل رژیم ایران در دولت عراق تامین می شود امکان پذیر نیست.

۵-تلاش برای ربط دادن امنیت ساکنان به باز اسکان، بدون در نظر گرفتن نیازهای مبرم امنیتی آنها بعد از ۴ موشک باران و کارشکنی دولت عراق در تامین این نیازها، هیچ کمکی به جلوگیری از تراژدی های بعدی نمی کند. آن هم در حالی که شما بخوبی می دانید، هیچ طرفی باندازه مجاهدین نه در پیدا کردن کشور پذیرنده و نه در تامین هزینه بازاسکان نقش نداشته است. در حالیکه به رغم قول های مکتوب و مکرر ملل متحد ساکنان اجازه نیافته اند حتی یک دلار از اموالشان را در اشرف بفروشند و سازمان ملل هم هیچ کمکی برای فروش اموال ساکنان نکرده است. اموالی که تنها منبع ما برای تامین هزینه لیبرتی و باز اسکان بوده است.

گزارشگر ویژه دبیرکل،

برای شما قابل فهم است که ساکنان پس از چهارمین حمله موشکی و کشته شدن ۲۳ تن از دوستانشان و ویران شدن خانه و زندگی شان تاچه اندازه از بی عملی ملل متحد خشمگین و ناراضی هستند.

با این و جود، پس از ملاقات با آقای باستین، ما به ساکنان اطمینان دادیم که یونامی و کمیساریا هم چنان که در بیانیه های خود شما، دبیرکل بانکی مون، کمیسرعالی گوترز ، وزیر کری، نماینده عالی اتحادیه اروپا خانم فدریکا موگرینی و ... آمده است تمام تلاش خود را برای تامین امنیت ساکنان و بازگرداندن وضع کمپ به حالت نرمال به عمل خواهند آورد. آقای باستین تاکید کرد از دولت عراق موکداً خواهد خواست تسهیلات و امکانات لازم برای تامین امنیت و نرمالیزه کردن کمپ و ترمیم و جایگزینی زیر ساخت ها و تاسیسات تخریب شده یا منهدم شده به عمل خواهد آورد تا نرمالیزه کردن اوضاع در اسرع وقت شروع شود. آقای باستین از ما خواست لیست نیازهای مبرم را در اختیار یونامی قرار دهیم. به ضمیمه لیست "نیازمندی های فوری کمپ لیبرتی بعد از حملهٔ موشکی" را ملاحظه می کنید.

کمترین انتظار اینست که دولت عراق بر اساس ام او یو مانع تامین

این لیست حداقل نشود. متاسفانه روز گذشته نیز دولت عراق از ورود نایلون برای آببندی سقف های سوراخ شده در اثر حمله و هم چنین سیم برق برای راه اندازی روشنایی قسمت هایی که برقشان قطع شده است جلوگیری کرد. دولت امروز از طریق ممانعت از ورود غذا به کمپ سرکوب خود را افزایش داد.

کما اینکه امیدوارم همانطور که در بیانیه وزیر کری بر تامین «همه مساعدت پزشکی و اورژانس به قربانیان توسط دولت عراق» تاکید شده و کمیسر عالی گوترز تصریح کرده است «هر تلاشی برای مجروحین باید ادامه یابد» دولت عراق در تامین خدمات پزشکی (ماده ۶ لیست) هیچ کارشکنی نکند.

امیدوارم دولت عراق این پیام قاطع را دریافت کند که اگر در اجرای این حداقل ها تاخیر و تعلّل کند، شما خواستار مداخله شورای امنیت در مورد نقض یاداشت تفاهم و نقض بسیاری دیگر از کنوانسیون های بین المللی از سوی دولت عراق خواهید شد.

مهدی براعی، نماینده ساکنان

رونوشت:

آمباسادور باستین

محمد محدثین

Representative of Ashraf Residents
MEHDI BARAEI
People's Mojahedin Organization of Iran
baraei.mehdi@pmoi-ir.org
Phone: 780-083-3781

November 1, 2015

Hon. Ján Kubiš
Special Representative of the Secretary-General for Iraq

Dear SRSG:

Ambassador Busztin, DSDRSG, yesterday arrived in the UNHCR headquarters where we met him and the delegation accompanying him. He conveyed condolences and sympathy of UNAMI and yours to the Liberty residents and the families of martyrs for the deadly attack of October 29. While offering my gratitude to you, I would like to bring to your attention some point regarding a number of issues raised in our yesterday's talks:

1. Concerning both the human toll and destruction of many parts of the camp, the October 29 attack has been the fiercest one against Camp Liberty so far. Mr. Busztin said in our yesterday meeting that the UN cannot guarantee such attacks would not happen again. As we told Mr. Busztin, the truth is that the UN's silence and inaction in the face of suppressive and criminal measures against Liberty in the past is seen by the Iranian regime and its surrogates in the Iraqi government as a green light to intensify their attacks against Liberty. They are confident that they would not pay any price for these attacks. Had the UN reported the repeated violations of MOU to the Security Council in the past four years in an impartial and firm manner and held the GOI accountable for them, rest assured that many of these attacks could have been avoided or would have losses and tolls with a much more limited scale.

2. In September the Iranian regime, in cooperation with Faleh Fayyad and the regime's other proxies in the GOI, set the ground for the October 29 attack by shuttling the agents of the Iranian regime's ministry of intelligence (MOIS) and Quds Force to Liberty. We had warned against it time and again; sadly, however, not only did the UNAMI and UNHCR not take any deterring measure, but gave legitimacy to their illegal measures in practice by meeting with them. UNAMI and UNHCR even refused to refute the lies published by those agents quoting UNAMI and UNHCR against the residents; an issue that doubly gave confidence to the regime's agents.

3. On 23 September 2015, I wrote you that the presence of these people at Liberty prepares the ground for another massacre in Liberty, and Mr. Mohaddessin wrote you on September 10, " ... UNAMI takes a stance against this illegal measure that is a flagrant violation of the Memorandum of Understanding (MoU) signed between the United Nations and Government of Iraq on 25 December 2011 so as not to allow the Iranian regime abuse UNAMI and UN to instigate another massacre".

4. We told Ambassador Busztin yesterday that using phrases such as " Liberty residents have many enemies in Iraq," or " the GOI has no control on the Country" would only help those responsible for the crime against humanity of October 29 escape. The people of Iraq have not had and do not have any problem with the PMOI and have had an amicable relationship with them for many years. Killing of the PMOI started after the protection of Camp Ashraf was delivered to Nouri al-Maliki's government. Nationalist and democratic forces in Iraq have underscored repeatedly that no one other than Iranian regime's surrogates want the PMOI expelled from Iraq. Fifteen months after Maliki's deposition, the Liberty's dossier and its

management is still in the hands of the same individuals associated with the Iranian regime who were assigned by Maliki. Despite our repeated requests, UNAMI has neither taken any measures in this regard.

It is unacceptable to any one that the GOI has no control on the Country in a way that 80 missiles are launched against one of the most protected areas. Conducting such a missile barrage without using state facilities, which are provided by Faleh Fayyad and Iranian regime's other proxies in the GOI, is not possible.

5. The attempts for relating the residents' security to the issue of resettlement without taking into consideration of their urgent security necessities after four missile barrages and the GOI's hindrances in providing these necessities does not help at all to prevent further tragedies, especially when you well know that no other party has played a role in exploring acceptant countries or providing for the resettlement expenses similar to the PMOI, whereas, despite UN's repeated and written pledges the residents have not been allowed to sell even one dollar of their property in Ashraf; neither has the UN helped to sell the residents' property that is our sole source for providing for the Liberty and resettlement expenses.

Dear SRSG,

It is understandable to you that how the residents are frustrated and disappointed from the UN's inaction after the fourth rocket attack and killing of 23 of their friends and destruction of their dwelling-places.

Nevertheless, after our meeting with Mr. Busztin, we assured the residents that as stated in your statements and those of UNSG Ban Ki-moon, High Commissioner Guterres, Secretary Kerry, UN High Representative for Foreign Affairs Federica Mogherini, and ...., UNAMI and UNHCR will make their utmost effort to provide protection for the residents and to bring back the Camp to a normal condition. Mr. Busztin reiterated that he would insistently ask the GOI to provide necessary facilities for providing protection and normalizing the Camp and repair and replacement of destroyed and damaged infrastructures and installations, so that normalization of the situation would start as soon as possible. Mr. Busztin asked us to provide UNAMI with the list of urgent requirements. Please find enclosed "Urgent requirements for Camp Liberty following missile attack".

The least expectation is that the GOI – according to the MOU -- does not obstruct provision of this list. Unfortunately yesterday, the GOI again prevented the entry of plastic rolls needed for isolating the perforated roofs and electric wires needed for lighting for the quarters whose electricity is cut off due to the attack. It stepped up its repression further today by preventing food coming to the camp. I also hope that as underscored in the Secretary Kerry's statement for providing "all possible medical and emergency assistance to the victims" by the GOI, and as the High Commissioner Guterres has specified, "Every effort must continue to be made for the injured", the GOI does not make any obstruction in providing medical services (article 6 of the list).

I hope the GOI receives this firm message that if it delays in implementing these minimum requirements, you will ask for the intervention of the Security Council about the violation of MOU and many other international conventions by the GOI.

Respectfully,

Mehdi Baraei
Representative of Ashraf and Liberty residents

Cc:
- Ambassador Busztin, DSRSG
- Mr. Mohammad Mohaddessin

الزامات سلامت و امنیت مجاهدین در لیبرتی

همواره الزامات قانونی سلامت و امنیت مجاهدین در لیبرتی راگفته، نوشته و روزانه در مراجع و ارگان‌های مختلف پیگیری کرده‌ایم و هم‌چنان آن را دوباره و صدباره و هزار باره، تا زمانی که مجاهدین در عراق هستند، ارائه می‌دهیم. در فردای حملهٔ موشکی در ۸آبان (۳۰اکتبر ۲۰۱۵) باز هم این کار را کردیم و نامه‌های رسمی در این زمینه، به‌همه جا برای فهرست طولانی گیرندگان ارسال شده و همه مراجع بین‌المللی مطلع هستند.

۱- تضمین سلامت و امنیت مجاهدین برای رفتن به‌مکان و کشور امن تا آخرین نفر که عراق را ترک می‌کند. این امر باید طبق توافقات ۱۶اوت ۲۰۱۲ با آمریکا، اطلاعیه ۲۹اوت ۲۰۱۲ وزارت خارجه آمریکا، طرح سازمان ملل در مورد تخلیه اشرف ۵سپتامبر ۲۰۱۳ و نامه معاون وزیر خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک به‌تاریخ ۶سپتامبر ۲۰۱۳ به‌رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت ایران صورت بگیرد که سندها و توافقات رسمی است.

همان توافقاتی که برای آمدن از اشرف به‌لیبرتی انجام شده که لغو برچسب ارتجاعی و استعماری در صدر آن بود.

۲- لغو کلیه تصمیمات سرکوبگرانه مالکی علیه مجاهدین در اشرف و لیبرتی و ارجاع پرونده و مدیریت لیبرتی به‌دفتر نخست‌وزیر حیدر العبادی

۳- خاتمه دادن به‌وضعیت زندان در لیبرتی و آزادی تردد طبق بیانیه‌های متعدد کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد و لغو کامل محاصره و تضمین استانداردها و الزامات زندگی نرمال

۴- به‌رسمیت شناختن لیبرتی بعنوان کمپ پناهندگی تحت نظارت کمیساریا و به‌رسمیت شناختن موقعیت حقوقی مجاهدین طبق کنوانسیون چهارم ژنو

۵- دسترسی آزاد به‌خرید کلیه اجناس و خدماتی که تهیهٔ آن برای شهروندان مجاز است طبق توافق برمر با نخست‌وزیر وقت ایاد علاوی و طبق نامهٔ ژنرال میلر به‌نمایندهٔ ساکنان در ۲۵ژوئن ۲۰۰۴ تا وقتی مجاهدین در عراق هستند.

۶- موافقت حکومت عراق با فروش دارایی‌های منقول و غیر منقول مجاهدین در اشرف و لیبرتی برای تأمین مخارج انتقال و استقرار در کشورهای اروپایی

۷- انجام تحقیقات توسط ملل متحد دربارهٔ ۷گروگان اشرفی و ۷قتل‌عام در اشرف و لیبرتی و قرار دادن دست‌اندرکاران این جنایتها در برابر عدالت؛ به‌ویژه دست‌اندرکاران قتل‌عام ۱۰شهریور ۱۳۹۲ در اشرف و حمله موشکی ۷آبان ۱۳۹۴ به‌لیبرتی.

Requirements for safety and security of Liberty residents
October 30, 2015

1. Guaranteeing the safety, security and requirements of the residents according to August 16, 2012 agreements (*support for safety and security of the residents until the last of the residents leaves Iraq),* statement by the US Department of State dated August 29, 2012 (efforts to resolve humanitarian issues in al-Hurriya), UN plan to evacuate Ashraf, dated September 5, 2013, and the letter by the US Assistant Secretary of State for Near East Affairs on September 6, 2013, including provision of security and protection requirements to the camp (Permission to construct buildings in Liberty and return of T-walls, protective helmets and vests as well as medical equipment).

2. Annulment of all oppressive decisions by the Maliki Government taken against the residents of Ashraf and Liberty, and the referral of Liberty's dossier and its management to the Office of Prime Minister, Dr. Heidar Abadi or Secretary General of the Council of Ministers in order to prevent interferences of the Iranian regime and its surrogates in the Government of Iraq in the dossier of Ashraf and Liberty.

3. Termination of the prison conditions in Liberty, and allowing freedom of movement according to numerous UNHCR statements and complete annulment of the siege on the Camp and guaranteeing the living standard and requirements according to articles 1,2,3 and 4 of the third section of the Memorandum of Understanding, signed by the UN and Government of Iraq on December 25, 2011.[1]

4. Recognition of Camp Liberty as a refugee camp under the supervision of UNHCR and recognition of residents' status as refugees and protected persons under the Fourth Geneva Convention.

5. Free access of the residents to purchase all goods and services that Iraqi citizens are allowed to procure in accordance with the agreement between Ambassador Bremer and Prime Minister Allawi, General Miller letter to the representative of the residents 25 June 2004.[2]

6. GoI's agreement to allow the residents to sell their moveable and immoveable property in Ashraf and Liberty, as well as permission to open a bank account to transferring the proceeds of the sale to them.

7. UN investigation of seven Ashraf hostages and seven massacres in Ashraf and Liberty, and bringing to justice the perpetrators of these crimes, especially those who ordered and carried out the September 1, 2013 massacre at Ashraf and rocket attack on October 29, 2015.

---

[1] "Third: Management of the Temporary Transit Locations
1. *The transit locations meet humanitarian and human rights standards.*
2. *The security of those accommodated at the transit locations and of United Nations personnel carrying out their duties at or near those locations, to be ensured through officers trained for this purpose with the assistance of the United Nations.*
3. *Accommodation infrastructure, hygiene facilities, medical care and facilities for religious observance while taking into consideration the separation between the sexes in Camp Liberty. The Government shall allow internal and external communication in accordance with the Iraqi laws.*
4. *The Government shall facilitate and allow the residents, at their own expense, to enter into bilateral contact with contractors for provision of life support and utilities such as water, food, communications, sanitation, and maintenance and rehabilitation equipment. The Government shall allow residents to move their individual movable assets from Camp New Iraq into Camp Liberty. The Government of the Republic of Iraq shall allow the entry of an adequate number of vehicles for transportation within the camp".*

[2] "Prime Minister Allawi of the Interim Iraqi Government (IIG) has given Ambassador Bremer, of the Coalition Provisional Authority, his assurances that the provision of essential services to the individuals living at Camp Ashraf will continue after sovereignty is transferred on 30 June, 2004. These services will be commensurate with the level of service at the quantities and prices as those received by Iraqi citizens living in Diyala' Province and will remain in effect until the final disposition of the individuals living at Camp Ashraf is determined. Prime Minister Allawi said that the IIG would agree to allow the MeK to purchase commodities and services including oil/fuel, electricity, commerce, agriculture, and health...".

اگر دولت ایالات متحده که سلاحهای ما را طبق توافقات مکتوب و رسمی مابه‌ازای حفاظت و امنیت و سلامت گرفته است می‌تواند این الزامات معقول و منطقی و قانونی را به‌حکومت عراق بقبولاند، این خیلی خوب است و ما استقبال می‌کنیم .

اما وقتی آمریکا و کمیساریا و یونامی می‌بینند که این خواسته‌ها معقول و منطقی و قانونی است اما عملی نیست، می‌گویند راه حل امنیت و سلامت و الزامات آن و راه حل محاصره و سرکوب و کشتار رفتن از «عراق نوین» است!

راستی مگر قرار نبود که شما برای عراق دموکراسی و آزادی و حقوق بشر بیاورید؟ چرا به‌دخالتها و جنایتهای رژیم ولایت‌فقیه که رسید، اینها یادتان رفت؟! بگذریم...

اما وقتی می‌گویند از عراق بروید ما هم بلادرنگ آنچه را از زمان گفتگو با ژنرال اودیرنو در اردیبهشت۱۳۸۲ در اشرف گفته‌ایم و بعد هم در زمان باتلر و کوبلر در ۱۴طرح و به۱۴روایت گفته‌ایم ، تکرار می‌کنیم و می‌گوییم بفرمایید، به‌جای سیستم قطره‌یی و بازی با جان کسانی که سلاحهای دفاع شخصی آنها را هم گرفتید، به‌جای گذاشتن آنها در دهان گرگ و سپردن حفاظت آنها به‌مالکی، هواپیما بیاورید تا همه را با هم، بدون استثنا سوار کند و ببرد...

US says Iran opposition in Iraq agrees to disarm

By Stephen Coates

NORTHEASTERN IRAQ, May 10 (AFP) - US forces struck a disarmament deal here Saturday with the Iraq-based Iranian armed opposition, a group listed as a terrorist organization in the United States, a US general told AFP.

The People's Mujahedeen's thousands of guerrilla fighters and heavy weapons are to assemble in camps in Iraq under the control of the US-led coalition, said General Ray Odierno ,commander of the US Army's 4th Infantry Division.

"It is not a surrender. It is an agreement to disarm and consolidate," Odierno said after winding up two days of talks with the group, which has been termed a terrorist organization by the US State Department, the European Union and Iran.

Speaking at a Mujahedeen base near the Iranian border ,the general said they appeared to be committed to democracy in Iran and their cooperation with the United States should prompt a review of their "terrorist" status.

»I would say that any organization that has given up their equipment to the coalition clearly is cooperating with us, and I believe that should lead to a review of whether they are still a terrorist organization or not," he said.

The Mujahedeen's 4,000 to 5,000 fighters -- many of whom were educated in the United States and Europe -- would gather at one camp in Iraq while their equipment, including scores of tanks ,would be collected at another, Odierno said.

Both camps would be guarded by coalition forces and the weapons would not be available to the Mujahedeen "unless we agree to allow them to have access", the general said.

The fighters, including a large number of women, would not be categorized as prisoners of war but they would be under "coalition control ".Their status would be decided by Washington at a later date.

They are likely to face brutal retribution if they are repatriated to Iran, while asylum in the United States could fuel charges of double standards in the US fight against terrorism.

The People's Mujahedeen was supported by Saddam Hussein's regime as a buffer against Iranian influence in Iraq, and could provide US forces with valuable information about the former Iraqi leadership and pro-Iranian militia groups in the region.

Asked what role they could play in the future of Iraq, Odierno said only that they shared similar goals to the United States in "forming democracy and fighting oppression" and that they had been "extremely cooperative."

Mujahedeen officials refused to comment publicly about the agreement, but one officer said the group had no quarrel with the United States and had not fired a shot at coalition forces during the war to topple Saddam's regime.

A "ceasefire" deal was agreed last month after the United States bombed some of the Mujahedeen's camps in Iraq.

US and Mujahedeen troops have mingled cordially during the discussions here over the past two days, although the US military was taking no chances with regular overflights by F-15 bombers and Apache attack helicopters.

Washington's dialogue with the Mujahedeen has infuriated Iran, which has accused the United States of hypocrisy in its "war on terror".

Also known by its Persian name Mujahedeen-e Khalq, the group has mounted major attacks inside Iran and has been fighting to overthrow the clerical regime in Tehran since shortly after it seized power.

Washington and Tehran do not have formal diplomatic relations, and US President George W. Bush labelled Iran as part of an "axis of evil" last year along with Saddam's Iraq and communist North Korea.

US officers are concerned that if the group is rendered powerless, rival guerrillas from the Badr Brigade ,the Iran-based military wing of the main Iraqi Shiite faction, will gain influence in the region.

Smc /kir / wai

AFP 101558 GMT MAY 03

بله ما می‌گوییم که:

اولاً، شما باید آنها را به‌خاک آمریکا می‌بردید که دولتش مسئول ایجاد چنین وضعیتی برای ماست. البته بدون بی‌شرافتی و بدون ننگ تسلیم و دست کشیدن از آرمان و سازمانشان، یعنی همان چیزی که در سال۶۷ خمینی می‌خواست و حکم داد هر کس را که بر سر موضع مجاهدی خود باشد، سریعاً اعدام کنید.

ثانیاً، دعوای ما بر سر آمریکا رفتن نیست. چون اصل موضوع همانا امنیت و سلامت و حفاظت مجاهدین تا نفر آخر است.

ثالثاً، می‌گوییم و تکرار می‌کنیم چرا معطل هستید؟ ما پای همان حرفهایی که به‌اودیرنو زده‌ایم هستیم. راستی چه کسی نقض عهد می‌کند؟

پس این مواضع و حرفهای ما تازگی ندارد. شرح و بحث نمی‌خواهد و تکرار نمی‌کنم. همین مواضع بسیار روشن و منطقی و قانونی است که طرف مقابل را در زاویه و بن‌بست قرار می‌دهد و باید بجنبد و کاری بکند.

یادتان هست که در اشرف هم که بودیم قبل از آمدن به‌لیبرتی، در نشست عمومی، با استغفار و فقط برای تفهیم و تفاهم، این مثال را می‌زدیم که حتی در مورد امام حسین، اگر راه را شمر و یزید بر او نمی‌بستند و بر او باز می‌کردند معلوم بود که می‌رفت. اما در هر حال امام حسین، همان امام حسین و پیامبر جاودان آزادی بود.

حرف امام حسین هم که ما از او یاد گرفته‌ایم، در آن روزگار این بود که شما راه را بسته‌اید. من را سران و اهالی کوفه دعوت کردند، حالا اگر نمی‌خواهید، راه را خودتان بسته‌اید و نه من، راه مرا باز کنید...

البته امام حسین می‌دانست که شمر و یزید که در زمان ما همین مالکی و خامنه‌ای باشند، هرگز راه را بر او باز نخواهند کرد؛ زیرا سر خودش و هم‌چنین پیکر بی‌سر تمام یارانش را می‌خواهند. اما در جنگ سیاسی، موضع بدون شکاف سیاسی و قانونی داشت. در حالی‌که هم خودش می‌دانست و هم دشمنش که دعوا بر سر آب و راه نیست. دعوا بر سر سرنگونی حکومت یزیدی است که امام حسین با آن بیعت نمی‌کرد. پس دعوا بر سر بیعت و تسلیم از یک طرف و سرنگونی از طرف دیگر است همان که می‌گوییم نبرد و کارزار سرنگونی...

در غیر این صورت چه نیازی به‌شلیک ۸۰موشک به‌مکانی که ۸۰بار از اشرف کوچکتر است؟

پس دیدید که تا کجا درست بود وقتی که می‌گفتیم دعوا بر سر خاک و درختان اشرف نیست؟ دعوا بر سر ظرف نیست، دعوا بر سر مظروف و محتواست. یعنی عنصر تسلیم‌ناپذیر مجاهد خلق و ارتقای آن به‌یکان فدایی و سازمان رزم متناسب...

دعوا بر سر حاکمیت نامشروع ولایت فقیه و سرنگونی آن است. می‌بینید که از هر طرف که می‌رویم به‌کارزار سرنگونی ربط پیدا می‌کند. اما رژیم درحالی‌که می‌خواهد همین را خنثی کند، درعین‌حال می‌خواهد روی آن سرپوش هم بگذارد و بگوید که این گروهک پشه هم نیست! خوب اگر تو حبشه و ابرهه هستی، به‌پشهٔ دربند در غرب بغداد چه کار داری؟! نکند که در تقدیرِ «طیراً ابابیل» دیده‌ای که خواب از سرت ربوده است؟!

ضمناً از سال۵۷ تا امروز صدها و هزاران بار گفتی که این «گروهک» از بین رفته است. البته شاه هم همین را می‌گفت. اما دست آخر او بود که سرنگون شد و مجاهدین از خاکستر خود برخاستند.

نتیجه :

ما عمیقاً و سراپا درگیر نبرد سرنگونی بوده و هستیم؛ رژیم سرتاپایش بحران و ترس و لرز است که ما به‌قول رفسنجانی فقط نوک کوه یخ را می‌بینیم.

در این منطقه از جهان از سوریه تا یمن و عراق و ایران، همه جا بحران و تحول و تلاطم است. از آن‌سو، امروز درست یکسال به‌انتخابات آمریکا مانده که در آن رقبا همدیگر را له و لورده می‌کنند.

به‌نظر من آن‌چه که در این شرایط مهم و تعیین‌کننده است، حفظ و حراست سازمان پیشتاز است؛ حفظ و حراست جایگزین دموکراتیک است که این هر دو در مریم گره می‌خورد.

بیرون کشیدن خیر عظیم از میان تلاطم ها و بحران ها

ای خواهران و ای برادران! از آنجا که حرفهای سیاسی ما با آمریکا و غیر آمریکا مشخص است و من دوباره از گفتگوهای ۱۲سال و نیم پیش با

اودیرنو تا مثال امام حسین را یادآوری کردم، این را بدانید که همه چیز در تلاطم است. در همین تلاطم و بحرانهاست که ما پیش می‌رویم و دشمن به‌سمت سرنگونی می‌رود. این قانون است. جزئیات و تاکتیکها را نمی‌دانیم و فعلا نمی‌توانیم بدانیم؛ اما مواضع و حرفها و درخواستهایمان روشن است و می‌دانیم که طرف مقابل هم به‌کدام سمت میرود.

یادتان هست در تابستان ۹۱، در اشرف بحران بود و تلاطم و ضمن دو ماه وزارت خارجه آمریکا ۱۰بار به‌طور رسمی علیه ما موضع گرفت تا کوتاه بیاییم و به‌کوبلر تن بدهیم. اما یاران اشرف‌نشان می‌خروشیدند «کوبلر خیانت‌پیشه، حسابرسی در پیشه»...

بعد مریم روزگار و نقشه مسیر آن را عوض کرد. برچسب تروریستی در هم‌شکسته شد. مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی ایران و شورای ملی مقاومت پیروز و سرفراز شدند. بعد هم نوبت به‌گل گرفتن پروندۀ کودتای ۱۷ژوئن رسید.

حالا روزگار عوض شده و جان کری وزیر خارجه آمریکا وارد شده و موضع او بعد از حملۀ موشکی تماماً به‌سود شماست. بیانیۀ کمیساریا هم که از گوترز نقل کرده به‌همین ترتیب است. بنابراین حقد و کین رژیم و مزدورانش بالا گرفته و به‌قول قرآن باید خودش را از یک سقفی آویزان کند و با سر به‌زمین بخورد!

مطمئن باشید که اوضاع از هر طرف که بچرخد، جواب آن را داریم. تحول بزرگی صورت گرفته و این تحول، خواه و ناخواه آثار خود را دارد و به‌خودمان بستگی دارد که چه مقدار از آن را می‌توانیم ماده کنیم ولی به‌هرحال برایمان روشن است که چه تابلوهایی وجود دارد. بگذارید صریحتر بگویم: رزمگاه لیبرتی در اوج، همچون اشرف، کار خود را کرده است و در هر تابلویی مسیر ما روشن است.

واضح است که باز هم تا روز آخر و نفس آخر، هر قیمتی را که لازم باشد در نبرد سرنگونی برای آزادی خلق و میهن خواهیم داد. از سال ۱۳۸۸ تابه‌حال، یعنی در این ۷سال، ۷حملۀ بزرگ علیه مجاهدین در اشرف و لیبرتی بوده است که ۴فقرۀ آن مربوط به‌لیبرتی است. پس رزمگاه لیبرتی مبالغه نبود، عین واقعیت بود...

محمدعلی زاهدی

حسین پویان

سوگند به‌خدا که مجاهدین به‌اتم وجه، کارشان را کردند. حق‌تعالی هم خیلی عنایت و رحمت کرد.

ما از زمان گروگانگیری برادرانمان زاهدی و پویان در مردا ۱۳۸۴ تا امروز، در سلسله کارزارهای وقفه‌ناپذیری که باز هم ادامه دارد، ضمن ۱۰سال و اندی، در مجموع ۱۴۰شهید داشتیم که مستقیماً مورد اصابت دشمن قرار گرفتند و ۹گروگان. هم‌چنین ۲۸شهید محاصره که در اثر بیماری جان باختند.

این آمار و ارقام که در مجموع ۱۷۷نفر می‌شود ـ یعنی حدود ۵درصد آمار اشرف در یک دهه پیش ـ در نبرد با رژیمی است که می‌خواست همه را نابود کند یا وادار به‌تسلیم و ندامت و برائت و انزجار از مبارزه و مجاهدت در برابر این رژیم بکند.

یادآوری می‌کنم که در یک دهه قبل از جنگ و اشغال عراق، یعنی از دی‌ماه ۱۳۷۱ تا پایان آذر ۱۳۸۱، در همین عراق که رژیم در آن حاکمیتی نداشت، ۱۳۹حملهٔ جنایتکارانهٔ تروریستی توسط رژیم علیه مجاهدین داشتیم. حملاتی که هر کدام اطلاعیه و شرح جداگانه خود را دارد و توسط مزدوران رژیم اعم از ۹بدر و هادی عامری و حکیم یا جاشهای کردی رژیم انجام شده که در همان زمان با جزئیات افشا می‌کردیم.

مجاهد

نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

MOJAHED No. 401 Tuesday, 11 August 1998 (34 / 98)

سه‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۳۷۷ - ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۴۱۹ شماره ۴۰۱

بهای معادل ۲ دلار

3.5 DM - 20 AST - 2 US$ - 3000 Lire - 1.5 Pounds - 60 BFr - 3 SFr - 15 SKr - 15 DKr - 3 C$ - 10 FFr - 15 NKr - 4 Fl

ویژه‌نامهٔ هفدهمین سالگرد تأسیس شورای ملی مقاومت ایران منتشر شد

مصدق، سی تیر و شورا

مقاله یی از برادر مجاهد مسعود رجوی

● تأسیس شورای ملی مقاومت ایران در سالروز قیام ۳۰ تیر، در یک کلام ـ تداوم و تکامل تاریخی راه مصدق است. این، یک تعهد واقعی است که بر آفاقاکوی به تمام معنا و در اکنون از همهٔ چهر راه آزادی و استقلال ایران نمایانده و پس از ۱۷ سال، به تهها در صحنهٔ عظ ـ بلکه در میدان عمل هم کاملاً قابل تشخیص و ارزیابی است. ـ ملاک این تشخیص همانا مقابله و مخاصمه (نه مفاهمه و مذاکره و مصالحه) در برابر دشمنان آزادی و استقلال ایران است.

درصفحه ۳

خبرگزاری آنسا: «مجاهدین خلق ایران برای رژه در تهران آماده می‌شوند»

● ده سال پیش، در چنین روزهای سیاه پاسداران ایران، با تهاجم خاطفگیرانه ۱۵ هزار زن و مرد رزمندهی مواجه شد که تا عمق ۱۷۰ کیلومتری یعنی تا حومهٔ شهر کرمانشاه، نفوذ کرده بودند.

● مجاهدین از مریم رجوی که به خاطر حملات قاطعش علیه رژیم آخوند‌های ایران «آژدهاک دنیای اسلام» لقب گرفته است انگیزه می گیرند.

درصفحه۱۳

ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور:

در تیرماه گذشته ۵۳ حرکت اعتراضی در سراسر کشور صورت گرفت

● تعداد حرکتهای اعتراضی از آغاز سال جاری تا پایان تیر به ۱۵۳ مورد رسید.

● یکی از ویژگیهای حرکتهای اعتراضی در تیرماه، اعتصاب زنجیروار سه پالایشگاه بزرگ در شهرهای اصفهان، کرمانشاه و تهران بوده است

درصفحه۳

برآتر نمسکداری رژیم آخوندی در یک کیلومتری دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد

یک دختر ۴ساله، یک پسر ۱۵ساله و یک مرد ۶۵ سالهٔ عراقی کشته و ۱۱ شهروند بیگناه دیگر به‌شدت مجروح شدند

شبکهٔ بین‌المللی سی.ان.ان به فاصلهٔ کوتاهی پس از انفجار خبرها و تصاویر جنایت فجیع تروریستی رژیم را به طور مستقیم از صحنه پخش کرد و در بخشهای خبری بعدی بیشتر از گزارشهای تکمیلی را ممکس می‌نمود

● برآتر انفجار بسیب ، حفره‌یی به قطر ۱۲۰ سانتی متر و عمق نزدیک به یک متر در خیابان ایجاد شد.

● به‌افزان ، ساختمانها و مغازه‌های اطراف خسارتهای زیادی وارد شد

● ۲تن از مجاهدین در اثنی گوفتن خودرو زخمی و به بیمارستان منتقل شدند

● برآتر مجاهد مسعود رجوی ضمن تسلیت به خانوادهٔ شهروندان بیگناهی که قربانی این جنایت فجیع تروریستی شده‌اند، این تهاجم کور و ضدانسانی را قویاً محکوم کرد و خواستار محکومیت آن توسط سازمانهای بشردوست بین‌المللی شد و افزود: رژیم در مرحلهٔ پایان تهها راه برون‌رفت از بحرانهای لاعلاج خود را مقابله و تروریسم، با تهها جنگی بین‌المللی که قربانی بدهد است.

● سی. ان. ان. انگلست، بدون شک به سوی مظنون همیشگی نشانه خواهد رفت. ایران

درصفحه۲

مجاهد

نشریه مجاهدین ★ خلق ایران

دوشنبه اول دی ۱۳۷۶

تهاجم موشکی رژیم آخوندی به دفتر مرکزی مجاهدین در بغداد شکست خورد

● مسئول شورا خواستار محکومیت این جنایت تروریستی و اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا علیه حکومت آخوندی ازسوی ملل متحد شد

● این اقدام در حالی صورت می‌گیرد که هنوز مرکب قطعنامه‌های کنفرانس اسلامی که قویاً تروریسم را محکوم کرده بودند، خشک نشده است

اقدام تروریستی روز جمعه را، که تنها یک هفته پس از اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران به‌وقوع پیوست، نشانهٔ آشکاری از اصطلاح‌بازیهای دیگاتوری ملایی و تروریستی حاکم بر ایران دانست و اعلام نمود: این عملیات ازهم در پاسخت یک کشور اسلامی نشان می‌دهد که حکام جنایتکار ایران به هیچ نحو، قانون و پرنسیپی پایبند نیستند. منوچهر مرکب قطعنامه‌های کنفرانس اسلامی که قویاً تروریسم را محکوم کرده بودند، خشک نشده است.

مسئول شورا در تلاسی به نخستین عمل تروریستی رژیم پس از انتخابات ریاست جمهوری خاتمی اشاره کرد و گفت: این عمل تروریستی در شرایطی صورت می‌گیرد که رژیم با بحرانهای عمیق و بی‌سابقه‌یی روبرو است و در داخل کشور با نارضایتی و خشم توده

«روز» سمبل نفی، اعتباطی و بی‌رحمی در جهت نیل به تمنای و ارتقای خدا گونه انسانی

انفجار در بغداد

پنجاه و سومین جنایت تروریستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراق

بازتاب حمله‌های تروریستی رژیم آخوندی در رسانه‌های خبری

اخبار اعتراضات و نارضایتی‌های اجتماعی

مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
شماره ۴۴۳
MOJAHED No. 443 Tuesday, 15 Jun1999 (25/99)
سه‌شنبه ۲۵ خرداد ۱۳۷۸ - ۳۰ صفر ۱۴۲۰
بها معادل ۲ دلار
3.5 DM - 20 AST - 2 US$ - 3000 Lire - 1.5 Pounds - 60 BFr - 3 SFr - 15 SKr - 15 DKr - 3 C$ - 10 FFr - 15 NKr - 4 Fl

تظاهرات ایرانیان در ۲۸ شهر جهان علیه جنایت تروریستی و حملهٔ موشکی رژیم آخوندی

در صفحهٔ ۶

اعلام ۱۰ روز تحصن و اعتراض در آلمان

در صفحهٔ آخر

بیانیهٔ اعضای جامعهٔ بین‌المللی آزادی بیان: خاتمی با سخنان اخیرش چهرهٔ واقعی خود را نشان داد

در صفحهٔ ۶

موج انتکاسات و محکومیتهای بین‌المللی در رسانه‌های خبری جهان

- تلفنی تاریخ، نمایندهٔ از ایالت نیویورک، در نامه‌ی خطاب به خانم مریم رجوی، رئیس جمهور، برگزیدهٔ مقاومت، شهادت «مجاهد خلق راستین» گفت و برای بهبود ۲۱ مجروح این عمل تروریستی دعا کرد.
- لیلیان رابهون، از اعضای کمیتهٔ مازمی نگهبان، «وزارت خارجه‌اش» خواست که این جنایت را محکوم کند.
- میمر ترافولت سکرتر وزارت خارجه آمریکا، در قبال این عمل وحشیانهٔ تروریستی را فقط «ولیخانه خواند.
- گری آکرمن دولت خامنی را مستولین این حملهٔ شناخت

جنایت زبونانهٔ تروریستی با استفاده از خودرو انفجاری در بغداد و پرتاب موشکهای اسکاد-ب به قرارگاه اشرف توسط رژیم آخوندی

در صفحات ۳ و ۴

مجاهد شهید اکبر امیرنژاد

مجاهد شهید یزدان آقازاده‌نائینی

مجاهد شهید فریبا موزمی

مجاهد شهید معصومه گرمزری

مجاهد شهید جواد قدرسی

مجاهد شهید عباس رئیسی

گودال ایجاد شده در اثر انفجار خودرو

اتوبوس شهری پس از سوءقصد تروریستی

اطلاعیهٔ شمارهٔ ۱

● حوالی ساعت ۸ بامداد چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۷۸/ یک اتوبوس شهری حامل مجاهدین در نزدیکی بیمارستان حمدانی شهاب در شمال شرق بغداد با انفجار یک ماشین مملو از مواد منفجره، که در کنار خیابان پارک شده بود هدف یک سوءقصد جنایتکارانهٔ تروریستی از سوی مزدوران وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران رژیم آخوندی قرار گرفت.

● این جنایت پلید تروریستی هفتاد و پنجمین حملهٔ مزدوران در تروریستهای صادراتی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراق از سال ۱۹۹۳ تاکنون می باشد که ۲۴ نفر را تنها در دورهٔ آخوند خاتمی صورت گرفته است. چندین رشته از این انفجارها و سوءقصدهای تروریستی توسط مزدوران سپاه ۸ بمب از تیرهای سپاه پاسداران رژیم آخوندی و مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق به عهده گرفته شده است.

● رهبر مقاومت با تأکید بر حق پاسخگویی و دفاع مشروع در برابر دیکتاتوری مذهبی و تروریستی حاکم بر ایران، از دبیرکل و شورای امنیت ملل متحد و مراجع و سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر خواستار محکوم کردن این جنایت وحشیانه و اتخاذ اقدامات عاجل در برابر تروریسم لجام گسیختهٔ حکومت آخوندی در خارج از مرزهای ایران گردید

اطلاعیهٔ شمارهٔ ۲

● یک اتوبوس دیگر، حامل ۶۰ شهروند عراقی که در زمان انفجار ماشین انفجاری رژیم آخوندی از محل می گذشت ملاقاتی گردید و شماری از سرنشینان آن مجروح شدند.

● مرج انفجار شیشه های خانه های شهروندان اطراف را تا شعاع ۲۰۰ متری درهم شکست

دولت عراق با ابراز انزجار از منفجر کردن یک خودروی انفجاری پارک‌شده در کنار جاده در نزدیکی بیمارستان، عمل تروریستی جنایتکارانه و رذیلانهٔ رژیم ایران را محکوم کرد

اطلاعیهٔ شمارهٔ ۳

● دولت عراق اعلام کرد تعدادی شهرو
در شمار قربانیان این عمل جنایتکارانه

● انفجار ماشین مملو از مواد منفجره با
انفجاری همراه بود که تا دقایقی در آس
باقی مانده بود

● از نظر فنی و روشی انجام کار، این جنا
کامیون انفجاری در غرب بغداد که
بی گناه عراقی را در اواخر اسفند ۷۷ ه
کاملاً مشابهت دارد

● سپاه و اطلاعات آخوندی برای ا
تروریستی که در سفارت رژیم در
می شود، مزدوران عراقی موسوم به «ا
امر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
می گیرند

● رادیو و تلویزیون و مطبوعات رسمی
خبرهای خود، مسئولیت انجام جنایت
شیرهٔ آخوندی خاص خود ترعرعها
نسبت دادن وقایعاتی که به «سلمانان
کیارنافتن «امیر سپاه اسلام» (صدامشو
«اخراج مجاهدین از خاک عراق» شدند

اطلاعیهٔ شمارهٔ ۴

● روزنامهٔ جمهوری اسلامی با اش
مقامات آمریکایی علیه مجاهدین نو
آنها علیه مجاهدین این چنین موجب تشویق
تروریسم وحشی و انجام گسیختهٔ دیکتاتوری مذهبی
و تروریستی حاکم بر ایران شده است، درباره
جنایت وقیحانهٔ تروریستی روز گذشته و اشتوه
قربانیان آن چه موضعی اتخاذ می کنند؟ بی گمان
مردم ایران در این باره به روشنی قضاوت خواهند
کرد

ایران. ازمایشی فراموش ناپذیر است که به دقت
مورد قضاوت ملت ایران قرار خواهد گرفت

● از آن جا که رژیم زبون آخوندی جرأت
برعهده گرفتن رسمی مسئولیت تهاجم موشکی و
جنایتهای تروریستی خود را پیدا نکرده و بزدلانه
می خواهد از آثار آن بگریزد، از دبیر کل ملل متحد
و شورای امنیت می خواهیم «پائی را برای بازدید
آثار جنایتها و به کار گرفتن تسلیحات ممنوعهٔ
کشتار جمعی به محل اعزام دارند

بوضعگیری و هشدار مجلس ملی عراق:

● مجلس ملی عراق به حاکمان ایران نسبت به عواقب تکرار تجاوزات رذیلانه هشدار داد و تجاوز موشکی را اقدامی برای تشدید خطرناک اوضاع خواند و از شورای امنیت ملل متحد خواست به موارد نقض قوانین بین الملل و قطعنامهٔ ۵۹۸ توسط رژیم ایران، پایان دهد

● مجلس ملی از اتحادیه عرب و بین المجالس عرب خواست ایران تجاوز را به عنوان تهدیدی علیه امنیت قومی عربی و اقدامی علیه وحدت و تمامیت ارضی و ثبات عراق محکوم کنند

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

نشریه مجاهدین خلق ایران

شماره ۲۱۱

سه‌شنبه ۲۸ مهر ۱۳۷۷ - ۲۹ جمادی‌الثانی ۱۴۱۹

MOJAHED No. 411 Tuesday, 20 October 1998 (43 / 98)

بهاء معادل ۲ دلار

3.5 DM - 20 AST - 2 US$ - 3000 Lire - 1.5 Pounds - 60 BFr - 3 SFr - 15 SKr - 15 DKr - 3 C$ - 10 FFr - 15 NKr - 4 Fl

طرح اضطراری لایحهٔ اصلاح قانون بودجه شامل پیش‌فروش نفت، استقراض از بانکهای داخلی و فروش اوراق قرضه تصویب شد

● به دولت اجازه داده شد تا ۶هزار میلیارد ریال از طریق اوراق قرضه، ۵۵۰۰میلیارد ریال از طریق پیش‌فروش نفت، ۲۴۰۰ میلیارد ریال از طریق فروش پیش‌فروش نفت، ۲۴۰۰ میلیارد ریال از طریق استقراض از نظام بانکی کشور، برای رفع کسر بودجه جمع آوری کند
در صفحه ۸

یک نمایندهٔ مجلس رژیم: استقراض دولت از بانک مرکزی تروریسم جهانگ به اقتصاد کشور لیست

در صفحه ۸

باهنر عضو هیات رئیسهٔ مجلس: امسال ۲۲درصد کسری بودجه داریم، در سال آینده قطعاً ۵۰درصد کسری بودجه مواجه خواهیم بود

در صفحه ۲

یک نمایندهٔ مجلس رژیم در جریان بحثی بر سر لایحهٔ بودجه در مجلس «گفتمان تمدنهای» خاتمی را به «محتمای هیچ‌ای هابدیارک لندن» تنبیه کرد

● عباس پدر، یکی از نمایندگان مجلس: این لایحه، اصلاح بودجه را آن قدر پیچانده که شب پیچک انحراف شده است
● پیش فروش نفت چیز، کاری نامعقولیت و در واقع ظلمه به مردم است
در صفحه ۲

گزارشگر نیویورک تایمز: یکی از بزرگترین اشکالات کار خاتمی این است که او مرد میدان اقتصاد و بازرگانی نیست

● عاملی نباید از پا بیفتد که آینده سیاسی در گرو حل مسأله اقتصادی است
● وزارت نفت قلع شده است
در صفحه ۹

پیام رادیو ـ تلویزیونی رئیس جمهور برگزیدهٔ مقاومت

مواضع فاشیستی و ارتجاعی آخوند خاتمی دربارهٔ انتخابات خبرگان و دفاع او از ولایت فقیه به‌عنوان «ارادهٔ برتر» با «اختیارات فراوان» و «مورد امضای خدا و منتسب به وحی»، اهانت به ملت ایران و آیین اسلام است

● مجلس خبرگان ارتجاع تکثرا مجلس قیمومت ملت ایران و ابزار غصب حاکمیت این ملت و هم چون دیگر ارگانها و مقامهای رژیم خمینی مورد نفرت و انزجار و تحریم مردم ایران است

● جامعهٔ مدنی» مورد نظر این آخوند شارلاتان آبمخه یی از فاشیسم و ارتجاع و دجالیت است . تعریف و تمجید غلیظ از مزخماتی مانند لاجوردی و اشرفی اصفهانی و حملات جنون آمیز او علیه مجاهدین در کرمانشاه و اسلام آباد و قصرشیرین آن روی سکه دفاع از «حکومت الهی ـ مردمی» و «شریف» توصیف کردن همگی نامزدهای خبرگان ارتجاع از جمله سه وزیر اطلاعات رژیم آخوندی (ریشهری، فلاحیان، دری نجف‌آبادی) و امثال محمدی گیلانی و رازینی و موسوی تبریزی و دیگر حکم بلید شرع خمینی است که حرفه شناخته شده آنها قتل عام و شکنجه و کشتار و اعدام نیم میلیون تن از فرزندان آزاده مردم ایران بوده است

● تنگ فراموش ناپذیر بر همهٔ افراد و گروهها و محافل ارتجاعی و استعماری که بر ضد آزادی و حق حاکمیت مردم ایران با آخوند خائنی دست بیعت دادند و درود بر مقاومت و هموطنانی که در داخل و خارج مهین شعار «مرگ بر خامنی ـ مرگ بر خامنه‌ای» را به رقم عوامل ارتجاع و استعمار طنین افکن شد

آخوند خاتمی در سفر به‌منطقهٔ عملیاتی فروغ جاویدان از معبوبیت مجاهدین ابراز نگرانی کرد

● عاصی مقابله با مجاهدین در عملیات فروغ جاویدان را اعتراف درهمان تاریخ انتقاد اسلامی نامید
● در ستاگرد و مجازات امام جمعهٔ گرمانشاه به دست مجاهدین، «خاتمی» اقدامی «مطهر» مطهر را «معجزه‌ترین چهره» از سال نوصیف کرد
● خاتمی باز دیگر جنگ «مذهبی» را تقبیح کرد
در صفحه ۱۰

سر مقاله

عقده‌گشایی خاتمی علیه مجاهدین در کرمانشاه

آخوند خائنی که ۸ماه پیش با «خندگرا» مرده خوانان سرسپاه منصور اوین ، ترور داخل و خارج کشور، برنامه‌کشته بود و در صدر اعتراض به استقرار پادگان ارتش در قلب شهر و «جایگاه» و ترویر و به کاری زده و با «صبوب» خواندن جنایتکار منصوری چون اشرفی اصفهانی ، جنگ و دندان خروزی آخوندی را ستایش کرده بود، اکنون در کرمانشاه ، امام جمعهٔ جنایتکار گل‌خانه‌اش که به مهابت نگذشت در چه اوضاع و احوالی گسترده شد ناگهانی ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ و شکنجه‌های وحشیانه و زندان مجاهدان ، پایه در صفحهٔ ۴

ابعاد کسر بودجه دولت خاتمی

● کسری بودجه دولت خاتمی درسال جاری به پیش ازسطح ۶۰۰ میلیارد تومانی خواهد رسید که درصلاحیه اخیر بودجه گرفته اند حکومت مذهبی درآمدی برای تأمین آن ندارد تا کنه به درآمد نفت امسال حاکمیت کند. این حکومت درطول ۲۰ سال گذشته جایگزینی برای درآمد نفت فراهم نیاورده و اینک برای تبدیل کسری به مازاد به پایه به برنامه خاصی روی آورده که اگر می‌توانست در ۱۳ماه بعد به‌روی کرد تأثیر بخشی بدهی معوقه به ۱۳ماه بعد به‌روی کرد تأثیر بخشی بدهی معوقه

بیش از هزار نفر از دانشجویان دانشگاههای تهران در اعتراض نسبت به «تصویب حقوق دانشگاههای دولتی» دست به یک تجمع اعتراضی زدند

در صفحه ۸

اطلاعیه کمیسیون دانشگاههای شورای ملی مقاومت

گسترش ارگان سر کوبگر سبج در دانشگاها هموار کننده راه تبدیل دانشگاها به پادگانهای نظامی است

● یاداد کردن این طرح در دانشگاهها صفحا بار بیشتر از حضور گارده دانشگاه در رژیم سر کوبگرنگ دارد
در صفحهٔ ۳

نامهٔ مسئول کمیسیون حارجهٔ شورای ملی مقاومت به رئیس برنامهٔ کنترل مواد مخدر سازمان ملل متحد

سران رژیم برای محدود کردن مجاهدین حتی به هیات کنترل مواد مخدر ملل متحد نیز پناه می برند

در صفحهٔ ۳

تهاجم تروریستی رژیم آخوندی به یک اتوبوس شهری حامل مجاهدین در شهر خالص عراق با شکست مواجه شد

انتخابات خبرگان بزرگترین رویارویی باندهای رژیم پس از سه سرکوبی

وزارت کشور اظهارات سخنگوی شورای نگهبان را مبنی بر انتقال داوطلبان سایر حوزه‌ها به پستهاد وزارت کشور تکذیب کرد

در صفحهٔ ۷

جنتی پیشنهاد کرویی برای مناظره را «تشنج آفرینی» و «شقاق» توصیف کرد

● این گروه پیشنهاد «دخرج کسانی است که با قصد تشنج آفرینی دارند، یا آن چنان با مخالفت خود در شقاق که به هیچ وجه امکان تفاهم ندارند
در صفحهٔ ۷

خط امامیها چرخش کار گزاران به سوی جناح غالب را فرصت طلبی توصیف کردند

● روزنامهٔ جهان اسلام از سوءتفاهم‌گیری رفسنجانی در مورد کار گزاران انتقاد کرد
● کار گزاران لیست « اقلیت» نامزدهای مورد حمایتش را اعلام کرد
● عبدالله نوری : برای «اعمالی» این واقعه خلط نظام است
● قائم‌مقامی: ابتدا بپذیریم که نظر شورای نگهبان و نظارت استصوابی جزء انقلاب اسلامی ماست!
● روحانی : توسعه سیاسی انتظاری نیست که در این صحنه مهم حضور فعال داشته باشیم
در صفحهٔ ۷

در پی حذف کاندیداهای خط امام

مجمع روحانیون مبارز: خود را، خلع سلاح شده، و «دست بسته» می بینیم

در صفحهٔ ۱۳

مصاحبه با استاد جلال گنجه‌ای

بدنامی خبرگان ارتجاع بازار انتخاباتی رژیم را کساد کرده است

در صفحهٔ ۱۰

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

شکست تهاجم تروریستی رژیم
به یك اتوبوس شهری حامل مجاهدین در بغداد

* روی آوردن دشمن مفلوك به تروریسم کور و شلیک موشکهای RPG-18 به اتوبوس شهری توسط دیپلومات ـ تروریستهای رژیم خمینی
* هیچ آسیبی به اتوبوس و سرنشینان آن وارد نیامد.

دشمن درمانده که به توطئه هایش پس از انتخاب معرفی رئیس جمهور آینده ان بی نتیجه مانده، از فرط جز و افلاس به تروریسم کور ی آورده است. دیپلومات ـ وریستهای رژیم آخوندی در داد یک اتوبوس شهری حامل جاهدین را مورد حمله قرار دند، امّا حملهٔ آنان مفتضحانه کست خورد.

دفتر مجاهدین خلق ایران غداد روز ۲۴آذر با صدور لاعیه یی دراین باره اعلام کرد: «ساعت ۷ و ۵۵ دقیقه بامداد امروز، دیپلومات ـ تروریستهای رژیم خمینی به یک اتوبوس شهری حامل مجاهدین، در اتوبان قدات الجیش بغداد در منطقهٔ الادریسی حمله کردند. دو موشک RPG - 18 به فاصلهٔ کوتاهی از داخل کانال و نیزارهای جنب اتوبان به سوی اتوبوس شلیک شد، اما به آن اصابت نکرد. یک موشک به حفاظ آهنی یک پل عابر پیاده اصابت و از آن عبور نمود و بغداد را مسئولان مستقیم این حملهٔ جنایتکارانهٔ تروریستی می شناسد و از دولت و مقامات مسئول عراقی خواستار تعقیب، دستگیری، محاکمه و مجازات تروریستهاست».

رونوشت اطلاعیه دفتر مجاهدین برای دفتر ریاست جمهوری عراق، وزرای خارجه، کشور و دادگستری عراق، دبیرکل ملل متحد، رئیس و اعضای دائمی شورای امنیت ملل متحد و رئیس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، رئیس کمیته بین الملل صلیب سرخ، دبیرکل عف بین الملل و دفاتر ملل متحد صلیب سرخ و کمیساریای عا پناهندگی در بغداد، ارسا شده است.

محاکمهٔ جاسوسان رژیم در س

تهاجم موشکی رژیم آخوندی به قرارگاه همایون

● در محل شلیک موشکها، تجهیزات به جامانده از تروریستها، از جمله کیسه های حاوی خرج انفالی شلیک و کیسه هایی که بر روی آن نوشته شده بود «شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی ایران-تهران» به دست آمد که متعلق به وزارت اطلاعات رژیم می باشد

● به هیچ یک از رزمندگان و تأسیسات قرارگاه همایون آسیبی وارد نیامد

در صفحه ۲

اطلاعیه کمیسیون تبلیغات شورای ملی مقاومت

دستور خامنه‌ای برای پخش پارازیت بر روی امواج سیمای مقاومت

در صفحه ۲

توقیف ۸۵۵دستگاه آنتن ماهواره‌یی در تهران

روزنامه جمهوری اسلامی ۴خرداد، به نقل از افاداکل مبارزه با قاچاق کالای نیروی انتظامی، خبر داد که مأموران این اداره، طی از چند روز تعقیب و کنترل و مراقبت با بورشهای مختلف، موفق شده‌اند که ۸۵۵ دستگاه گیرنده ماهواره را در تهران کشف کنند و غلامان آن را دستگیر نمایند.

خبر گزاری فرانسه با مخابره این خبر، یادآوری کرد: «هفته ای که گذشته به شدت از صدمه قدرت نظامی ماهواره‌یی حمایت کرد و گفت مغزهای جوان باید از فرهنگ غیراسلامی ماهواره‌یی مصون بمانند»□

سرمقاله

آثار دوسالهٔ «جام زهر»

در آذرماه گذشته، هنگامی که رژیم آخوندی پس از سرفصل بلوغ تضادهایش در انتخابات خبرگان ازنجماد، در آجزاز بن‌بست قانونی سیاسی و کشاکش قشر راهای اسلامی آدر رفت، رهبر مقاومت اعلام کرد: «آخوندهای حاکم بر جنگ قدرت سهم‌ناکی هستند. برای از میدان به در کردن یکدیگر، دست به کاری می زنند که مصداق یکی بر سر تمام زن می زنیم می باشد». آنزمان این وضعیتی است که می گوید: «آموزشان اطلاعی را می‌بینید که خبرها را بدینه اند از رو و همدیگر را حذف می کنند. لعن می کنند، بدنام می کنند از اینرو رژیم» با خبر (۲۸/۸/۷) . او تصریح می کند که این وضع ارتقاء مصداق یکی بر سر شکاف بر می‌دارد است» (ازنامهٔ جمهوری اسلامی ، ۲ آبان ماه ۸۷).

دوسال پیش، باز هم مسئول شورای ملی مقاومت بوده که می گفت: «در عهده رئیس جمهور جدید ازنجاد است، که دولتی را تدارک بیند که قطره، از دولتی و فشارو خفقان بیشتر در رژیم ولایت دارد نمایند و از اعتماد شکننده و زندان و قلم شکستن و لب دوختن و دست‌بریدن و چشم از حدقه درآوردن فقط یک قدم عقب بنشیند، تا بیست مرتبه مردم چه به روی نظام

بقیه در صفحه ۲

فوق فضایحه: واحدهای قضایی در سراسر کشور با عوامل توطئه و تشنج به حکم قانون برخورد خواهند کرد

● رهبران راستین امام اعلام اجازه فتنه به آنان نخواهند داد و مسئولان نظام اجازه نخواهند داد دولت اسلامی گریبانی این توطئه ها شود.

در صفحه ۳

نامهٔ عوامل رژیم در مخابرات به خانه‌ای: سربازان صف اول مبارزه با امامخوار آماده جلوگیری از ورود امواج مسموم هستند

در صفحه ۳

تجمع اعتراضی بناهندگان ایرانی مقیم هلند

● ایرانیان به مدت بیش از یک ساعت با شعارهای کوبنده فریاد می زدند مرگ بر خامنه‌ای ، مرگ بر خامنه‌ای ، خامنه‌ای قاتل است ، مزدور اطلاعات اشرار باید گردد ، توطئه آخوندی افشا باید گردد

در صفحه ۷

اطلاعیه کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ایران

افشای یکی دیگر از دست‌اندرکاران توطئه‌های وزارت اطلاعات

● علی اکبر راستگو یکی از مسئولین وزارت اطلاعات در آلمان است که به فعالیتهای جاسوسی علیه ایرانیان و توطئه علیه مجاهدین و مقاومت ایران اشتغال دارد

● رابط علی اکبر راستگو یکی از مسئولین قسمت برون مرزی وزارت اطلاعات به نام تقوایی است که راستگو از طریق تلفن دستی وی با او در ارتباط است و در مسافرتهایی که به تهران می رود ، مستقیما توسط او توجیه می شود.

در صفحه ۶

ژنرال زینی علیه ایجاد رابطه شتابزده با رژیم ایران هشدار داد

● تهران هنوز در مسائل از قبیل سلاحهای کشتار جمعی ، حمایت از تروریسم و حل و فصل مناقشات در منطقه ، تغییری به وجود نیاورده است

● بلاعزه، ثبات کشتی گیر و تیم فوتبال حذی دارد

در صفحه ۲

یک کارشناس وزارت خارجه رژیم در هفته‌نامهٔ آلمان:

ضرورت تجدیدنظر در روابط تهران- بغداد درقبال «تحولات گروه رجوی در تهران و خارج از کشور»

● دولت خائنی بایستی به منظور متزوی کردن هرچه بیشتر این گروه و دیگر تیروهای گریز از مرکز روابط خود را با دولت عراق بهبود بخشد

● گریشل راه حل نظامی - چیزی که فرماندهان نظامی در پی ترور سیصد عضو فعالشورای وحدة آن را دانند، برای ضربه زدن به این گروه بسیار پرهزینه و علاج نهایی مشکل نیست ، زیرا این راه حل قبلاً بارها امتحان شده است

در صفحه ۲

فضای دانشگاهها هرلحظه آبستن حوادث غیرقابل پیش بینی است

از درون رژیم

در صفحه۸

این دانشگاه به ویژه جاسوسی ، خامه ای و رفسنجانی (اعضای هیأت مؤسس این دانشگاهها) را نشان می دهد

در صفحات دیگر

● اطلاعیه کمیسیون ورزش شورای ملی مقاومت ایران
مسلم اسکندرفیلابی
در صفحه ۳
● تأملی شبه مناقشانه در قرمایشات حکیمانهٔ دوآخوند عمامه سیاه
● منوچهر هزارخانی
فشاری و للله
● محمدرضا روحانی
در صفحه ۷
● اوضاع اقتصادی ایران : دو سال بعد از روی کار آمدن خاتمی
یزدان حاج حمزه
در صفحه ۸
● مشتریین به وحی و مخابره های چپ اندرقپچی
هـ ـ مهرنوش
در صفحه ۱۰
● بانوان عاشورا، کلمات جاودانهٔ پیروزی
جلال گنجه‌ای
در صفحه ۱۱

زنده باد آرش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

حمله‌هوایی رژیم خمینی به‌قرارگاه‌اشرف
تشنج مرگ‌واوج‌استیصال دشمن ضدبشری

*** تهاجم گسترده‌ی ایرانیان خشمگین به سفارتخانه‌ها و مراکز جاسوسی رژیم در ۱۳ شهر مهم اروپا، آمریکا و استرالیا و بازتاب گسترده‌ی جهانی این ماجرا**

صبح روز ۱۶فروردین سال جاری ۱۳فروند جنگنده بمبافکن F4 و F5 رژیم خمینی با عبور تجاوزکارانه از مرزهای بین‌المللی ایران و عراق، یکی از قرارگاههای ارتش آزادیبخش ملی ایران (قرارگاه اشرف)(*) را در ۵نوبت با بمب‌های خوشه‌ای بمباران نمودند. در این تهاجم جنایتکارانه یک رزمنده‌ی ارتش آزادیبخش بنام حسین نیکپیمان به شهادت رسید و چند رزمنده‌ی دیگر زخم سطحی برداشتند و خساراتی به برخی تأسیسات و ساختمان‌های قرارگاه وارد آمد. همچنین در اثر شلیک پدافند پرقدرت ارتش آزادی یک هواپیمای اف ـ ۴ دشمن سرنگون شد و دو خلبان آن به اسارت درآمدند.

بدنبال این ماجرا، دفتر مجاهدین خلق با صدور اطلاعیه‌ای در همان روز، افکار عمومی جهان را در جریان اقدام دیوانه‌وار رژیم و شکست فضاحت‌بار آن قرار داد. این اقدام زبونانه و ابلهانه که نشنج مرگ، پوسیدگی و اوج استیصال بقایای خمینی در غرقاب بحران‌های حادّ انتخاباتی را به نمایش می‌گذاشت، پیامدهای داخلی و بین‌المللی سنگینی برای رژیم خمینی دربرداشت و بقیمت بسیار گزافی برای رژیم تمام شد. بخصوص که با تهاجم گسترده‌ی ایرانیان خشمگین به سفارتخانه‌ها و کنسولگریها و سایر مراکز جاسوسی رژیم در ۱۳ شهر مهم اروپا و آمریکا و استرالیا و با افشای جهانی، اقدام زبونانه و تجاوزکارانه‌اش، رژیم آخوندی علاوه بر تحمل میلیون‌ها دلار ضرر و زیان مادی، بلحاظ سیاسی نیز در انزوا و رسوائی زائدالوصفی در انظار بین‌المللی قرار گرفت و مقاومت ایران ـ مجاهدین، شورای ملی مقاومت و ارتش آزادیبخش ملی ایران ـ در مدار بسیار بالاتری از اقتدار سیاسی و نظامی بعنوان تنها جانشین جدی و قدرتمند و خطرناک برای رژیم باقی‌مانده از خمینی، مورد توجه افکار عمومی داخلی و بین‌المللی قرار گرفت. در صفحات بعد توجه هموطنان عزیزمان را به گزارشی از فعل و انفعالات پس از اقدام دیوانه‌وار رژیم در بمباران قرارگاه اشرف جلب می‌کنیم:

(*) پاورقی:
این قرارگاه بیاد سمبل زن انقلابی مجاهد، شهید اشرف رجوی، قرارگاه اشرف نامیده می‌شود.

برآشیان عقابان مگس به میدان شد

برآشیان عقابان مگس به میدان شد
اسیر پنجه‌ی پولاد و خشم توفان شد
دوباره بر سر شیخان ز سیلی دیگر
نگاه کن که چه عمامه‌ها پریشان شد
ز بام بادیه و طشت مرده‌خواران را
نظاره‌ای که چسان اوفتاد و غلتان شد
به جستجوی رهی گز سقوط بی‌تردید
رهی بپاید، دشمن به فکر درمان شد
نگشت مشکل او چاره، وز بد ایام
تلاف مشکل شیخان هزار چندان شد
هلا، هلا، که بَر و بال شهر شرزه بُود
ندیده چرخ که بازیچه بهر موشان شد

نشریه مجاهدین خلق ایران

مجاهد

شماره ۲۶۵

MOJAHED No. 465 Tuesday, 9 Nov. 1999 (46 / 99)

سه‌شنبه ۱۸ آبان ۱۳۷۸ - ۳۰ رجب ۱۴۲۰

بهاء معادل ۲ دلار

3.5 DM - 20 AST - 2 US$ - 3000 Lire - 1.5 Pounds - 60 BFr - 3 SFr - 15 SKr - 15 DKr - 3 C$ - 10 FFr - 15 NKr - 4 FI

محکومیت بین‌المللی حملهٔ رژیم آخوندی

● جیمز تیرافیکنت، نمایندهٔ کنگرهٔ آمریکا: این حملهٔ تروریستی اثبات می‌کند که رژیم تهران تهدیدی را که از سوی مجاهدین متوجه خاک‌شان است، بسیار جدی می‌گیرد.

● ادلداور، نمایندهٔ کنگرهٔ آمریکا: هیچ سازمانی با رژیمی که ما نوسل به تروریسم به اپوزیسیون مشروع‌ش حمله می‌کند، متصور نیست.

● لود وانووست، معاون رئیس پارلمان بلژیک: این جنایت بزرگ و به‌کارگرفتن تسلیحات کشتار جمعی، در ست چهار روز پس از بازگشت خاتمی از سفر پاریس بی‌تردید امری اتفاقی نیست.

در صفحهٔ ۲

دولت عراق ضمن محکوم کردن تجاوز به حق حاکمیت این کشور از جانب رژیم آخوندی و تأکید بر حق باسخگویی به این اقدام و اقدامات مشابه در زمان مناسب، از جامعهٔ بین‌المللی خواست اعمال تجاوزکارانه تروریستی و ناجوانمردانه را محکوم کند

فرهاد نیروی دریایی فرانسه در اقیانوس هند:

اصابت موشک استاد ایران به حبوب عراق، نمونه‌یی بارز از نابابداری و تهدیدی جدی است که همسایه‌های ایران باید از آن آگاه باشند.

در صفحهٔ ۳

خون ۵ قهرمان آزادی، گواهی رسوایی آخوند خائنی در فرانسه و در هم‌شکستن توطئهٔ ارتجاعی و استعماری

تلافی جویی زبونانهٔ رژیم آخوندی با حملهٔ موشکی به قرارگاه حبیب

مجاهد شهید حمید اسراز

مجاهد شهید محمدرضا ثابر

مجاهد شهید محمود دلائی

مجاهد شهید عباس فروزاده

مجاهد شهید صفا صابانیش

● رژیم در یک تکذیب بزدلانه ابتدا اعلام کرد «هیچ گونه عملیاتی صورت نگرفته است» سپس با صدور اطلاعیه به نام «نیروهای مردمی ایران در تبعید» این انفجار یک انفجار عظیم و مهیب را «عهده گرفت». سپس طبق بخشنامه و زیر اطلاعات اما عادیت به عملیات موفقیت آمیز در منطقهٔ حبوب، عده یکی از نظرهای «حافظان» در ی اصلی موفقیت آمیز ریاست محترم جمهوری به ریاست و «انتقال اقدامات تلافی جویانه و اعزام نیروهای ویژه»... در سراسر «ارتش آزادیبخش ملی ایران» اعلام آماده‌باش کرد.

در صفحهٔ ۳

● همگرانی آشوب‌شده‌بی‌سابقه مقامهای عراقی گفتند انفجار توسط موشک استاد ایجاد شده که مجهز به یک کلاهک ۱۰۰۰ کیلویی بوده است.

● رهبر مقاومت با درود به شهیدان راه آزادی و تأکید بر حق مسلم پاسخگویی بر این مقاومت ایران، خواستار اعزام هیأتی از سوی ملل متحد برای بازدید از اثر حملات و خسارت وارده شد و گفت: «ما مردم و مقاومت ایران بی‌پرده به مجامع بین‌المللی و سازمان ملل متحد و به همه آزادیخواهان جهان اعلام می‌کنیم که رژیم آخوندها را به دادگاه بین‌المللی برای محاکمه و مجازات بکشانند و از آنها بخواهند که به این جنایت پاسخ دهند.»

تظاهرات ایرانیان در ۱۶ شهر جهان علیه جنایت بزرگ تروریستی

هلند ـ لاهه

ایتالیا ـ رم

آمریکا ـ واشنگتن

دانمارک ـ کپنهاک

کانادا ـ تورنتو

سوئد ـ استکهلم

نروژ ـ اسلو

کانادا ـ تورنتو

کانادا ـ هامبورگ

آمریکا ـ لس انجلس

کانادا ـ اتاوا

کانادا ـ تورنتو

کانادا ـ هامبورگ

کانادا ـ تورنتو

آمریکا ـ لس انجلس

کانادا ـ اتاوا

کانادا ـ تورنتو

کانادا ـ تورنتو

سوئد ـ استکهلم

● جیم گرانی رژیم: «مسعود رجوی فراری آزادیبخش ملی ایران را سازمان ملل متحد حواس حمله موشکی رژیم ایران را محکوم نماید و هیأتی را برای بررسی این حمله و خسارات اعزام کند.»

● تلویزیون الجزیره: «شنیدن حمله رژیم ایران علیه مجاهدین در خاک عراق آشوب‌آمیز، یک موشک به قرارگاه مجاهدین ایرانی در حبوب عراق اصابت مسعود که طی آن پنج نفر کشته و تعدادی نیز زخمی شدند... مجاهدین در خلال سفر خائنی به فراخ اقدام به عقاشات و اعتراضات مسالمت‌آمیزی نموده و بلاگارد «موک» بر خائنی، را بر بالای برج پیروزی در پاریس نقش می‌دادند.»

در صفحهٔ ۱۶

خونهایی که مرگ سفرهای دیپلوماتیک رژیم را گواهی دادند

در صفحهٔ ۶

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

نشریه مجاهدین خلق ایران

MOJAHED No. 545, Sunday , 22April 2001 (17/2001)

فوق‌العاده ـ شماره ۵۴۵

یکشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۸۰ ـ ۲۷ صفر ۱۴۲۲

بها معادل ۱دلار

3.5 DM - 20 AST - 2 US$ - 3000 Lire - 1.5 Pounds - 60 BFr - 3 SFr - 15 SKr - 15 DKr - 3 C$ - 10 FFr - 15 NKr - 4 Fl

سخنگوی وزارت امور خارجه روسیه (۳۱فروردین):

روسیه نگرانی عمیق خود را در مورد حمله موشکی ایران به قرارگاههای مستقر در عراق جنبش ابوزسیون ایران، مجاهدین خلق، ابراز می دارد. چنین رویدادی وتبعیض برعلیه در منطقه را تشدید می کند

مسئول سخنگوی سلبی مقامات وابسته‌ها از سخنگوی وزارت خارجه روسیه در مخالفت حمله موشکی رژیم آخوندی خطاب به دبیر کل و شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا، جامعه عرب، کنفرانس سران اسلامی و دیگر کشورهای جهان تأکید کرد زمان آن فرا رسیده است که جامعه‌های جهانی و نهادهای کارآمد استداد شخص جانبی ایران را که منبع و آرامش در منطقه را به خطر می‌اندازد، محکوم کنند. تجربه به وجه آمده نشان داده است که مدارای مهمترین منبع صدور بحران و تروریسم و ترامنجام در دنیای امروز هستند و هرگونه مسامحت در مقابل آنان، این رژیم را در ادامه جنایتهای جری‌تر می کند. دوز (صبح ۲۱ فروردین) ارتش چهل و هشتمین بار این رژیم توسط جامعه بین المللی در کمیسیون حقوق بشر محکوم شد. خانم نقش اصول اولیه حقوق بشر، محکوم گردید. تا کنون ۱۲۰ قطعنامه از جمله‌ای آزادی توسط این رژیم اشغالگر صادر شده که یک فرد آن مربوط به قبل بهم ۲۰ هزار زندانی سیاسی است که سرنوشت‌های آنهای در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

فرانسه حملهٔ موشکی رژیم را تقبیح کرد

جلسهٔ توجیهی سخنگوی وزارت خارجه (۲۱فروردین):

سوال: آیا شما واکنشی در قبال شش میان ایران و عراق و حملات ایران علیه برخی اماکن در عراق دارید؟

سخنگوی وزارت خارجه: از هر اقدامی که ثبات منطقه را به مخاطره بیفکند می‌بایست اجتناب کرد و من تأکید می کنم که این ثبات به عنوان مثال در قطعنامه ۶۸۷ صراحتاً مورد اشاره قرار گرفته است. با چنین روحی است که ما اقداماتی را که شما به آن اشاره کردید، قبیح می کنیم

سرویس مخفی آلمان: موشکهای ایران اروپا را تهدید می کند

روزنامهٔ آلمانی نورنبرگر سایتونگ: سرویس مخفی آلمان اعلام کرده است که برنامهٔ موشکی ایران خطری برای امنیت اروپا محسوب می‌شود.

در صفحه۲

حملهٔ گستردهٔ رژیم آخوندی در طول ۷۰۰ کیلومتر از مرزهای ایران و عراق با

پرتاب ۷۷ موشک زمین به‌زمین به‌جانب قرارگاههای ارتش آزادیبخش

سیاست روز: ۷۲ موشک اسکاد بی به پایگاههای منافقین اصابت کرد

همبستگی: ۷ پایگاه گروه رجوی مورد اصابت ۶۶ موشک اسکاد از سوی ایران قرار گرفت

رسالت: در طول چند ماه اخیر، حملات تروریستی منافقین شدت یافته بود و ۱۰ نامهٔ مستند ایران در سازمان ملل نیز واکنش مناسبی میان اعضای این سازمان به وجود نیاورد

در صفحه۳

فرمانده کل ارتش آزادیبخش با تبریک به همهٔ مجاهدان و رزم‌آوران آزادی به‌خاطر شکست شگفت‌انگیز حملات دیوانه‌وار موشکی گفت: موشکها به کل سیاست و استراتژی و پروژهٔ ۴ ساله خورد و رشته‌ها را در ابعاد داخلی و منطقه‌یی و بین‌المللی پنبه کرد

در صفحه۲

بیانیهٔ دولت عراق:

تجاوز جدید رژیم ایران بمناطق مسکونی در بصره و کوت و خالص و جلولا را در پی گرفت و باعث ویرانی و خسارتهای فراوان گردید

عراق ضمن محکوم نمودن و قبیح این عمل تجاوز کارانه و ناجوانمردانه که نقض آشکار منشور سازمان ملل و اصول و قواعد بین المللی به شمار می‌رود و ضمن این که مسئولیت تمام عیار بین المللی را بر اساس قوانین بین المللی در مورد وارد آمدن زیانهای انسانی و مادی ناشی از این تجاوز ناجوانمردانه، برعهده رژیم ایران می داند، حق مشروع خود را برای پاسخگویی به شیوه‌های مناسب و در زمان مناسب محفوظ می‌دارد.

مسئولان رژیم ایران باید بفهمند که چنین عملکردی از آنها بود که باعث جنگ هشت ساله شد. این احمقها هستند که به نهایی مسئولیت بوامصتان را برعهده خواهند داشت.

در صفحه۲

بیانیهٔ ابراز تأسف مجلس ملی عراق نسبت به تجاوزات رژیم ایران با موشکهای زمین‌به‌زمین

نامهٔ وزارت خارجهٔ عراق به‌دبیر کل اتحادیهٔ عرب:

اتحادیهٔ عرب باید بر اساس منشور این اتحادیه و وظیفهٔ قومی خود، تجاوز مسلحانهٔ جدید رژیم ایران علیه عراق را محکوم نماید

در اعتراض به‌حملهٔ موشکی ، صدوان حمادی در کنفرانس تهران شرکت نمی کند

در صفحه۲

قرارگاه فائزه

قرارگاه اشرف

عراق اصابت ۶۸ فروند موشک زمین به زمین علیه اهداف غیرنظامی را اعلام کرد

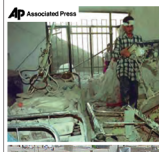

آسوشیتدپرس ـ جلولا ـ ۳۰فروردین ـ خانه‌های شهروندان

مسجد عبدالله خلیل، مدرسه بازرگانی، خانه‌های مسکونی و تأسیسات برق و نفتی در شهر جلولا، دانشکده فنی در شهر کوت، بمدرسه دخترانه در شهر بصره و بسیاری خانه‌های مسکونی و حتی کلبه‌های احشام، همه توسط موشک‌باران وحشیانهٔ اخوندها قرار گرفت

تشییع شهروندان جان‌باخته در شهرهای عراق

العراق: شمار موشکها آن‌قدر بالاست که از موشکی که عراق به ایران شلیک، ۱۹۸ تا ۱۹۸ استفاده کردند هم بیشتر بوده است. موشکها در مناطق پرجمعیت شهرها فرود آمده و شهروندان عراقی را به کشتن داده است.

سی.ان.ان: گسترده‌ترین و عظیم‌ترین حمله از زمان تأسیس پایگاههای مجاهدین در عراق که به‌هدف سرنگون کردن حکومت ایران برپا شده است

لیبراسیون: در وسیع‌ترین عملیات نظامی طرف ۱۰سال اخیر، ارتش جمهوری اسلامی ایران ۷ پایگاه مجاهدین خلق در خاک عراق را اقربا همزمان با ۶۰ فروند موشک زمین به زمین آماج حمله قرار داد

لوپ‌س: تنها زنده ناظم استراتژیکی ایران با ابلاغ متحده در مورد عراق است

رادیو فرانسه: اسرائیل از این نوع درگیریها استقبال می کند.

در صفحات ۵ و ۶

مجاهد خلق رضا زحمتکش، در اثر اصابت موشک اسکاد به قرارگاه حبیب در بصره به‌شهادت رسید

تهران‌امروز: حمله با اسکاد اخطاری نه‌فقط برای تروریستها، بلکه برای عراق هم هست

آفتاب یزد: موشکهای اقتدار و تدبیر

کار و کارگر: موشک باسخ خمپاره

حیات‌نو: سرکوب منافقین اراده برای اقتدار نظام و امنیت ملی است

در صفحه۳

صفحهٔ اول کیهان آخوندی ۳۰فروردین

کیهان

حزبات حمله موشکی ایران به پایگاههای منافقین در خاک عراق

سقوط یک هواپیمای شناسایی رژیم آخوندی در قرارگاه اشرف

خبرگزاری فرانسه: رگبار موشکهای ایرانی به عراق روابط کشنده بین دو دشمن دیرینه را به بی ثباتی می کشاند

در صفحه۵

کار و کارگر (باند خاتمی): هرگاه رابطهٔ ایران و عراق به سمت بهبود پیش می‌رود منافقین با انجام عملیات برون مرزی و استفاده از خاک عراق، رابطه‌های بوجود آمده را از بین می‌برند.

در صفحه۳

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پراقتدار خلق قهرمان ایران

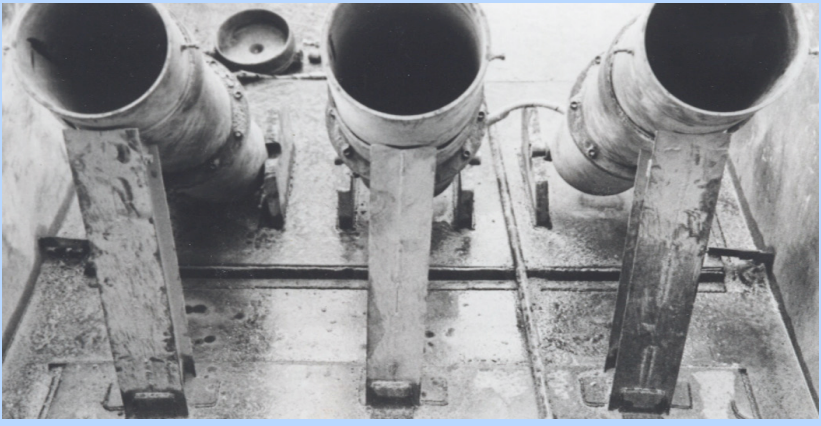

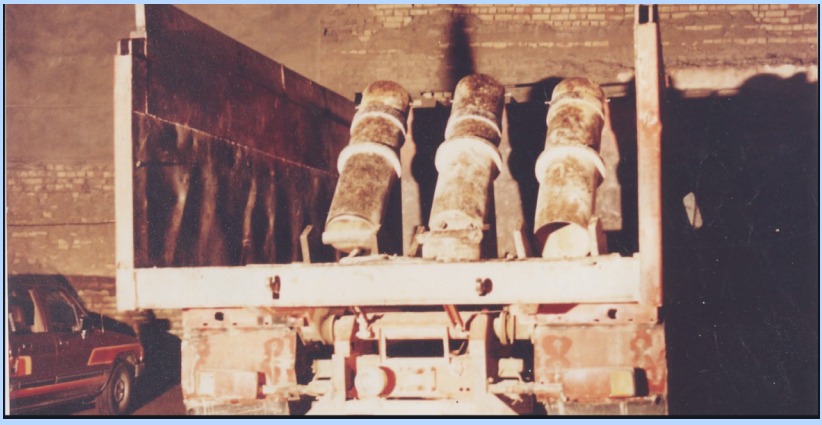

LST BMP 1-11

NISSAN DIESEL

لاشه هواپیمای سرنگون شده

خلبان و کمک خلبان هواپیمای سرنگون شده

در حملهٔ موشکی، رژیم مجبور بود در شب بحث سوریه در وین، در همین هوای بارانی و طوفانی، شلیک کند. علاوه بر این به‌سردژخیم نیروی تروریستی قدس گفته شده بود این بار قرار بر این است که لیبرتی با همه افرادش با خاک یکسان شود و نمی‌خواهیم سند بدهیم و بالونهای روی فرودگاه بغداد فیلمبرداری کنند. منظورش بالونهای متعلق به‌نیروهای آمریکایی در فرودگاه است.

اما این‌که رژیم می‌گوید عراقی‌ها هم کشته شده‌اند و به‌رسانه‌ها و سایتهای مزدورش گفته است همین را بگویند تا کشته‌ها مختص مجاهدین نباشد، دروغ محض است. هیچ عراقی کشته نشده است؛ دو موشک در اطراف ما در سمت یکی از پایگاههای نظامی عراق خورده، اما هیچ‌کس کشته نشده است.

البته پس از صحبتهایی که برادران و خواهرانمان کردند و با گفتن نمونه‌ها و مثالهای دقیق که شاهدش بودند ابعاد این تلاطم و تحول عظیم خیلی بهتر و بیشتر روشن شد.

خیلی از شما گفتید یا نوشتید که ترسی نداشتید. آفرین، اگر شما نمی‌ترسید پس مطمئن باشید که دشمن شما می‌ترسد. چون همین عنصر مقاومت و ایستادگی و سرسختی و نترسی را دارید در جامعه تزریق می‌کنید. برخی هم با صداقت تمام و به‌نحوی ستایش‌انگیز شرح دادند که چگونه بر لحظات ترس و عجز غلبه کردند و از دل آن نترسی و توانمندی بیرون کشیدند. باز هم آفرین و صد آفرین بر کسانی که این‌چنین صفحهٔ ضمیر خود و طبعاً صحنهٔ نبرد و کارزار را می‌چرخانند...

متقابلاً، هم‌چنان‌که گفتید، حرف پوست کنده رژیم و همریشان این است که اصلاً چرا اینها تسلیم نمی‌شوند؟ چرا مبارزه می‌کنند؟ چرا در نظم ارتجاعی و استعماری تحلیل نمی روند؟ و مجاهدین هم کماکان می‌گویند هیهات منّاالذله!...

می‌دانید که حرف رژیم و سگهای زنجیری‌اش تازگی ندارد و با آن از

همان سال۵۷ و ۵۸ و مخصوصاً بعد از ۳۰خرداد آشنا هستیم. آنچه تازگی دارد همان تلاطم و تحول بزرگ است که آثار زیادی خواهد داشت. چون شاهد یک جبههٔ وسیع گستردهٔ سیاسی و بین‌المللی هستیم.

همان تلاطم‌ها و بحرانها را که در میان آن در جستجوی خیر عظیم هستیم می‌گویم و این‌که قطره قطرهٔ خونها، ذره ذرهٔ رنجها و جراحتها و لحظه لحظهٔ کارها و تلاشها، باید به‌نتیجه برسد و ما را به‌جلو پرتاب کند. باید در میان این‌همه رنج و آبشار خون، از میان شرّ کثیر که رژیم و همدستان و مزدوران می‌خواستند و می‌خواهند، خیر عظیم درو کنیم.

در یکطرف قهرمانان لشکر فدایی شمارهٔ۱۲ را به‌یاد می‌آورم که در تاریکی سینه سپر کردند و با سرسختی تحسین‌انگیز هم شهیدان و هم زنده‌ها را با دست خالی از زیر آوار بیرون کشیدند. از طرف دیگر آن آیهٔ قرآن در گوشم طنین می‌اندازد که گفت اگر کسی فکر می‌کند نصرت خدا فرا نمی‌رسد، خود را به‌سقف بیاویزد و نقطه اتکای خود را قطع کند و ببیند چه بر سرش می‌آید...

شما از شوره‌زار و سنگستان لیبرتی، گلستان و اشرفی دیگر ساختید. این مشعلی دیگر است. اگر پیامهای زندانیان سیاسی را دیده باشید، کلمات حیرت‌آوری به‌کار می‌برند؛ می‌گویند لیبرتی هم مانند اشرف، برای ما تابلو راهگشای پیامبرگونه تصویر و ترسیم کرد. واضح است که برای ما فقط جای استغفار و شُکر دارد و این‌که روزی بتوانیم با همت خلق در زنجیرمان، زندانی‌هایمان را آزاد کنیم.

و دشمن را بنگرید با ایادی و عوامل گوناگونش؛ آخر چه بگوید؟ شما اثبات سرنگونی هستید و او انکار سرنگونی است. باشد تا ببینیم سرانجام چه کسی غالب و پیروز می‌شود. اما اوضاع از هر طرف که بچرخد شما به‌عالیترین صورت کار خود را در این مرحله در کارزار شمارهٔ۶ انجام دادید.

تکرار می‌کنم که تحول عظیمی صورت گرفته و ما، بعد از حل و فصل مسائل مبرم مربوط به‌شهیدان و مجروحان و مسائل استقراری قسمتهایی

که منهدم شده، بایستی به‌ادامه بحث بنشینیم و سریعاً با این تلاطم و تحول بزرگ و نتایج آن در مرحلهٔ جدید، انطباق فعال و خلاق و رزمنده پیدا کنیم .

خلاصه و چند نکته مهم

در چند جمله خلاصه و تکرار می‌کنم و امیدوارم در کمیته‌ها و نشستهای انقلاب، بحثها را به‌طور همه‌جانبه تعمیق و تکمیل کنید.

– **نکته اول،** فکر نکنید بحث را تمام کردیم، بلکه شروع کردیم؛ چون هنوز یک هفته بیشتر از حمله نگذشته است و داریم سعی می‌کنیم آثار انفجار را پاکسازی کنیم.

– **نکته دوم،** همان تحول عظیمی است که رخ داده و باید خود را با آن به‌معنی تکاملی و پیش‌رونده آداپته و منطبق کنیم.

اما چنان‌که گفتم قبل از هر چیز می‌خواهم از وضعیت حفاظتی یکانها و ارگانهای ستادی مطمئن بشوم تا بتوانیم قدمهای بعدی را برداریم.

– **و نکته آخر** که آن‌را در همین بحث دیدیم و شما آن را به‌اوج ایدئولوژیک ارتقا دادید، آنجا بود که چگونه می‌توان بر لحظات ترس و عجز، به‌قول خودتان «واو شدن» غلبه کرد و از توی آن نترسی و توانمندی بیرون کشید و آن را ثابت و تثبیت کرد. مجاهدین در این زمینه ۵۰سال تجربه و آزمایش دارند.

در همین نشست شکر خدا را به‌جا بیاورید که شما را برای ادامه کار و کارزار و آزمایشهای بعدی در مداری بالاتر نگه داشت. این‌طوری رژیم بازندهٔ مطلق می‌شود و ما برند و شایستهٔ آن یاری و نصرت در دنیا و آخرت.

وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُواْ السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللهِ هِيَ الْعُلْيَا [۹]

۹–سوره توبه،آیهٔ ۴۰

فصـــل دوم

تغییر و طوفان در راه است
پیروزی پیشاپیش مبارک

۱۴آذر۱۳۹۴

سلام و درود بر قهرمانان پایدار و برگشت ناپذیر مقاومت تاریخی مردم ایران
رأیت شرف و نور و افتخار در سخت ترین ادوار تاریخ این میهن

در آستانه اربعین ۲۴شهیدمان در لیبرتی هستیم. اجازه بدهید با آیه‌یی شروع کنیم که هم در مورد قهرمانان شهید و هم در مورد یکایک قهرمانان و مجاهدان سرسخت و استوار صدق می‌کند.

بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انَّ الَّذينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ .....[۱۰]

کسانی که گفتند پروردگار ما خداست (راه و مسیر و نقشهٔ مسیرما، راه خدا و خلق است) و سپس پایداری و استقامت ورزیدند، ملائکه (که همان مبادی قوا و نیروهای انگیزنده و اطمینان‌بخش باشند) بر ایشان همی فرود آیند...

تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا

آنها را در بر می‌گیرند، آنها را احاطه می‌کنند و پیام و حرف و تأثیر آنها بر این قبیل مجاهدین این است که: نترسید،

۱۰-سورهٔ فصلت، آیهٔ ۳۱

اندوهگین نباشید و مژده باد شما را به‌آن پردیس و بهشتی که نوید داده می‌شدید. انگار که خوب می‌داند که جگرمان از یکایک شهیدان شعله‌ور است، انگار که خوب می‌داند از خواهر نیره شهید که قبلاً در حفاظت بود تا قهرمان خلق حسین ابریشمچی و دیگر فرماندهان مثل منوچهر براتی و حمید دهقان و فرشید تا حسین سروآزاد از گروگانها و حسین گندمی و جواد و بهزاد تا حسن نورعلی و اکبر و کیومرث و شریف و بقیه‌شان، اعضای سالهای مقاومت در اشرف و لیبرتی، چه گوهرها و سرمایه‌هایی بودند، چقدر دوست‌داشتنی، چقدر ستایش‌انگیز و چقدر زلال و شفاف و در عین حال جوشان و خروشان ...

در این‌طور مواقع همیشه یک سؤال ساده و روشن که دست دشمن ضدبشر و مزدوران و عوامل آن را رو می‌کند بیرون می‌زند: راستی چرا؟ مگر این مجاهدین یک گروهک زندانی و محصور در خاک عراق نیستند؟ مگرآن‌قدر بد و سکت و تروریست نیستند؟ مگر مناسبات آنها فلان و فلان نیست؟ مگر از بین نرفته اند؟ !پس مشکل چیست که هر موقع رژیم کم می‌آورد، هر موقع دچار بحران شدید است، هر موقع مسأله بود و نبود دارد مجبور است روی دست همهٔ سگهای زنجیری‌اش، مصاف خود با مجاهدین را در خشن‌ترین صورت نظامی آن به‌نمایش بگذارد؟ راستی جنگ اصلی کجاست؟ جنگ اصلی با کیست؟

رژیم خودش به‌زبان خودش از طریق پاسدار شمخانی دبیر شورای عالی امنیت آخوندها می‌گوید که اگر در سوریه نجنگد و نفله ندهد، مجبور می‌شود در تهران خط ببندد. با چه کسی؟ از چه می‌ترسد؟

این دو سه شب اگر دقت کرده باشید، نمی‌دانم چه مشیتی است که ۳مادر پشت سر هم، مادرانی واقعاً قهرمان که هر کدام سرگذشت مبارزاتی خودشان را دارند و واقعاً نمونه‌های برجسته مادران و زنان ایرانی محسوب

می‌شوند به‌بچه‌های شهیدشان پیوستند. مادر داعی و مادر شهیدانمان هود و فریبا دشتی و همچنین مادر قوامی. قبل از آن هم، ۵روز بعد از حمله موشکی درگذشت و در واقع شهادت مادر عباسی را در همین جا در لیبرتی داشتیم. مادر مجاهدان خلق مولایی‌نژادها از خواهر و برادر.

مجاهدین خلق ایران

مجاهدین خلق ایران

قرار بود مادر عباسی را به‌خاطر بیماری به‌آلبانی بفرستیم که مدتها طول کشید و آنچه به‌آن آی.او.ام یعنی سازمان مهاجرت جهانی می‌گویند و نفرات را باید چک کند، نمی‌پذیرفت که مادر سوار هواپیما بشود. انگار که با بقیه بچه‌ها و مجاهد شهید ابوالفضل مولایی قرار داشته است راستش را بخواهید مادر مولایی مانند خود شماها در شمار رزمندگان آزادی در اشرف و لیبرتی بود و هست.

این مادران مجاهد، هر کدامشان یک تاریخچه‌یی دارند، هر کدامشان بیان دامنه و گسترش و پایگاه مجاهدین در شهرهای مختلف ایران هستند. به‌لحاظ ایدئولوژیکی واقعاً جای تهنیت و افتخار دارد. این از خود مجاهدین در لیبرتی و در اشرف و آن از مادرانشان در تهران و شمال و جنوب ایران که همه‌اش سر و کارشان با اوین و بازجویی و شکنجه و مقاومت و ایستادگی بوده است.

پیام و درس جدید

حالا در این آیات که خواندیم خدا به‌صراحت می‌گوید که ملائکه و مبانی قوای انگیزنده و اطمینان‌بخش او، شما را احاطه کرده‌اند. مطمئناً انتظار ندارید که من معنی این حرف را بتوانم بفهمم یا بیان کنم؛ نه، من فقط حرف قرآن را تکرار می‌کنم که می‌گوید ملائکه او بر شما فرود آمده و شما را احاطه کرده اند و می‌گویند مبادا بترسید و مبادا غصه بخورید و اندوهگین باشید. حالا خدا می‌گوید با ملائکه و همهٔ نیروهای پیدا و ناپیدایم، شما را در بر گرفته و احاطه کرده ام و بشارت...

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ [۱۱]

این ما هستیم (خدا خودش را می‌گوید) که اولیا و سرپرستان شما هستیم، هم در حیات دنیا و هم در آخرت؛

می‌گوید حواستان باشد مبادا غافل بشوید که صاحب و سرپرست این

۱۱ – سورهٔ فصلت، آیهٔ ۳۱

راه و این مسیر و این نقشه مسیر، من خودم هستم، همان که ملائکه‌اش را فرو می‌فرستد، همان که صاحب این راه است، هم در این دنیا و هم در آخرت، همان که پرهیز می‌دهد از هرگونه ترس و غم و غصه، همان که مژده و بشارت می‌دهد...

و به‌این خاطر است که ملائکه و همان پرتوهای قدرت و توانایی خود را که نیروهای مشخص تغییر و انگیزشهای مشخص تغییر هستند، آنها را فرو می‌فرستد تا شما را احاطه کنند؛ تا مبادا چنان‌که دشمن می‌خواهد در خود فرو بروید، بترسید ،دچار حزن و اندوه و غم و غصه بشوید، خیر، این‌طور نیست. پیام و درس جدید همین است .

در سوره اسراء می‌گوید :

إِنَّ عِبَادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطَان وَکَفَی بِرَبِّکَ وَکِیلاً [۱۲]

همانا که بندگان من (دقت کنید بندگان من، یعنی مختص به‌خودش می‌کند) ای شیطان، چنین نیست که بر آنها سلطه و سلطنت داشته باشی (زور شیخ و شاه به‌سلطه و سلطنت بر آنها نمی‌رسد)؛ زیرا خدا و پروردگارت برایشان کافیست تا به‌او تکیه کنند و او را وکیل و تکیه‌گاه بگیرند.

این یک بحث آرمانی و ایدئولوژیکی خلص است. همان که در برگردان تشکیلاتی و جمعی آن برای ما، همان «سلطان نصیر جمعی» و «تکیه‌گاه ایدئولوژیکی» است. همان مقولات انقلاب مریم، همان ارزشهای والای گوهران ایدئولوژیکی در سخت‌ترین شرایط روزگار که در شورای مرکزی ذیصلاح مجاهدین و در مؤسسان چهارم ارتش آزادی متجلی است.

حرف خدا با شیطان یعنی از فرعون تا شاه و شیخ‌های زمان چیست؟ می‌گوید زور شما و سلطه و سلطنت شما به‌این گروه از بندگانم نمی‌رسد؛ اگر غیر از این بود راه تکامل در بن‌بست بود؛ اگر غیر از این بود زندگی بنی‌بشر معنی و فایده نداشت؛ اگر غیر از این بود، شیطان و قوای اهریمنی و خامنه‌ای و مالکی و مزدوران برنده می‌شدند؛

۱۲- سورهٔ الاسراء، آیهٔ ۶۵

اگر غیر از این بود هم‌چنان‌که در قرآن آمده در همان اعصار کهن از زمان عاد و ثمود پیامبران خدا را می‌کشتند و دیگر همه چیز تمام بود؛ اما تکامل راه خود را در هرحال با چنین پیشتازانی به‌جلو باز می‌کند.

ایستادگی مجاهدان و راهگشایی در پهنه سیاسی

به همین آذر ماه که الآن در نیمهٔ آن و در آستانهٔ ۱۶آذر هستیم، نگاه کنید:

در روز ۴آذر الحاقیهٔ قانون بودجهٔ دفاعی آمریکا دربارهٔ حفاظت از مجاهدین در لیبرتی به‌امضای رئیس‌جمهور آمریکا رسید و به‌قانون لازم‌الاجرا تبدیل شد:

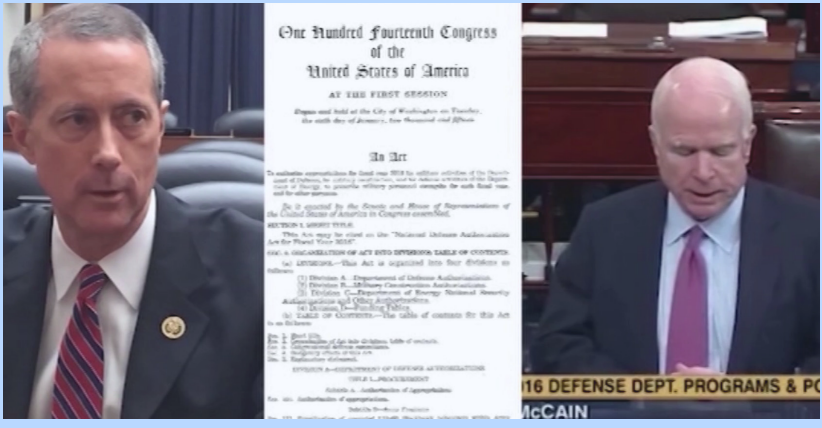
One Hundred Fourteenth Congress
of the
United States of America
AT THE FIRST SESSION
An Act
16 DEFENSE DEPT. PROGRAMS & PO
McCAIN

قانون بودجهٔ دفاعی همراه با الحاقیهٔ ۷ماده‌یی مربوط به‌تضمین حفاظت و امنیت ساکنان لیبرتی همین امسال در آستانهٔ ۳۰خرداد در سنای آمریکا با ۷۱رأی مثبت به‌تصویب رسیده بود .

در قسمت یافته‌های کنگره آمده بود:

ایالات متحده ساکنان سابق کمپ اشرف را که اکنون در کمپ لیبرتی مستقر هستند به‌عنوان «افراد حفاظت شده» تحت کنوانسیون چهارم ژنو به‌رسمیت شناخت و متعهد به‌حفاظت از ساکنان شد. اما این مخالفان ایرانی در کمپ لیبرتی از سلامت و امنیت برخوردار نیستند.

SEC. 1230. SENSE OF CONGRESS ON THE SECURIT *Y AND PROTECTION OF IRANIAN DISSIDENTS LIVING IN CAMP LIBERTY, IRAQ.*

(a) FINDINGS.—Congress makes the following findings:

(1) The residents of Camp Liberty, Iraq, renounced violence and unilaterally disarmed more than a decade ago.

(2) The United States recognized the residents of the former Camp Ashraf who now reside in Camp Liberty as "protected persons" under the Fourth Geneva Convention and committed itself to protect the residents.

(3) The deterioration in the overall security situation in Iraq has increased the vulnerability of Camp Liberty residents to attacks from proxies of the Iranian Revolutionary Guards Corps and Sunni extremists associated with the Islamic State of Iraq and the Levant (ISIL).

(4) The increased vulnerability underscores the need for an expedited relocation process and that these Iranian dissidents will neither be safe nor secure in Camp Liberty.

تصویب قانون بودجه دفاعی همراه با الحاقی ۷ماده یی تضمین حفاظت و امنیت ساکنان لیبرتی

در ۷مهر امسال، سناتور مک کین رئیس کمیته قوای مسلح سنای آمریکا اعلام کرد که به‌همراه رئیس کمیتهٔ قوای مسلح در کنگره آمریکا, این لایحه را طی یک تلاش ۹ماهه به‌توافق کلیه اعضای دموکرات و جمهوریخواه سنا و کنگره رسانده است.

بعد از امضا رئیس‌جمهور آمریکا، سناتور مک‌کین اعلام کرد این لایحه «یکی از مهمترین قانونهای اصلاحات دفاعی در یک نسل است».

آنچه که در الحاقیه ۷ماده‌یی به‌ما مربوط می‌شود، دولت آمریکا موظف به‌تضمین حفاظت و امنیت مجاهدین در لیبرتی می‌شود. هر ۷ماده این الحاقیه، از دولت آمریکا می‌خواهد تا با اتخاذ یک رشته اقدامات مشخص، امنیت و سلامت ساکنان لیبرتی را تأمین و تضمین کند.

برخی از این اقدامات به‌طور مستقیم باید توسط دولت آمریکا انجام شود، برخی در ارتباط با دولت عراق است و برخی در ارتباط با ارگانهای ملل متحد مانند کمیسر عالی پناهندگان و کمیسر عالی حقوق بشر و کشورهایی که در این خصوص متعهد می‌شوند.

به‌راستی که دست یافتن به‌این سند قانونی بین‌المللی، پس از حملهٔ موشکی و آبشار خون در لیبرتی، یکی از بزرگترین دستاوردهای کارزار جهانی رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت و تلاشهای اشرف‌نشانها در سراسر جهان مخصوصاً در آمریکا رو در روی توطئه‌ها و سرمایه‌گذاریهای حکومت آخوندی و عواملش برای بهره‌برداری از سیاست مماشات علیه مجاهدین و مقاومت ایران است و حفاظت از فرزندان رشید مردم ایران را به‌یک اولویت در سیاست آمریکا در سال انتخابات تبدیل می‌کند.

پنجشنبه ۱۲آذر روزنامهٔ کنگرهٔ آمریکا لایحهٔ قانون اختیارات دفاع ملی به‌امضای رئیس‌جمهور این کشور را منتشر کرد .

S. 1356

One Hundred Fourteenth Congress of the United States of America

AT THE FIRST SESSION

Begun and held at the City of Washington on Tuesday, the sixth day of January, two thousand and fifteen

An Act

To authorize appropriations for fiscal year 2016 for military activities of the Department of Defense, for military construction, and for defense activities of the Department of Energy, to prescribe military personnel strengths for such fiscal year, and for other purposes.

Be it enacted by the Senate and House of Representatives of the United States of America in Congress assembled,

SECTION 1. SHORT TITLE.

This Act may be cited as the "National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2016".

SEC. 2. ORGANIZATION OF ACT INTO DIVISIONS; TABLE OF CONTENTS.

(a) DIVISIONS.—This Act is organized into four divisions as follows:

(1) Division A—Department of Defense Authorizations.
(2) Division B—Military Construction Authorizations.
(3) Division C—Department of Energy National Security Authorizations and Other Authorizations.
(4) Division D—Funding Tables.

(b) TABLE OF CONTENTS.—The table of contents for this Act is as follows:

Sec. 1. Short title.
Sec. 2. Organization of Act into divisions; table of contents.
Sec. 3. Congressional defense committees.
Sec. 4. Budgetary effects of this Act.
Sec. 5. Explanatory statement.

DIVISION A—DEPARTMENT OF DEFENSE AUTHORIZATIONS

TITLE I—PROCUREMENT

Subtitle A—Authorization of Appropriations

Sec. 101. Authorization of appropriations.

Subtitle B—Army Programs

Sec. 111. Prioritization of upgraded UH–60 Blackhawk helicopters within Army National Guard.
Sec. 112. Roadmap for replacement of A/MH–6 Mission Enhanced Little Bird aircraft to meet special operations requirements.
Sec. 113. Report on options to accelerate replacement of UH–60A Blackhawk helicopters of Army National Guard.
Sec. 114. Sense of Congress on tactical wheeled vehicle protection kits.

Subtitle C—Navy Programs

Sec. 121. Modification of CVN–78 class aircraft carrier program.
Sec. 122. Amendment to cost limitation baseline for CVN–78 class aircraft carrier program.
Sec. 123. Extension and modification of limitation on availability of funds for Littoral Combat Ship.

(2) the Committee on Foreign Relations of the Senate and the Committee on Foreign Affairs of the House of Representatives.

(f) EXPIRATION OF AUTHORITY.—No support may be provided under the authority of subsection (a) after December 31, 2018.

SEC. 1227. SENSE OF CONGRESS ON THE SECURITY AND PROTECTION OF IRANIAN DISSIDENTS LIVING IN CAMP LIBERTY, IRAQ.

It is the sense of Congress that the United States should—

(1) take prompt and appropriate steps in accordance with international agreements to promote the physical security and protection of residents of Camp Liberty, Iraq;

(2) urge the Government of Iraq to uphold its commitments to the United States to ensure the safety and well-being of those living in Camp Liberty;

(3) urge the Government of Iraq to ensure continued and reliable access to food, clean water, medical assistance, electricity and other energy needs, and any other equipment and supplies necessary to sustain the residents during periods of attack or siege by external forces;

(4) oppose the extradition of Camp Liberty residents to Iran;

(5) assist the international community in implementing a plan to provide for the safe, secure, and permanent relocation of Camp Liberty residents, including a detailed outline of steps that would need to be taken by recipient countries, the United States, the Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), and the Camp residents to relocate residents to other countries;

(6) encourage continued close cooperation between the residents of Camp Liberty and the authorities in the relocation process; and

(7) assist the United Nations High Commissioner for Refugees in expediting the ongoing resettlement of all residents of Camp Liberty to safe locations outside Iraq.

Subtitle D—Matters Relating to Iran

SEC. 1231. MODIFICATION AND EXTENSION OF ANNUAL REPORT ON THE MILITARY POWER OF IRAN.

(a) ELEMENT ON CYBER CAPABILITIES IN DESCRIPTION OF STRATEGY.—Paragraph (1) of subsection (b) of section 1245 of the National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2010 (Public Law 111–84; 123 Stat. 2542) is amended—

(1) in subparagraph (B), by striking "and" at the end;

(2) in subparagraph (C), by striking the period at the end and inserting "; and"; and

(3) by adding at the end the following new subparagraph:

"(D) Iranian strategy regarding offensive cyber capabilities and defensive cyber capabilities.".

(b) ELEMENTS ON CYBER CAPABILITIES IN ASSESSMENTS OF UNCONVENTIONAL FORCES.—Paragraph (3) of such subsection, as amended by section 1232(a) of the National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2014 (Public Law 113–66; 127 Stat. 920), is further amended—

(1) in subparagraph (D), by striking "and" at the end;

ملاحظه می‌کنید که این قانون، ۷سال بعد از انتقال حفاظت اشرف به‌وحوش و گذاشتن مجاهدین در دهان گرگ، دولت آمریکا را موظف می‌کند که دیگر بس است و باید به‌هر قیمت انتقال جمعی مجاهدین به‌مکانهای امن را بپذیرد.

باید قدمهای سریع و مناسب را طبق توافقهای بین‌المللی بردارد تا امنیت و حفاظت فیزیکی ساکنان کمپ لیبرتی را تضمین نماید.

باید از دولت عراق بخواهد که به‌تعهداتی که به‌ایالات متحده برای تضمین سلامت مجاهدین داده است، عمل کند. حکومت عراق باید به‌درخواستهای رذیلانهٔ حکومت آخوندی برای استرداد مجاهدین، «نه» بگوید و با آن مخالفت کند. به‌این ترتیب حالا هر ۷مادهٔ مورد نظر ما در کارزار جهانی مریم و یاران اشرف‌نشان و لایحه ثبت شده توسط سناتور مک‌کین به‌قانون تبدیل شده است .

SEC. 1227. SENSE OF CONGRESS ON THE SECURITY AND PROTECTION OF IRANIAN DISSIDENTS LIVING IN CAMP LIBERTY, IRAQ.

It is the sense of Congress that the United States should¬

(1) take prompt and appropriate steps in accordance with international agreements to promote the physical security and protection of residents or Camp Liberty, Iraq;

(2) urge the Government of Iraq to uphold its commitments to the United States to ensure the safety and well-being of those living in Camp Liberty;

(3) urge the Government of Iraq to ensure continued and reli-

able access to food, clean water, medical assistance, elec¬tricity and other energy needs, and any other equipment and supplies necessary to sustain the residents during periods of attack or siege by external forces;

(4) oppose the extradition of Camp Liberty residents to Iran'

(5) assist the international community in implementing a plan to provide for the safe, secure, and permanent relocation of Camp Liberty residents, including a detailed outline of steps that would need to be taken by recipient countries, the United States, the Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), and the Camp residents to relocate residents to other countries;

(6) encourage continued close cooperation between the resi¬dents of Camp Liberty and the authorities in the relocation process; and

(7) assist the United Nations High Commissioner for Refu¬gees in expediting the ongoing resettlement of all residents of Cam p Liberty to safe locations outside Iraq.

ماده اول: امنیت فیزیکی و حفاظت مجاهدین در لیبرتی

ماده دوم: تعهدات آمریکا برای تضمین امنیت و بهزیستی در لیبرتی

ماده سوم: علیه محاصره است

در ماده چهارم با استرداد ساکنان به‌رژیم ایران مخالفت می‌کند و دکان و دستگاه پرونده‌سازی رژیم را در هم می‌ریزد

درماده پنجم به‌جامعه بین‌المللی می‌گوید یک نقشه‌مسیر جامع وکامل برای انتقال اینها بدهید. همان چیزی که خودمان از روز اول در اشرف

به‌ژنرال اودیرنو گفتیم و در صورتجلسه گفتگوهای خواهر مژگان و هیأت مجاهدین با ژنرال اودیرنو و هیأت آمریکایی ثبت شده و موجود است.

در ماده ششم الحاقیه، از همکاری نزدیک و ادامه‌دار بین ساکنان و مقامات در پروسهٔ بازاسکان استقبال شده و دهان رژیم و مزدوران را می‌بندد.

در ماده هفتم به‌کمیساریا خاطرنشان می‌کند که بایستی پروسهٔ انتقال و بازاسکان را که این همه طول کشیده، تسریع کند.

سناتور مک‌کین و سناتور گراهام بعد از تصویب قانون و امضای آن توسط رئیس جمهور آمریکا راهی عراق شدند.

آنها روز دوشنبه ۹ آذر با برادرانمان در بغداد دیدار و گفتگو کردند. نمایندگان مجاهدین ابعاد حملهٔ موشکی این بار را با جزئیات و اسناد توضیح دادند.

همزمان دوشنبه شب ۹آذر در مورد بیانیهٔ ۱۰۴۰حقوقدان عراقی برایتان پیام دادم .

روز سه‌شنبه ۱۰آذر تومار خودتان به‌سلیم جبوری در مورد مزدوران اعزامی رژیم، تحت عنوان خانواده مجاهدین ارسال شد. زیرا رژیم غافلگیر شده بود و مزدوران خودش را تحت عنوان خانواده‌های ما یک بار دیگر به‌خدمت گرفت و به‌صحنه فرستاد تا موشک‌زدن و حمله و هجوم را موّجه جلوه بدهد. از این رو وزارت بدنام اطلاعات و نیروی جنایتکار قدس بعد از موشک‌پرانی، به‌مدت ۳روز مستخدمان خود را تحت عنوان خانوادهٔ مجاهدین به‌لیبرتی فرستادند تا دشنام بدهند و لجن‌پراکنی کنند.

سيادة رئيس مجلس النواب العراقي الاستاذ سليم عبدالله الجبوري والنواب المحترمين

مع التحية

نحن جمع من سكان مخيم ليبرتي نفاتح سيادتك بهذه الرسالة لنطلعك على ما يقوم به النظام الايراني من استغلال لشرعية مجلس النواب العراقي ضدنا ولكي نطالب بدعم البرلمان العراقي تأمين حقوق ومطالب سكان ليبرتي القانونية.

علمنا أنه وعقب ترتيبات من قبل سفارة النظام الايراني، التقى في مجلس النواب عدد من عناصر وزارة المخابرات وقوة القدس الارهابية للنظام الايراني يوم ٢٤ نوفمبر/تشرين الثاني وتحت عنوان عوائل سكان ليبرتي بالسيدين همام حمودي نائب الرئيس وأرشد الصالحي رئيس لجنة حقوق الانسان. كما وفي اليوم التالي استدعت لجنة حقوق الانسان النيابية اللجنة العليا لمخيم ليبرتي في رئاسة الوزراء لتنقل اليها مطالب عملاء النظام الايراني للتنفيذ.

ان هدف النظام الايراني من ارسالهم الى البرلمان العراقي هو توفير الأرضية لتبرير مذبحة قادمة من خلال اطلاق حرب دعائية ونفسية ضد سكان ليبرتي ومجاهدي خلق. وللأسف أعطيت وعود مساعدة لمتابعة مطالب هؤلاء الأفراد من قبل اللجنة المذكورة في البرلمان. علما أن هؤلاء الأفراد كانوا قبل اللقاء في البرلمان العراقي قد تم نقلهم أيام ٢٠و٢١و٢٢ نوفمبر/تشرين الثاني الى مدخل مخيم ليبرتي وهم كانوا يحاولون خلق اصطدامات مع السكان بأعمالهم العدائية والاستفزازية للغاية.

ان هذا النوع من الاجراءات التي تمارس ضدنا منذ سنوات من قبل وزارة المخابرات وقوة القدس للنظام الايراني لاتهدف شيئا الا فتح الطريق أمام مزيد من المجازر ضدنا. كما وقبل القصف الصاروخي الهائل ضد مخيم ليبرتي في ٢٩ اكتوبر/تشرين الأول كانت مجموعة أخرى من هؤلاء الأفراد قد تم استقدامهم تحت غطاء العوائل من قبل اللجنة الحكومية المشكلة في رئاسة الوزراء لقمع السكان الى مدخل المخيم ليرفعوا شعارات ضد السكان ويقومون بالتصوير والتقاط الصور من داخل المخيم. وتأتي هذه الممارسات في وقت لم تعط الحكومة العراقية الفيزا منذ ٧ سنوات مضت حتى لشخص واحد من مئات من أفراد عوائلنا في الدول الاوربية وأمريكا الراغبين في زيارتنا لدخول العراق. ولهذا السبب قام خلال الاسبوع الجاري بعض من عوائلنا بتنظيم تجمعات احتجاجية أمام السفارات العراقية في دول اوربية وأمريكا. كما أن كثيرا من أعضاء عوائلنا داخل ايران أرادوا السفر الى العراق وزيارتنا تم اعتقالهم وكان عددا منهم سبق وأن زارونا في أشرف هم الآن مقبوعون في السجون وبعض منهم تم اعدامهم. كما وخلال السنوات

السبع الماضية لم يسمحوا حتى لشخص واحد من محامينا أو المنظمات المدنية المستقلة المدافعة عن حقوق الانسان بدخول ليبرتي.

من جهة أخرى وكما يعلم سيادتك انه ورغم مرور شهر على القصف الصاروخي في ٢٩ اكتوبر ما أدى الى استشهاد ٢٤ من أصدقائنا في المخيم واصابة وكدم مئات الآخرين فان الحكومة العراقية وبطلب من النظام الايراني لم تسمح لدخول المكائن والآليات الى المخيم لسحب الكرفانات والأشياء المدمرة ونقل الملاجئ، بل شددت الحصار على المخيم ولا تسمح حتى بدخول المواد الضرورية لتصليح المنظومات المدمرة أو المتضررة في المخيم أو حتى متر واحد من البلاستيك واللاصق لعزل الكرفانات المثقوبة من الماء ولمنع تسرب مياه الأمطار والبرودة.

فمن وجهة نظرنا فان أي مناقشة في البرلمان بشأن مخيم ليبرتي تأخذ طابع شرعية قانونية واخلاقية حينما يتم قبل ذلك مناقشة عدة ملفات وقضايا بشأن ٧ مجازر دامية واحتجاز ٧ رهائن من سكان أشرف وفرض الحصار التعسفي علينا طيلة ٧ سنوات مضت وتقديم منفذي هذه الجرائم الى محكمة دولية على أن تشارك هيئة من المحامين ونواب من البرلمانات الاوربية والكونغرس الأمريكي والبرلمانات العربية في المناقشات البرلمانية بشأن ليبرتي.

اننا نتوقع من سيادتك أيما توقع ألا تسمحوا للنظام الايراني باستغلال الوجاهة السياسية للبرلمان العراقي وجعلها حجة لاضفاء الشرعية للاعتداءات الاجرامية ضد سكان ليبرتي. كما المطلوب من سيادتك التفضل بمطالبة الحكومة العراقية قبل كل شيء عدم عرقلة توفير المستلزمات الأمنية لنا بما فيها نصب الجدران الكونكريتية أطراف مواقع استقرار السكان ورفع العقوبات الشاملة عن المخيم واحالة ادارة مخيم ليبرتي الى جهة لا تكون خاضعة للنظام الايراني والسماح للسكان بالوصول الحر الى السوق لشراء المواد والحاجات الخدمية المسموح بها للمواطنين وكذلك موافقة الحكومة العراقية على بيع الممتلكات المنقولة وغير المنقولة للسكان في أشرف وليبرتي أو تقديم تعويضات لها للسكان بدلا من ذلك. كما نطالب سيادتك بوضع هذه اللائحة في موقع مجلس النواب العراقي.

مع فائق الاحترام

الأول من ديسمبر/كانون الأول ٢٠١٥

التواقيع:

مرگ برخامنه ای مزدوربی شرافت
مرگ بر اصل
ولایت فقیه
مزدور برو گمشو

ابعاد پیشروی مجاهدین و غیظ و کین مزدوران

اما شما به‌لحاظ سیاسی، خیلی خوب لحظه را بعد از حمله موشکی گرفتید و رژیم را از غلط کرده پشیمان کردید. دشمن با فرستادن مأموران ویژهٔ نیروی قدس و یکان موشکی سپاه پاسداران هم‌چنین می‌خواست آثار حمله موشکی ۷آبان را از نزدیک بررسی کند. علاوه بر این می‌خواست آثار حمله را روی خود مجاهدین هم ببیند و این‌که در این رابطه چه تعدادی ترسیده و بریده‌اند و می‌تواند آنها را با خود ببرد.

اما جمع مجاهدین را با عزمی جزمتر از همیشه یافت و سرش به‌سنگ خورد. این در حالی بود که با حضور نمایندگان یونامی و کمیساریا و در برابر چشمان مأموران استخبارات عراق که قلادهٔ سگهای زنجیری را به‌دست داشتند، هر کس که می‌خواست می‌توانست با خانواده وزارتی و نجاستی برود و رفع زحمت کند. اما هیهات!...

در همین اثنا ۴۰۰خانواده مجاهدین از کشورهای اروپایی و آمریکا به‌دبیرکل ملل متحد نوشتند؛ چگونه است که ما ۷سال است درخواست ویزا و رفتن به‌اشرف و لیبرتی می‌کنیم، اما حکومت فاسد عراق و وزارت خارجهٔ آن جوابی نمی‌دهد؛ اما اطلاعات و نیروی قدس آخوندها دست باز دارند که هر زمان که خواستند، بدون شرم و حیا مستخدمان خود را با فحاشی و تهدید تحت عنوان خانواده مجاهدین به‌لیبرتی بیاورند.

این داستان کثیف و افشا شده که در فاصله حملات مرگبار و محاصره ضد انسانی انجام می‌شود دیگر کسی را نمی‌فریبد و رود خون در اشرف و لیبرتی را نمی‌توان با زوزهٔ شغال و جست و خیزهای میمون‌وار پشت درب اشرف و لیبرتی پوشاند.

H.E. Ban Ki-moon
Secretary-General of the United Nations
The United Nations
New York, NY 10017

Dear Secretary General,

As a group of Camp Liberty residents' families residing in Europe and the United States, we are gravely concerned about the lives of our children, especially after the rocket attack on October 29 that killed 24 of the residents.

During 2003-2009, when the US forces held the responsibility of security of Camp Ashraf on the ground, many of us had the opportunity to travel to Ashraf and stay there for an unlimited period of time and see our children. But since the time the US government unlawfully turned the security of our children over to the Pro-Iranian regime government of Maliki, despite our repeated application for entry visa to Iraq through various embassies in countries of our residence, Iraq has refused granting permission to enter that country.

This is while our children and relatives are recognized as protected persons under the Fourth Geneva Convention and have been interviewed by the UN High Commissioner for Refugees and they are recognized as people of concern protected under international law.

Our loved ones were transferred from Camp Ashraf to Camp Liberty, supposedly a Temporary Transit Location, to be relocated to third countries within few months. Yet, after 3.5 years they are under unbearable pressures in the camp and they have not been resettled. The Iraqi Government has virtually turned the camp into a prison.

In these circumstances, dispatched teams of the mullahs' Intelligence

Ministry to Iraq and to Camp Liberty under the cover of so-called families of the residents have no problem entering Iraq and get through to the Camp.

The mission of these teams is psychological torture of our children and relatives and been financed entirely by the Iranian regime.

Based on past experience and notably the attack on October 29, proves that these activities are prelude to yet another bloodbath, this time in Liberty.

In years 2010 and 2011 the same type of agents under the same cover as "families" camped on the perimeters of Ashraf

for 23 continuous months psychologically torturing the residents using 320 loudspeakers, cursing and threatening them to death. These agents threatened loudly through the loudspeakers "We shed your blood on Ashraf soil, we execute you one by one…"

It is very unfortunate that the very basic rights of our loved ones are being violated at the behest of the mullahs' regime in Iran which has been going on for more than 6 years. Currently an inhumane medical and food siege is imposed upon them. They are deprived of meeting their lawyers. In 6 deadly attacks 120 had been killed and 27 lost their lives due to medical siege.

We strongly urge you to call on the Iraqi Government in every way possible to grant entry visa to us to go to Camp Liberty to see our beloved children and relatives after so many years.

The Government of Iraq, Prime Minister al-Ebadi, the US Government and the United Nations must recognize and safeguard the rights of Camp Liberty residents and maintain their security and prevent the Iranian regime's agents approach the Camp.

Respectfully,

Families of Camp Liberty residents

CC:

His Excellency Antonio Guterres, UN High Commissioner for Refugees

His Excellency Zeid Al-Hussain, UN High Commissioner for Human Rights

Ambassador Brett McGurk, Deputy Assistant Secretary of State for Iraq and Iran, US Department of State

Ambassador Stuart Jones, US Ambassador to Iraq

Honourable Ján Kubiš, Special Representative of the UN Secretary General for Iraq

Mr. Volker Türk, Director of International Protection, UNHCR

Mr. Jonathan Winer, Senior Advisor for Mujahedin-e Khalq (MEK) Resettlement, US Department of State

Mr. Bruno Geddo, representative of the UN High commissioner for Refugees in Iraq

حالا اگر بقیه بیانیه‌های بین‌المللی در این ایام را هم بعد از حمله رژیم در ۷آبان در نظر بگیریم، از وزیر خارجهٔ آمریکا و کنگره و سنا گرفته تا کشورها و دولتها و کمیساریا و برندگان جایزه نوبل و عفو بین‌الملل و ایتالیا و اسپانیا و دبیرکل ملل متحد و کشورهای عربی و ائتلاف ملی سوریه و جریانها و افراد وگروههای ایرانی و عربی و... تشکلهای کردی و زندانیان سیاسی یک مجموعهٔ گرانبها و بسیار مؤثر را تشکیل می‌دهد. تا همین دیشب که استماع مجدد مک‌کین و ژنرال جیمز جونز مشاور پیشین امنیت اوباما را در اخبار دیدیم که بلافاصله بعد از بازگشت مک‌کین از سفر عراق بود.

همهٔ اینها خبر از تحولات و تغییر و طوفانی می‌دهد که در راه است. به‌راستی مریم ابعاد کارزار را در سراسر جهان گسترش داده و بی‌شک آن را به‌نتیجه خواهد رساند.

مجاهدین بر سر چشمهٔ صدق و فدا و رود خروشان خون شهیدانشان، در احاطهٔ مشیت و ارادهٔ تکاملی و کارزارهای گستردهٔ ملی و منطقه‌یی و بین‌المللی، گاه آن‌قدر دستاورد داشته و دارند که حتی حساب آن از دست خودشان هم خارج می‌شود.

پایداری رمز پیروزی‌های مجاهدین

از سال۱۳۵۸ که میلیشیا تأسیس شد تا همین ۷روز در آذر۱۳۹۴، چه داستانها بر مجاهدین گذشته است. برای همین آن آیات را در ابتدای نشست خواندیم. حتماً آیات مکالمه خدا با شیطان در مورد انسان در سورهٔ اسراء را هم به‌یاد دارید. حرف این بود که خدا به‌شیطان گفت برو پی کارت! بر بندگان مختص من سلطه و سلطنتی نخواهی داشت.

شیطان تهدید کرد و گفت همه‌شان را گمراه می‌کنم! همه‌شان را وادار به‌تسلیم می‌کنم. تو را پشیمان می‌کنم که به‌من گفتی به‌انسان سجده کنم و هژمونی او را بپذیرم! آخر کرسی من کجا که از آتش و انرژی بسیار

عالیتری ساخته شده‌ام و این انسانی که تو منشأ حیات او را از گلِ بودار از ته اقیانوسها بیرون کشیده‌ای کجا؟!

حالا به‌من می‌گویی بروم او را سجده کنم و هژمونی او را بپذیریم؟! آخر من یکی از ۵ ملَک مقرب تو بودم...

و خدا به‌شیطان کرسی‌طلب و ضدبشر گفت: اُخرُج!... گم شو!

بعد، شیطان تا روز قیامت مهلت خواست؛ خدا گفت خیر، مهلت تو تا یک زمان و سرفصل معین و معلوم است و نه بیشتر از آن...

شاید منظور، شروع تاریخ حقیقی انسان یعنی جامعهٔ عاری از بهره‌کشی و طبقات و همان «جامعهٔ فراوانی» باشد. جامعه‌یی که انسان باید با درد و رنج و خون خود، آن را بسازد و صلاحیت ورود به‌آن را پیدا کند...

آیات آن را در سوره اسراء قبلاً خوانده‌ایم. اما فقط یک آیه را یادآوری می‌کنم که هر بار که می‌خوانیم با عمق خیلی بیشتر فهم می‌کنیم. وقتی شیطان تهدید می‌کرد که با بندگانت چنین و چنان می‌کنم و همه را از راه به‌در و گمراه و له و لورده می‌کنم؛ خدا به‌شیطان ضدبشر حرف آخر را زد و گفت: هر غلطی می‌خواهی بکن اما بدان که بر بندگان خالص و مخلص من، هیچ سلطنت و سلطه و احاطه و زور و قدرتی نخواهی داشت:

وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِکَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِکَ وَرَجِلِکَ وَشَارِكْهُمْ فِی الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا إِنَّ عِبَادِی لَيْسَ لَکَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّکَ وَكِيلًا ۱۳

واقعا از این برتر و بالاتر و عالیتر نمی‌شد.

واقعاً بهتر از این نمی‌شد دست شیطان و عملکرد آن و نیروهای اهریمنی و ارتجاعی و استعماری را رو کرد.

- بسیج کن!...

- بلغزان هر که را توانستی...

۱۳- سوره الاسراء، آیهٔ ۶۴

- با آواز و صوت و بوقها و بلندگوها و رادیو و تلویزیونهایت...
- با محفلها و تحلیلها و هرگونه القائات و لجن‌پراکنی علیه بندگانم...
- بتاز بر آنها با سواره نظام و پیاده نظامت...
- با تیغ و تبر و موشک و زرهی و سگهای زنجیری‌ات...
- با وسوسه در مال و اموال و زمین و املاک و با اولاد و خانه و خانواده‌یی که می‌خواهد فرزند یا خویشاوند خود را به‌سود رژیم از مبارزه با این رژیم جدا و دور کند.

بله همه باید تست بشوند که مانند ابراهیم خلیل، از پدر یا پسرشان در راه خدا دست شسته‌اند یا خیر؟ آخر انبیا، شاخصهای راه بشر هستند.

- هرچقدر می‌خواهی وعده‌های توخالی بده، هر چقدر می‌خواهی فریبکاری و دجالگری کن اما وعده‌های شیطان جز فریب و غرور نیست.

نتیجه:

إِنَّ عِبَادِی لَیْسَ لَکَ عَلَیْهِمْ سُلْطَان وَکَفَی بِرَبِّکَ وَکِیلاً [۱۴]

بله، بر بندگان خالص و با خلوص من، ترا هیچ سلطه و سلطنتی در کار نیست و خدا به‌عنوان تکیه‌گاه و پشتیبان برای آنها کفایت است. یعنی که بقیه‌اش را خدا خودش در طول زمان درست می‌کند. می‌بینید که انگار دقیقاً حکایت ۵۰سالهٔ مجاهدین است؛ بقیه‌اش را هم صبر کنید که اگر ما شایسته باشیم در طول زمان بارز خواهد شد.

یادآوری یک سرفصل در دوران پایداری پرشکوه در اشرف

یک سرفصل دیگر در تاریخچه جنگمان در اشرف را هم که در آذر۱۳۸۲ بود، یادآوری می‌کنم:

۱۸آذر ۱۳۸۲ در اشرف، که تقریباً یک هفته قبل، ریاست دوره‌یی شورای حکومتی دست نشاندهٔ ارتجاع و استعمار در عراق را مزدور ملعون و منفور عبدالعزیز حکیم به‌عهده گرفته بود و به‌دستور رژیم پلید آخوندی

۱۴- همان آیه

رأی گرفت و اطلاعیه داد که مجاهدین ضمن ۳هفته باید عراق را ترک کنند والا استرداد می‌شوند.

این اقدام شورای پوشالی حکومتی آن‌قدر ننگین و مفتضح و شتابزده بود که پل برمر حاکم مدنی عراق هم آن را برنتابید. برمر به‌روشنی دید رژیم دارد برگ می‌زند و از فرصت رفتن او در تعطیلات پایان هفته به‌واشنگتن، سوءاستفاده کرده و توسط مهرهٔ شناخته شده‌اش به‌این کار مبادرت کرده است.

همزمان مریم کارزار جهانی وکلا و حقوقدانان را به‌راه انداخت. مطبوعات در همان زمان از حرکت و اعتراض «ناوگانی از وکلا» خبر دادند. کار به‌آنجا رسید که در کمتر از ۳هفته، ژنرال سانچز فرمانده کل نیروهای ائتلاف در عراق در روز ۵دی۱۳۸۲ از طریق ژنرال سارجنت به‌اشرف پیام داد:

به‌رغم هرچه که تاکنون ممکن است شنیده باشید، درباره وضعیت آینده شما تصمیم‌گیری نهایی نشده و وضعیت نهایی شما از سوی ایالات متحده به‌نحوی که با قوانین بین‌المللی همخوانی داشته باشد، مشخص خواهد شد. در همین پیام از مجاهدین خواسته شده بود که به‌توافقات مذاکرات با ژنرال اودیرنو پایبند باشند و با مراحل تعیین هویت و مصاحبه ارگانهای آمریکایی در اشرف همکاری کنند.

اما منظور مزدور حکیم و اطلاعیهٔ نفرت‌انگیز شورای حکومتی در آن زمان از ترک اشرف طی ۳هفته، طبعاً این نبود که مال و اموالشان را هم با خودشان ببرند، بلکه می‌خواست اموال مجاهدین را هم با شرکا به‌سرقت ببرد.کمااین‌که در همان زمان با سخافتی مثال زدنی که باعث شد حتی پرونده‌سازان ۱۷ژوئن به‌او بخندند، به‌فرانسه رفت و از دولت شیراک خواست اموال توقیف شده مجاهدین را به‌او بدهند!

آن "مقام" ارشد آمریکایی که می‌دانید و خط‌دهندهٔ واقعی کوبلر

بود، همیشه به‌نمایندگان مجاهدین می‌گفت که مجاهدین هم باید مثل خانواده خود او در زمان ترک آلمان هیتلری که با یک پیراهن از جنگ فاشیسم گریخته بودند، عمل کنند؛ البته نمی‌گفت که آن نیروی فاشیستی در عراق که این جنایتها را می‌کند چه کسی است! و چه کسی عراق را در سینی طلایی به‌این فاشیسم تقدیم کرد و چرا در برابر این فاشیسم این‌قدر بی‌عمل و بی‌رمق است! انگار نه انگار که جنگ جهانی دوم تمام شده است.

بعد همین "مقام"، روزی که مجاهدین سر تا پای کوبلر را شستند و کنار گذاشتند و کوبلر به‌او شکایت کرد، در مهر۱۳۹۱ به‌کوبلر جملهٔ جالبی نوشت. کوبلر از دست مجاهدین و شعارهایشان به"مقام" شکایت کرده بود و "مقام" به‌او تفهیم کرد حساب دستش باشد که حتی: یک نیشخند از جانب مجاهدین خلق، تعریف و تمجید محسوب می‌شود!

Sent: Tuesday, October 09, 2012 7:54 PM
To: kobler@un.org;
A sneer from the MEK is a compliment

می‌بینید که از روز جنگ در ۲۰۰۳تا امروز ۱۲سال و۹ماه گذشته است که به‌قول قرآن:

اِنَّ الَّذینَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا [۱۵]

-از زمان گردآوری سلاحها ۱۲سال و ۷ماه گذشته

- از زمانی که مزدور عبدالعزیز حکیم می‌خواست سه هفته‌ای ما را اخراج کند دقیقاً ۱۲سال گذشته با ۲۱ضرب‌الاجل توسط مالکی و ۷حمله و قتل‌عام

تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا [۱۶]

پس خوشا به‌این خلق و سازمان پیشتازش! خوشا به‌مریم و انقلابش! خوشا به‌خواهران استوار و پرصلابت شورای مرکزی مجاهدین! خوشا به‌تشکیلات پولادین برادران و یکانهای ۳۱۳فدایی

پیشروی مقاومت و بن‌بستهای لاعلاج رژیم

یکی از سؤالات این بود که مگر اصحاب مماشات با رژیم، می‌گذارند رئیس‌جمهور آمریکا الحاقیهٔ سناتور مک‌کین رئیس کمیتهٔ نیروهای مسلح را به‌سود لیبرتی و مجاهدین امضا کند؟ مخصوصاً بعد از امضای توافقنامهٔ اتمی به‌خصوص که واضح است این ۷ماده پیشنهادی مک‌کین، در صورت تصویب و امضا، قبل از هر چیز جیغ بنفش و مشکی رژیم را بلند می‌کند! از طرف دیگر چرخهای توطئه و جنایت از جانب رژیم با سرعت به‌کار می‌افتد. از موشک تا احکام دستگیری و استرداد و برگه‌های قرمز انترپل که مصنوعات ویژهٔ رژیم ولایت‌فقیه است.

جواب این بود که البته هر توطئه و حمله و جنایت و کثافتی از جانب این رژیم و پشتیبانان و مزدوران آن تا آخرین دقیقه و تا آخرین لحظه متصور است. اما به‌موازات آن، در شرایط کنونی، چند موضوع قابل توجه دیگر هم مطرح است:

۱۵- سورهٔ فصّلت،آیهٔ ۳۰

۱۶ - همان آیه

یکم، تعادل قوا این نیست که بتوانند مانع شوند و می‌باید برای گذراندن لایحهٔ ۶۰۷میلیارد دلاری بودجه دفاعی آمریکا در سال۲۰۱۶ که موضوع دعواست، مصالحه کنند و الحاقیهٔ ۷ ماده‌یی تضمین حفاظت و امنیت مجاهدین در لیبرتی را قبول کنند.این البته یک کلان توافق است که رژیم و پشتیبانان و جیره‌خوارانش هر طور شده تلاش می‌کنند آن را به‌هم بزنند.

دوم، ۶ماه پیش که پیش‌نویس این لایحه منتشر شد، البته که بسیار مهم و ارزشمند بود. ولی اگر از من می‌پرسیدید که آیا به‌قانون تبدیل می‌شود، یعنی اوباما هم امضا می‌کند؟ مطمئن نبودم و می‌گفتم ۵۰-۵۰؛ اما حالا این امر بر روی آبشار خون مجاهدین در حملهٔ موشکی و با کارزار شگفت‌انگیز جهانی که مریم پیش می‌برد، عملی و محقق شده است.

سوم، یادتان هست که دو سال و نیم پیش، قبل از انتخابات ریاست جمهوری رژیم در سال۹۲، ما همین مسیری را ترجیح می‌دادیم که رفسنجانی و روحانی در آن می‌روند. استدلال این بود که می‌خواهیم نهایتاً قیمت کمتری بدهیم.

آخر وقتی دشمن شما بمب اتمی داشته باشد خیلی فرق می‌کند با زمانی که بمب نداشته باشد. همین رژیم و همین خامنه‌ای جمع زده بودند که علت سقوط حکومت قذافی و سقوط دولت قبلی عراق، این بود که بمب اتمی نداشتند و اگر بمب اتمی داشتند و یکی را کوک می‌کردند روی تل آویو و یکی را هم روی ریاض و دیگری را هم روی یک شهری در اروپا... دیگر تضمین بقا داشتند.

چهارم، واضح است که وقتی رژیم زهر می‌خورد، عزیزکردهٔ محافل سرمایه‌داری غربی می‌شود که دنبال تاراج پولها و فروش اجناس خودشان هستند. لنگ و لگد زدن به‌مجاهدین و مقاومت ایران هم بخشی از همین خرید و فروش است.

همینها بعد از مرگ خمینی، به‌رفسنجانی می‌گفتند میانه رو و «مدره»!

آن زمان ما می‌گفتیم که این خبرها نیست و رژیم ولایت‌فقیه، همان رژیم است با همان هویت و با همان ماهیت، گذشت زمان، حرف ما را اثبات کرد. همین داستان در زمان خاتمی تکرار شد و باز هم حرف مقاومت ایران اثبات شد که پیشاپیش اعلام کرده بود این رژیم اصلاح‌ناپذیر است.

حالا از این نکات می‌خواهم نتیجه بگیرم که در مرحلهٔ بعد از زهرخوران اتمی (که رژیم به‌آن پسابرجام می‌گوید و ما از یک دههٔ پیش به‌آن «واپس تمرگیدن» می‌گفتیم) تعادل قوای رژیم ولایت‌فقیه با گذشته متفاوت است. توجه کنید که این بحث برای ما یک بحث و گفتگوی ذهنی یا روشنفکرانه نیست؛ بلکه اگر ارزیابی ما درست باشد، معنی آن این است که می‌توانیم و باید در قدمهای بعد توطئه‌های رژیم را در هم بشکنیم یا خنثی کنیم. اگر این ارزیابی غلط باشد، رژیم بایستی بتواند ضربات جدی وارد کند.

حالا نگاه کنید: این خود خامنه‌ای است که صحبت از استحاله و نفوذ می‌کند. چون می‌ترسد و می‌خواهد خودش و مزدورانش را با حمله موشکی ۷آبان به‌ما، دلداری بدهد.

همه می‌دانند که وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی در حالت انفجاری است. در این وضعیت چه خوب شد که رآکتور اراک را سیمان گرفتند و ۹تن اورانیوم غنی‌شده را هم از دست رژیم گرفتند و از کشور خارج کردند. حالا بگذارید مقداری هم استخوان اقتصادی جلو این رژیم بیندازند که البته نوشدارو پس از مرگ سهراب است. مهمتر این‌که اقتصاد رژیم با این چیزها سرپا نمی‌شود. وضع شاه در مقایسه، به‌لحاظ اقتصادی صد بار از وضع آخوندها بهتر بود. اما وقتی مرحله سرنگونی فرا رسید، دردی دوا نکرد. آخر شاه که تحریم نبود. آخر شاه که کم‌پول نبود. مقداری از سهام برخی کمپانیهای بزرگ مثل کروپ آلمان را هم خریده بود. در بسیاری جاهای دیگر سرمایه‌گذاری کرده بود و حتی در مواردی وامهای کلان میلیاردی داده بود. اما تا بن‌بست سیاسی بازگشوده نشود، درمان اقتصادی موضوعیت ندارد.

هر کس شرایط و وضعیت رژیم ولایت فقیه را بداند، رژیمی که حاکمیت آن بیش از حد به‌درازا کشیده و مدیون جنگها و امدادهای استعماری است، به‌روشنی می‌تواند بفهمد چرا گروهکی که به‌قول رژیم هزار بار از بین رفته است، این‌قدر خطرناک می‌شود؛ چون می‌تواند در هر تحولی، ظرفیتهای بالقوه قیام برای سرنگونی را در خیابان بالفعل کند و سمت و سو بدهد. پس نیروی جنگندۀ ضد رژیم را باید از بین برد. اینجاست که در میان طوفانهایی که در لیبرتی ما را احاطه کرده، باید پیروزی را با هر قیمتی که داشته باشد، پیشاپیش تبریک گفت. مشخصاً منظورم پیروزی در همین کارزارهای پیاپی است که در لیبرتی با بهای رنج و خون، در شرایط محاصره ادامه دارد و تا روز آخر هم ادامه خواهد داشت و نباید از آن غافل شویم.

طرف مقابل ما رژیم است که با خودش می‌گوید اگر غافل شوم، اینها در همه زمینه‌های سیاسی و بین‌المللی و جهانی و منطقه‌یی پیش رفتند و کاسه و کوزه اتمی من را هم بر سرم خراب کردند، بنابراین باید از بین بروند. باید سر از بدن و بدنه آنها جدا کرد و باید هر کس را که بر سر موضع مجاهدی خود استوار است از بین برد. الا این‌که تسلیم شود و از مجاهدین بیزاری و برائت بجوید.

علاوه بر این، وقتی می‌رسیم به‌سال۲۰۱۶، در اواخر این سال، انتخابات آمریکاست. سالی که دیگر در آن، همه محاسبات فرق می‌کند. چون پایان ۸سال آرایش سیاسی خاص دوران اوباماست. در تیر ماه گذشته بعد از امضای توافق اتمی گفتیم که هر چند رژیم یک گام عقب نشسته و به‌همین میزان زهر خورده، اما «تردیدی نیست که دولت آمریکا تا منتهی‌الیه کشش تاریخی و بین‌المللی و سیاسی خود، هوای رژیم را داشته و به‌آن امتیاز داده است...».

در همان زمان گفتیم : «دولت آمریکا به‌جای این‌که بساط بمب‌سازی را از بنیاد در هم بکوبد، تا منتهی‌الیه متصور، با رژیم راه آمده است. این

همان دولت آمریکاست که بدون یک سند جدی، عراق را به‌بهانه تسلیحات کشتار جمعی در جنگی که اوباما هم آن را احمقانه توصیف کرد، بکلی درب و داغان کرد، خاک آن را به‌توبره کشید و مردم آن را به‌روز سیاه نشاند. بعد هم تحویل رژیم و مزدورانش داد که هنوز هم ادامه دارد...».

در همان زمان پیوسته تکرار کردیم که: «چه کسی نمی‌داند که اگر دولت آمریکا فقط یک درصد بلاها و فشارهایی را که بر سر مجاهدین به‌عنوان بزرگترین نیروی اپوزیسیون این رژیم آورد، بر سر این رژیم آورده بود، رژیم آخوندی تا به‌حال صدها بار نابود شده بود و اثری از آن در میان نبود و امروز با تهدید تروریسم و ارتجاع و بنیادگرایی از قبیل داعش مواجه نبودیم...».

خصلت ویژهٔ این دوران

راستی خصلت ویژهٔ این دوران و این مقطع و این ایام که در آن به‌سر می‌بریم چیست؟

در یک عبارت و به‌طور خلاصه: بحران و تغییر و طوفان، هم در مورد خودمان و هم در منطقه و جهان، از آمریکا و اروپا تا ترکیه و سوریه... تجربه و سابقه نشان داده است که بحران و طوفان همان چیزی است که شما از روز اول خمینی به‌آن عادت دارید و توی آن دارید زندگی می‌کنید. برای مجاهدین چیز جدیدی نیست و همیشه این‌طور بوده، اما وقتی تبدیل به‌یک عارضهٔ بیرونی فراگیر می‌شود، خواه ناخواه نتایج خود را دارد. بین ما و رژیم برآمد و نتیجه خودش را دارد و بایستی قویاً به‌سود یکی و به‌زیان دیگری باشد. خیلی بعید است که سمت و سوی این تحولات علیه ما باشد و به‌نظر می‌رسد از آن گذشته‌ایم والاّ رژیم نیازی به‌این حملات موشکی آن‌هم در این ابعاد نمی‌داشت. درون همین رژیم بسیاری از مهره‌هایش می‌فهمند که قیمتی که رژیم برای این حملات می‌دهد خیلی زیاد است و مجاهدین می‌توانند نتیجه را به‌سود خودشان

بچرخانند. حتی فالح فیاض مشاور امنیتی مالکی که در زمان عبادی هم با فشار رژیم روی همین کرسی نشسته، به‌مخاطبان خود در تهران گفت که تابه‌حال هر چه به‌مجاهدین حمله کردیم، نتیجه معکوس داده است.

سرانجام سؤال اصلی این است که در کارزارهای لیبرتی و حملات موشکی و گله‌های مزدوران و وحوش استخباراتی و نیروی قدس و اطلاعات آخوندی، بالاخره بین ما و رژیم، برنده و بازندهٔ استراتژیک کدام طرف است؟

- اگر واقعاً رژیم ولایت فقیه، ابوداعش است،
- اگر واقعاً داعش، بالفعل در خدمت بشار اسد بوده است،
- اگر داعش مقدمتاً محصول دادن عراق به‌رژیم در سینی طلایی است،
- اگر استراتژی تضمین بقای رژیم قرون‌وسطایی با بمب اتمی، شکست خورده و این خواه ناخواه به‌تضعیف کیفی این رژیم و بر هم خوردن تعادل آن منجر می‌شود،
- اگر در سرنوشت این رژیم، از یک نقطهٔ عطف گذشته‌ایم و مماشات، دلالی و داعیهٔ اصلاح و اعتدال دیگر اثر ندارد،
- اگر حالا دیگر رفع تحریم از این رژیم نه تنها هیچ مسأله‌یی حل نمی‌کند، بلکه بر ابعاد بحران سرنگونی می‌افزاید و آن را عمیقتر می‌کند،
- اگر بحران سرتاپای رژیم را فراگرفته و این همه اعدام برای مهار کردن قیامهاست،
- اگر حمله موشکی به‌مجاهدین نیاز مبرم ولایت‌فقیه است،

در این صورت حرف ما این است که هر ضربه‌یی به‌لحاظ تاکتیکی بخوریم، بازندهٔ استراتژیک رژیم است، رژیم است!

فقط یک چیز را مجدداً و مؤکداً ، تکرار و تکرار می‌کنم. پیشاپیش می‌دانید که منظورم همان فرمول طلایی ۵ تا ۱۰ثانیه است. چیزی که از اولین حمله موشکی در ۲۱بهمن سال۹۱ تا امروز در هر فرصت و در هر نشست از بازگو کردن آن خسته نمی‌شوم. زیرا ما به‌ازای آن، خون سرخ

و جوشان مجاهدین است... حرف این است که می‌توانیم و باید در مقابل شلیک و حمله رژیم بایستیم و آن را با خلاقیت و ابتکار خنثی کنیم و خسارتهایش را به‌حداقل برسانیم. تردید نکنید که رژیم هر کاری را که بتواند برای از بین بردن مجاهدین خواهد کرد؛ مگر این‌که در هر عرصه‌یی پیشدستی کنیم، مقابله کنیم، خنثی کنیم، طرح و برنامه‌ها و برگهایش را بسوزانیم و دود کنیم و راهمان را رو به‌جلو بازکنیم.

پس اگر ما عرضه داشته باشیم، اگر بتوانیم در بقای نیروی جنگندهٔ پیشتاز موفق شویم، با همین فرمول طلایی در جنگ روزمره در لیبرتی، در جنگ با وزارت و سفارت و سپاه و نیروی قدس آخوندی و طیف هفت رنگ مزدوران رژیمی، قطعاً شما برنده خواهید بود. علاوه بر این، بعد از حملهٔ موشکی، با مریم و کارزار جهانی اشرف‌نشانها باید هزار دیوار سیمانی را هم برای حفاظت مجاهدین در برابر حملات موشکی از گلوی کمیته سرکوب بیرون بکشید.

IVECO

بله، مجاهدینِ مریمی، با همان رهنمود هزار اشرف، باز هم از وادی سنگستان، شهر گلستان می‌سازند.

ما می‌سازیم، آخوندها خراب می‌کنند. دوباره می‌سازیم و آنها دوباره شلیک می‌کنند. ما در صد جای جهان و ایران باز هم می‌سازیم. سرانجام خلق و مجاهدین خلق قیام و شلیک می‌کنند و آخوندها و پاسداران و مزدورانشان نابود و سرنگون می‌شوند. اینست سرنوشت محتوم ارتجاع و استبداد دینی!

لجن پراکنی و شکست، توطئه و شکست، حملهٔ زمینی، زرهی، موشکی و شکست و سرانجام سرنگونی! اینست سرنوشت رژیم پلید ولایت در برابر رشیدترین فرزندان ملت!

بله ما ایران را گلستان عدالت و آزادی می‌خواهیم و در همین راستا می‌جنگیم و می‌سازیم. این پیام رنج و خون و همه سازندگی و آبادی دراشرف و لیبرتی است. تاریخ به‌خاطر می‌سپارد.

مجمع طلوع

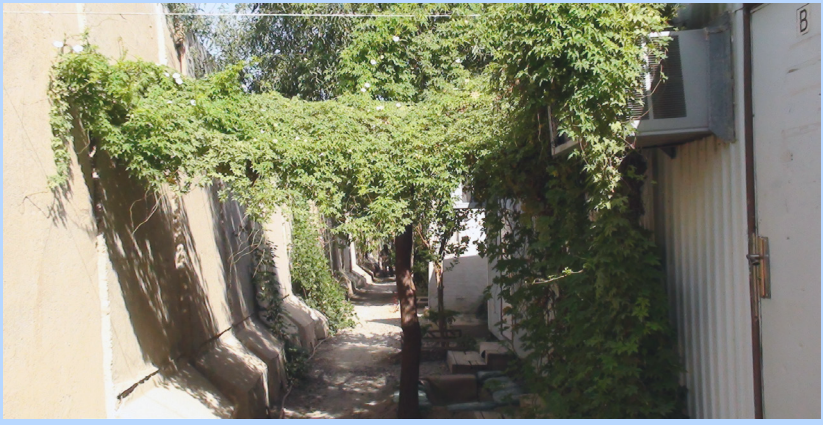

بهارون

درخت های میوه، خرما، توت

انواع صیفی جات: خیار، گوجه فرنگی گرد

انواع صیفی جات: گوجه فرنگی بیضی، کلم

انواع درخت های میوه: انگور، کنار

توت قرمز، کلم برگی

آفتابگران، کلم توپی

انواع سبزیجات: نعناع، تره

انواع سبزیجات: پیازچه، ترپچه

انواع سبزیجات: کاهو، انواع مختلف

باغ زیتون و انگور

باغ انار و توت

ساخت کندو، پرورش زنبور عسل

صحنه های کار و تلاش با امکانات اولیه

استخر دست ساز با منابع آب

فروشگاه چلچراغ

TOYOTA

آیدو

بازار وکیل شیراز

48

توفانهای خاک

راهگشایی و حرکت رو به‌جلو، در شرایط متحول و بحرانی

در ۵سال اخیر، بعد از حملهٔ زرهی ۱۹فروردین ۱۳۹۰ در اشرف، در سالهای میلادی۲۰۱۱، ۲۰۱۲، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ تا روز حملهٔ موشکی ۷آبان۹۴، در مجموع نزدیک به۹۰۰نفر به‌خارج رفته‌اند که سالانه کمتر از ۲۰۰نفر می‌شود. این کار با هزینهٔ گزاف توسط مجاهدین انجام شده که سازمان ملل و ارگانهای ذیربط با جزئیات در جریان هستند.

ممانعت، اخلال و سنگ‌اندازیهای رژیم در این پروسه، مستمراً توسط شورای ملی مقاومت افشا شده و تازگی ندارد. در بیانیه‌های سالیانهٔ شورای ملی مقاومت، در اطلاعیه‌های جلسات میان‌دوره‌ای، در اطلاعیه‌های روزانه دبیرخانه شورا و کمیسیون امنیت، فاکتهای متعدد در مورد سنگ‌اندازیهای رژیم از جمله تهدید آشکار کشورهای مختلف به‌انجام عملیات تروریستی، خاطرنشان شده است.

به‌عنوان مثال دو سال پیش در آغاز سال۲۰۱۴میلادی در اطلاعیهٔ ۳۰دی ۹۲ دبیرخانه شورا، تحت عنوان «اخلال و خرابکاری رژیم آخوندی و حکومت عراق در انتقال مجاهدین به‌کشورهای دیگر همراه با تشدید فشار و حملات موشکی بیشتر به‌لیبرتی، فراخوان به‌اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا توسط شورای امنیت ملل‌متحد برای امنیت لیبرتی» ۲۰فاکت در این زمینه ارائه شده و در پایان نتیجه می‌گیرد:

«از آنجایی که حقایق فوق هیچ تردیدی در نیات شوم رژیم آخوندی و دولت دست‌نشانده‌اش در عراق برای نابودی ساکنان لیبرتی یا وادار کردن آنها به‌تسلیم باقی نمی‌گذارد، مقاومت ایران خواستار مداخله فوری آمریکا و ملل‌متحد و طرح موضوع در شورای امنیت و اتخاذ تصمیمات لازم‌الاجرا برای تأمین امنیت و سلامت ساکنان تا زمان انتقال همهٔ آنها به‌اروپا یا آمریکاست».

شـورای ملـی مقـاومت ایـران

National Council of Resistance of Iran

اخلال و خرابکاری رژیم آخوندی و حکومت عراق در انتقال مجاهدین به کشورهای دیگر

همراه با تشدید فشار و حملات موشکی بیشتر به لیبرتی

فراخوان به اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا توسط شورای امنیت ملل متحد برای امنیت لیبرتی

عکس‌العملهای زنجیره‌ای و هیستریک رژیم آخوندی و عوامل آن نسبت به معرفی مشاور ویژۀ دبیرکل ملل متحد برای انتقال ساکنان لیبرتی به سایرکشورها، بار دیگر این حقیقت را به‌اثبات می‌رساند که رژیم ایران نه تنها خواهان انتقال ساکنان لیبرتی به کشورهای ثالث نیست بلکه از هیچ تلاشی برای کارشکنی در آن فروگذار نمی‌کند.

خانم رجوی پیش از این بارها اعلام کرده است که هدف واقعی آخوندها این نیست که مجاهدین، اشرف یا عراق را ترک کنند؛ هدف، نابودی فیزیکی مجاهدین یا تسلیم آنهاست، گزینه سومی در کار نیست. (گردهمایی بزرگ ایرانیان اول تیر۹۲، کنفرانس در مقر اروپایی ملل متحد ۲۸ شهریور، کنفرانس پاریس ۲۷ مهر۹۲).

۱- رسانه های رژیم آخوندی، در یک خبر کلیشه یی از معرفی مشاور ویژۀ دبیرکل با خشم و عصبانیت یاد کردند و نوشتند: «بان کی‌مون، با تعیین معاون اسبق وزیر امنیت داخلی آمریکا به سمت مشاور ویژه خود در امور جابه جایی مجاهدین، عملاً جنایات این گروهک تروریستی در دو

کشور ایران و عراق را نادیده گرفت. وی به جین هال لوت مأموریت داده برای مجاهدین مکان‌یابی کند و آنها را در جای جدیدی مستقر نماید» (خبرگزاری سپاه پاسداران "فارس"، روزنامه جمهوری اسلامی- ۱۷دی).

۲- شمار دیگری از رسانه‌های رژیم نوشتند: «این اقدام سازمان ملل درست پس از حمله اخیر به لیبرتی انجام شد. با توجه به این که کشورهای ثالث حاضر به پذیرش این فرقه نیست. . . . لذا به نظر می‌رسد اقناع سازمان ملل و کشورهای غربی برای توجه جدی به وضعیت این گروهک در کمپ لیبرتی و تسریع پذیرش آنها در کشورهای ثالث نیاز به پیگیری استراتژی مظلوم نمایی از جانب سرکردگان این گروهک است. از این لحاظ مجاهدین به هیچ وجه بدشان نمی آید حملاتی نیز به کمپ لیبرتی انجام شود و تعدادی نیز از مجاهدین قربانی شوند تا گروهک با پخش گسترده اخبار و تصاویر آن اروپا و آمریکا را نسبت به خروج مجاهدین از عراق و اسکان آنها در اروپا و آمریکا مجاب کند» (بولتن نیوز و جام نیوز ۱۷دی). این یک سناریوی عاری از ابهام برای افزایش حملات جنایتکارانه علیه ساکنان لیبرتی است.

۳- نوذر شفیعی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس آخوندها در همین رابطه گفت این «اقدام سازمان ملل در محافظت از مجاهدین، آنها را تشویق به افزایش اقدامات تروریستی می‌کند. . . . این موضوع مغایر با اهداف کلی سازمان ملل به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. . . . قطعاً حضور منافقین در کشور ثالث اقدام اشتباهی خواهد بود، کشورهای مختلف برای تقویت مناسبات خود با تهران باید از پذیرش این گروه تروریستی خودداری کنند» (خبرگزاری مجلس رژیم-۲۳دی).

۴- شبکه خبر تلویزیون حکومتی در یک مقاله طولانی در سایت خود نوشت: «بان کی‌مون، به خانم "جین هال لوت" مأموریت داده تا برای مجاهدین در پی مکان جدیدی برای اسکان باشد. . . کمک به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و مقابله با هر آن‌چه نظم و امنیت جامعه جهانی را به

چالش می‌کشد، مهمترین رسالتی است که سازمان ملل متحد برای تحقق آن به‌وجود آمده است، نه یافتن سرپناه برای یک گروهک گانگستر و تروریست. . . قرار گرفتن سازمان ملل در کنار این گروه اعتبار این سازمان و دبیرکل سازمان ملل را لکه‌دار می‌کند» (۲۴ دی).

۵- طبق تصریحات رسانه‌های رژیم یکی از هدفهای اصلی سفر وزیرخارجه رژیم آخوندی به کشورهای منطقه جلوگیری از پذیرش ساکنان لیبرتی بوده است.

- محمد حسن آصفری، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که از همراهان وزیر خارجه رژیم بوده است در این باره گفت: «ظریف در دیدار با مقامات اردنی نسبت به پذیرش اعضای مجاهدین موضع ایران را اعلام کرد» (خبرگزاری وزارت اطلاعات"مهر"- ۲۷دی).

- وی هم‌چنین تأکیدکرد: «در سفر به عمان نشستی با پادشاه، وزیر امور خارجه و نخست وزیر این کشور برگزار شد و در این دیدار جمهوری اسلامی ایران تأکید کرد که کشور عمان نباید گروهک منافقین را برای حضور در این کشور بپذیرد» (سایت خانه ملت، وابسته به مجلس رژیم-۲۹دی).

- رسانه‌های رژیم آخوندی هم‌چنین نوشتند یکی از مهمترین مأموریتهای وزیر خارجه رژیم در سفر به بغداد نیز «موضوع مجاهدین و تعیین تکلیف این فرقه بود» (بولتن نیوز- ۲۴ دی).

۶- رژیم آخوندها سفیران و نمایندگان خود را در کشورهای مختلف، به ویژه در اروپا موظف کرده تا مقامهای محل مأموریت خود را از پذیرش مجاهدان لیبرتی بر حذر داشته و تهدید کنند چنین اقدامی روابط سیاسی و اقتصادی با رژیم ایران را به خطر خواهد انداخت. آنها با انتقال اطلاعات دروغ و گمراه کننده به مقامهای کشورهای مزبور، انتقال مجاهدین به این کشورها را باعث ناامنی و آشوب و اقدامهای تروریستی معرفی می‌کنند.

۷- در مهر ماه گذشته رسانه‌های رژیم نوشتند: «در پی انتشار خبر پذیرش ۹۷تن در آلمان، گروههای متشکل از جدا شده‌های این سازمان

با ارسال نامه و ایمیل به مسئولان کلن و دولت آلمان با یادآوری اعمال خشونت‌آمیز اعضای این گروه نسبت به کنترل دقیق آنها هشدار دادند. . . و نام برخی تشکّلها در آلمان «که با ظاهر پوششی به فعالیت برای سازمان منافقین مشغولند» را به اطلاع این مقامات رساندند.

پیداست که نویسندگان این مطالب مأموران اطلاعات هستند که برای ساکنان لیبرتی اشک تمساح می‌ریزند و «رهبری مجاهدین» را متّهم به تعلّل در انتقال آنها به خارج عراق می کنند.

۸- در ۲۱شهریور، حقیقت پور «نایب رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس» رژیم گفت: «امیدوارم کل کره زمین از لوث وجود مجاهدین پاک شود» (خبرگزاری نیروی قدس- تسنیم).

۹- در ۲۲شهریور، آصفری عضو این کمیسیون گفت: «هر کشوری که به مجاهدین سکنی دهد ایران ارتباط خود را با آن قطع می کند» (تلویزیون رژیم).

۱۰- در ۲۳شهریور، پاسدار-سرتیپ اسماعیل کوثری، عضو دیگر این کمیسیون گفت: «هیچ کشوری حق ندارد به صورت متمرکز آنها را بپذیرد تا سازمان منسجم خود را حفظ کنند. ما در مجلس پیگیری خواهیم کرد تا همه را تحویل ایران دهند» (خبرگزاری مهر).

۱۱- در ۲۵شهریور، حسین نقوی، سخنگوی این کمیسیون اعلام کرد: «ایران نسبت به روابط خود با کشورهای پذیرنده منافقین تجدید نظر می کند» (باشگاه خبرنگاران وابسته به سپاه پاسداران). در روز ۲۳شهریور امام جمعه های بسیاری از شهرها ضمن تقدیر از دولت عراق به خاطر حمله به اشرف گفتند: هیچ کشوری نباید مجاهدین را به پناهندگی قبول کند بلکه باید اینها را به جمهوری اسلامی تحویل دهند.

۱۲- روزنامه کیهان ارگان خامنه‌ای در روز ۳۰ شهریور با صراحت از سیاست دو وجهی رژیم آخوندی یعنی بالابردن فشار و سرکوب در لیبرتی و ممانعت از انتقال ساکنان پرده برداشت و نوشت: «دولت باید به طور

مستمر با مقامات عراقی در حال رایزنی برای اخراج کامل منافقین از خاک این کشور و تعطیلی کمپ لیبرتی باشد. با توجه به این که دولت مستقر در عراق روابط نزدیکی با ایران دارد انجام این مهم کار چندان سختی نیست». سخنگوی خامنه‌ای افزود «رئیس جمهور و وزیر امور خارجه کشورمان باید این پیام صریح و قاطع را به دولتهای جهان و به خصوص کشورهای منطقه ارسال کنند که جمهوری اسلامی ایران هرگز به هیچ کشوری اجازه نمی دهد این گروهک تروریستی را در خاک خود مستقر کند و در صورت چنین اقدامی باید منتظر عواقب سیاسی و اقتصادی و احیاناً امنیتی آن نیز باشد».

۱۳- پیش از آن نیز رژیم آخوندی برای جلوگیری از پذیرش مجاهدین در سایر کشورها بطور گسترده تلاش می کرد. منصور حقیقت‌پور، نایب رئیس کمیسیون امنیت مجلس آخوندها در روز ۲۸ اسفند۹۱ گفت: در صورتی که آلبانی مجاهدین را بپذیرد، سفیر این کشور به وزارت خارجه احضار خواهد شد. وی تأکید کرد: این اقدام در سطح روابط تجاری دو کشور نیز تاثیر خواهد گذاشت (خبرگزاری مجلس رژیم- ۲۸ اسفند۹۱).

۱۴- پس از انتقال اولین گروه به آلبانی تهدیدهای رژیم آخوندی ابعاد بیشتری به خود گرفت:

- تلویزیون حکومتی شبکه خبر در روز ۲۹ اردیبهشت تهدید کرد: «کارشناسان معتقدند، با حضور این عده در آلبانی، کشورهای بالکان در آینده شاهد بمب‌گذاریها و خرابکاریهای سودمند برای آمریکا و رژیم صهیونیستی خواهد بود».

- روزنامه حکومتی قدس در همان روز به تهدید نخست وزیر آلبانی پرداخت و نوشت: «دستگاه دیپلوماسی ما باید سالی بریشا را متوجه این رفتار خطرناک او در قبال کشور و مردمش و روابط دوجانبه‌اش با تهران بنماید».

- سید باقر حسینی، نماینده مجلس رژیم نیز در همان روز خطاب به دولت آلبانی گفت: مجاهدین «نه تنها برای منافع ملی آنها خطرناک است

بلکه می‌تواند برای کل منطقه مخاطره ایجاد کند» (خبرگزاری مجلس رژیم- ۲۹ اردیبهشت).

-محمدرضا ثانی، رئیس کمیسیون امنیت مجلس رژیم گفت: پذیرش مجاهدین. . . . نه‌تنها وجهه‌یی برای آلبانی ندارد بلکه در دراز مدت برای این کشور تبعاتی امنیتی به همراه خواهد داشت (سایت خانه ملت وابسته به مجلس رژیم-۳تیر).

۱۵- خرابکاری رژیم در انتقال مجاهدین به کشورهای دیگر در حالیست که با دولت دست نشانده و مأموران و مزدورانش در عراق برای اقدامهای سرکوبگرانه و حملات موشکی بیشتر علیه ساکنان لیبرتی برنامه ریزی می‌کند. در اطلاعیه ۲۹آذر ۱۳۹۲ مقاومت خاطرنشان شده است مالکی در سفر به ایران با همه شرایط رژیم برای حمایت از دور سوم نخست وزیری‌اش از جمله موارد زیر موافقت کرده است.

- «آزادی عمل کامل اطلاعات و نیروی قدس در عراق علیه مجاهدان»
- «تشکیل یک مقر نیروی قدس در نزدیکی لیبرتی»
- «تشدید فشار و اقدامهای سرکوبگرانه علیه مجاهدین در لیبرتی»

۱۶- در اطلاعیه های دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در روزهای ۱۷و ۱۸ و ۱۹ دی طرحهای رژیم آخوندی و مالکی برای حمله و کشتار در لیبرتی فاش شده است. در این اطلاعیه ها تصریح شده است که نیروی قدس در هماهنگی با حکومت عراق درصدد حمله مجدد به لیبرتی با موشکهای بیشتر و قدرتمندتر است. شمار قابل توجهی از افسران نیروی قدس همراه با موشکهای حرارتی به فرودگاه بغداد وارد شده‌اند و هماهنگی برای انتقال موشکهای جدید و سکوهای پرتاب آنها توسط ارگان مشاور امنیت ملی مالکی انجام می‌شود. مالکی دستور داده است نیروهای «سوات» و لشگر کثیف، در حوالی لیبرتی مستقر و در صورت بحرانی شدن وضع علیه مجاهدین عمل کنند.

۱۷- در روز ۱۸ دی اطلاعات آخوندها اعلام کرد شرایط کنونی عراق

یک «فرصت استثنایی عراق برای نابودی همزمان داعش و سازمان مجاهدین» است. هابیلیان شعبه شناخته شده اطلاعات با سر هم بندی کردن اکاذیبی مانند اینکه مجاهدین «همیشه پشتیبان گروه های تروریستی مانند داعش بوده» نتیجه گیری کرد «ضروری است تا دولت عراق همزمان با تلاش برای نابودی تروریستهای القاعده، به طور جدی به فرصت مهم و ناب خشکاندن زمینه حمایت منافقین از این تروریستها بیاندیشد» (سایت وزارت اطلاعات "هابیلیان")

۱۸- کمیسیون امنیت و ضد تروریسم شورا در روز ۱۳ دی اعلام کرد: به دنبال چهارمین حمله موشکی به لیبرتی، شعبه اطلاعات آخوندی موسوم به انجمن نجات و مزدوران آن، تحت عنوان خانواده ساکنان و به بهانه اطلاع از اسامی مجروحان، در صدد گردآوری اطلاعات جزیی تاکتیکی و عملیاتی از نتایج حمله ۵ دی، برای طراحی دقیقتر حملات بعدی هستند. پس از حمله، وزارت اطلاعات مأمورانش را موظف کرد با مکاتبه با سازمانهای بین المللی و ابراز نگرانی از سلامتی بستگانشان در لیبرتی خواستار «اعمال فشار بر رهبران سازمان مجاهدین برای اعلام اسامی زخمی‌ها» شوند.

۱۹- همزمان رژیم آخوندی تلاش می‌کند با فرستادن مزدوران خود به کشورهای اروپایی علاوه بر جاسوسی و پخش اطلاعات دروغ و شیطان سازی، راه انتقال مجاهدین به این کشورها را ببندد.

۲۰- اطلاعیه ۱۱آذر کمیسیون امنیت فاش کرد یکی از همین مزدوران به نام احسان بیدی در روز ۲۴مهر ۹۲ زیر عنوان پناهنده و «عضو سابق مجاهدین» با پاسپورت ایرانی به شماره ۱۶۳۵۹۰۷۲ وارد آلبانی شده است. این پاسپورت که از سوی وزارت اطلاعات و در روز ۸ بهمن ۱۳۹۱ صادر شده ۵ سال اعتبار دارد و به روشنی نشان می دهد پناهندگی در مورد این فرد هیچ موضوعیتی ندارد.

از آنجایی که حقایق فوق هیچ تردیدی در نیات شوم رژیم آخوندی و دولت دست نشانده اش در عراق برای نابودی ساکنان لیبرتی یا وادار کردن آنها به تسلیم باقی نمی‌گذارد، مقاومت ایران خواستار مداخله فوری آمریکا و ملل متحد و طرح موضوع در شورای امنیت و اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا برای تأمین امنیت و سلامت ساکنان تا زمان انتقال همه آنها به اروپا یا آمریکاست.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۳۰دی۱۳۹۲(۲۰ژانویه ۲۰۱۴)

علاوه بر رژیم، دو دولت پشتیبان آن با قراردادها و باجهای کلانی که از جیب ملت ایران از رژیم گرفته بودند، مشخصاً آلبانی را تهدید می‌کردند که نباید کسی از این مجاهدین "مارکسیست اسلامی" و "خشونت‌طلب"و "سکت" دارای سابقه "تروریستی" را بپذیرد. مگر کسانی را که کوبلر و مأمورانش یا کمیساریا از هتل مهاجر بغداد لیست می‌دادند. جایی که تحت کنترل اطلاعات آخوندها و نیروی قدس بود.

حالا حرف مجاهدین چیست؟

طبق همان مثال تاریخی امام حسین که از تکرارش خسته نمی‌شویم، به‌شمر و یزید زمانه، یعنی به‌مالکی و خامنه می‌گویند: راه را باز کن تا همه بروند و همین امروز هم بروند و این جنگی است که تا پایان بین ما و رژیم ادامه دارد...

معلوم است و پیوسته گفته‌ایم که رژیم هم می‌خواهد ما را قتل‌عام کند و هم به‌گردن خودمان بیندازد. اما تابه‌حال شکست‌خورده است. در این مورد گفتنی و فاکت و نمونه زیاد است، اما الآن موضوع مبرم ما این نیست. موضوع مبرم، راهگشایی و حرکت روبه‌جلو، در وضعیت بحرانی و متغیر است. صورت مسأله این است که چگونه می‌توان دشمن را پس نشاند و غافلگیر کرد.

یادش به‌خیر، هم‌سنگر و یار وفادار، منصور قدرخواه، هنرمند عضو شورا که در پیامش در مورد فرمانده حسین ابریشمچی و یاران زنده و جاوید او که در ماهواره خوانده شد به‌مهدی (ابریشمچی) برادر بزرگتر حسین نوشته بود:

نشاید نشستن
نشاید خمیدن
نشاید که خفتن

و نوشته بود که لطفاً تسلیت و تبریک مرا بپذیرید با چشمانی پر از اشک و قلبی به‌شدت مجروح، شما را در آغوش می گیرم و به‌شما با تمام

وجود افتخار می‌کنم .

می‌بینید که صورت مسأله این است که آیا این مجاهدین بقیه راه را هم می‌توانند با همین صلابت و اقتدار و توانمندی و هوشیاری در این قطب‌بندی منطقه‌یی و جهانی طی کنند یا خیر؟

گوش کنید! ما همه گونه آتش و حرکت سیاسی در پیش داریم. مانور به‌معنای نظامی و علمی و سیاسی و فنی آن و نه به‌معنی ژست بی‌محتوا گرفتن؛ معلومست که در میان مین‌زار سیاسی و بین‌المللی حرکت می‌کنیم، معلومست که می‌خواهیم کاری بکنیم که تا آنجا که ممکن است رژیم منزوی بشود. می‌خواهیم کاری بکنیم که دشمن نتواند بهانه‌یی به‌نفع رژیم و علیه ما بگیرد. می‌خواهیم رژیم را در همه زمینه‌ها از غلطهایی که می‌کند، پشیمان کنیم.

راستی این کارها برای چیست؟ برای ارتش آزادی مردم ایران است. برای حفظ مؤسسان چهارم در وضعیت و ظرف مناسب است. برای سرنگونی است. آیا راه ساده و همواری در پیش داریم؟ خیر!

خوب می‌دانید که از سال۸۲ تا امروز ۱۲سال و ۹ماه چه خون جگری خورده‌ایم. آیا یک روز و یک شب هم بوده که جنگی نداشته باشیم و آسوده بخوابیم؟ خیر! آیا کاری بوده که رژیم و سگ‌های زنجیری‌اش علیه مجاهدین و شورای ملی مقاومت ایران نکرده باشند؟ خیر!

دشمن و عوامل آن در پوششهای مختلف می‌خواستند شما یا نابود، یا تسلیم شوید. اما شما شیطان ضدبشر را تابه‌حال واپس نشانده‌اید:

إنَّ عِبَادی لَیسَ لَک عَلَیهِمْ سُلْطَان ۱۷

باشدَ که از این پسَ هم، چنین باشیم. باشد که در بالا و پایینی‌های روزگار مجاهد بمانیم و مجاهد بمیریم...

بعد از حملهٔ موشکی، رژیم و کمیته سرکوب مجاهدین در حکومت عراق به‌این چشم دوخته بودند که با قطع سوخت و لجستیک و حتی

۱۷- سورهٔ الحجر، آیهٔ ۴۲

ممانعت از تردد ماشینهای خدمات شهرداری خودمان، روحیهٔ مجاهدین را تضعیف کنند تا بعد هم طبق معمول نوبت به‌خانوادهٔ وزارتی برسد. اما اینها دیگر برگهای سوخته است. برای حملات محتمل زمینی و هوایی هم باید آماده شویم.

ارزش کیفی هر شهید برای مجاهدین قابل اندازه‌گیری نیست. رژیم می‌خواست همه را قتل‌عام کند. اما کل آمار شهیدان و گروگانها و صدیقانی که در محاصره جان باختند، هم‌چنان‌که در نشست قبلی بحث شد، در مجموع در این ضرب‌الاجلها و سلسله حملات متعدد، کمتر از ۵درصد بوده است. کاش هیچ شهیدی نمی‌داشتیم. اما این که خیلی بیشتر از این نشده ناشی از عنصر مجاهدی و ارزشهای انقلاب مریم است که سنگ بنای آمادگی و هوشیاری و جنگ صد برابر و باطل السحر همه توطئه‌هاست.

مبارزهٔ ایدئولوژیک به‌معنی جهاد اکبر در صدر همه جنگهای ماست. این‌جاست که باید به‌شورای مرکزی و به‌تشکیلات پولادین برادران درود فرستاد. چرا که در ۷حملهٔ سنگین و خونین ثابت کردند با دست خالی هم چه توانایی شگفتی دارند. بله، در کارزار تعیین‌کننده ای که در لیبرتی در جریان است. پیروزی پیشاپیش مبارک.

الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا... ۱۸

۱۸- سورهٔ فصّلت، آیهٔ ۳۰

فصـــل سوم

خونهای شعله‌ور شهیدان
در پرتو مهر تابان
راهگشا در میانهٔ طوفان

آماده باش
برای حرکت مؤسسان چهارم
بسوی پایگاه امن

۲۸آذر۱۳۹۴

سلام و درود به‌یکانهای آمادهٔ فدایی!

از نشست قبلی تا امروز دو هفته گذشته و در این مدت پشت سر هم وقایعی است که باید جمع بزنیم و نتیجه‌گیری کنیم و برای الزامات آن آماده باشیم. تقریباً دو هفته هم تا پایان سال میلادی باقیست. می‌خواهیم ببینیم چشم‌انداز سال۲۰۱۶میلادی و سال۱۳۹۵ خودمان که ۳ماه دیگر شروع می‌شود، چیست و چه تابلوهایی وجود دارد. برای این تابلوها باید پیشاپیش آمادگی ذهنی و عملی داشته باشیم. هدف این است که از دشمن جلو بیفتیم.

نگاهی به‌مهمترین وقایع در رابطه با مجاهدین

ابتدا وقایع و اخبار مربوط به‌خودمان را در فاصله دو نشست مرور کنیم. هر چند که همه در جریان هستید. اما چیدن خبرها به‌ترتیب توالی آنها پشت یکدیگر برای جمعبندی و نتیجه‌گیری لازم است.

۱- بعد از اجماع بین‌المللی علیه حملهٔ موشکی، به‌راستی که خون شعله‌ور شهیدان در پرتو کارزار جهانی مهر تابان، باعث شده است که شما در لیبرتی یکی پس از دیگری خطوط قرمز رژیم را در هم بشکنید. از وادار کردن کمیته سرکوب به‌ورود ۱۰۰۰دیوار قطور

سیمانی به‌عنوان سپر در برابر حملات موشکی بعدی تا ورود ماشین‌آلات در همین حد محدود و کیسه‌های شن که تا کنون ممنوع بود. حالا وحوش استخبارات که همان قاتلان مجاهدین هستند، شکایت کرده‌اند که مجاهدین ما را به‌داخل کمپ راه نمی‌دهند و به‌همین خاطر دوربینهای جدید جاسوسی نصب کرده‌اند تا ببینند چه خبر است!

POLICE

البته که آنها را راه نمی‌دهیم و این خط قرمز ماست و تابه‌حال هم هر وقت که استخبارات و دژخیمان آن خواستند وارد بشوند با تجمع و اعتراض و شعارهای مجاهدین مواجه شده و صرف‌نظر کرده‌اند. آنها خوب می‌دانند که عبور از این خط قرمز با عکس‌العمل برحق مجاهدین مواجه می‌شود. یعنی که درگیر می‌شویم، خلع‌سلاح می‌کنیم و اگر شلیک کردند ما هم با سلاحهای خودشان شلیک می‌کنیم تا حساب کار دستشان بیاید. بعد از آنچه در ۱۰شهریور ۹۲ در اشرف گذشت دیگر در این زمینه شوخی نداریم. مجاهدین قیمت آن را می‌دانند و هر کس که قانون را نقض کند و پا از گلیمش فراتر بگذارد، بایستی بر جای خود بنشانند.

در لیبرتی در تمام شبانه‌روز راه برای بازدیدهای سرزده تیمها و مأموران یونامی و کمیساریا در همه جا باز است. علاوه بر این دورتادور قرارگاه را از داخل و خارج آن نیروهای پلیس و ارتش عراق فراگرفته‌اند و در چندین متری هر کس، یک پست پلیس یا ارتش مستقر است.

STOP
قف

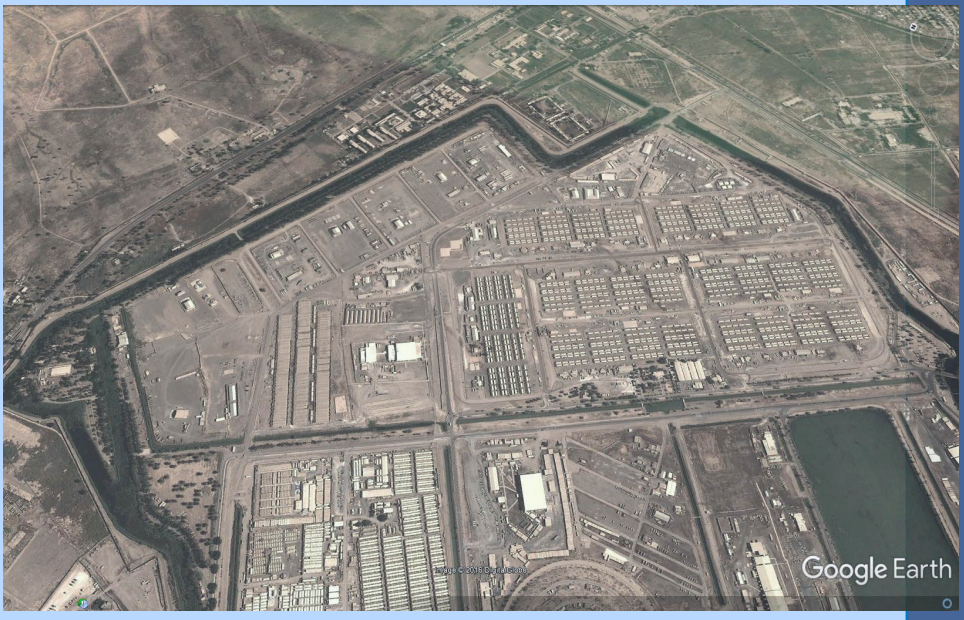
Google Earth

خیابان
۱۰۰

بنابراین آنچه ما به‌عراقیها اجازه می‌دهیم، در شبانه‌روز یک یا دو بار آمد و رفت پلیس فدرال در خیابان اصلی یعنی خیابان ۱۰۰ است. بیشتر از این، دیگر گشت حفاظتی و امنیتی نیست، جاسوسی و شناسایی و تدارک برای حملات بعدی موشکی یا زمینی است. وانگهی طبق مادهٔ دوم قسمت سوم یادداشت تفاهم که به‌امضای کوبلر به‌عنوان نماینده دبیرکل و فالح فیاض به‌عنوان مشاور امنیتی حکومت عراق رسیده، افسران مسئول حفاظت مجاهدین طبق قوانین بین‌المللی باید زیر نظر ملل‌متحد آموزش ببینند.

Memorandum of Understanding

between the Government of the Republic of Iraq

and the United Nations

In accordance with the principle of the sovereignty of the Republic of Iraq and based on its Constitution; and

In compliance with its commitments under the rules of International Human Rights Law, and

In view of the Government of the Republic Iraq's decision to find a peaceful and durable solution by transferring the individuals of Camp New Iraq to the temporary transitional location (Camp Liberty), in preparation for their departure from the territory of the Republic of Iraq, and

In order to facilitate the repatriation to the home countries of those wishing to do so voluntarily or resettlement in other countries, and

Considering the impartial and facilitating role of the United Nations,

The Government of the Republic of Iraq and the United Nations agree to the following:

First: Mechanisms for Transport to the (Temporary) Transit Locations

A. The Government of the Republic of Iraq shall ensure the following:

1. The safety and security of the temporary transit location in the Yamama Hotel at Abu Nousass Street.
2. The safety and security of Camp Liberty.
3. Easy access for the UN to the temporary transit locations.
4. Safe transportation for the movement of individuals of Camp New Iraq to the temporary transit locations.

B. The Government of the Republic of Iraq shall facilitate the performance by United Nations of the following tasks:

1. Conduct of security assessments of Grizzly Base, security units' location outside the Lion's Gate, the temporary transit location in Abu Al-Nuwwas Street and in Camp Liberty (the final temporary transit location).

2. Monitor the transit process from Camp New Iraq to the temporary transit locations, including the departure of the residents from Camp New Iraq, their arrival and entry into Camp Liberty.
3. Monitor the temporary transit locations.

C. Those Camp New Iraq residents with passports and links to other countries will be treated as priority cases for the transfer to Camp Liberty.

Second: Verification Processes in Camp Liberty:

A. the UNHCR Verification processes aims at:

1. Identifying and recording the wishes of individuals (individuals of Camp New Iraq) either to return voluntarily to the Islamic Republic of Iran or to depart to other countries.
2. Verifying the identification papers of the individuals of Camp New Iraq and registering them in its data base.
3. The verification process will be completed within a period not exceeding 3 weeks from the date that all necessary equipment for the conduct of the verification process is installed at Camp Liberty.

B. The Government of the Republic of Iraq agrees that UNHCR may carry out the verification process at Camp Liberty and shall facilitate its doing so.

Third: Management of the Temporary Transit Locations

A. The Government of the Republic of Iraq shall undertake the management of the temporary transit locations, and shall ensure the following:
   1. The transit locations meet humanitarian and human rights standards.
   2. The security of those accommodated at the transit locations and of United Nations personnel carrying out their duties at or near those locations, to be ensured through officers trained for this purpose with the assistance of the United Nations.
   3. Accommodation infrastructure, hygiene facilities, medical care and facilities for religious observance while taking into consideration the "separation between the sexes" in Camp Liberty. The Government shall allow internal and external communication in accordance with the Iraqi laws.
   4. The Government shall facilitate and allow the residents, at their own expense, to enter into bilateral contact with contractors for provision of life support and utilities such as water, food, communications, sanitation, and maintenance and rehabilitation equipment. The Government shall allow residents to move their individual movable assets from Camp New Iraq into Camp Liberty. The Government of the Republic of Iraq shall allow the entry of an adequate number of vehicles for transportation within the camp.

B. The Government of the Republic of Iraq shall permit the United Nations to carry out monitoring of the human rights and humanitarian situation in the temporary transit locations and shall establish procedures for the reporting of complaints.

Fourth: Procedures at Camp Liberty

A. The Government of the Republic of Iraq shall permit and facilitate UNHCR to conduct interviews with the residents of the Camp to identify their status in accordance with its mandate and its operational rules.
B. The Government of the Republic of Iraq shall facilitate consular visits to the individuals of Camp New Iraq at Camp Liberty.

Fifth: The Repatriation or Resettlement of the individuals of Camp New Iraq

A. The Government of the Republic of Iraq, with the assistance of the United Nations shall:
    1. Request the Islamic Republic of Iran to provide assurances to returnees
    2. Facilitate the safe return to the Islamic Republic of Iran of those voluntarily wishing to return there at any time.
    3. Encourage diplomatic missions to repatriate individuals to the countries with which they are affiliated.
    4. Mobilize the international community to accept the individuals of Camp New Iraq in other countries.
    5. Identify persons from the Government of the Republic of Iraq who can be contacted in cases of emergency and who can be reached at anytime.

B. The Government of the Republic of Iraq shall:
    1. Accompany departing individuals of Camp New Iraq to the departure points or borders.
    2. Protect the security of United Nations personnel.
    3. Commit to *non-refoulement* of the individuals of Camp New Iraq to Iran.

Sixth: The Government of the Republic of Iraq shall ensure the substantial involvement of its Ministry of Human Rights in the process including the provision of a liaison officer from the Ministry of Human Rights 24/7 for referral of incidents to the Government of the Republic of Iraq for appropriate action.

Seventh: Determination of refugee status by UNHCR in accordance with its mandate does not necessarily entail conferral of refugee status by the Government of the Republic of Iraq.

Eighth: The Government of the Republic of Iraq and the United Nations shall consult with each other, at the request of either of them, on any difficulties, problems or matters of concern that may arise in the course of the implementation of this memorandum of understanding.

Ninth: This memorandum of understanding shall enter into force as of the date of its signature.

Tenth: This memorandum of understanding is concluded in two original copies in Arabic and English, each text being equally authentic.

DONE at Baghdad this 21 day of December, 2011 AD/ this _____day of - _____, _____ AH

First Party
The Government of the Republic of Iraq
Represented by

Falih Al-Fayyadh
National Security Advsior

Second Party
The United Nations
Represented by

Martin Kobler
Special Representative
of the Secretary-General for Iraq

اما این ماده را کوبلر و فالح فیاض در عمل نقض کرده‌اند و باید در دادگاه بین‌المللی پاسخگو باشند. بنابراین دیگر درخواستهای اضافی و ورود قاتل و دزد و جاسوس به‌محلهای مجاهدین، نداریم و جلوی آن را می‌گیریم.

این را هم می‌دانیم که استخبارات پشت صحنه با پلیس فدرال به‌شدت درگیر و شاکی است که چرا با مجاهدین اینقدر سمپاتیک و محترمانه رفتار می‌کنند. واضح است که استخبارات درصدد بهانه‌گیری از پلیس اتحادیه و تغییر آن و جایگزین کردن آن با وحوش ۹ بدری و مزدوران نیروی قدس یا لشگر کثیف است اما مجاهدین نمی‌گذارند.

حالا اگر کمیتهٔ سرکوب می‌خواهد ببیند در داخل قرارگاه چه خبر است و مجاهدین چه می‌کنند و به‌همین خاطر دوربینهای جدید جاسوسی و آنتن‌های شنود هر چه بیشتر نصب کرده است، خیلی ساده و روشن می‌گوییم که :

- خبر در این‌جا، ایستادگی و قهرمانی و لشکرهای فدایی۳۱۳ است.

- خبر در این‌جا، عزم جزم مجاهدین برای سرنگونی رژیم ولایت‌فقیه به‌هر قیمت است؛ هر چند هم به‌درازا بکشد.

۲- هم‌چنان‌که می‌دانید و دیدید در روزهای۲۹ و ۳۰آبان و اول آذر مزدوران صادراتی رژیم تحت عنوان خانوادهٔ مجاهدین با اسکورت وحوش استخبارات ۳روز به‌لیبرتی آمدند و مجاهدین را محاصره کردند و با جست و خیزهای میمونی، هر چه خواستند دشنام دادند. به‌این موضوع در نشست قبلی اشاره کردیم. اما در آن زمان ما هنوز نامهٔ وزارت‌خارجه آمریکا در این خصوص را دریافت نکرده بودیم که در ادامه به‌آن خواهیم پرداخت.

احمد قاتل

خانواده غلامعلی نریمی
درخواست ملاقات دارد

مجاهدین هم مأموران قدس و اطلاعات آخوندی را به‌دقت شناسایی کردند تا زمانی که در برابر عدالت و قانون قرار بگیرند و به‌ازای مجاهدینی که در خون غلتیدند، به‌کیفر شایسته خود برسند.

فضیحت به‌حدی بود که برای پوشش دادن به‌مزدوران، یکی از مأموران رژیم در پارلمان عراق به‌نام ارشد صالحی و مزدور دیگری به‌نام همام حمودی از سپاه ۹بدر پاسداران انقلاب اسلامی، در ۴آذر آنها را به‌مجلس عراق بردند تا به‌قول خودش موضوع مجاهدین به‌پارلمان احاله و ارجاع شود. البته تمام مردم عراق می‌دانند تا آنجا که به‌رژیم آخوندها مربوط می‌شود، از پارلمان عراق چیزی مشابه اصطبل خبرگان و مجلس رژیم با «اعتقاد قلبی و التزام عملی به‌ولایت فقیه» می‌خواهد ولاغیر.

۳- جمعه ۶آذر، مشاور ارشد وزارت‌خارجه آمریکا در مورد انتقال و بازاسکان مجاهدین به‌نمایندهٔ مجاهدین دربارهٔ حضور مزدوران در لیبرتی تحت عنوان خانواده‌های مجاهدین نوشت:

Sent: Friday, November 27, 2015 3:40 PM

Subject: Security at Camp Hurriya

Thank you for writing me to express your concern about conditions at Camp Hurriya, which include both the ongoing security issues that have been identified by the Residents there and further concerns arising from recent visits of Iranians outside the Camp who say they are family members of those at the Camp.

The United States understands from the many letters we have received from members of the MEK, family members of the MEK, and supporters of the MEK, that the Residents view the presence of the Iranians outside the Camp as part of a campaign of intimidation and harassment of the Residents by agents of the Government of Iran. A number of the letters I have received have further stated that their presence may also be used as part of the preparation for further attacks on the Residents by agents of Iran.

Our government is deeply concerned about these allegations, as well as about the overall security risks at Camp Hurriya. The U.S. has repeatedly pressed both UNAMI and the Government of Iraq to take all appropriate steps to address the security deficiencies, and to ensure that the additional concerns expressed by the Residents are taken into account by the Iraqi government, which remains responsible for their safety. Our contact with the Iraqis over these issues is ongoing, and reflects the messages we have heard from the MEK and from its supporters.

Meanwhile, I continue to focus on my own area of responsibility which is to resettle as many people out of Camp Hurriya as possible, as quickly as possible, to other countries, as they cannot be made safe in Iraq. We have had some success. By the end of this year, we expect roughly one-third of all of the residents who had been at Camp Hurriya – more than 1000 people - to have been safely resettled out of the Middle East. We are working to accelerate the current pace of departures further, and are in ongoing discussions with all of those involved in the resettlements in an effort to resettle all of those remaining in Camp Hurriya during 2016. I cannot predict when we will succeed in this, I can only tell you we are working hard to achieve this.

Sincerely,

Senior Advisor for MEK Resettlement

U.S. Department of State

SBU

«...ایالات متحده از نامه‌های زیادی که از اعضای مجاهدین، اعضای خانواده‌های مجاهدین و هـواداران مجاهدین دریافت کرده، این‌طور می‌فهمد که ساکنان، ایرانیانی که در بیرون کمپ هستند را بخشی از کارزار اذیت و آزار ساکنان توسط مأموران دولت ایران می‌دانند. تعدادی از نامه‌هایی که من دریافت کرده‌ام هم‌چنین نوشته‌اند که حضور این افراد ممکن است به‌عنوان بخشی از آماده‌سازی برای حملات بیشتر روی ساکنان، توسط مأموران ایران استفاده شود.

دولت ما عمیقاً نگران این اتهامات و هم‌چنین نگران خطرات عمومی امنیتی کمپ حریه است. آمریکا مستمراً یونامی و دولت عراق را تحت فشار قرار داده است تا قدم‌های مناسب را برای پرداختن به‌کمبودهای امنیتی بردارند و تضمین کنند دولت عراق که کماکان مسئول امنیت ساکنان است، به‌نگرانی‌های بیشتر که توسط آنها ابراز می‌شود، می‌پردازد. تماس ما با عراقی‌ها در مورد این موضوعات هم‌چنان ادامه دارد و منعکس‌کنندهٔ پیامهایی است که ما از مجاهدین و از هواداران آنها دریافت کرده‌ایم...».

۴- در روز ۹آذر بیش از۱۰۴۰حقوقدان و وکیل مدافع،، طی بیانیه‌یی حضور عوامل وزارت اطلاعا ت ایران، تحت پوشش دروغین خانوادهٔ مجاهدین در لیبرتی و پارلمان عراق را افشا و محکوم کردند. حقوقدانان در بیانیه خود گفته‌اند:

«انتقال گروهی از عناصر وزارت اطلاعات ایران، تحت پوشش دروغین خانوادهٔ ساکنان لیبرتی در روز ۲۵نوامبر به‌پارلمان عراق که توسط فالح الفیاض و عباس البیاتی از عوامل شناخته شده رژیم ایران در پارلمان عراق که در همدستی آشکار با سفارت رژیم ایران در بغداد صورت گرفت، بر اساس تجربیات خونین گذشته، یک اقدام غیرقانونی و قطعاً به‌منظور زمینه‌سازی سیاسی برای مشروع جلوه دادن اقدامات تروریستی احتمالی بعدی علیه لیبرتی است...

همام حمودی که برای به‌اصطلاح خانواده‌های ساکنان کمپ لیبرتی دل می‌سوزاند، چرا از موضع نایب اول رئیس پارلمان عراق، موشکباران جنایتکارانه علیه کمپ لیبرتی در ۲۹اکتبر گذشته را که منجر به‌کشته شدن ۲۴تن و مجروح شدن قریب به‌یکصد تن شد را محکوم نکرد؟

خانواده‌های واقعی ساکنان اشرف و لیبرتی از اول ژانویه۲۰۰۹ که نیروهای نخست‌وزیر سابق عراق مسئولیت حفاظت اشرف را از نیروهای آمریکایی تحویل گرفتند در سراسر جهان در انتظار اخذ ویزا برای سفر به‌عراق جهت دیدار عزیزانشان هستند، ولی چرا سفارتخانه‌های عراق از دادن ویزا به‌آنها خودداری می‌کنند؟ هم‌اکنون ۴۰۰نفر از این خانواده‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکا در انتظار اخذ ویزا برای سفر به‌عراق و دیدار عزیزانشان در لیبرتی هستند.

قدر مسلم این است که همام حمودی نه به‌قوانین و عرف بین‌الملل و نه به‌قوانین عراق التزام ندارد. اگر ملتزم بود این کار غیرقانونی را مرتکب نمی‌شد. کسانی که حمودی به‌عنوان خانواده با آنها دیدار داشته، زمینه‌ساز چند کشتار ساکنان بی‌دفاع اشرف و لیبرتی توسط ایادی رژیم ایران بوده‌اند. آخرین آن در شامگاه پنجشنبه ۲۹اکتبر ۲۰۱۵ بود...

ما از وزارت خارجه عراق می‌خواهیم که تسهیلات لازم برای ورود نمایندگان «کمیتهٔ در جستجوی عدالت» به‌ریاست پروفسور الخو ویدآل کوادراس، عالیجناب استیونسون مسئول بنیاد اروپایی برای آزادی عراق، نمایندگانی از تجمع حقوقدانان مستقل عراقی، نمایندهٔ هیأت عربی ـ اسلامی، به‌ریاست نخست‌وزیر سید احمد غزالی را فراهم سازد».

بله، حالا دیگر همهٔ دنیا، از عراق تا آمریکا و مخصوصاً در داخل ایران، پس از کشتارهای اشرف و لیبرتی، ۶سال بعد از بازی کثیف مزدوران ارتجاع، تحت عنوان خانوادهٔ مجاهدین، به‌روشنی می‌دانند که این ترفند اطلاعات بدنام آخوندها و انجمن‌های نجاست همین اطلاعات است.

خانواده مجاهدین یا مزدوران ارتجاع؟

پیام به مجاهدان شهر شرف- مسعود رجوی

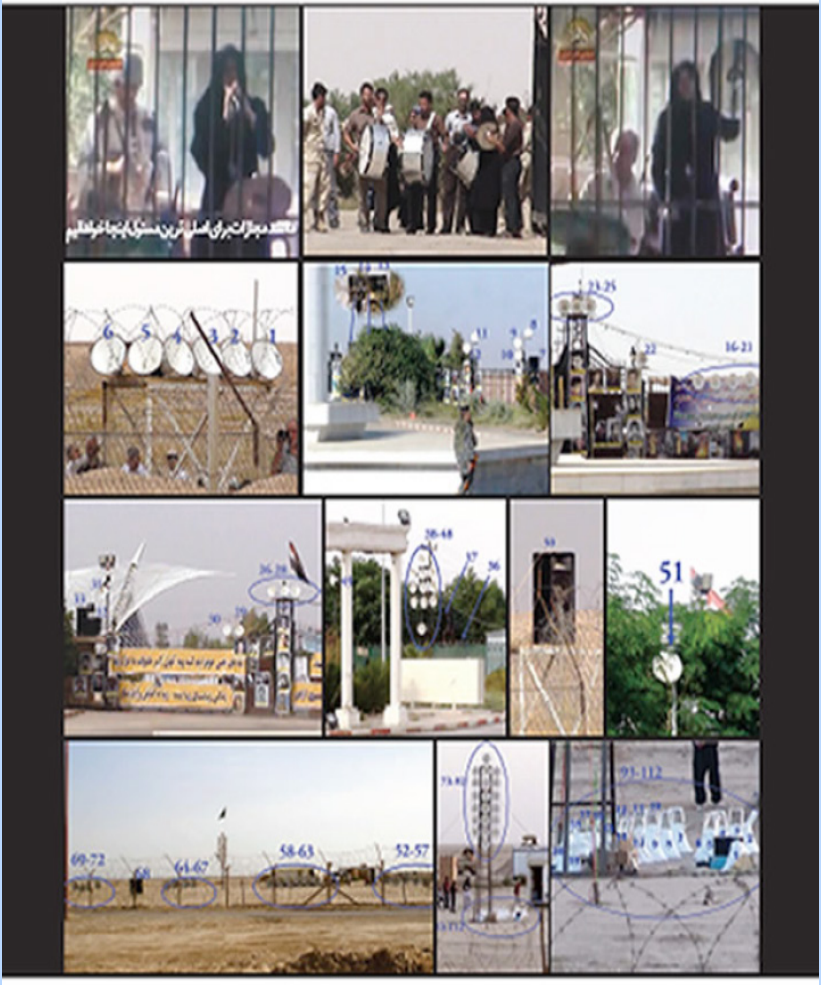

قاتلان و دژخیمان مجاهدان اشرف و خلقهای ایران و عراق

شاخص خانوادهٔ مجاهدین؛ مشوق مبارزه با شاه و شیخ

خون مجاهدین در اشرف و لیبرتی، مرز سرخ میان مزدوران ارتجاع و خانواده مجاهدین را به‌برجسته‌ترین صورت ترسیم کرده و دیگر هیچ‌کس نمی‌تواند خود را در این زمینه به‌نافهمی بزند.

هر کس که می‌خواهد یک نفر از مجاهدین یعنی نیروی جنگندهٔ ضد رژیم ببَرد و نادم و تسلیم شود، بدون شک، بالفعل در جبهه رژیم و همخط این رژیم است.

در مقابل خانوادهٔ حقیقی مجاهدین از همان سال ۱۳۵۰ و اولین دادگاه علنی تا امروز کسی است که مشوق مبارزه مجاهدین با شاه و شیخ بوده است. از مادر و پدر رضایی‌های شهید تا مادر و پدر ناصر صادق و هزاران و هزاران ناصر و صادق دیگر...

صحبت‌های دو هفته پیش دکتر ملکی نخستین رئیس دانشگاه تهران بعد از انقلاب ضد سلطنتی بر سر مزار مادر داعی، هر آدم باوجدان و با شرفی را میخکوب و مو بر اندامش راست می‌کند. این هم یکی دیگر از آثار شعله‌ور شدن خون شهیدان، از لیبرتی تا قلب تهران و سراسر ایران است.

ضمناً او از طرف شما قول داد که تا دو ماه دیگر لیبرتی را زیباتر از اول می‌سازید. گوش کنید که خط قرمز بین خانوادهٔ مجاهدین و مزدوران ارتجاع را چقدر رسا و گویا ترسیم می‌کند:

در وصف این زنی که، انسانی که در طول زندگیش واقعاً زینبی زیست چی بگویم. واقعاً زینبی زیست و فرزندانی تربیت کرده تحویل جامعه داده، نه تنها فرزندان خودش، بلکه خیلی از بچه‌هایی که آن طرف مرز هستند، زیر موشک هستند، زیر هزاران گرفتاری هستند و مشکلات. ولی مثل کوه ایستاده‌اند، اینها فرزندان این مادر هستند. چه سعادتی! خیلیها می‌آن به‌این دنیا زندگی می‌کنند و لذت می‌برند و می‌روند. اما لذتی که این‌گونه مادران می‌برند، نوع دیگری است.

مادر!... (خطاب به‌مادر).

من چی بگم از محبت‌های تو، از حرفهای تو وقتی که می‌تونستی حرف بزنی، از

شناخت تو، استعداد تو، از مغز تو که تا آخرین لحظه کار می‌کرد و فعال بود. فقط می‌گم که بعد از تو خیلیها یتیم شدند. می‌گن انسان بعد از مرگ مادرش یتیم می‌شه، ما واقعاً یتیم شدیم.

تو زینب‌گونه زیستی. تو زینب‌گونه زیستی و جزء زینب‌های زمان بودی. حرفهای من را گوش کنند و ضبط کنند آنهایی که مأمور این کار هستند! بله من با صدای بلند می‌گویم تو زینب‌گونه زیستی و زینب زمان خودت بودی. مثل هزاران مثل تو. مثل مادر دشتی که دو سه روز قبل از تو رفت. رفت آنجا را برای تو آماده کند.

من اجازه می‌خواهم از طرف خانواده، از همه‌تون تشکر کنم از همه که با مشکلات آمدند و در تشییع این زینب زمان شرکت کردند و من دیشب هم در مجلس خانم دشتی گفتم نگران نباشید! جامعه ما با تمام مشکلات و فسادش و حاکمیتی که جز به‌فسادپروری کاری ندارد، مرتب زینب‌ها و حسین‌ها به‌وجود می‌آیند. ۵۰سال شاه و شیخ سعی کردند که این شجره را بخشکانند، ولی مگر می‌شود؟

یاد جمله ای افتادم از حضرت آیت‌الله منتظری که در نامه‌یی به‌خمینی نوشته بود؛ مطمئن باشید که با کشتن؛ فکر از بین نمی‌رود. این همه کشتید، این همه زدید، این همه بریدید!

تیر زدی، تبر زدی، تبر زدی، تبر زدی، بر تن بی‌سپر زدی، دیگه وقتی دیدی اینها کافی نیست با ۸۰موشک فکر کردی همه چیز را از بین می‌بری؛ اما مطمئن باش، مطمئن باش تا یکی دو ماه دیگر لیبرتی از اولش هم زیباتر و بهتر و قشنگ‌ترخواهد شد. تا هستند کسانی که دلشان به‌حال این ملت می‌سوزد و تا هستند کسانی که فریاد می‌زنند؛ زگهواره تا گور دانش بجوی! و دانش را بر می‌دارند و می‌گویند ز گهواره تا گور آزادی بجوی!

آن دانشی که در کنارش آزادی نباشد، دانش نیست. در دانشگاهی که به‌اصطلاح خیلی استاد و دانشمند وجود داره، اما کوچکترین توجهی به‌وضع فلاکت‌بار و غم‌انگیز جامعه ندارد و دزدیها و چپاولگریها را می‌بینند و سکوت می‌کنند. بله در این جامعه باز هم باید گفت: ز گهواره تا گور آزادی بجوی!

چون اگر آزادی نباشد، در جامعه‌یی که آزادی نباشد همین است که می‌بینید، دزدی و فساد و فحشا

و امام حسین و زینب همه چیز خودشان را فدا کردند به‌خاطر آزادی و فریاد زدند؛ هیهات منا الذله!

و می بینیم که در طول تاریخ حسین‌ها و زینب‌ها سربلند هستند.

من بار دیگر از طرف خانواده تشکر می کنم از شما.

۵- در روز ۱۶آذر ۱۷۰نمایندهٔ پارلمان اروپا در یک بیانیهٔ بسیار قوی که ۵ ماده دارد به‌دفاع از امنیت و حفاظت مجاهدان لیبرتی برخاستند و خاطرنشان کردند که رژیم ابتدا تحت پوشش خانواده‌های وزارتی برای حملهٔ موشکی زمینه‌سازی کرد.

- در این بیانیه صراحتاً از فالح فیاض اسم برده شده که در قتل‌عامهای اشرف و حملات به‌لیبرتی دست داشته و هم‌چنین از سرهنگ صادق محمد کاظم که به‌دلیل دست داشتن در جنایت، در اشرف و لیبرتی قبلاً در سفر به‌پاریس هم دستگیر و بازجویی شده بود.

- اعلام کرده‌اند که طبق دو نظریهٔ کارگروه بازداشتهای خودسرانه ملل متحد، لیبرتی در حکم یک بازداشتگاه است.

- از اعضای ائتلاف بین‌المللی، نمایندهٔ عالی اتحادیه اروپا، دولت عراق و سازمان ملل خواسته‌اند با الزامات ضروری، امنیت و سلامت ساکنان را تضمین و لیبرتی را در حوزهٔ حفاظت هوایی ائتلاف بین‌المللی قرار بدهند.

- هم‌چنین محاصره لیبرتی باید لغو شود. دسترسی آزادانه به‌خدمات پزشکی و وکیل و تحقیق دربارهٔ جنایت ۷آبان و حملات قبلی در اشرف و لیبرتی به‌عمل بیاید. دولت عراق باید حق مالکیت ساکنان را بر اموالشان در اشرف به‌رسمیت بشناسد تا بتوانند اموالشان را بفروشند و اگر به‌سرقت رفته، دولت عراق باید غرامت آن را بدهد.

در متن بیانیه دقت کنید، مخصوصاً آنجا که می‌گوید: مسئولان حملهٔ ۷آبان باید پای میز عدالت بیایند و این همان کاری است که باید یکروز انجام بدهید.

Statement on Camp Liberty

December 2015

On 29 October 2015 Camp Liberty in Iraq, where over 2000 defenceless Iranian refugees reside, was targeted with dozens of rockets and missiles.

This attack claimed the lives of 24 defenceless residents and many were seriously wounded. Camp Liberty is situated in a well-protected zone next to the Baghdad airport and such a large-scale attack, without the active involvement of the Iraqi security forces, is unlikely. This brutal attack was condemned internationally by UN, US and the EU but not by Iraq itself which has not even allowed the entry of necessary machinery to remove the damaged trailers after the attack. Also, for several days Iraq stopped the entry of food, medicine and sanitation vehicles.

In preparations for this rocket attack, months before, a group of intelligence and Quds Force agents - pretending to be relatives of the residents - were taken to the gates of the Camp for harassment and reconnaissance operations. A new group of these agents were sent to the gates of Liberty again on 20 November 2015.

This was the seventh lethal attack on these refugees as a result of which 141 people have been killed so far. Liberty is also suffering from a cruel medical siege imposed by Iraqi government which has led to the death of 27 of the residents.

These Iranian opposition members were moved in 2012 from Camp Ashraf to Camp Liberty which is being controlled by Iraq's national security advisor Faleh Fayyadh who was appointed during Maliki's government and is known for his close ties to Iran. He, along with other officers who run the camp, have all had active roles in previous massacres.

One of these officers, Colonel Sadiq Mohammed, was sent as part of an Iraqi delegation to Europe in 2012. He was prevented from entering the European Parliament in Brussels because of his role in those crimes and was later arrested and questioned in Paris.

According to two separate findings by the UN Working Group on Arbitrary Detention, conditions in Camp Liberty are those of a "detention centre."

We urge the EU High Representative, the Member states, United States, Iraq and United Nations the following:

1- **Ensure the health and safety of the residents** and the supply of security requirements such as necessary amount of protective T-walls and sand bags etc. **We urge the international coalition to put Camp Liberty under its aerial protection.**
2- **Remove the person responsible for Camp Liberty's management, Faleh Fayyadh**, and replace him and his men with impartial individuals. The transfer of Iranian agents to Camp Liberty's gates under any circumstances must be avoided.
3- **Remove the complete siege of the camp and allow the residents the freedom of movement** and free access to medical services and lawyers.
4- **The Iraqi government must recognize the residents' rights of ownership** and allow them to sell their property in Ashraf or compensate them financially so they can accelerate the process of resettlement.
5- **The United Nations must launch an investigation into the 29 October attack** and the perpetrators be brought to justice.

170 MEP signatories: **Gérard DEPREZ**, Chair, Friends of a Free Iran; Ryszard **CZARNECKI** EP Vice President, , Mairead **MCGUINNESS EP** Vice President, Lars **ADAKTUSSON**, Isabella **ADINOLFI**, Marco **AFFRONTE**, Laura **AGEA**, Daniela **AIUTO**, Nedzhmi **ALI**, Richard **ASHWORTH**, Georges **BACH**, Zigmantas **BALČYTIS**, Beatriz **BECERRA** , Heinz K. **BECKER**, Tiziana **BEGHIN**, Bas **BELDER**, Bendt **BENDTSEN**, Brando **BENIFEI**, Goffredo **BETTINI**, Izaskun **BILBAO** , Vilija **BLINKEVIČIŪTĖ**, Franc **BOGOVIČ**, David **BORRELLI**, José **BOVÉ**, Mercedes **BRESSO**, Cristian **BUŞOI**, Enrique **CALVET CHAMBON**, Nicola **CAPUTO**, David **CASA**, Fabio Massimo **CASTALDO** , Jean-Marie **CAVADA**, Ole **CHRISTENSEN**, Sergio **COFFERATI**, Ignazio **CORRAO**, Silvia **COSTA**, Andrea **COZZOLINO**, Pál **CSÁKY**, Edward **CZESAK**, Daniel **DALTON**, Rosa **D'AMATO**, Paolo **DE CASTRO**, Isabella **DE MONTE**, Andor **DELI**, Mark **DEMESMAEKER**, Tamás **DEUTSCH**, Nirj **DEVA**, Mircea **DIACONU**, Eleonora **EVI**, José Inácio **FARIA**, Fredrick **FEDERLEY**, José Manuel **FERNANDES**, Ashley **FOX**, Mariya **GABRIEL**, Arne **GERICKE**, Lidia **GERINGER**, Juan Carlos **GIRAUTA VIDAL**, Julie **GIRLING**, Charles **GOERENS**, Sylvie **GOULARD**, Nathalie **GRIESBECK**, Takis **HADJIGEORGIOU**, Marian **HARKIN**, Anna **HEDH**, Roger **HELMER**, Krzysztof **HETMAN**, Gunnar **HÖKMARK**, Danuta **HÜBNER**, Marek **JUREK**, Rina **KARI**, Tunne **KELAM**, Jude **KIRTON-DARLING**, Jeppe **KOFOD**, Andrey **KOVATCHEV**, Bernd **KÖLMEL**, Zdzisław **KRASNODĘBSKI**, Eduard **KUKAN**, Zbigniew **KUŹMIUK**, Merja **KYLLÖNEN**, Gabrielius **LANDSBERGIS**, Marju **LAURISTIN**, Patrick **LE HYARIC**, Andrew **LEWER**, Bogusław **LIBERADZKI**, Juan Fernando **LÓPEZ AGUILAR**, Elżbieta **LUKACIJEWSKA**, Monica **MACOVEI**, Ivana **MALETIĆ**, Svetoslav **MALINOV**, Vladimír **MAŇKA**, Fernando **MAURA** , Emma **MCCLARKIN**, Anthea **MCINTYRE**, Morten **MESSERSCHMIDT**, Louis **MICHEL**, Miroslav **MIKOLÁŠIK**, Claude **MORAES**, Luigi **MORGANO**, Jim **NICHOLSON**, Norica **NICOLAI**, Stanisław **OŻÓG**, Maite **PAGAZAURTUNDÚA**, Rolandas **PAKSAS**, Piernicola **PEDICINI**, Marijana **PETIR**, Bolesław **PIECHA**, Sirpa **PIETIKÄINEN**, Andrej **PLENKOVIĆ**, Marek **PLURA**, Stanislav **POLČÁK**, Soraya **POST**, Jozo **RADOŠ**, Miloslav **RANSDORF**, Frederique **RIES**, Dominique **RIQUET**, Robert **ROCHEFORT**, Petri **SARVAMAA**, Jacek **SARYUSZ-WOLSKI**, Algirdas **SAUDARGAS**, Elena Ethel **SCHLEIN**, Siôn **SIMON**, Branislav **ŠKRIPEK**, Csaba **SÓGOR**, Bart **STAES**, Joachim **STARBATTY**, Ivan **ŠTEFANEC**, Jaromír **ŠTĚTINA**, Helga **STEVENS**, Davor **STIER**, Catherine **STIHLER**, Dubravka **ŠUICA**, Richard **SULÍK**, Patricija **ŠULIN**, Tibor **SZANYI**, Hannu **TAKKULA**, Dario **TAMBURRANO**, Eleni **THEOCHAROUS**, Patrizia **TOIA**, László **TŐKÉS**, Ruža **TOMAŠIĆ**, Romana **TOMC**, Evžen **TOŠENOVSKÝ**, Ramon **TREMOSA** , Mihai **TURCANU**, Kazimierz **UJAZDOWSKI**, Traian **UNGUREANU**, Vladimir **URUTCHEV**, Ivo **VAJGL**, Marco **VALLI**, Wim **VAN DE CAMP**, Geoffrey **VAN ORDEN**, Marie-Christine **VERGIAT**, Julie **WARD**, Renate **WEBER**, Glenis **WILLMOTT**, Iuliu **WINKLER**, Jadwiga **WIŚNIEWSKA**, Janusz **WOJCIECHOWSKI**, Anna **ZÁBORSKÁ**, Jan **ZAHRADIL**, Boris **ZALA**, Marco **ZANNI**, Tomáš **ZDECHOVSKÝ**, Janusz **ZEMKE**, Roberts **ZĪLE**, Jana **ŽITŇANSKÁ**, Kosma **ZLOTOWSKI**, Marco **ZULLO**, Milan **ZVER**

می بینید که خون شهدا شعله می‌کشد و مریم آن را به‌عالیترین صورت، به‌کمربند ایمنی و حفاظتی برای لیبرتی تبدیل کرده است. باز هم همان آیه یادم آمد در مورد ملائکه‌یی که مجاهدین را احاطه کرده و سپر آنها شده‌اند.

خدایا به‌حق شهیدان، سجدهٔ شکر مجاهدین را با تعهد هر چه بیشتر به‌انقلاب پذیرا باش، تا در فرمول طلایی هم، هر چه هوشیارتر و آماده‌تر شوند.

۶- در روز ۱۷آذر سناتور لیبرمن کاندیدای معاون ریاست جمهوری آمریکا (سال ۲۰۰۰) به‌طور فوق‌العاده به‌دیدار مریم رفت.

لیبرمن، با اشاره به‌نقش سازمان مجاهدین که معرف یک اسلام دموکراتیک و بردبار هستند، بر نقش تعیین‌کننده جنبش مقاومت ایران به‌عنوان «راه‌حل» تأکید کرد و گفت: من تردیدی ندارم که تغییر در ایران روند تحولات در کل منطقه را تغییر خواهد داد.

«نمی‌توانم به‌شما بگویم چقدر خوشحالم که می‌توانم این‌جا حضور داشته باشم و در این یادبود بسیار پرمعنای روز جهانی حقوق‌بشر شرکت داشته باشم. اما هم‌چنین به‌دلیل این‌که این یک لحظه بسیار بسیار مهم در تاریخ است. چون به‌نظر می‌رسد جهان خیلی بی‌ثبات است. به‌نظر م من و شما می‌توانیم از یکدیگر قوت قلب بگیریم و به‌طور خاص از

رهبری خانم رجوی و مجاهدین خلق و شورای ملی مقاومت ایران، تا نقشی حتی بزرگتر در خط مقدم احیای ثبات، عدالت و صلح در جهان، ایفا کنیم. این را با ایجاد تغییر در دولت ایران انجام می‌دهیم.

هر جا که به‌جهان نگاه کنیم به‌نظر می‌رسد اوضاع آشفته است. مرگبارترین تهدیدی که جهان امروز با آن مواجه است از جانب بنیادگرایی اسلامی و تروریسم است. مهمترین و تهدیدآمیزترین پایتخت آن در رقه در سوریه نیست، بلکه در تهران در ایران است. به‌این دلیل است که در منافع و ارزشهایی که در آن مشترک هستیم و امنیت، ثبات و صلح جهانی که برای آن دعا می‌کنیم، باید این مبارزه برای تغییر دولت در ایران را ادامه دهیم. شما در شورای ملی مقاومت ایران به‌این حقیقت اشراف دارید. به‌لحاظ بین‌المللی تحت رهبری خانم رجوی هستید و همهٔ شما در کشورهایی که در آن کار می‌کنید، نقشی رهبری‌کننده ایفا می‌کنید، شما علیه سیاستها و ارزشهای افراطی رژیم در تهران جنگیده‌اید. آمریکا و متحدین ما در اروپا باید از شورای ملی مقاومت ایران حمایت و آن را تقویت کنند، بسیار بیشتر از آنچه که برخی دولتها کرده‌اند. نه تنها به‌دلیل این‌که شما دشمن دشمن ما هستید؛ خیر، بسیار بیشتر از آن. به‌دلیل این‌که شما در مبارزه برای آزادی، دوستان ما هستید. متحد ما در جنگ علیه بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تروریسم و اگر بخواهم کلمات درستی که خانم رجوی استفاده کرد را بکار ببرم؛ خواهران و برادران ما در تلاش برای صلح.

...واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران مانند داعش از ارزشهای ما متنفر است، دارای همان دیدگاههای افراطی مذهبی است و از همان روشهای تروریستی استفاده می‌کند.

امروز اختلاف بزرگ میان افراط‌گرایی شیعه و افراط‌گرایی سنی از یک طرف، یعنی افراطی‌هایی مانند رژیم ایران، القاعده و داعش. در طرف دیگر مدره‌ها قرار دارند، افرادی که دیدگاه بسیار متفاوتی از اسلام دارند، مانند شورای ملی مقاومت ایران، کشورهای خلیج، مصر و اندونزی.

خانم رجوی، شما و رهبران شورای ملی مقاومت ایران و مجاهدین خلق به‌عنوان یک نیروی قدرتمند برای یک اسلام بر اساس ارزشهای روز، بردبار و غیرخشونت‌بار ظهور کرده‌اید. نیرویی که بسیاری در جهان اسلام که مخالف خشونت هستند، مدتهاست به‌دنبال آن بوده‌اند. جهان متمدن بیش از هر زمان دیگر به‌شما نیاز دارد. ما در برهه‌یی از تاریخ هستیم که فکر می‌کنم تاریخ‌دانها این‌گونه آن را دوران پس از توافق هسته‌یی ایران توصیف کنند. من به‌شما می‌گویم عقیده من این است که آن توافق، همهٔ نقاط مشکل‌آفرین در جهان را بسا بدتر کرد، چرا که متحدین ما احساس راحتی[نمی‌کنند]. دشمنان ما هم احساس جری‌تر شدن می‌کنند...

همان‌طور که خانم رجوی گفتند، چشمان و گوشها هنوز بسته هستند. من امروز به‌همکاران سابق در کنگره فراخوان می‌دهم تا روشی از طریق اختیارات نظارت در کنگره بیابند که تحریمها تا زمانی که رژیم ایران به‌ما نشان دهد به‌قولهای خود نسبت به‌باقیمانده توافق پایبند خواهد بود، لغو نشود.

من از شما رهبران اروپا و دیگر نقاط جهان می‌خواهم که همین درخواست را از دولتها و اعضای پارلمان‌های خود بکنید.

دولت ایران، جمهوری اسلامی ایران، ملایان روشن ساخته‌اند که دشمنان ما هستند. نه تنها دشمنان مجاهدین، در حالی‌که شما در خط نبرد هستید، نه تنها دشمنان آمریکا و اروپا، بلکه دشمنان ارزشهایی که ما آنها را گرامی می‌داریم...

رهبر شما، خانم رجوی، یک فرد اصولی، بردبار و انگیزاننده است. بسیار مهم است که بگوییم او یک زن مذهبی است و از جانب یک اسلام بردبار و مبتنی بر محبت سخن می‌گوید که در واقع قلب اسلام است. این یک دین بزرگ است که توسط یک اقلیت افراطی، بنیادگرا و تروریست اشغال شده است. چطور کسی می‌تواند به‌نام خدا، خالق همه ما، عامدانه به‌کشتار افراد بپردازد، یعنی به‌نحوی که ملایان در تهران خیلی از مردم ایران و مردمان دیگر را از طریق تروریسم کشته‌اند. من به‌این زن قهرمان می‌نگرم که ۸تن از فرزندان خود را در نبرد برای آزادی از دست داده است.

...اجازه دهید با نکاتی شخصی، به‌تک‌تک شما حرفهایم را به‌پایان برسانم. شما درگیر یک نبرد طولانی برای یک آرمان بزرگ هستید، یعنی نجات یک کشور بزرگ از چنگالهای ظلم. می‌دانم که شما عمیقاً به‌این آرمان معتقد هستید و خیلی رنجها و شکنجه‌ها را در این مسیر تحمل کرده‌اید. در عزم جزم خود شک نکنید. امید خود را از دست ندهید. هرگز، هرگز، هرگز به‌شکست تن ندهید! از تاریخ قوت قلب بگیرید و این باید به‌شما اعتماد به‌نفس بدهد. حرفهای دکتر مارتین لوتر کینگ را به‌یاد بیاورید که گفت منحنی اخلاق هستی، به‌کندی خم می‌شود، اما همواره به‌سمت عدالت می‌رود. همواره به‌کلمات بسیار اندیشمند انسان‌شناس بزرگ مارگارت مید توجه کنید که گفت هرگز ظرفیت یک گروه کوچک افراد عادی برای تغییر جهان را دستکم نگیرید. در واقع این تنها روشی است که تاکنون این امر صورت گرفته است.

من هم پیش‌بینی می‌کنم که در دوران ما هم جمهوری اسلامی ایران با سرعتی خیره‌کننده سقوط خواهد کرد. شما در شورای ملی مقاومت ایران در محقق نمودن این مسأله کمک خواهید کرد.

خانم رجوی، رئیس‌جمهور برگزیده مقاومت! خانمها و آقایان! این جایی است که نامهای شما در آن قرار خواهد گرفت و به‌آن تعلق دارد، در کنار قهرمانان و شهدای کمپ لیبرتی و بسیاری دیگر که جنگیده و خواهند جنگید، برای رهایی مردم ایران. امروز صرفاً می‌خواهم از صمیم قلب از شما تشکر کنم که در خدمت یک آرمان بزرگ عمل کرده‌اید ، یعنی آرمان مردم ایران ، اما به‌طور واقع، این آرمان همه مردمان آزادیخواه در جهان است. امروز قول حمایت پایدار از شما را می‌دهم، تا هنگامی‌که رژیم بنیادگرای ایران از بین برود و پیروزی برای آزادی مردم ایران محقق شود.

بازهم سلام بر شهیدان و خون شعله‌وری که پیوسته فروزان‌تر می‌شود

۷- و اینهم جوابیه دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلستان به‌اسقف آدریان نیومن نماینده برجسته کلیسا و بقیه اسقفها که در مورد حمله به‌لیبرتی شدیداً اعتراض کرده بودند.

تاریخ جوابیه ۱۱آذر است. اما ما به‌تازگی دریافت کرده‌ایم:

اسقف گرامی!

من قویا این حملهٔ شرم‌آور علیه غیرنظامیان ساکن کمپ لیبرتی را محکوم می‌کنم.

مقامات ما در سفارت انگلستان در بغداد، این واقعه را با دفتر نخست‌وزیر عراق در ۳۰اکتبر مطرح کردند و اهمیت یک تحقیقات فوری و جامع در مورد این واقعه و اطمینان از این‌که تمامی کسانی که مسئول این کار بودند به‌عدالت سپرده شوند را روشن ساختند. دولت عراق تایید کرد که یک تحقیقات بلافاصله پس از این واقعه آغاز شده است.

در تمامی روابط انگلستان با عراق در مورد این موضوع، از جمله در سطح وزیر و در بیانیه‌ها، ما مستمراً بر مسئولیت دولت عراق در تضمین امنیت و بهزیستی ساکنان کمپ لیبرتی تاکید کردیم. ما از فراخوانهای سازمان ملل برای انجام کارهای بیشتر به‌منظور حفاظت از آنها حمایت می‌کنیم...

10 DOWNING STREET
LONDON SW1A 2AA

THE PRIME MINISTER

2 December 2015

Dear Bishop,

Thank you for your letter of 30 October concerning the attack on Camp Liberty in Iraq on 29 October.

I strongly condemn the shameful attack on the civilian residents of Camp Liberty. Our officials at the British Embassy in Baghdad raised the incident with the office of the Iraqi Prime Minister on 30 October, making clear the importance of an urgent and comprehensive investigation into the event and of ensuring that all those responsible are brought to justice. The Iraq Government has confirmed that an investigation was initiated immediately following the incident.

Throughout the UK's engagement with Iraq on this issue, including at Ministerial level and in our statements, we have consistently emphasised the responsibility of the Iraq Government to ensure the safety and wellbeing of the Camp Liberty residents. We support the United Nations' calls for more to be done to protect them.

As you may be aware, the United Nations High Commissioner for Refugees is currently assessing applications made by the residents of Camp Liberty for relocation. A number of residents have been relocated to third countries and the Home Office has exceptionally agreed to consider whether 52 residents previously settled in the UK, but who left many years ago, should be readmitted. I can confirm that 17 of these residents have already been approved for resettlement by the Home Office and are now in the UK.

I can assure you that we will continue to follow this issue closely.

Yours,
David

The Right Reverend The Bishop of Stepney

۸- در روز ۲۳آذر کمیسر عالی پناهندگان ملل‌متحد سیزدهمین بیانیه خود را دربارهٔ لیبرتی منتشر کرد که بیانیهٔ بسیار مهمی است. هم شعله کشیدن خونهای شهیدان و راهگشایی در میان طوفان را در پرتو کارزار جهانی خارق‌العاده مریم نشان می‌دهد و هم تابلو آماده‌باش برای حرکت مؤسسان چهارم به‌جانب پایگاه امن را نوید می‌دهد.

-کمیساریا حمله موشکی را قویاً محکوم می کند و اینکه کمیسر عالی آنتونیو گوترز گفته است که :

«این انزجارآورترین عمل است و من بسیار نگران صدماتی هستم که برکسانی که در کمپ لیبرتی زندگی می‌کنند وارد آمده است».

- مهمتر اینکه می گوید:

« همه گونه تلاش برای مجروحان و شناسایی و مواخذه مسئولان این واقعه باید ادامه پیدا کند».

- علاوه بر این تصریح کرده که تا اواخر سال۲۰۱۵میلادی یعنی تا همین امروز بیش از ۱۱۰۰نفر از ساکنان اشرف و لیبرتی که حدود یک‌سوم آنان هستند به‌خارج از عراق منتقل شده‌اند و این صرفاً با همکاری و انعطاف مجاهدین حاصل شده است. مجاهدینی که به‌رغم شرایط سخت و حملهٔ موشکی که به‌جان باختن ۲۴تن از آنها و مجروح شدن دهها تن دیگر منجر شده، باز هم پروسه را ادامه دادند.

 These outcomes have been achieved with the cooperation and flexibility of the residents who have proceeded with the relocation process despite difficult circumstances، including rocket attacks on 29October 2015 which resulted in the deaths of 24residents and injuries to dozens of others

Update No. 13

Update on the implementation of solutions for residents of Hurriya Temporary Transit Location (TTL)

• 2015 has seen the largest number of relocations out of Iraq in a calendar year since the international community and the Government of Iraq began efforts to find relocation opportunities for residents of the Hurriya Temporary Transit Location (TTL) in 2011.

• UNHCR urgently renews its calls upon states to find ways to offer long term solutions for the residents who remain at the Hurriya TTL. This appeal for help should be read in light of the potential for more attacks on the Hurriya TTL. As well as the attack of October 2015, the residents have been subjected to several rocket attacks, both in the Hurriya TTL and in Camp New Iraq (the former Camp Ashraf), which also resulted in deaths and injuries. These attacks, coupled with the current conflict in Iraq, leave residents of the Hurriya TTL open to significantly heightened security risks. This emphasizes the need for quick and pragmatic action on the part of States to ensure that these people are relocated to a situation of safety and security.

• UNHCR continues to call upon the Government of Iraq to take all possible measures to ensure the safety and well-being of residents, including ensuring access to life saving medical treatment and assistance with the provision of good and services to enable the residents to make arrangements for their own protection.

• UNHCR also recalls the Memorandum of Understanding between the Government of Iraq and the United Nations explicitly recognizes that residents benefit from the principle of non-refoulement.

UNHCR, Geneva, 14 December 2015

– در بیانیهٔ کمیساریا، اعلام شده که نکته حیاتی و کانونی دیگر در انتقال یکایک افراد «تعهد و تأمین عمدهٔ هزینه‌های انتقال به‌آلبانی توسط مجاهدین شامل هزینهٔ انتقال و مخارج زندگی افراد» است.

 Central to the recent success is the residents' commitment to meeting the bulk of costs associated with relocations to Albania. This commitment to meet travel costs and living expenses is crucial to the ongoing implementation of solutions for the group.

– هم‌چنین گواهی می‌دهد که مجاهدین، هم در اشرف و هم در لیبرتی بارها هدف حملاتی بوده‌اند که به‌جان باختن و مجروح شدن منجر شده است. سپس نتیجه می‌گیرد که این حقیقت بر ضرورت اقدام سریع و عملی از جانب کشورها تأکید دارد.

می‌بینید که نفر به‌نفر از ساکنان اشرف و لیبرتی که در گذشته منتقل شده‌اند یا در آینده منتقل خواهند شد، با زورقی بر رود خروشان خون شهیدان امکان‌پذیر شده که کارزار جهانی مریم آن را پارو می‌زند و به‌جلو می‌راند.

زورقی با هزینه و مخارج گزاف و فوق تصور و طاقت یک جنبش انقلابی مستقل که برای تأمین هزینه‌ها حتی یک دینار یا یک دلار هم از دیگری نگرفته و تماماً بر کار خود و کمکهای هموطنان و یاران اشرف‌نشان متکی بوده است. راستش من نمی‌دانم ما تا چه زمانی می‌توانیم این هزینه‌ها را تأمین کنیم. اما می‌دانم که کار بسیار مشکلی است و مریم از این بابت در ابتدای همین سال میلادی بیش از **۷میلیون و ۳۰۰هزار یورو** قرض دارد و باید وامهایی را که گرفته بپردازد.

خیانت کوبلر و شرکا و بی‌عملی مفرط سازمان ملل و یونامی که بودجه‌های کلانی بابت مجاهدین گرفته‌اند، اما یک دلار آن را هم به‌ما نداده‌اند، باعث شده که تا امروز ما نتوانیم از بابت ۵۵۰میلیون دلار دارایی و اموالمان در اشرف، چیزی وصول کنیم.

Oranienburg
MAN

SCANIA
112H

TOYOTA

KAWASAKI

HONDA

Cooling system

NV 456
Scotsman

MACHINE

در هر حال، باشد که یکایک ساکنان اشرف و لیبرتی و مجاهدانی که بر روی خون شهیدان و کارزار طاقت‌فرسای اشرف‌نشانها به‌خارجه می‌روند، قدر بدانند و خودشان هم در مبارزه برای سرنگونی دشمن ضدبشری و آزادی میهن اشغال شده، عاقبت به‌خیر شوند. در غیراین‌صورت چیزی جز خُسران دنیا و آخرت نصیب اپورتونیسم و زالوگری نمی‌شود.

بگذارید اگر تابلو هجرت بزرگ، یعنی انتقال همگانی و حرکت به‌سوی پایگاه امن محقق شود، پیشاپیش به‌همه اشرف‌نشانها و هواداران مجاهدین که با مشتهای گره کرده و هفت عصا و کفش آهنین سالیان سال، همه جای جهان را با طولانی‌ترین تحصنها و تظاهرات و اعتصاب برای حفاظت و امنیت و سلامت شما درنوردیدند، بگویم که همراه با خلق در زنجیر، حق دارند هر روز از مسئولین و کادرها و اعضای مجاهدین بپرسند که آیا «همچون خودش» (اشرفی نخستین مریم را می‌گویم) با عزم "جنگ" هر چه بیشتر، از عراق خارج می‌شوید یا "نه‌جنگ"؟ برای رزم یا برای بزم؟ راستی کدامیک؟ بگذریم... ادامه این موضوع حیاتی را می‌گذارم برای نشستهای بعد.

اما نکته جالب توجه دیگر در بیانیهٔ کمیساریا این است که از دولت عراق می‌خواهد مانع ورود اجناس و خدمات لازم برای ترتیبات حفاظتی در لیبرتی نشود.

مهمتر این‌که، محترمانه با یادآوری یادداشت تفاهم بین دولت عراق و سازمان ملل، به‌حکومت عراق هشدار می‌دهد که مجاهدین از اصل نان‌رفولمان یعنی عدم استرداد برخوردار هستند. یعنی که حکومت عراق نباید تسلیم فشارهای رژیم آخوندی برای دستگیری و استرداد مجاهدین شود. یعنی احکام جعلی دستگیری و پرونده سازیهای احمقانه مالکی در دادگاه عالی جنایی که هر دانشجوی مبتدی حقوق را هم به‌خنده می‌انداخت، تماماً بی‌اعتبار است.

آیا شعله‌ور شدن خون شهیدان و راهگشایی در میان طوفان با تلاش

بیکران مریم را می‌بینید؟ آیا تابلو و فرضیهٔ حرکت مؤسسان چهارم به‌جانب پایگاه امن جدی است؟

۹- در همان روز ۲۳آذر کمیساریای عالی پناهندگان ملل‌متحد به‌نمایندهٔ مجاهدین دربارهٔ انتشار اسامی مجاهدینی که از عراق خارج می‌شوند، موضعگیری کرد. چنان‌که می‌دانید اسامی و مشخصات از سوی اطلاعات آخوندی و مزدورانش به‌منظور تهدید و ارعاب مجاهدین و خانواده‌هایشان در داخل ایران منتشر می‌شود. وکلا در این باره شکایت کرده‌اند و اکنون کمیساریا جواب می‌دهد:

RE: Letter regarding disclosure of personal information
Monday, December 14, 2015 4:46 PM

As we agreed on the recent occasions when we have discussed this issue, in order to play an effective role in relocations UNHCR must share personal information with third parties including the Government of Iraq, other non-governmental organizations and commercial bodies such as travel agents and carriers. In passing on this information UNHCR stresses the need for the recipients to protect the information and to ensure that it is not passed to other parties without the consent of the individuals concerned. However, UNHCR cannot absolutely guarantee the security of the information once it is passed to others. Despite this, we have asked our senior staff in Iraq continually to reinforce this requirement with all third parties, including the Government of Iraq.

We have also reviewed our security arrangements and practices with our information and communication operations team, including our Amman-based Chief Information Security Officer. Although no flaws were identified in our systems, this meeting led to several recommendations to enhance security of our information technology systems. All of these recommendations have been passed to UNHCR staff who deal with the residents. This measure should bolster existing safeguards.

I trust that you agree that these measures demonstrate that UNHCR takes this issue seriously. We have implemented measures that will strengthen security, and we will continue to follow up on your concerns. In closing, I want to stress that UNHCR remains committed to supporting relocations of the residents to situations of safety and security despite the difficult operational environment in which we all must work.

I am pleased to note that together we have managed to meet our joint goal for 2015. I sincerely hope that we are able to continue this positive progress in 2016 to ensure relocation in safety and security for the remaining residents of Hurriya.

Best regards
Division of International Protection
United Nations High Commissioner for Refugees
Geneva, Switzerland

- تمامی آن‌چه را در توان داشته انجام داده است تا حفاظت و امنیت اطلاعات مربوط به ساکنان لیبرتی را تضمین کند.
- تأکید می‌کند: دریافت‌کنندگان اسامی و اطلاعات شامل دولت عراق و دیگر ارگانهای دولتی و غیردولتی باید تضمین کنندکه این اطلاعات به‌طرفهای دیگر داده نشود.
- اعلام می‌کند: ما حتی از کارمندان خود در عراق مستمراً خواسته‌ایم در رابطه با طرفهای سوم از جمله دولت عراق، بر این موضوع تأکید کنند.
- تصریح می‌کند: کمیساریا این موضوع را جدی می‌گیرد و اقداماتی را که امنیت کمیساریا را تقویت می‌کند اجرا کرده است.
- تعهد می‌کند: به‌دنبال کردن نگرانی امنیتی مجاهدین در مورد انتشار اسامی ادامه می‌دهد.

به‌طور خلاصه و ساده، حرف کمیساریا این است که آنچه را در عهده داشته انجام داده و درز اطلاعات از داخل کمیساریا نیست و آن را آب‌بندی کرده است. لیکن کمیتهٔ سرکوب مجاهدین در نخست‌وزیری عراق که تنها دارنده این اطلاعات است آن را به‌سفارت رژیم و نیروی قدس و اطلاعات آخوندها می‌دهد. اطلاعات آخوندها هم آن را از طریق مزدوران و سگهای زنجیری‌اش برای مصارف تبلیغاتی و جنگ سیاسی و روانی منتشر می‌کند که این علاوه بر بلاهایی است که بر سرخانواده‌های حقیقی مجاهدین در داخل ایران می‌آورد. خانواده‌های حقیقی که حاضر به‌خودفروشی سیاسی و همکاری با اطلاعات رژیم و انجمنهای نجاست آخوندی علیه فرزندان و خویشاوندانشان نشده‌اند و دست رد به‌سینه منحوس وزارت بدنام زده‌اند.

۱۰- باز هم در همان روز ۲۳آذر رویتر گزارشی از دو تحقیق علنی نشده مخابره کرد که فاش می‌کرد آمریکا مستمراً از کشتار و شکنجه‌یی که توسط شبه‌نظامیان مورد حمایت دولت انجام می‌شده، اطلاع داشته است.

http://www.reuters.com/investigats

speBy Ned Parker

Filed Dec. 14, 2015, noon GMT

Two unpublished investigations show that the United States has consistently overlooked killings and torture by Iraqi government-sponsored Shi'ite militias.

ERBIL, Iraq – It was one of the most shocking events in one of the most brutal periods in Iraq's history. In late 2005, two years after the U.S.-led invasion toppled Saddam Hussein, U.S. soldiers raided a police building in Baghdad and found 168 prisoners in horrific conditions.

Many were malnourished. Some had been beaten.

The discovery of the secret prison exposed a world of kidnappings and assassinations. Behind these operations was an unofficial Interior Ministry organisation called the Special Investigations Directorate, according to U.S. and Iraqi security officials at the time.

The body was run by militia commanders from the Badr Organisation, a pro-Iran, Shi'ite political movement that today plays a major role in Baghdad's war against Islamic State, the Sunni militant group.

Washington pressured the Iraqi government to investigate the prison. But the findings of Baghdad's investigation – a probe derided by some

of its own committee members at the time as a whitewash – were never released.

The U.S. military conducted its own investigation. But rather than publish its findings, it chose to lobby Iraqi officials in quiet for fear of damaging Iraq's fragile political setup, according to several current and former U.S. military officials and diplomats.

Related content

1.Inside the Caliphate: How Saddam's men help Islamic State rule

Both reports remain unpublished. Reuters has reviewed them, as well as other U.S. documents from the past decade.

The documents show how Washington, seeking to defeat Sunni jihadists and stabilise Iraq, has consistently overlooked excesses by Shi'ite militias sponsored by the Iraqi government. The administrations of George W. Bush and Barack Obama have both worked with Badr and its powerful leader, Hadi al-Amiri, whom many Sunnis continue to accuse of human rights abuses.

Washington's policy of expediency has achieved some of its short-term aims. But in allowing the Shi'ite militias to run amok against their Sunni foes, Washington has fueled the Shia-Sunni sectarian divide that is tearing Iraq apart.

The decade-old U.S. investigation of the secret prison implicates officials and political groups in a wave of sectarian killings that helped ignite a civil war. It also draws worrying parallels to the U.S. government's muted response today to alleged abuses committed in the name of fighting Islamic State.

Those accused of running the secret prison or of helping cover up its existence include the current head of the Iraqi judiciary, Midhat Mahmoud, Transport Minister, Bayan Jabr, and a long revered Badr com-

mander popularly referred to as Engineer Ahmed.

"Special Investigations Directorate personnel illegally detained, tortured and murdered Iraqi citizens," the U.S. report states. "Iraqi government officials failed to take action to stop the crimes."

EVIDENCE: Abdul Salam al-Kubaisi, from Iraq's Association of Muslim Scholars, shows a photo of a body found in a secret Baghdad prison in 2005. REUTERS/Thaier al-Sudani

"We do not violate the human rights."

Muen Kadhimi, the Badr Organisation

The report says U.S. investigators faced a "lack of government cooperation, reluctance of witnesses to come forward and the perception of official complicity."

Judge Mahmoud declined to comment for this story. A former colleague close to him said Mahmoud knew about the secret prison's existence but did not know what went on there: "He cannot be held responsible for every judge's behaviour."

Transport Minister Jabr did not respond to Reuters' queries. Jabr has previously stated publicly that no wrongdoing occurred at the prison.

A senior Badr official told Reuters that the prison allegations were part of a smear campaign by terrorists. He called for the international media to focus on Islamic State, which has carried out suicide bombings and executed prisoners.

U.S. officials acknowledge the role that Shi'ite militias such as Badr play in fighting Islamic State.

As the Hashid Shaabi, or Popular Mobilisation Forces, the militias helped Baghdad defend the country against the Sunni jihadist group when Iraqi military and police divisions deserted en masse in 2014.

Since then, the militias have continued to attack Islamic State, which

has declared a Caliphate across swathes of Iraq and Syria. Islamic State, also known as Daesh, routinely executes citizens who speak against it, kidnaps people, buys and sells women and children, and uses rape as a weapon.

American ambassador Stuart Jones told Iraqi state television in April this year "that the Hashid Shaabi is part of the Iraqi fighting forces which are defeating Daesh today."

But Sunnis in areas freed from Islamic State control say the Shi'ite militias have been guilty of their own excesses, including looting, abductions and murder. At least 718 Sunnis in Salahuddin province have been abducted by fighters from Shi'ite militias since April 2015, according to several security officers, a provincial council member and tribal leaders. Only 289 have been freed, most after paying ransoms.

Some former and current U.S. officials say Washington needs to stop downplaying abuses by the Shi'ite militias.

Robert Ford, a former U.S. diplomat who served as the U.S. embassy's political officer between 2004 and 2006, believes the U.S. government's decision not to punish those behind the secret prison set a damaging precedent. "A few people were transferred elsewhere," he said. "That's not a punishment. You are supposed to scare them into not doing it."

Ten years ago, Ford said, the militias were armed groups with political agendas, or the armed wings of political factions. "Now … the Prime Minister's office has called them an official institution, and they receive resources directly from the state as well as a degree of political legitimacy."

A Badr official, Muen al-Kadhimi, dismissed recent allegations of kidnapping, looting and killing. "We do not violate the human rights

and we should not forget the inhumane ways practised by the enemy of the Iraqi people," Kadhimi told Reuters.

NAMED: Bayan Jabr, former Iraqi interior minister, attends a parliamentary session in July 2014. REUTERS/Thaier al-Sudani

The Iraqi government conceded there has been a problem with kidnapping around Iraq, even in Baghdad, sometimes by men in security uniforms. "The Iraqi government is working hard to fight this," said Saad Hadithi, a spokesman for Prime Minister Haider al-Abadi. He blamed "gangs" for the attacks, but said the state had "no concrete evidence of who is behind it."

The U.S. embassy in Iraq and the State Department's new counter-terrorism envoy, Brett McGurk, did not respond to requests for comment.

THE MESS

The Badr group spent years in exile in Iran. Its parent organisation, the Supreme Council for the Islamic Revolution in Iraq (ISCI), was the most powerful Shi'ite political force in Iraq.

After Saddam's fall, Washington hoped ISCI and Badr would be reliable partners for the security forces, which Badr members joined in large numbers. But despite claims that they had demobilised after their return to Iraq, Badr's fighters did not disarm, U.S. army intelligence officers say. Instead, they began to assassinate former Iraqi officers, influential Baath party members and civil servants.

Colonel Derek Harvey, a retired intelligence officer, told Reuters that the U.S. military detained Badr assassination teams possessing target lists of Sunni officers and pilots in 2003 and 2004 but did not hold them. Harvey said his superiors told him that "this stuff had to play itself out" – implying that revenge attacks by returning Shi'ite groups

were to be expected. He also said Badr and ISCI offered intelligence and advice to U.S. officials on how to navigate Iraqi politics.

After Shi'ite religious parties swept to victory in elections in 2005, Badr and ISCI were given control of the Interior Ministry. The U.S. embassy publicly backed the move. But James Jeffrey, the top U.S. diplomat at the time and later ambassador to Iraq, was alarmed when Bayan Jabr, a Badr ally, became minister. "Bayan Jabr was the biggest mistake I made," Jeffrey told Reuters. "His file was terrible."

Jabr appointed Badr members to senior Interior Ministry posts. They created the covert Special Intelligence Directorate, which current and former U.S. officials believe coordinated the killing of former Saddam-era officials. Within months, Sunni politicians reported a sharp increase in the abduction of Sunni men. Some Sunnis blamed men in police uniforms. Corpses began to turn up around Baghdad.

طبق این گزارش، نیروهای آمریکایی در اواخر سال۲۰۰۵ به‌یک زندان مخفی در یک ساختمان پلیس در بغداد حملهٔ کرده و ۱۶۸زندانی را در وضعیت وحشتناکی پیدا می‌کنند. به‌نوشته رویتر در حقیقت آنها با «یکی از تکان‌دهنده‌ترین وقایع در یکی از بیرحمانه‌ترین زندانها در تاریخ عراق» مواجه می‌شوند. اما سیاستمداران به‌روی مبارک نمی‌آورند و تماماً سعی بر ماستمالی و سفیدکاری می‌کنند. گزارش نشان می‌دهد که آمریکا عمداً بر روی جنایتهای شبه‌نظامیان به‌اصطلاح شیعه، یعنی وابسته به‌رژیم آخوندها سرپوش می‌گذاشته و نمی‌خواسته با رژیم تضاد کار کند وکار به‌درگیری بکشد.

طبق این گزارش «واشنگتن با اجازه دادن به‌شبه‌نظامیان شیعی که دیوانه‌وار علیه دشمنان سنی‌شان دست به‌عمل بزنند، به‌اختلافات فرقه‌یی شیعه و سنی (در عراق) دامن زد». به‌این ترتیب مزدوران رژیم هم بی‌دنده و ترمز به‌پاکسازی و کوچ دادن سنیها و تغییر ترکیب جمعیت، از جمله در دیالی و بغداد روی آوردند.

طبق تحقیقات ارتش آمریکا «دولتهای بوش و اوباما هر دو با بدر و هادی العامری سرکردهٔ آن کار کرده بودند، کسی که کماکان سنیها وی را متهم به‌نقض حقوق‌بشر می‌کنند». از طرف دیگر به‌اثبات رسید که «کسانی که متهم به‌اداره این زندان مخفی یا کمک به‌سرپوش گذاشتن بر وجود آن بودند شامل مدحت محمود رئیس قوه قضاییه، بیان جبر وزیر حمل و نقل و یک سرکردهٔ ۹بدر معروف به‌احمد مهندس می شدند».

افسران ارتش آمریکا در این گزارش می‌گویند:

«نیروهای بدر نه فقط برخلاف آنچه ادعا می‌شد، خلع‌سلاح نشدند، بلکه آنها شروع به‌قتل افسران سابق، اعضای با نفوذ حزب بعث و کارمندان دولتی کردند».

جالب توجه این‌که حالا بعد از ۱۰سال آقای جیمز جفری دیپلومات ارشد در سفارت آمریکا در آن زمان و سفیر بعدی آمریکا در عراق به‌رویتر می‌گوید:

«بیان جبر بزرگترین اشتباهی بود که من مرتکب شدم. پرونده وی وحشتناک بود».

منظورش قرار دادن چنین دژخیمی در مقام وزیر کشور عراق است.

طبق همین تحقیقات که حالا بعد از ۱۰سال نوک آن بیرون می‌زند

«بیان جبر اعضای بدر را در مواضع وزارت کشور گمارد. آنها مدیریت مخفی اطلاعات ویژه را به‌وجود آوردند که مقامات کنونی و سابق آمریکا معتقدند کشتار مقامات سابق دوران صدام را هماهنگ می‌کرد. طی ماهها سیاستمداران سنی از شدت افزایش آدمربایی نفرات سنی گزارش می‌کردند. برخی سنیها، مردان پلیس یونیفرم‌پوش را سرزنش می‌کردند، کشف اجساد در اطراف بغداد شروع شد...».

اما اواخر سال۲۰۰۵میلادی که گزارش تحقیقاتی ارتش آمریکا به‌آن

اشاره دارد و رویتر منتشر کرده است، همان سال۱۳۸۴ خودمان است. در مرداد۱۳۸۴، در روز روشن و در مقابل چشم نیروهای آمریکایی در بغداد، برادرانمان محمدعلی زاهدی و حسین پویان را ربودند و به‌وزارت کشور، به‌همان طبقه و اتاق تحت کنترل شخص بیان جبر وزیر کشور بردند که این را بارها و بارها گفتیم و افشا کردیم.

این از جملهٔ همان زندانهایی است که وقتی برادرانمان زاهدی و پویان را ربودند، ما بودیم که پیدا کردیم. ما بودیم که آدرس دادیم. اما در اثر فشارها و افشاگریهای مجاهدین، دو گروگان را به‌جادریه در مجموعهٔ عبدالعزیز حکیم بردند تا این مزدور جنایت‌پیشه بعداً آنها را به‌رژیم تحویل بدهد.

اما قبل از آن، نقشهٔ ساختمان و حتی اتاق محل حبس برادرانمان را که از کانالهای سمپاتیک به‌دست آورده بودیم، به‌نیروهای آمریکایی دادیم. آنها طبق قوانین بین‌المللی مسئول حفاظت و مجری کنوانسیون چهارم ژنو بودند.

قرار بر این شد که ساعت ۵صبح در جادریه برای آزاد کردن گروگانها وارد عمل بشوند و یک تیم از مجاهدین هم، با دست خالی و بدون سلاح همراه آنها بود چون می‌خواستیم خودمان جلودار باشیم و گروگانها را هر طور شده آزاد کنیم.

تیم راهنمای مجاهدین که شهید حسین مدنی هم در آن بود، نیمه‌شب از اشرف با نیروی آمریکایی به‌بغداد رفتند. اتاق عملیات مجاهدین در اشرف هم لحظه به‌لحظه حرکت ستون و تحولات و خبرهای روی زمین را پیگیری و مانیتور می‌کرد.

نیروی آمریکایی صبح زود با راهنمایی برادرانمان به‌نزدیکی مجموعه عبدالعزیز حکیم و محل حبس دو مجاهد گروگان رسید. همه چیز برای عملیات آزاد کردن گروگانها آماده بود اما دقایقی قبل از شروع عملیات، مقامات سیاسی آمریکایی وارد شدند و عملیات را منتفی کردند. این کار

به‌لحاظ حرفه‌یی برای اغلب افسران آمریکایی، غیرقابل قبول و به‌قول خودشان بسیار خائنانه بود. تنها توضیحی هم که سیاستمداران به‌افسران داده بودند، این بود که اگر این عملیات انجام بشود ثبات سیاسی سیستم نوپای عراق در هم می‌ریزد؛ وانگهی مجاهدین خلق اگرچه از حفاظتهای کنوانسیون چهارم ژنو برخوردارند اما کماکان در لیست تروریستی وزارت‌خارجه آمریکا قرار دارند...

به‌نظر می‌رسد آقای جیمز جفری، حالا باید در مورد اشتباهات خودش و همگنانش در عراق بیشتر بیندیشد.

جفری بعد از اشغال عراق در سفارت آمریکا خدمت می‌کرد. بعد مشاور ارشد وزیرخارجه در امور خاور نزدیک و ایران و سپس بعد از کراکر سفیر آمریکا در عراق شد. در تیر ماه۱۳۹۰، ۳ماه بعد از کشتار ۱۹فروردین ۱۳۹۰ در اشرف، در شرایطی که مجاهدین هنوز در لیست تروریستی وزارت خارجه آمریکا بودند، همین آقای جفری می‌گفت از اشرف بروید به‌مکانی «کمی امن‌تر و کمی دورتر» و بعد هم خودتان را منحل کنید تا کمیساریا شما را به‌عنوان پناهجو ثبت‌نام کند!

Iranian dissidents in Iraq want refuge in 3rd country

BY ROY GUTMAN
MCCLATCHY NEWSPAPERS Sunday, 07.03.11
BAGHDAD -- BAGHDAD-Warning that the U.S. military soon will stop its regular visits, the U.S. ambassador to Iraq this weekend urged a group of Iranian dissidents stranded in this country since 2003 to dissolve their "paramilitary organization" and become refugees someplace else in Iraq.
Ambassador James Jeffrey said Saturday that the U.S. was working with the United Nations to move the 3,000-plus Iranians "to a place that is a bit safer, a bit further from Iran," but they would have to disband and allow themselves to be registered as refugees by the U.N .High Commission for Refugees.
But the Paris-based leadership of the People's Mujahedeen of Iran rejected the idea as a "non-starter" and said the Iranians would prefer to die where they now live, a location known as Camp Ashraf, than to relocate within Iraq.
Mohammad Mohaddessin, the official representative abroad of Ashraf, called Jeffrey's proposal for relocation" shocking and questionable".
The situation of the dissidents has attracted international attention in part because of the group's ability to rally leading former figures in the U.S. national security establishment and members of Congress and the European parliament to their cause. It says more than 4,000 parliamentarians, including the majorities of parliaments in 30 nations, support its preferred solution - relocation to a third country.
But no country, starting with the U.S. and the European Union members, is willing to take in members of the MEK - the Farsi language initials of the People's Mujahedeen - beyond those who have citizenship or residence already, U.S. and European diplomats said.
For one thing, the State Department has listed the MEK as a terrorist organization since 1997, citing a series of attacks in Tehran.
Last month, a delegation from the U.S. House of Representatives clashed with Iraqi Prime Minister Nouri al Maliki over an Iraqi army operation in May at Camp Ashraf, which led to the deaths of 35 civilians at the location in Diyala province, north of Baghdad.
(EDITORS: BEGIN OPTIOINAL TRIM)
Rep. Dana Rohrabacher, R-Calif., chairman of the House Foreign Affairs subcommittee on investigations, told Maliki that his panel was examining whether Iraqi forces under Maliki's command had committed "a crime against humanity" in the killings. Maliki subsequently asked the delegation to leave the country.
Rohrabacher said he wasn't going to urge the U.S. government to take in the MEK members. "I don't think the U.S. should take in everyone who's in a bad situation," he said. "We take in more people than every other country combined. I don't think we need to expand that much more".
Other members of the Rohrabacher delegation included Rep. Russ Carnahan, D-Mo ,.the ranking minority member; Republican Reps. Ted Poe of Texas ,Jeff Duncan of South Carolina and Louie Gohmert of Texas ,and Democratic Rep. Jim Costa of California.
The Ashraf residents came to Iraq under Saddam Hussein and fought as a paramilitary formation against Iran during the Iran-Iraq war, but were stranded after the U.S. invasion of 2003. American forces had provided protection but gave up that role as Iraq moved to regain full sovereignty over its territory. Maliki has announced that Camp Ashraf will close at year-end ,and the U.S. says Iraq has every right to take control over its entire territory.
Jeffrey said he understood that the MEK was "chewing over the possibilities" of disbanding and taking refugee status, but he said the group "really believe that the U.N. and the United States will protect them forever".
He said U.S. troops based in Diyala visit Ashraf "fairly often," either on their own or while providing protection for U.N. officials going to the camp, but they are not able even now to provide protection. Furthermore, U.S. forces "pretty soon" will no longer be based in that part of Diyala province, he said.
Mohaddessin did not respond when asked what alternatives the MEK has if no third country is willing to receive the Camp Ashraf residents. He said relocation within Iraq is tantamount to setting up a "death camp," and that the residents" prefer to die in Ashraf rather than in an unknown location where the Iranian regime and its Iraqi agents will definitely have a more free hand".

پاسخهای آن زمان مجاهدین و نمایندگانشان به‌آقای سفیر را نمی‌خواهم تکرار کنم. چون صورت آقای سفیر هم‌چنان‌که در ملاقات بعدی‌اش با استیونسون در بغداد واقع شد، ممکن است بیش از حد سرخ شود! اظهارات سفیر آمریکا بلادرنگ مورد استقبال رژیم قرار گرفت.

-سفیر رژیم در بغداد از موضع قیم حکومت عراق گفت:

«گروهک تروریستی باید تا پایان سال۲۰۱۱ خاک عراق را ترک کنند و در صورتی که چنین نکنند دولت عراق اقداماتی را در این راستا انجام خواهد داد».

- پاسدار رضایی دبیر مصلحت نظام و سرکرده قبلی سپاه پاسداران، در استقبال از حرفهای جیمز جفری یک قدم هم به‌جلو برداشت و به‌تهدید هر کشوری پرداخت که مجاهدین را بپذیرد. پاسدار مزبور نوشت:

از آنجا که رهبری گروهک از ترس توبه اعضا، اجازه دیدار با خانواده‌ها را نمی‌دهد و از آنجا که گروهک اقدامات مسلحانه علیه جمهوری اسلامی انجام می‌دهند، « هر کشوری به‌ویژه کشورهای همسایه که با درخواست پذیرش این گروهک موافقت کنند، به‌صورت خودکار در زمرهٔ کشورهای متخاصم با ایران قرار خواهند گرفت و این کشورها باید متوجه این مطلب باشند». [۱۹]

۱۹-سایت تابناک،۱۳تیر ۱۳۹۰

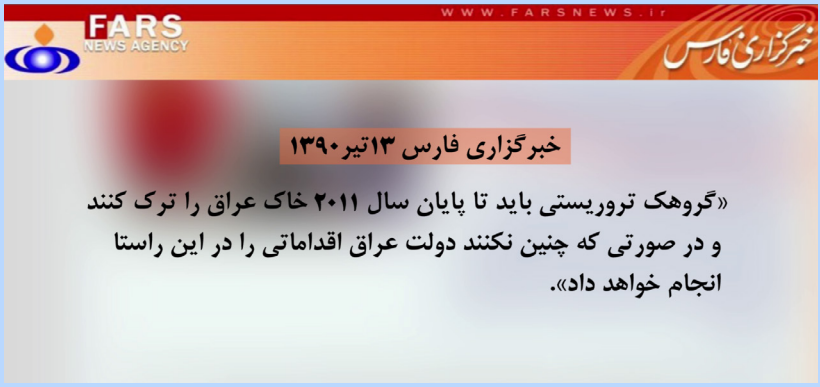
FARS
NEWS AGENCY
WWW.FARSNEWS.ir
خبرگزاری فارس
خبرگزاری فارس ۱۳تیر۱۳۹۰
«گروهک تروریستی باید تا پایان سال ۲۰۱۱ خاک عراق را ترک کنند
و در صورتی که چنین نکنند دولت عراق اقداماتی را در این راستا
انجام خواهد داد».

تابناک
با یه تغییر کوچیک میشه خوب زندگی کرد
بیشتر بدانید
TABNAK
PROFESSIONAL NEWS SITE
صفحه نخست | آی تابناک | استانها | تابناک با تو | فرهنگی هنری | اقتصادی | اجتماعی | ورزشی | تکیه محرم | مجلس | تحولات منطقه | با بینندگان | نگاه شما | تابناک من
طراحی سایت | تحویل فوری
العربیه | فارسی | جستجو
صفحه نخست » سیاسی
۱۵۹۰۵ بازدید
۱۸
میزبان بعدی گروهک منافقین چه کشوری است؟
از سوی دیگر اما رهبری این گروهک تروریستی در پاریس اعلام کرده است که از این تصمیم راضی نیستند و خاضرند در کمب اشرف بمینرند؛ اما به جای دیگری منتقل نشوند. این در حالی است که اعضای این سازمان، ارتباطشان با بیرون قطع است و رهبری این گروهک ـ که خود در پاریس زندگی می کند ـ از ترس اینکه مبادا اعضای این گروهک، توبه کنند، حتی اجازه دیدار با خانواده های این افراد را به آنان نمی دهد و آنان را در یک فرنطینه کامل نگه داشته است.
کد خبر: ۱۷۴۸۰۸ تاریخ انتشار: ۱۳ تیر ۱۳۹۰ - ۱۱:۵۴ - 04 July 2011
روزنامه آمریکایی «میامی هرالد»، نوشت: سرانجام آمریکا هم با اخراج منافقین از خاک عراق موافقت کرد.
به گزارش «تابناک»، «جفری جیمز»، سفیر آمریکا در عراق با اعلام این خبر اعلام کرد: سه هزار نفر از اعضای این سازمان که در عراق هستند، باید آماده ترک این کشور و حرکت به سمت یک کشور سوم باشند؛ کشوری که باید مقداری دورتر از ایران باشد.
وی همچنین گفته است: آمریکا در حال مذاکره با سازمان ملل متحد است تا بتواند این افراد را به کشور سومی بفرستند، به شرطی که این کشور سوم به آنان اجازه ورود داده و اعضای سازمان نیز به عنوان پناهنده در کمیسارهای عالی پناهندگان سازمان ملل نام نویسی کنند.
از سوی دیگر، اما رهبری این گروهک تروریستی در پاریس اعلام کرده است که از این تصمیم راضی نیستند و خاضرند در عراق، و در کمب اشرف بمینرند، ولی به جای دیگری منتقل نشوند. این در حالی است که اعضای این سازمان در عراق، ارتباطشان با بیرون قطع است و رهبری این گروهک ـ که خود در پاریس زندگی می کند ـ از ترس اینکه مبادا اعضای این گروهک، توبه کنند، حتی اجازه دیدار با خانواده های این افراد را به آنان نمی دهد و آنان را در یک فرنطینه کامل نگه داشته است.
در همین حال، سفارت آمریکا شنبه شب در بیانیه ای اعلام کرد: انتقال اعضای کمب اشرف نخستین گام در راه انتقال اعضای این سازمان به یک کشور سوم است.
«دیوید رانزو»، سخنگوی سفارت آمریکا نیز در این باره اعلام کرد: البته تاکنون هیچ کشوری برای میزبانی از این گروه اعلام آمادگی نکرده و هم اکنون اتحادیه اروپا و آمریکا در این زمینه به موفقیتی دست نیافته اند.
نکته آنکه در ماه گذشته میلادی، که هیأتی از کنگره آمریکا برای بازدید به عراق سفر کرده بود، در دیدار با «نوری المالکی»، نخست وزیر عراق اقدامات دولت عراق را برای مبارزه با این گروهک تروریستی جنابت علیه بشریت قلمداد کرده بود؛ موضوعی که باعث شد دولت عراق بلافاصله این هیأت آمریکایی را از عراق بیرون کند.
گفتنی است، دولت آمریکا در سال 1997 گروهک منافقین را در فهرست گروه های تروریستی گذارده بود، ولی به دلیل مقابله با ایران و استفاده از این گروهک در این تقابل، بتاگاه اعمال تروریستی این گروهک فراموش و نام آن از فهرست مذکور کنار گذاشته شد.
بنابراین، گویا از آنجا که این گروهک اقدامات مسلحانه و تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می دهند، هر کشوری به ویژه کشورهای همسایه که با درخواست پذیرش این گروهک موافقت کنند، به صورت خودکار در زمره کشورهای دشمن با ایران قرار خواهند گرفت و این کشورها باید متوجه این مطلب باشند.
آخرین اخبار
شکرک: موضع مصر در قبال بحران سوریه ثابت است
مصر مدعی توقیف یک قایق ایرانی در دریای سرخ شد
وقوع انفجار در مقره«حزب دموکراتیک خلق‌ها»در استانبول
وزارت خارجه مصر حمله تروریستی ترکیه را محکوم کرد
نشست سه‌جانبه ایران، روسیه و ترکیه سه‌شنبه در مسکو برگزار می‌شود
عکس عجیب ناسا از گرد و غبار جنوب شرق ایران
کارگرفتگی ۹ نفر در یکی از تالارهای ثرثران
آیا مردم ایران هم مانند مردم کانادا حقوق و مزایای مدیران را می پسندد؟
فرانسوا میرباني مذاکرات صلح سوریه را پذیرفت
از «گرانی دلار، بهانه پرریبط گرانی لوازم‌خانگی» تا «رکورد گران ترین کالای دنیا شکست»
انفجار گاز شهرک در منزل مسکونی در پیرانشهر
کاهش قیمت نفت سنگین ایران در ماه نوامبر
حلدهدل/یکشنبه28آذر95
رییس‌جمهور منشور حقوق شهروندی را امضا می‌کند
تخفیف ویژه مسافران
سریلانکا
دو دیفرانسیل موتور توربو قدرت ۱۹۰ اسب بخار
فقط تا ۶ دی
QATAR
oneworld
خرید آنلاین
RENAULT
Passion for life
سامانه ثبت نام رنو تلیسمان
با پایین‌ترین قیمت
رزروهتل های سراسردنیا
HOTEL
SERVCORP
تجارت خود را با دفتر مجهز سروکورپ آغاز کنید
رزرو آنلاین بلیط هواپیما هتل و تور
الی گشت
کلیک کنید

وقتی استراون استیونسون به‌عراق آمد و ساعتها با جفری و باتلر گفتگو کرد، آقای سفیر که دائماً از کوره در می‌رفت، از مجاهدین فقط یک چیز می‌خواست: تسلیم!

اما مجاهدین حسرت آن را بر دلش گذاشتند و به‌او به‌صراحت گفتند و نوشتند که خیلی قبل از او، خمینی در ماجرای قتل‌عام زندانیان سیاسی، فتوای کشتار جمعی آنها را داده است و چیز جدیدی نیست و او هرگز تسلیم مجاهدین را نخواهد دید. مضافاً این‌که به‌مقاومتشان در برابر فاشیسم دینی در ایران کماکان افتخار کرده و می‌کنند و آقای جفری هم اگر می‌خواهد می‌تواند دوباره بمب‌افکنهایش را برای استمالت از آخوندها علیه مجاهدین به‌کار بگیرد، بکشد و قرارگاهها را درب و داغان کند اما مجاهدین بیدی نیستند که از این بادها بلرزند...

حالا امروز، آقای جفری بعد از یک دهه و رؤیت محصول همین سیاستها در عراق، می گوید که از استمالت بیان جبر و چشم‌پوشی بر جنایتهای او، شرم می کند. زیرا به‌اذعان خودش، از روز اول از زندانها و شکنجه‌گاههای مخفی مطلع بوده که محصول بالفعل آن داعش و داعش‌پروری است.

به قسمتی از اطلاعیهٔ دبیرخانهٔ شورا در ۲۵آبان ۱۳۸۴ در مورد زندان مخفی و گروگانها، توجه کنید:

National Council of Resistance of Iran

شورای ملی مقاومت ایران

رسوایی بزرگ رژیم آخوندی در عراق

فراخوان به جمع کردن بساط شکنجه و کشتار رژیم ایران در عراق و فراخوان به آزادی دو مجاهد ربوده شده

کشف یک زندان مخفی در جادریه بغداد که توسط عوامل رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق کنترل و اداره می شد، همگان را شوکه کرده است. به گزارش منابع خبری, بیش از ۱۷۰زندانی شکنجه شده که بشدت از کمبود تغذیه رنج می برند, در این زندان نگهداری می شدند. شماری از بازداشت شدگان در اثر شدت شکنجه فلج شده بودند و پوست شمار دیگری از آنها کنده شده بود. برخی از زندانیان در حال مرگ بسر می برند. این افراد به صورت غیرقانونی و بدون هیچ مدرکی در بازداشت بسر می برده اند.

شکنجه گاه کشف شده و جنایاتی که در آن صورت گرفته است تنها بخش کوچکی از جنایات رژیم ضد بشری آخوندی در عراق است.

روز ۱۳مرداد ۸۴ دو مجاهد خلق توسط عوامل رژیم آخوندی در بغداد ربوده شدند. سازمان مجاهدین خلق ایران طی اطلاعیه ای در ۱۷مرداد ۱۳۸۵ (۸ اوت ۲۰۰۵) اعلام کرد مجاهدان خلق حسین پویان و محمد علی زاهدی در خیابان کراده خارج بغداد، توسط نیروهای رژیم آخوندی در وزارت کشور عراق ربوده شدند. گروگانها ابتدا به محل این وزارتخانه برده شدند و پس از آن با دو ماشین پاترول سفید رنگ از درب پشتی وزارت کشور به محل نامعلومی منتقل شدند. همان زمان سازمان مجاهدین

خلق ایران اعلام کرد اکیپ ۸نفره‌ای که آقایان پویان و زاهدی را ربودند به‌صورت یک اکیپ گشت در منطقه جادریه و کرادهٔ خارج بغداد کار می‌کنند. این دو مجاهد خلق که هر دو تحت حفاظت کنوانسیون چهارم ژنو قرار دارند هم‌چنان در اسارت و تحت شکنجه بسر می‌برند. ...

مقاومت ایران، جامعه جهانی را به کوتاه کردن دست آخوندهای حاکم بر ایران، از عراق و جمع‌کردن بساط شکنجه و کشتار آنان از این کشور و پایان‌دادن به صحنه‌هایی که ننگ بشریت معاصر است، فرا می‌خواند. صدور تروریسم و بنیادگرایی و استقرار یک حکومت دست نشانده در عراق، یک بخش ضروری از استراتژی آخوندها برای حفظ حکومت ننگین خود می‌باشد.

جنایتها و سوابق مزدوری باقر و عبدالعزیز حکیم

صحبت که به‌این‌جا رسید خوب است یادآوری کنیم که سوابق مزدوری و جنایتهای برادران حکیم (باقر و عبدالعزیز) علیه مجاهدین و مقاومت ایران یکی و دو تا نیست.

در ۱۰اسفند ۱۳۷۸ الجزیره گزارش کرد که مزدوران ۹بدر و باند حکیم تا آن زمان ۱۸۳عمل تروریستی علیه مجاهدین و پایگاههایشان در خاک عراق انجام داده‌اند.

۱۲سال بعد از عملیات فروغ جاویدان، در سال ۱۳۷۹، نشریه لواءالصدر ارگان باند حکیم که در قم منتشر می‌شد اعلام کرد که در عملیات مرصاد در تنگهٔ چهار زبر ۱۰۹تن از افراد سپاه ۹بدر که تحت فرمان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عمل می‌کردند توسط مجاهدین کشته شده‌اند. چیزی که مجاهدین از آن، در آن زمان، اطلاع مشخص آن هم با عدد و رقم نداشتند.

سوابق مزدوری و جنایت باند باقر حکیم علیه مجاهدین

نمونه هایی از جنایات تروریستی باند باقر حکیم علیه مجاهدین و شهروندان عراقی

اطلاعیه ها و افشاگریهای مجاهدین در مورد جنایات مزدوران باند بافر حکیم

اطلاعیهٔ ستاد فرماندهی مجاهدین در داخل کشور

افشای یک شبکهٔ تروریستی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی علیه مجاهدین و ارتش آزادیبخش

رژیم ضدبشری آخوندی، تاکنون از مقابله با مقاومت گسترش یابندهٔ مردمی، مقهورانه ناتوان می‌ماند و بحران‌های درونی و عمیق تروریسم، جنگ ضدمردمی و بحران اقتصادی روزافزون، رژیم را بیش از پیش به ورطهٔ سقوط نزدیک می‌سازد. در چنین شرایطی است که وزارت اطلاعات رژیم که از همان آغاز تأسیس، ترور و جنایت را سرلوحهٔ کار خود قرار داده بود، بیش از پیش به ترور و جنایت روی آورده است. این وزارتخانه که از همان آغاز تأسیس، ترور و جنایت را سرلوحهٔ کار خود قرار داده بود، بیش از پیش به ترور و جنایت روی آورده است. این وزارتخانه که از همان آغاز تأسیس، ترور و جنایت را سرلوحهٔ کار خود قرار داده بود، بیش از پیش به ترور و جنایت روی آورده است. این وزارتخانه که از همان آغاز تأسیس، ترور و جنایت را سرلوحهٔ کار خود قرار داده بود، بیش از پیش به ترور و جنایت روی آورده است.

شبکهٔ تروریستی در وزارت اطلاعات

وزارت اطلاعات یک شبکهٔ مخفی از مأموران و مزدوران خود را برای عملیات تروریستی علیه مجاهدین و ارتش آزادیبخش تشکیل داده است. این شبکه تحت فرماندهی یکی از مدیران ارشد وزارت اطلاعات، به نام «علی مهدوی» اداره می‌شود. این شبکه از چندین گروه تشکیل شده است که هر کدام وظیفه خاصی را بر عهده دارند. گروه اول، گروه ترور است که وظیفه ترور شخصیت‌های مجاهدین و ارتش آزادیبخش را بر عهده دارد. گروه دوم، گروه جاسوسی است که وظیفه جمع‌آوری اطلاعات درباره مجاهدین و ارتش آزادیبخش را بر عهده دارد. گروه سوم، گروه تبلیغاتی است که وظیفه پخش شایعات و اکاذیب درباره مجاهدین و ارتش آزادیبخش را بر عهده دارد.

توجه تروریستها در تهران

در همین ماه‌های اخیر، چند تن از مدیران ارشد وزارت اطلاعات، از جمله «علی مهدوی» و «حاج حیدر» و «حاج رضا» و «حاج جعفر» و «حاج حسن» و «حاج علی» و «حاج محمد» و «حاج احمد» و «حاج عبدالله» و «حاج عبدالرحیم» و «حاج عبدالکریم» و «حاج عبدالرحمن

تاریخچهٔ مزدوری

محمد باقر حکیم کیست؟

آیت الله السید محمد باقر الحکیم رئیس شورای اعلای انقلاب اسلامی عراق در حال ایراد سخنرانی

آیت الله السید محمد باقر الحکیم رئیس شورای اعلای انقلاب اسلامی عراق در حال سخنرانی در جمع اعضای سفارت عراق در تهران

مزدور جنایتکار عبدالعزیز حکیم

موضعگیری باقرحکیم علیه سازمان مجاهدان انقلاب خیب

مقاله هفته‌نامهٔ لبنانی الشراع

درباره سوابق مزدوران گردآمده در مجلس اعلا

مقالهٔ زیر، که در شمارهٔ ۴۱۹ (۲۵ اکتبر ۱۹۹۰) مقالهٔ مسوولی را به سردبیری و روابط کنونی جریان‌های عراقی در خارج، در اوایل سالهای ۱۹۷۰ است که به فاصله بالا گرفتن درگیری میان طرفداران و مخالفان خمینی، در آن هنگام از حکومت صدام حسین حمایت می‌کردند. شیخ همام حمودی، که در آن هنگام از رهبران حزب الدعوه بود، در سال ۱۹۸۰ به ایران گریخت و در آنجا به خمینی پیوست. او در سال ۱۹۸۳ به ریاست مجلس اعلای انقلاب اسلامی در عراق برگزیده شد. شیخ حمودی در سال ۱۹۸۸ در ایران درگذشت. با این حال، مجلس اعلا و شاخهٔ نظامی آن، سازمان بدر، همچنان از حمایت ایران برخوردارند و در این جهت همکاری‌های نزدیکی با رژیم دارند. شیخ محمد باقر حکیم، رهبر مجلس اعلا، در ماه ژوئیه ۱۹۹۰ از ایران دیدار کرد و در آنجا مسئول روابط خود با حزب دعوه و رئیس آن، عزیز عبدالستار حکیم، را به عنوان نماینده تام الاختیار خود معرفی کرد. به دنبال این دیدار، شیخ محمد باقر حکیم و رهبری دو سازمان دیگر عراقی مقیم ایران، یعنی احزاب کمونیست کارگری و سوسیالیست کردستان، بیانیه‌ای مشترک صادر کردند که در آن خواستار سرنگونی رژیم صدام حسین شده بودند. این بیانیه مشترک، که در آن از تشکیل جبهه‌ای متحد علیه رژیم عراق سخن رفته بود، نخستین بیانیه‌ای بود که در آن نمایندگان سه جریان عراقی مقیم ایران، که تا آن زمان با یکدیگر مخالف بودند، خواستار سرنگونی رژیم عراق شده بودند.

• سوابق علاوی در استفاده از حزب الدعوه علیه دولت عراق... بر آن بوده تا با توسل به تاکتیک «ایران‌نو» در برابر جریانات اسلامی انقلابی و نیز هواداران خمینی، اگر نگوییم جریانی را خلق کند، دست‌کم جریان را خنثی کند.

• محمد و گلپایگانی... یکی از سردمداران قیام در سالهای ۱۹۷۰ است که به فاصله بالا گرفتن درگیری بین طرفداران و مخالفان خمینی، در آن هنگام از حکومت صدام حسین حمایت می‌کردند. شیخ همام حمودی، که در آن هنگام از رهبران حزب الدعوه بود، در سال ۱۹۸۰ به ایران گریخت و در آنجا به خمینی پیوست. او در سال ۱۹۸۳ به ریاست مجلس اعلای انقلاب اسلامی در عراق برگزیده شد. شیخ حمودی در سال ۱۹۸۸ در ایران درگذشت. با این حال، مجلس اعلا و شاخهٔ نظامی آن، سازمان بدر، همچنان از حمایت ایران برخوردارند و در این جهت همکاری‌های نزدیکی با رژیم دارند. شیخ محمد باقر حکیم، رهبر مجلس اعلا، در ماه ژوئیه ۱۹۹۰ از ایران دیدار کرد و در آنجا مسئول روابط خود با حزب دعوه و رئیس آن، عزیز عبدالستار حکیم، را به عنوان نماینده تام الاختیار خود معرفی کرد. به دنبال این دیدار، شیخ محمد باقر حکیم و رهبری دو سازمان دیگر عراقی مقیم ایران، یعنی احزاب کمونیست کارگری و سوسیالیست کردستان، بیانیه‌ای مشترک صادر کردند که در آن خواستار سرنگونی رژیم صدام حسین شده بودند. این بیانیه مشترک، که در آن از تشکیل جبهه‌ای متحد علیه رژیم عراق سخن رفته بود، نخستین بیانیه‌ای بود که در آن نمایندگان سه جریان عراقی مقیم ایران، که تا آن زمان با یکدیگر مخالف بودند، خواستار سرنگونی رژیم عراق شده بودند.

در پی آن احساس کرده‌ام که باید به این پرسش پاسخ دهم که چرا من، که در سالهای ۱۹۷۰ در عراق به عنوان یکی از اعضای سطوح مسوول نهضت اسلامی در عراق فعالیت می‌کردم، اکنون در صف مخالفان قرار گرفته‌ام و با جریانی که خود را اسلامی می‌داند، مخالفت می‌ورزم. پاسخ من به این پرسش بسیار ساده است. من همچنان بر همان اعتقادات و باورهایی که در گذشته داشته‌ام پای می‌فشارم و هیچ تغییری در آنها نداده‌ام. اما آنچه تغییر کرده است، خود جریان‌هایی هستند که در گذشته با آنها همکاری می‌کردم و اکنون با آنها مخالفت می‌ورزم. این جریان‌ها، که در گذشته با آنها همکاری می‌کردم، اکنون از مسیر اصلی خود منحرف شده‌اند و به جریان‌هایی تبدیل شده‌اند که با آنها مخالفت می‌ورزم.

نمونه‌ای که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، حزب الدعوه است. این حزب در سالهای ۱۹۷۰ از جریان‌های اسلامی بسیار فعال در عراق بود و در آن هنگام من نیز از اعضای فعال آن بودم. اما در سالهای بعد، و به ویژه پس از آن که حزب الدعوه در سال ۱۹۸۰ از سوی رژیم عراق مورد سرکوب شدید قرار گرفت، بسیاری از اعضای آن، از جمله من، به ایران پناه بردند. در ایران، این حزب دچار انشعاب شد و به دو جریان تقسیم شد. یکی از این دو جریان، که در آن هنگام من نیز از اعضای آن بودم، همچنان بر اصول و اهداف اولیه حزب الدعوه پای می‌فشرد و جریان دیگر

دو برنامه از شبکهٔ تلویزیونی الجزیره

دربارهٔ مجلس اعلا و اپوزیسیون دست‌ساز رژیم آخوندی برای عراق

شبکهٔ تلویزیونی الجزیره، در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۷۸، یک برنامهٔ ۲۰ دقیقه‌ای دربارهٔ مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و نیروی ۱۰ هزار نفریِ آن، که در ایران تشکیل شده و تحت کنترل کامل رژیم آخوندهاست، پخش کرد. در این برنامه، که با عنوان «اپوزیسیون دست‌ساز رژیم آخوندی برای عراق» پخش شد، گزارشگر الجزیره ضمن اشاره به اینکه مجلس اعلا و نیروی بدر، که در ایران تشکیل شده‌اند، تحت کنترل کامل رژیم آخوندها هستند، گفت: «این مجلس و نیروی بدر، که در ایران تشکیل شده‌اند، تحت کنترل کامل رژیم آخوندها هستند.»

شبکهٔ تلویزیونی الجزیره، در تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۷۸، یک برنامهٔ ۲۰ دقیقه‌ای دربارهٔ مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق و نیروی ۱۰ هزار نفریِ آن، که در ایران تشکیل شده و تحت کنترل کامل رژیم آخوندها است، پخش کرد. در این برنامه، که با عنوان «اپوزیسیون دست‌ساز رژیم آخوندی برای عراق» پخش شد، گزارشگر الجزیره ضمن اشاره به اینکه مجلس اعلا و نیروی بدر، که در ایران تشکیل شده‌اند، تحت کنترل کامل رژیم آخوندها هستند، گفت: «این مجلس و نیروی بدر، که در ایران تشکیل شده‌اند، تحت کنترل کامل رژیم آخوندها هستند.»

کنار مخالفان تروریستی رژیم حاکم خامنه‌ای در ایران مرزهای عراق

سپاه موسوم به ۹۰ بدر
یکی از بازوهای تروریسم و جنایت سپاه پاسداران

کلیشهٔ روزنامهٔ بدر از گردان سپاه مزدور ۹ بدر

بدر

خلاف قاعده قاره روی عرض اول الاشاعة

باقر الحکیم: ... آماده همکاری کامل کشور خود با نظام اسلامی در مورد آن چه در آن منتشر می‌شود و با بسیاری که سیاست چاپ در آن در خدمت یک پیام بدانند و این با نظرات اساسی در مورد آن چه در آن منتشر می‌شود و ... سیاسی که سیاست چاپ در آن در خدمت یک پیام بدانند

ادای قاعم بمقام فرماندهی سپاه بدر گفت: روزنامهٔ بدر از پول بیت المال و از سوی دفتر نمایندگی ولی فقیه منتشر می‌شود و با بسیاری که سیاست چاپ در آن در خدمت یک پیام بدانند و این با نظرات اساسی در مورد آن چه در آن منتشر می‌شود و ... سیاسی که سیاست چاپ در آن در خدمت یک پیام بدانند

اسناد مزورودی و مواجب بگیری سپاه ۹ بدر

جنگ روانی وزارت اطلاعات رژیم آخوندی علیه مجاهدین از طریق مزدوران باند جنایتکار باقر حکیم

«مجلس اعلاء»
نشانهٔ رنگ باخته‌یی از رؤیای ابلهانه خمینی یا زائدهٔ ماشین جنگ و تروریسم رژیم آخوندی؟

در پی آغاز حملهٔ نظامی توسط آمریکا
آخوندها به‌نیروهایشان برای دخالت در عراق آماده باش دادند

یک ارگان ویژهٔ صدور تروریسم به‌نام
«مجمع جهانی اهل‌البیت»

اطلاعیه ها و افشاگریهای مجاهدین در مورد جنایات مزدوران باند باقر حکیم

قسمتی از اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران در بارهٔ همدستی باندهای جنایتکار باقر حکیم و طالبانی علیه مجاهدین

همزمان با شکست تمامی تلاشهای رژیم آخوندها در ایجاد تفرقه و درگیری میان نیروهای مجاهد و ارتش آزادیبخش ملی، رژیم آخوندها با همکاری باند باقر حکیم و طالبانی و با تجهیز و سازماندهی ارتش مزدور و ضدخلقی بعث صدام حسین، به یورش وسیع و همه‌جانبه‌ای علیه مجاهدین دست زده است. این یورش که با بمباران هوایی و توپخانه‌ای مواضع و مراکز مجاهدین در خاک عراق آغاز شد، با حملات زمینی ارتش مزدور صدام و نیروهای باند باقر حکیم و طالبانی ادامه یافت. در این یورش وحشیانه، مجاهدین با استفاده از سلاح سنگین و خمپاره‌های ۱۲۰ و ۱۶۰ میلیمتری و راکت‌های کاتیوشا و توپ و تانک و نفربر و زرهپوش و خودروهای مجهز به سلاح سنگین و ضدهوایی و ... مورد حمله قرار گرفتند. در این حملات وحشیانه، ۱۲ مجاهد به شهادت رسیدند و ۱۲۰ تن مجروح شدند. در این یورش، ۱۰۰ دستگاه خودرو و تانکر و تریلی و ... توسط مزدوران صدام و باند باقر حکیم و طالبانی به غنیمت گرفته شد. ۱۲ دستگاه از این خودروها توسط مزدوران صدام و باند باقر حکیم و طالبانی به آتش کشیده شد. ۱۲ دستگاه خودرو و تانکر و تریلی و ... توسط مجاهدین منهدم شد. ۱۲ دستگاه خودرو و تانکر و تریلی و ... توسط مجاهدین به غنیمت گرفته شد. ۱۲ دستگاه خودرو و تانکر و تریلی و ... توسط مجاهدین به غنیمت گرفته شد.

توطئه‌ها و بندوبستهای پنهانی رژیم و باند باقر حکیم با محافل استعماری

روزنامه فرهنگ ۲۷-۱۸

لندن و تهران: عقاید هماهنگ در مورد تغییر در عراق

اعتراف آخوند باقر حکیم به‌مزدوری برای رژیم آخوندی و به‌عهده گرفتن مسئولیت حملات تروریستی علیه مجاهدین در خاک عراق

ارتباطات باقر حکیم و مجلس اعلا با انگلستان

رادیو آلمان (۱۹ آبان ۱۳۷۴):

مسئول کمیسیون خارجه‌ٔشورا، جزئیات فرستادن تروریستها توسط وزارت اطلاعات به‌عراق برای اجرای جنایت تروریستی اخیر را تشریح کرد

مزدوران عراقی وزارت اطلاعات به شرکت در حمله‌ور زدن به قرارگاه حبیب و سلسله عملیات تروریستی رژیم آخوندی علیه مجاهدین در خاک عراق اعتراف کردند

خون و قهرمانان ارتش آزادی در صحنه‌ٔدشت به قرارگاه حبیب بورسی پیوست

اعتراف به شرکت در عملیات جنایتکارانهٔ تروریستی

یونسی، وزیر اطلاعات خائنی: ما به‌دست مردم عراق از منافقین انتقام خواهیم گرفت. مردم عراق انتقام خون رجایی و باهنر را از منافقین خواهند گرفت

بخشی از اطلاعیهٔ کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت ایران

هدایتی یا مانین جاسوس ۱۲ ارتش رژیم آمدند

... امروز [illegible] ارتش رژیم متشکل از [illegible] نفر [illegible] وارد [illegible] شدند. [illegible] ارتش رژیم [illegible] ۱۲ [illegible] ارتش [illegible] ۱۲ [illegible] ارتش [illegible] ۱۲ [illegible] ارتش

به‌راستی در سال ۱۳۶۷ افراد عراقی در تنگهٔ چهار زبر در داخل ایران چه می‌کردند و چه کسی آنها را فرستاده بود؟ آیا غیر از این است که هم‌چنان‌که بعداً فاش شد پاسدار دقایقی که ۹بدر را درست کرد از این مزدوران مانند گوشت دم توپ استفاده می‌کرده است؟ چون تا آنجا که به‌مجاهدین مربوط می‌شود چه در آن سال‌ها و چه بعد از آن، هرگز نخواستند و نمی‌خواهند که با عناصر عراقی طرف جنگ و مقابله باشند.

آنچه تابه‌حال گفتم خلاصه‌یی از وقایع و تحولات و خبرهای این دو هفته از ۱۴آذر تا امروز بود. فکر می‌کنم که حالا دیگر هر ذهن شکاکی هم شعله کشیدن خون شهیدان را همراه با راهگشایی مریم در میان طوفان به‌چشم می‌بیند.

آمادگی و توانمندی مقابله با انواع حملهٔ‌ها و توطئه‌ها

توجه کنید: هر چقدر که فرضیه و تابلو حرکت مؤسسان چهارم به‌جانب پایگاه امن جدی بشود، خطراتی که از هر سو ما را احاطه کرده جدّ‌یتر و بیشتر می‌شود. می‌خواهم یادآوری کنم که از همان عهد پرچم فروغ جاویدان در عاشورای پارسال (۹۳) دستورالعمل در لیبرتی در صورت حملهٔ عناصر دشمن، خلع‌سلاح آنها و دفاع تمام‌عیار، بود و هست و خواهد بود.

حکومت عراق ادعا می‌کرد اصلاً خبر نداشته که چه کسی و چه نیرویی در ۱۰شهریور به‌اشرف حمله و انفجار و قتل‌عام کرده و بعد هم گریخته است!

بسیار خوب، اگر این حکومت خبر ندارد که چه کسی حمله می‌کند، پس حساب حمله‌کنندگان را خودمان تا نفر آخر خواهیم رسید. اگر کسی جرأت دارد قدم پیش بگذارد...

یادتان هست که بعد از ۱۹فروردین یکی از برادران در نشست می‌گفت در قسمت شمالی اشرف، یک عراقی را در حالی‌که داشت رو به‌جنوب

به‌جانب مجاهدین شلیک می‌کرد از پهلو غافلگیر و خلع‌سلاح کرد. فرد مهاجم عراقی پا به‌فرار گذاشت و در یک مسافت ۵۰۰ متری، ۶-۷ بار بر زمین خورد و سرانجام بر روی زمین درازکش باقی ماند. بعد برادرمان به‌سراغ او رفت و آن فرد به‌پای این مجاهد خلق افتاد که حالا که او را نمی‌کشد، سلاحش را هم به‌او برگرداند. زیرا اگر بدون سلاح از صحنه برود، استخبارات می‌گوید سلاحش را به‌مجاهدین فروخته و بلادرنگ او را با گلوله خواهد زد.

در همان نشست، همگی با جزئیات از برادرمان شنیدیم که سرانجام سلاح آن فرد را به‌او برگردانده و آن فرد می‌خواسته دست و پای این مجاهد خلق را ببوسد که نگذاشته بود.

اگر یادتان باشد در مورد ضرب‌الاجل ۳۱دسامبر (۱۰دی ۱۳۹۰) که مالکی از فردای ۱۹فروردین ۹ماه با دود و دم بر طبل آن کوبید، مجاهدین این ضرب‌الاجل را به‌مفت نخریدند و از قضا بر آمادگی خود برای «درس درخشان» افزودند. مالکی هم از هوا و زمین، آمادگی‌های ما را می‌دید و به‌سازمان ملل راپورت می‌داد. اما نتیجه‌اش این شد که مضافاً بر فشارهای سیاسی و بین‌المللی به‌این نتیجه رسید که در روی زمین هم، حمله برایش قیمت سنگین دارد.

کنفرانس مطبوعاتی مالکی-تلویویزن العراقیه-۳۰آذر۱۳۹۰
۲۱دسامبر۲۰۱۱

نوري المالكي رئيس مجلس الوزرا: معسكر اشرف هذه المنظمة موجودة على الارض العراقية و هي خرق لسيادة العراق. منظمة متهمة بالارهاب ..... وجودها لاينسجم مع دستورنا لانه يرفض وجود منظمات ارهابية او اي منظمة ولو غير ارهابية لكنها تضر بامن دولة اخرى ..... مجاهدي خلق يحتلون مدينة من العراق و ليست مخيم كما يقال الان مدينة. الحكومة العراقية غير مسموح لها الدخول ولامعرفة ماذا يجري وهذا غيرموجود ..... تشكرت منا الامم المتحدة علي التعاون ولكنهم حينما ذهبوا الى منظمة مجاهدي خلق رفضت و حفرت الخنادق ووضعت الوقود في هذه الخنادق من اجل ان تشعل نار و اصبحوا يضعون المنشات العسكرية وكاننا في دولة ثانية نحن اوكلنا الموضوع للامم المتحدة ....

نوری المالکی: قرارگاه اشرف

وجود این سازمان در خاک عراق نقض حاکمیت عراق می‌باشد.
سازمانی است که به‌تروریزم متهم است
...حضور این سازمان منطبق با قانون اساسی ما نیست چرا که قانون اساسی عراق حضور سازمانهای تروریستی یا هر سازمان حتی غیرتروریستی که برای امنیت کشور دیگری مضر می باشد را رد می‌کند

. . ...

مجاهدین خلق شهری از عراق و نه اردوگاهی، آن‌چنان که در رسانه گفته می‌شود را اشغال کرده‌اند. دولت عراق اجازه ورود ندارد و نمی‌دانیم که در آنجا چه می گذرد و چنین چیزی سراغ ندارد.

...

سازمان ملل از همکاری ما تشکر کرد ولی وقتی به‌نزد سازمان مجاهدین

خلق رفتند، آنها رد کردند و خندقها ایجاد کردند و در این خندقها برای آتش زدن، سوخت ریختند و تأسیسات نظامی احداث کردند که گویا ما در (رویارویی) با کشور دیگری هستیم. ما موضوع را به‌سازمان ملل واگذار کردیم...

منظور از این یادآوریها اینست که علاوه بر کارزار اجتماعی، علاوه بر سلسله کارزارهای سیاسی و بین‌المللی که در اوج خودش، به‌همان الحاقیهٔ لیبرتی در بودجه دفاعی آمریکا راه برد و با امضای اوباما به‌قانون الزام‌آور تبدیل شد، بله، علاوه بر همهٔ اینها، ما باید در روی زمین برای حملهٔ موشکی و هم‌چنین حملهٔ زمینی، حداکثر آمادگی را کسب کنیم. باید طرح‌های مشخص و متعدد برای شرایط و تابلوهای مختلف داشته باشیم. آخر رژیم هار و هیستریک، مخصوصاً در این مقطع در کمین است تا فرصت انتقال امن باقی نگذارد. در غیراین‌صورت جنگ برای نابود کردن و سربه نیست کردن مجاهدین و جایگزین دموکراتیک را باخته است. پس هر چقدر دربارهٔ ضرورت آمادگی در این مرحله بگوییم، کم گفته‌ایم. می‌خواهیم رژیم ضدبشری و دژخیمان و مزدوران و سگهای زنجیری را کور و بور باقی بگذاریم. خواسته من از شما هر چه بالاتر بردن همان پرچم فروغ، به‌معنی آمادگی و توانمندی مقابله با انواع حملات و توطئه‌هاست.

21:29
21:08

26:53
1:56

آمادگی برای آزمایشهای بیشتر و جنگ بغرنج تر در چهاردهمین سال پایداری

ما با سلسله‌یی از وقایع و تحولات روبه‌رو هستیم که مقداری از آنها را مرور و یادآوری کردیم. بعد از دو هفته دیگر هم سال میلادی جدید فرا می‌رسد، با همهٔ تحولات و آزمایشهایش.

از این بابت می‌گویم آزمایش که برای جنبشهای ترقیخواه و انقلابی، مصاف دادن با این همه دشمن و دولت و سازمانهای بین‌المللی، واقعاً کار ساده‌یی نیست. ماجرای کوبلر و شکنجهٔ دو ساله مجاهدین توسط او، آن هم تحت عنوان نمایندهٔ دبیرکل نمونهٔ عبرت‌انگیز آن است.

حالا در سالی که در پیش رو داریم، باز هم مجاهدین با شدّت و حدّت آزمایش می‌شوند که این جنگ بغرنج چندین و چند جانبه را چگونه پیش خواهند برد؟

در سال۲۰۱۶ میلادی و ۳ماه بعد از آن در سال۱۳۹۵ خودمان وارد چهاردهمین سال پایداری تاریخی و پرشکوه بعد از اشغال عراق می‌شویم. فکرش را بکنید خیلی طولانی است... به‌همین اندازه هم عمیق و دارای تأثیرات پایدار در تاریخ ایران زمین آخوندزده و اسیر است.

من در نشست قبلی، پیشاپیش پیروزی را در تندباد تغییر و بحران و طوفان تبریک گفتم. روی عنصر مجاهدی و انقلاب شما بر سر چشمهٔ صدق و فدا و روی آگاهی و عاطفهٔ بیدریغ و بیکران یاران اشرف‌نشان و شیدای آزادی ایران حساب کرده‌ام...

اما در چهاردهمین سال که روبه‌روی ماست، سؤالات خیلی جدی پیش روی هر جنبش مقاومت و هر جنبش مردم‌گرای انقلابی قرار دارد ، مخصوصاً وقتی که جنگ بغرنج و پیچیده و چندین و چند جانبه می‌شود، مسأله "بودن یا نبودن" است.

- آیا می‌تواند؟

- آیا توان و ظرفیت پایداری دارد، یا مغلوب اپورتونیسم و حرکت

خودبه‌خودی می‌شود؟

- آیا در باتلاق خیانت و خنجرکشی از پشت و در دام گذاری و مین‌کاری پیاپی دشمنش، نیست و نابود می‌شود یا سر بلند می‌کند و قویتر و تنومندتر بیرون می‌آید؟

- روشن‌تر می‌گویم: آیا ما یک صبرا و شتیلا در پیش داریم یا مؤسسان چهارم در پرتو مهر تابانش می‌تواند در میانهٔ طوفان، در همین سالی که در پیش است، به‌پایگاه و جایگاهی امن و امان برسد؟

هر چند شرایط ما به‌کلی متفاوت است، اما برای روشن شدن ابعاد کاری که پیش رو داریم و باید کمربندها را برای آن محکم ببندیم، به‌اختصار به‌صبرا و شتیلا اشاره می‌کنم تا هیچ تابلو و فرضیه‌یی از نظرمان دور نیفتد و حداکثر هوشیاری و آمادگی را داشته باشیم:

در سال۱۳۴۹ (سال ۱۹۷۰میلادی) اردن هنوز مرکز و پایگاه اصلی الفتح و جنبش مقاومت فلسطین بود و در همان سال گروهی از مجاهدین هم در آنجا بودند. هدف ما کسب آموزشهای نظامی برای مبارزه خودمان در ایران بود.

اما در همین اثنا «سپتامبر سیاه» واقع شد. کشورهای عربی دست‌اندرکار و در رأس آنها مصر، طرح راجرز وزیر خارجه وقت آمریکا را پذیرفتند. طرحی که اکیداً با منافع فلسطینیها در تعارض بود و آنها یکه و تنها در مقابل آن ایستادند. بعد حملات و سرکوب همه‌جانبه شروع شد و سرانجام تشکیلات و رهبری فلسطین به‌طور عمده به‌لبنان منتقل شد و بیروت را مرکز و پایگاه اصلی خود قرار داد. آنها در سالهای بعد توانستند در پایگاههای زیرزمینی در بیروت سلاحهای سنگین از قبیل تانک هم آماده و ذخیره کنند.

هانی الحسن، اولین سفیر فلسطین در ایران و عضو مرکزیت فتح، نحوه ساختن طبقات زیرزمینی برای مرکزیت فلسطین و انبار کردن تسلیحات سنگین در پایگاههای الفتح را بعداً با جزئیات برای من در دیدارهای آن

سال‌ها در پاریس، توضیح می‌داد. از جمله می‌گفت برخی از این پایگاهها، ۴ - ۵ طبقه در زیر زمین داشتند و فرماندهی فلسطین کارش را در بحبوحهٔ جنگ و بمباران از این پایگاهها اداره می‌کرد.

در سپتامبر سال۱۹۸۲ در بیروت، شارون وزیر دفاع اسراییل، در جریان حملهٔ همه‌جانبهٔ هوایی و زمینی و دریایی به‌لبنان، به‌قتل‌عام در صبرا و شتیلا روی آورد. بگین و شارون می‌خواستند جنبش فلسطین را از میان بردارند. شخص عرفات و یکایک رهبران برجستهٔ فلسطینی، سوژه حملات جداگانه هوایی و زمینی بودند که هر یک ماجرا و داستانی جداگانه دارد.

قدرت و تسلط هوایی اسراییل نیازمند شرح و توضیح نیست و در جنگ ژوئن۱۹۶۷ آزمایش شده و مصر و سوریه را از پا در آورده بود. حالا در ۱۹۸۲ در لبنان، علاوه بر حمله از هوا و زمین و دریا، محاصرهٔ فلسطینیها را هم، با قطع آب و برق و غذا و راههای رساندن تدارکات، به‌منتها درجه رساندند. در نیمهٔ سپتامبر (۲۴شهریور ۱۳۶۱) ارتش اسراییل برخلاف موافقتنامهٔ آتش‌بس وارد بیروت شد و از روز بعد قتل‌عام در کمپهای صبرا و شتیلا را شروع کردند.

در همان زمان، وقتی آمریکا مداخله کرد تا ارتش اسراییل از بیروت عقب بنشیند، شارون به‌آنها گفته بود که هنوز ۲ تا ۳هزار نفر"تروریست"در آنجا هستند و باید حساب آنها را رسید... یعنی می‌خواست فلسطینی‌ها را تمام‌کش کند.

سالها بعد در اسناد معتبر فاش شد که شارون قبل از عقب‌نشینی ارتش اسراییل از بیروت، به‌سفیر سیار آمریکا گفته بود، یا خود لبنانیها "تروریستها" را بکشند یا هم بگذارید ما خودمان کار آنها را تمام کنیم...

این کار در صبرا و شتیلا، در دو روز وقت اضافی که آقای سفیر برای اتمام کار "تروریستها" به‌شارون داد، انجام شد. مطبوعات در همان زمان

وحشتناکترین قتل‌عامها را گزارش می‌کردند و این‌که دیگر کسی در صبرا و شتیلا باقی نمانده است.

لابد لحظهٔ شما هم مثل من، تداعی همان آقای سفیر آمریکا در عراق بعد از کشتار ۱۹فروردین ۱۳۹۰ در اشرف است که می‌گفت از اشرف بروید به‌مکانی «کمی امن‌تر و کمی دورتر»... که البته در عمل نتیجه‌یی جز اردوگاه مرگ در «کمی دورتر» نداشت.

مکانهای پیشنهادی مورد نظر را هم باتلر در اشرف با ما در میان گذاشت که مسئولین و فرماندهان شما در جریان هستند:

اول: پایگاه القیاره یا کیو ـ وست در ۷۰کیلومتری جنوب موصل که اگر رفته بودیم، بدون شک دو سه سال بعد، بین سندان و چکش داعش و رژیم قرار می‌گرفتیم.

جالب این‌که این کیو ـ وست، یکسال قبل از زمانی که به‌ما پیشنهاد کردند، در ژوئیه ۲۰۱۰ به‌عراقیها تحویل داده شده بود و وحوش زندان‌سازی آن را تکمیل کرده بودند.

Sameer Al-Haddad (center), chief of staff and secretariat of the committee for receiving real properties and camps, office of the prime minister Lt. Col. Paula C. Lodi (right), outgoing commander of Q-West and commander of the 15th Special Troops Battalion, 15th Sustainment Brig 13th Sustainment Command (Expeditionary) and a Franklin, Mass., native, sign agreements July 1 completing the transfer of military facilitie Contingency Operating Base Q-West to the Iraqi government.

Q-West transfer marks milestone in drawdow

STORY AND PHOTO BY
SGT. DAVID A. SCOTT
EXPEDITIONARY TIMES STAFF

CONTINGENCY OPERATING

Q-West to the Iraqi Ministry of Defense and the Iraqi Air Force as part of the responsible drawdown. The transfer marked the official end of nearly seven years of U.S. control

many months ago.

"There are plans to systematically close down contingency operating locations and bases throughout Iraq," she said. "We began planning in

times to the Middle East, said current tour of duty was memora because of the working relat ship she developed with the Ira during the closing and trans

مکان پیشنهادی دوم:پایگاه هوایی "تقدم" در ۷۵کیلومتری غرب بغداد بین رمادی و فلوجه، یعنی کانون درگیریهای سالهای بعد و یکی از مناسب‌ترین مکانها برای قتل‌عام مجاهدین و انداختن آن به‌گردن سایرین...

لیکن مجاهدین و مقاومت ایران آن‌قدر ایستادگی کردند و از کارزاری به‌کارزار دیگر رفتند، تا ۵ ماه بعد در آذر ۱۳۹۰ با مداخلهٔ خانم کلینتون که آن زمان وزیرخارجه بود، لیندوال معاون قبلی سفیر در هاییتی که

Al Taqaddum Airbase

tanks
tanks
AL HABBANIYAH
AL FALLUJA
AL TAQADDUM
250
MARKAB NORTHEAST
209
MARKAB NEW
200
350
(210)
145

حالا مشاور بخش سیاسی ـ نظامی سفارت آمریکا در عراق شده بود، به‌اشرف آمد و موضوع لیبرتی و کمپ لیبرتی در مجاورت فرودگاه را با ما در میان گذاشت. البته در آن زمان می‌گفت نیروهای آمریکایی تمامی لیبرتی را به‌مجاهدین تحویل خواهند داد. اما بعداً مالکی و کمیته سرکوب، آن را با همهٔ امکاناتش بالا کشیدند و بلعیدند و مساحت کوچکی را به‌مجاهدین دادند.

نکاتی در مورد انتقال هزاران فلسطینی از لبنان

در مورد انتقال رزمندگان فلسطینی به‌تونس در سال۱۹۸۲ یکی دو نکتهٔ تکمیلی می‌گویم و بقیه را خودتان از کتابهای آموزشی و تاریخچه جنبش فلسطین، بخوانید.

در مجموع ۱۰-۱۲هزار نفر از لبنان به‌تونس و دیگر کشورهای عربی مثل الجزایر و عراق و یمن و اردن منتقل شدند. تونس که حدود سه چهارم رزمندگان به‌آنجا رفتند، جایی است که برخلاف اردن و لبنان با موطن فلسطینی‌ها و اسراییل مرز مشترک نداشت.

به‌همین خاطر مدعیان می‌گفتند که اینها دیگر هرگز روی سرزمین خودشان را نخواهند دید و آرزوی بازگشت به‌خاک خودشان را باید از سر دور کنند. دیگر چیزی به‌نام آرمان فلسطین وجود ندارد! هیچ‌کس فکر نمی‌کرد که روزی عرفات و تشکیلات مستقل و خودگردان فلسطین در خاک فلسطین مستقر می‌شوند. اما در تیر۱۳۷۳ عرفات از تونس به‌خاک خودش یعنی فلسطین رفت.

مدعیان، بعد از صبرا و شتیلا، هم‌چنین می‌گفتند که رزمندگان فلسطینی در تونس و دیگر جوامع عربی، بدون سلاح و مرز و خاک، خواهند برید و با ازدواج و تشکیل خانواده، در این جوامع تحلیل می‌روند و فرو می‌ریزند. هر روز هم در این باب آمار و ارقام و مطالبی منتشر می‌شد که تا سالها گاه‌به‌گاه ادامه داشت و چاشنی حملات و انشعابات علیه شخص عرفات و الفتح بود.

مجاهدین اما، بعد از مرگ خمینی با پرچمداری مریم و تکمیل انقلاب ایدئولوژیک درونی، عنصر انقلابی و بازگشت‌ناپذیر مجاهد خلق را پیشاپیش در مقابل تحلیل رفتن و فرو ریختن‌های آن‌چنانی، که خواسته رژیم است، بیمه و تضمین کردند.

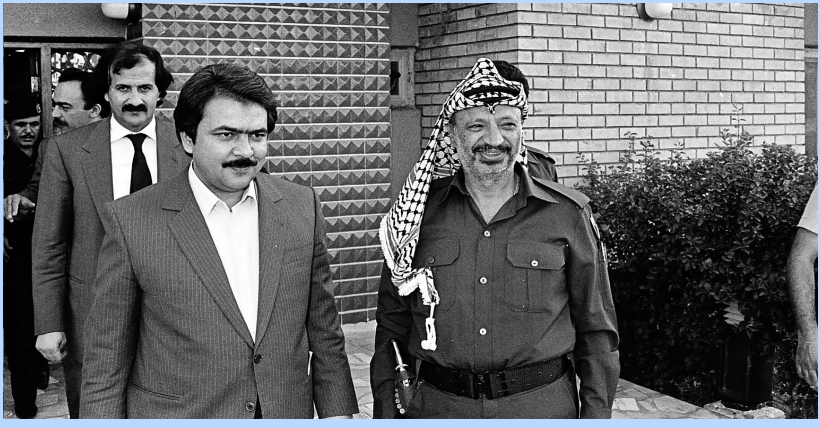

نکته دیگر این‌که خمینی در وقایع بیروت باز هم به‌جنبش فلسطین و شخص عرفات خنجر زد و رژیمش قویاً به‌تحلیل رفتن و فرو ریختن الفتح و جنبش فلسطین و سر برداشتن مقاومت به‌اصطلاح اسلامی دامن می‌زد تا با الگوی حزب‌الله لبنان، گروههای دست‌ساز یا دست‌نشانده یا هم‌جبهه خودش را ایجاد و تقویت کند.

خنجر زدنهای رژیم را عرفات با تلخکامی در دیدارمان در بغداد در تیر۱۳۶۵، که۳-۴ هفته بود به‌عراق آمده بودیم، به‌تفصیل توضیح می‌داد. پیشوای تاریخی مقاومت فلسطین، واقعاً از تفرقه‌اندازی و توطئه‌های رژیم بسیار برآشفته بود.

نتیجه:

آن از ماجرای صبرا و شتیلا در مورد فلسطینی‌ها و این هم از کارزارهای ارتش آزادی در اشرف و لیبرتی و اکنون، آماده‌باش برای حرکت به‌سوی پایگاه و جایگاه امن...

تردید نکنید که اگر این کارزارها نبود، اگر کارزار بی‌همتا و جانفشانی مریم و پاکبازی مجاهدین و یاران اشرف‌نشان نبود، تا آنجا که به‌رژیم و مالکی مربوط می‌شود، نمی‌گذاشتند حتی یک مجاهد زنده بماند یا از عراق زنده خارج شود. در گذشته این‌طور بوده، در آینده هم تا روز آخر همین‌طور است.

ای خواهران و ای برادران! علت این‌که من در این سالها، پیاپی با شما اتمام‌حجت می‌کنم، علت چراغ خاموش، علت ابلاغیه‌های تصفیه و اخراج همین است که می‌خواهم در کمال آگاهی و اختیار تصمیم بگیرید. می‌خواهم هیچ مانعی، بر سر راه رفتن برای هر کس که می‌خواهد جان به‌در ببرد، وجود نداشته باشد. بنابراین در حالی‌که به‌عنصر مجاهد خلق

واقعاً برمی‌خورد، این اتمام حجتها و ابلاغیه‌ها را عام و عمومی یعنی از بالا تا پایین و بدون هر گونه استثنا کرده‌ایم تا خاص یک رده یا یک لایه در تشکیلات شما و در سازمان رزم ارتش آزادیبخش نباشد. تا بالا و پایین و قدیمی و جدیدی نداشته باشد. می‌خواهم حساب این سازمان و حساب این مقاومت، پاک و پاکیزه و روشن باشد.

خوب می‌دانید که این‌هم از خودمان نیست، بلکه مجاهدین، سنت چراغ خاموش و هم‌چنین سنت برافراشتن پرچم فروغ جاویدان را، از امام حسین آموخته‌اند. این در عین حال تودهنی محکم ایدئولوژیکی و سیاسی و تشکیلاتی به‌رژیم و مستخدمان و همدستان و هم‌خطان است...

یادتان هست که در ابتدای نشست سؤال این بود که در این جنگ بغرنج که فرضیات و تابلوهایی، حتی مثل صبرا و شتیلا را هم نباید از نظر دور داشت، آیا واقعاً می‌توان پیروز شد؟

آیا مؤسسان چهارم مغلوب اپورتونیسم و حرکت خودبه‌خودی و ضربات و فشارهای دشمنش می‌شود؟ یا می‌تواند در همین سالی که در پیش است خود را در میانهٔ طوفان به‌پایگاه و جایگاه امن و امان برساند و مشخصاً در تعادل قوا، یک گام بلند کیفی بر دشمنش پیشی بگیرد؟ ما می‌خواهیم برای همین آماده شویم.

به‌همین خاطر باید به‌همهٔ خطرهایی که ما را احاطه کرده است اشراف داشته باشیم. کاری سخت و راهی پرخطر است، اما فکر می‌کنم که شما با مریم می‌توانید... هم‌چنان‌که در این ۵۰روز بعد از حملهٔ موشکی توانستید به‌بهترین صورت گامهای بلندی در پاکسازی و بازسازی لیبرتی بردارید. آفرین و صد آفرین که مجاهدین بازگشت‌ناپذیر و "۳۱۳" بجای فرو رفتن

در ضربه و دود و دم آن، از جهات مختلف فرا رفتند و دشمن را فرو بردند...
ما این‌چنین به‌استقبال چهاردهمین سال پایداری می‌رویم.

جمع آوری و صاف کردن میخهای کهنه و مصرف شده از سراسر قرارگاه

مجاهد شهید نیره ربیعی از شهیدان حملهٔ موشکی ۷آبان۱۳۹۴

مجاهد شهید محمدعلی میرزایی، از شهیدان حمله موشکی ۷ آبان ۱۳۹۴

نوروز
مبارك

عيدك مبارك

فصـــل چهارم

خطرها برسرراه انتقال مؤسسان چهارم
مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

۱۷بهمن ۱۳۹۴

(قسمت اول)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

- وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى

- فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُم مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ

- وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى

- يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ ۲۰

–و همانا به موسي وحی کردیم که بندگانم را شبانه ببر و در میان دریا برای آنان راهی خشک برگیر (آنچنان که) از لورفتن وفرا رسیدن دشمن نترسی و (از غرق شدن) و بیمناک نباشی

–پس فرعون با سپاهیان خود به تعقیب آنها پرداخت اما دریا فرعون و سپاه او را فرا گرفت (همگی فرو رفتند و غرق شدند)

–ای بنی اسرائیل، شما را از چنگ دشمن تان رهایی دادیم و درکنار راست رود با شما وعده و وعده گاه نهادیم.....

از زمان موسی و فرعون و سرنگونی قویترین قدر قدرت زمانه توسط پیامبر و منادی آزادی که چوپانی پشمینه پوش بود،حدود

۲۰– سورهٔ طه، آیه۷۷ و ۷۸

۳۴۰۰ سال می گذرد .با پیشرفت علم و تحقیقات باستانشناسی، امروزما به داده هاو اطلاعات هر چه بیشتری از آن معجزه شگفت دسترسی داریم .

در سال ۲۰۱۰میلادی خبرگزاری فرانسه گزارش کرد که یک گروه تحقیقاتی در مرکز ملی پژوهش های جوّی در آمریکا به نحوه مهاجرت دستجمعی قوم موسی از آبهای دریای سرخ پی برده اند.

سرپرست این گروه تحقیقاتي پس از ارائه تشریحات علمی خودش ، در باره نحوه دو پاره شدن آب و حجم آن و درباره وزش باد و ایجاد یک گذرگاه خشکی به طول ۳,۵ کیلومتر و عرض تقریبا ۵ کیلومتر برای ۴ساعت در شمال شرق دلتای رود نیل در نقطه‌ای به نام تل کدوئا ، گفته بود:

« می توان تصور کرد که یک گروه پناهجو که به ساحل می رسند درست در همین لحظه ای که آب شکاف برداشته از آب بگذرند و به محض اینکه تعقیب کنندگان به وسط دریا می رسند جریان آب برگردد و همه آنها را غرق کند».

سرپرست گروه تحقیقاتی آنگاه نتیجه گرفته بود:

«اکنون به جرات میتوان گفت که برای داستان سه هزار سال پیش که ما آنها را در فیلم ها دیده ایم .....یک پایه علمی واقعی وجود دارد و نشان میدهد که این واقعه به طور واقعی رخ داده است»(خبرگزاری فرانسه -۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰).

قرآن دراین باره می گوید:

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ [۲۱]

فرعون در زمین سر برداشت و برتری جست و مردم را طبقه طبقه قرار داد، طبقه‌یی از آنان را سرکوب کرد و ضعیف نگه داشت پسرانشان را ذبح می‌کرد و سر می برید و زنانشان را مورد بهره کشی قرار می‌داد همانا که او از تبهکاران بود.

۲۱-سورۀ قصص، آیۀ ۴

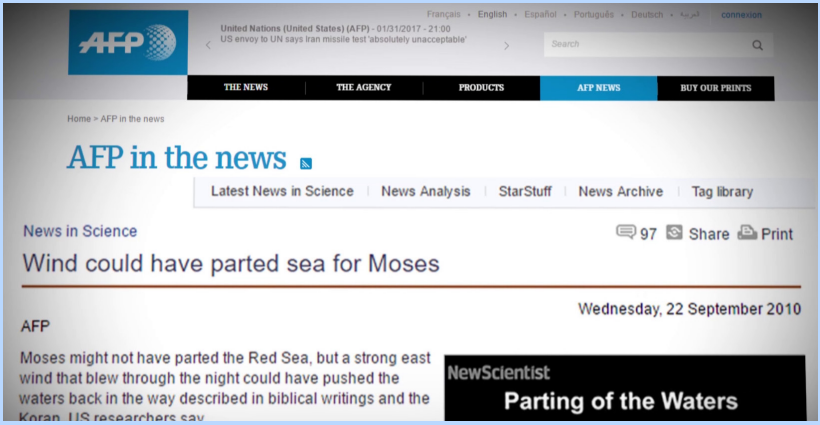
Français • English • Español • Português • Deutsch • العربية
connexion
United Nations (United States) (AFP) - 01/31/2017 - 21:00
US envoy to UN says Iran missile test 'absolutely unacceptable'
Search
THE NEWS
THE AGENCY
PRODUCTS
AFP NEWS
BUY OUR PRINTS
Home > AFP in the news
AFP in the news
Latest News in Science
News Analysis
StarStuff
News Archive
Tag library
News in Science
97
Share
Print
Wind could have parted sea for Moses
Wednesday, 22 September 2010
AFP
Moses might not have parted the Red Sea, but a strong east wind that blew through the night could have pushed the waters back in the way described in biblical writings and the Koran, US researchers say
NewScientist
Parting of the Waters

Mediterranean Sea
Lake of Tanis
Crossing

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۲۲

و چنین بود که ما موسی را با آیات و نشانه‌های خویش به سوی فرعون و دار و دسته او فرستادیم و موسی گفت من فرستادهٔ پروردگار تکامل‌بخش جهانیانم...

موسی را فرستادیم برای این‌که رژیم فرعون را سرنگون و قوم خود را آزاد سازد...

بله این جان کلام است.

از عجایب و معجزات دیگر این‌که، خدا در آخرین لحظات قبل از غرق شدن فرعون که حالا دیگر از موضع ضعف و غرق شدن، اظهار ایمان می‌کرد گفت:

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ۲۳

پس امروز برهانیم و برجا بگذاریم بدن و کالبد بی‌جان تو را تا برای کسانی که پس از تو می‌آیند آیت و عبرتی باشد و همانا که بسیاری از مردمان از نشانه‌های ما غافلند.

در عمل هم همین‌طور شد و در اواخر قرن نوزدهم جسد مومیایی شدهٔ فرعون در سال۱۸۹۸ در معبدی در نزدیکی خلیج عقبه پیدا شد و همهٔ کاوشگران و دانشمندان را غرق در شگفتی کرد چون بعد از این همه سال، سالم مانده بود.

سپس در سال۱۹۸۱ جسد را برای آزمایشات و تحقیقات بیشتر، به‌فرانسه بردند و این بار دیگر دانشمندان را شگفت‌زده کرد. بقایای نمکی که در جسد فرعون باقی مانده بود ثابت می‌کرد که او در آب دریا غرق شده است و جسد را بعد از خارج کردن آن از دریا مومیایی کرده‌اند تا حفظ شود. اما عجبا که همین جسدی که حدود ۳۳۰۰سال پیش از دریا بیرون کشیده شده، سالم باقی مانده بود.

بله، به‌این می‌گویند یکی از آیتها و نشانی‌های خدا، که راهگشای ایمان

۲۲- سورهٔ زخرف، آیهٔ ۴۶

۲۳-سورهٔ یونس، آیهٔ ۹۲

ماست و سرانجام با آن می‌خواهد دشمن و دشمنان خلقش را واژگون و سرنگون کند و ارابهٔ تکامل را به‌پیش براند. از این‌رو در قرآن یادآوری شده که خدا به‌موسی گفت:

وَاتْرُكْ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُندٌ مُّغْرَقُونَ ۲۴

و دریا را هنگامی که آرام است، پشت سر بگذار و عبور کن. اما سپاهیان دشمن عبور نخواهند کرد. آنان غرق می‌شوند.

نکته جالب توجه دیگر ساخت و سازهای پیروان و یاران موسی قبل از آن هجرت بزرگ بود.

قرآن در سورهٔ یونس می‌گوید:

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُواْ بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُواْ الصَّلاَةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۲۵

به موسی و برادرش وحی کردیم برای قوم خود در مصر خانه‌هایی بسازید. اما این خانه‌ها را روبه‌روی هم قرار بدهید (یعنی از یکطرف

۲۴- سورهٔ دخان، آیهٔ۲۴

۲۵-سورهٔ یونس، آیه ۸۷

همدیگر را ببینند و از هم غافل نباشند و از طرف دیگر به‌یکدیگر پشت داشته باشند تا در برابر حملات دشمن غافلگیر نشوند و بتوانند سریعاً واکنش مقتضی را نشان بدهند) و نماز به‌پا دارید و مؤمنان و مجاهدان را به‌پیروزی بشارت ده.

پس قرارگاه را طوری باید سازمان داد که افراد آن به‌هم پیوسته باشند و بتوانند در برابر دشمن صف ببندند و زنجیر کنند و به‌آنها بشارت بده که خدا آنان را به‌زودی از فرعون و وحوش و گزمه‌ها و مزدورانش نجات خواهد داد.

آمادگی و خیز همه‌جانبه برای حرکت به‌سوی پایگاه امن با پرداخت بها

حالا از دورانهای تاریک و عصر بردگی، از روزگار طبقهٔ فرودست سبطی و بنی‌اسراییل در مصر قدیم که شاخص آن بیگاری و استثمار در عریان‌ترین اشکال فرعونی بوده است، به‌دوران خودمان بیاییم.

به عصر کبیر آگاهی و ارتباطات، عصر خیزشها و انقلاب خلقها. هم‌چنان‌که در نشستهای قبل بارها و بارها گفته‌ایم نباید انتظار داشت که برای ما معجزه‌یی در کار باشد. قرار هم نبوده چنین باشد.

گفته‌ایم و تکرار می‌کنیم که قانونمندیهای خدشه‌ناپذیری وجود دارد که به‌اتکای آنها معجزه را باید خلق کرد. با کشف «استاتو» و قوانین محیط، با کار سرسخت و طولانی، با پرداخت بها، با هوشیاری و عمل انقلابی و با استفاده از همه فرصتها و تضادها در داخل و خارج رژیم، در داخل و خارج عراق و در سطح منطقه و در سطح جهانی و بین‌المللی...

چرا؟ به‌خاطر این‌که هدف جان به‌در بردن و «نه‌جنگ» نیست. هدف سرنگونی و غرق کردن سپاه فرعونی و خلافت ارتجاعی است. در تاریخ اسلام هم که هجرت مبدأ تقویم و گاهشمار آن شده است، هدف جان به‌دربردن و «نه‌جنگ» نبود. بلکه هدف به‌قول شما جنگ صد برابر و بیشتر و بیشتر بود. در یک کلام پیامبر ما، مقدمات و الزامات فتح مکه، در هم شکستن بتها و سرنگونی ارتجاع حاکم و پایان دوران جاهلیت را،

فراهم می‌کرد.

از این پیشتر ۱۳سال سخت و پر درد و رنج در مکه گذشته بود که بخشی از آن در محاصره مطلق در شعب ابی‌طالب گذشت و حالا جنبش انقلابی در چهاردهمین سال باید قدم به‌پیش برمی‌داشت و با آن هجرت تاریخی، تاریخ هجری را رقم می‌زد. این ۱۳۹۴سال پیش به‌تقویم هجری شمسی و ۱۴۳۷سال پیش به‌تقویم هجری قمری بود.

می بینید که چه انتقال و چه آزمایش بزرگی در پیش داریم. بحث از مشتی افراد در جستجوی سرپناه نیست، بحث از انتقال یک سازمان و یک ارتش و یک مقاومت با هویت سیاسی و مبارزاتی و ایدئولوژیکی آن به‌موقعیت امن است تا بتواند مراحل بعدی را آغاز کند.

همان سازمان و ارتش و مقاومتی که ارتجاع و استعمار در ۱۳سال گذشته با تمام توش و توان بر آن تاختند تا آن را از بین ببرند. از امکانات ۱۲دولت علیه ما استفاده شد. بعد هم، سازمانهای شناخته شده بین‌المللی که کارشناسان فرو بردن صدای خلقهای مظلوم و مقاومت آنها مثل مقاومت مردم ایران در چرخ گوشت نظم نوین جهانی هستند، یکی پس از دیگری سر رسیدند. همان سازمانهای بین‌المللی که اینگرید بتانکور آن را با مارتین کوبلرش «یک نوع دایناسور چشم بسته» و «یک هیولای عظیم الجثه» توصیف کرد.

صبر کنید قسمتی از آن‌چه را در رمضان ۹۲ در همین باره گفتیم دوباره بشنویم:

در یک بند و بست ارتجاعی و استعماری، سلاح مجاهد خلق را می‌گیرند. سگهای زنجیری‌شان را هم می‌آورند تا از دور و از نزدیک در یک کُر هماهنگ از بام تا شام به‌گوش ما بخوانند:

مغلوب شوید! زانو بزنید! از اشتباهات خود بگویید که با شیخ و شاه و شرکا در افتادید! جبههٔ نبرد را تعطیل کنید و زندگی خود را در پیش بگیرید!

اولتیماتوم بعد از اولتیماتوم... تهدید، فشار، دشنام، برچسب...

اما مجاهدین در برابر آن ضرب‌الاجلها «بیا، بیا!» گفتند. در برابر حملهٔ

موشکی «۹۲»بار حاضر گفتند. در برابر باتلر و کوبلر کاری کردید که در تاریخ جنبش‌های معاصر بی‌نظیر است. کدام جنبش بوده که با آن‌چه خانم بتانکور یک بار آن را در ژنو هیولای سازمان ملل توصیف کرد، در بیفتد و نمایندهٔ ویژهٔ دبیرکل را، به‌رغم همهٔ هشدارها و اخطارهایی که روز در میان به‌ما می‌دادند، پی کارش بفرستد و بگوید ای جنایت پیشه، حسابرسی در پیشه!...

از سخنرانی اینگرید بتانکور در تظاهرات در ژنو-مقر ملل متحد-۱۹آوریل۲۰۱۳ (۳۰فروردین۹۲):

«...ما در این‌جا در برابر سازمان ملل‌متحد ایستاده‌ایم. ما در برابر یک هیولای عظیم الجثه ایستاده‌ایم. در برابر یک نوع دایناسور که چشمهایش را بسته است. چشمهایش را بسته است در حالی‌که ایجاد شده برای آنهایی که قربانی بیعدالتی‌ها هستند، امنیت بیاورد در این دنیا و اما خوب به‌نظر می‌رسد که سازمان ملل چشمهایش را بسته است، کر و لال شده است، دیگر حسی ندارد، نسبت به‌رنج بشر... حالا دو سال می‌شود که همرزمان شما روز و شب در این‌جا زندگی می‌کنند تا این سازمان ملل را حساس کنند، این کارمندانی را که پشت پنجره‌ها پنهان شده‌اند، تا این‌که آنها بفهمند، تا این‌که آنها همدردی داشته باشند.

...و من در این‌جا به‌طور خاص به‌مسئولیت آنهایی که رؤسا یا همکاران کوبلر هستند، فکر می‌کنم. کوبلر که ما همه می‌دانیم کیست...

او به‌مأموریت خودش خیانت کرد، او از کنار وظیفه خودش گذشت، او جانبداری کرد. جانب دروغ را گرفت. جانب جنایت را گرفت. جانب سکوت را گرفت. جانب زد و بند و فساد را گرفت.

...من فکر می‌کنم که کوبلر در مورد کشته‌شدگان اشرفی مسئولیت دارد، در قبال همه آنهایی که ما از دست داده‌ایم، مسئولیت دارد، هم‌چنان‌که مسئولیت دارد به‌خاطر آنهایی که الآن جانشان در خطر است. در حالی‌که قرار بود او کسی باشد که ۳۰۰۰نفر را به‌سوی کشورهای میزبان سمت و سو بدهد، او متأسفانه مسئول مرگ آنهایی شده است که در حیات خود آزاد نشدند.

تظاهرات هموطنان علیه کوبلر با شعار«کوبلر جنایت پیشه، حسابرسی درپیشه!»

فرار مارتین کوبلر از محل تظاهر کنندگان در بروکسل

...ما حق نداریم سکوت کنیم. ما حق مأیوس شدن نداریم. تنها حقی که داریم مقاومت کردن است، باید مقاومت کرد.

آخر مگر می‌شود با این قدرتها در افتاد؟

آخر مگر می‌شود در اشرف و لیبرتی محصور، بدون امکانات و سلاح ایستاد؟

بله می‌توان، مجاهدین بازگشت‌ناپذیر، مجاهدین۳۱۳ و لشکرهای فدایی آن را ثابت کردند.

از آن‌سو، مریم با عبور پیروزمند از بیست و چند دادگاه و میلیونها صفحه اتهام و لجن‌پراکنی یک نمونهٔ تاریخی و بی‌نظیر است، هیولای هفت سر ارتجاع و استعمار را با مجاهدین و یاران اشرف‌نشان از پا درآورد. در سال۲۰۱۳ میلادی بعد از ۶۸سال، نخستین بار بود که نمایندهٔ ویژهٔ دبیرکل، همان که آمده بود مجاهدین را فرو بپاشد و به‌طور خاص مأموریتش تحویل دادن ما به‌رژیم بود، با ایستادگی و مقاومت فرزندان رشید یک خلق در زنجیر، از دور خارج شد.

یادتان هست که بعد از شکست ضرب‌الاجل مالکی در ۳۱دسامبر۲۰۱۱، کوبلر و سفیر رژیم ابتدا از آمادگی ۷۵۰نفر از اشرفی‌ها برای تسلیم و بازگشت به‌زیر قبای رژیم در ایران خبر دادند.

خبرگزاری فارس(سپاه پاسداران)۲بهمن۱۳۹۰

سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق از اعلام آمادگی ۷۵۰عضو گروهک تروریستی منافقین برای بازگشت به‌ایران خبر داد و گفت: استقبال نظام و حکومت ایران از اعضای سازمان تروریستی منافقین شامل سرکردگان این گروهک نخواهد شد.

دانایی‌فر تصریح کرد: در دیدارهایی که نمایندهٔ سازمان ملل با اعضای این گروهک در اردوگاه اشرف داشته است، اکثر اعضای این گروهک برای بازگشت به‌ایران اعلام آمادگی کرده‌اند اما سرکردگان تروریست این گروهک اجازهٔ خروج از اردوگاه را به‌آنها نداده و این اعضا را به‌نحوی گروگان گرفته‌اند.

FARS NEWS AGENCY WWW.FARSNEWS.ir خبرگزاری فارس

Fars New Agency affiliated to the Iranian Revolutionary Guards (IRGC)

22 January 2012

The original text is in Farsi which could found on:

URL :http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901102000102

Fars New Agency- January 22, 2012

Excerpts:

750 members of Monafeqin group being ready to return Iran

The ambassador of Islamic Republic of Iran in Iraq informed of 750 members of the terrorist Monafeqin group being ready to return Iran. He said: "Welcoming the members of terrorist Monafeqin organization by Iran's government and state does not include the leaders of this grouplet.
Danaifar specified: "In the meetings that the representative of UN has had with the members of the grouplet in camp Ashraf, most of its members have announced their readiness to return to Iran, but the terrorist leaders of the grouplet have not allowed them to exit the camp and have somehow taken these members hostage."
In answer to this question that whether any country is ready to accept the members of the grouplet, he said: "In the visits we had with the UN representative in Iraq, he announced that there are a number of countries who are ready to accept them which I cannot mention them now."
The IRI's ambassador to Iraq reiterated: "the UN and its representative in Iraq have underscored time and again in the meetings they had with us that from the UN point of view, the Monafeqin organization is a terrorist grouplet and it will not support them by any means."

سفیر جمهوری اسلامی ایران در عراق، تصریح کرد: سازمان ملل و نماینده آنها در عراق در دیدارهایی که با ما داشته‌اند بارها تأکید کرده‌اند که از نظر سازمان ملل سازمان منافقین یک گروهک تروریستی است و به‌هیچ‌وجه از آنها حمایت نخواهند کرد.

دو روز بعد کوبلر و سفیر رژیم عدد ۷۵۰ را به‌آمادگی ۱۶۲۰مجاهد برای تسلیم و بازگشت از اشرف به‌نزد رژیم تبدیل کردند. راستی که شتر رژیم در خواب پنبه‌دانه می‌دید و با کوبلر، اعداد و ارقام را "لُف لُف"بالا می‌کشید!

سفیر ایران در عراق در گفت‌وگو با فارس خبر داد:

آمادگی ۱۶۲۰ عضو گروهک منافقین برای بازگشت به ایران/ رسیدگی به پرونده ۱۲۰ عضو در محاکم قضایی عراق

خبرگزاری فارس: سفیر ایران در بغداد از آمادگی یک هزار و ۶۲۰ عضو گروهک تروریستی منافقین مستقر در اردوگاه اشرف برای بازگشت به کشور خبر داد.

حسن دانایی‌فر سفیر ایران در عراق در گفت‌وگو با خبرنگار سیاست خارجی خبرگزاری فارس، در خصوص آخرین وضعیت اعضای گروهک تروریستی منافقین گفت: پرونده منافقین یک پرونده فعال است که در حال پیگیری و پایان یافتن می‌باشد، لذا هر لحظه باید منتظر اخباری در رابطه با پایان یافتن این موضوع باشیم.

وی با اشاره به توافقی که بین دولت عراق و سازمان ملل برای انتقال مسالمت‌آمیز اعضای گروهک منافقین به خارج از این کشور صورت گرفته، اظهار داشت: این توافق شامل دو مرحله است که مرحله اول بستن پادگان اشرف است و مرحله بعد انتقال منافقین به نقطه‌ای دیگر که پس از مصاحبه نمایندگان کمیساریای عالی پناهندگان و مسئولان مربوطه با این اعضای این گروهک، آنها به کشورهای ثالث منتقل شده و برخی که قصد بازگشت به ایران را دارند، به کشورمان بازگردند.

سفیر ایران در عراق ادامه داد: تعداد قابل توجهی از این افراد در جریان مصاحبه‌های خود با نمایندگان سازمان ملل در پادگان اشرف تقاضا داشتند به ایران بازگردند.

خبرگزاری فارس (سپاه پاسداران) ۴بهمن ۱۳۹۰

حسن دانایی‌فر سفیر ایران در عراق در گفتگو با خبرنگار سیاست خارجی خبرگزاری فارس، در خصوص آخرین وضعیت اعضای گروهک تروریستی منافقین گفت: پروندهٔ منافقین یک پروندهٔ فعال است که در حال پیگیری و پایان یافتن می‌باشد، لذا هر لحظه باید منتظر اخباری در رابطه با پایان یافتن این موضوع باشیم.

سفیر ایران در عراق ادامه داد: تعداد قابل توجهی از این افراد در جریان مصاحبه‌های خود با نمایندگان سازمان ملل در پادگان اشرف تقاضا داشتند به‌ایران بازگردند.

وی در خصوص صدور دستور بازداشت ۱۲۰نفر از اعضای گروهک منافقین از سوی نوری المالکی نخست‌وزیر عراق، گفت که پروندهٔ این افراد در محاکم قضایی عراق در جریان است.

سفیر ایران در عراق، خاطرنشان کرد: نمایندهٔ سازمان ملل اعلام کرده که ۱۶۲۰نفر از آنها برای بازگشت به‌ایران اعلام آمادگی کردند و مابقی نیز باید با مصاحبه و پر کردن فرمهای مربوطه تکلیف خود را روشن کنند.

در این نشست می‌خواهم در آستانهٔ ۱۹بهمن و آن فدیه و فدا و ذبح عظیم اشرف و موسی، به‌دقت فهرست خطراتی را مرور کنیم که ما را از هر سو احاطه کرده است. خطراتی که بر روی زمین بیش از هر کس نسبت به‌آن اشراف داریم و آن را از جمیع جوانب می‌بینیم و احساس می‌کنیم.

نشست امروز را از صبح شروع کردیم تا بتوانیم شب موقع تاریکی به‌خاطر احتیاط و احتمال حمله موشکی تمام کنیم. از نشست عمومی قبلی تا امروز، ۴ نشست تخصصی هم داشته‌ایم که من باید فشرده‌یی از آنها و تصمیمات این نشستها را با اسناد مربوطه به‌جمع گزارش کنم.

- نشست مسئولین سیاسی در ۱۸دی
- نشست ۳۰۰نفر از مسافران در ۲بهمن
- نشست روابط خارجی در ۷بهمن
- و نشست سازماندهی انتقال در روز ۹بهمن

در این فاصله کمیسیون امنیت و ضدتروریسم شورای ملی مقاومت هم مدارک جدیدی از توطئه‌های رژیم و طرح و برنامه‌هایش با طرحهای عراقی و حکومت عراق از داخل رژیم به‌دست آورده که خیلی قابل‌توجه است. من به‌برخی از آنها اشاره می‌کنم تا زمان مناسب انتشار و علنی کردن این اسناد برای اطلاع عموم هموطنانمان توسط کمیسیون فرا برسد.

منظور این است که هم فرد و هم جمع، با اطلاع و اشراف هر چه کاملتر نسبت به‌آن خطراتی که گفتم از هر سو ما را احاطه کرده است، تصمیم بگیرید. بنابراین در نشست امروز ابتدا به‌خطرهای جدی و واقعی بر سر راه انتقال می‌پردازیم. بحث بعدی، مفهوم و الزامات آماده‌باش در جمیع جهات است. از آمادگیهای دفاعی و نظامی و امنیتی بر روی زمین گرفته تا آمادگی‌های سیاسی. و سرانجام آمادگی درونی خودمان، یعنی آمادگی ایدئولوژیکی و تشکیلاتی و اتمام‌حجت نهایی قبل از اعزام به‌مأموریت و آزمایش بزرگ.

.

خطرهای جدی و واقعی بر سر راه انتقال مؤسسان چهارم

اگر به‌یاد داشته باشید با کارزار گسترده ملی و بین‌المللی برای آزاد کردن گروگانها بعد از ۶ و ۷مرداد (۱۳۸۸) و آن اعتصاب تر و خشک که ۷۲روز طول کشید، در ۱۵مهر کارزار پیروزی در اشرف به‌بار نشست و گروگانها آزاد شدند. هم‌چنین در ۲۴آذر همان سال (۱۵ دسامبر۲۰۰۹) اتوبوسهای مالکی و خامنه‌ای که آمده بودند مجاهدین را از قید و بند سازمان خودشان برهانند! و آنها را به‌مکانهای دیگر غیر از اشرف و حتی چنان‌که سخنگویان مالکی می‌گفتند به‌اروپا ببرند، تماماً خالی برگشتند

اشرف- سه شنبه ۲۴آذر۱۳۸۸

اشرف- سه شنبه ۲۴آذر۱۳۸۸

این چنین خلیفه ارتجاع و مالکی یک جفت سیلی آتشین دریافت کردند و کارزار اشرف به‌طور مضاعف به‌پیروزی رسید.

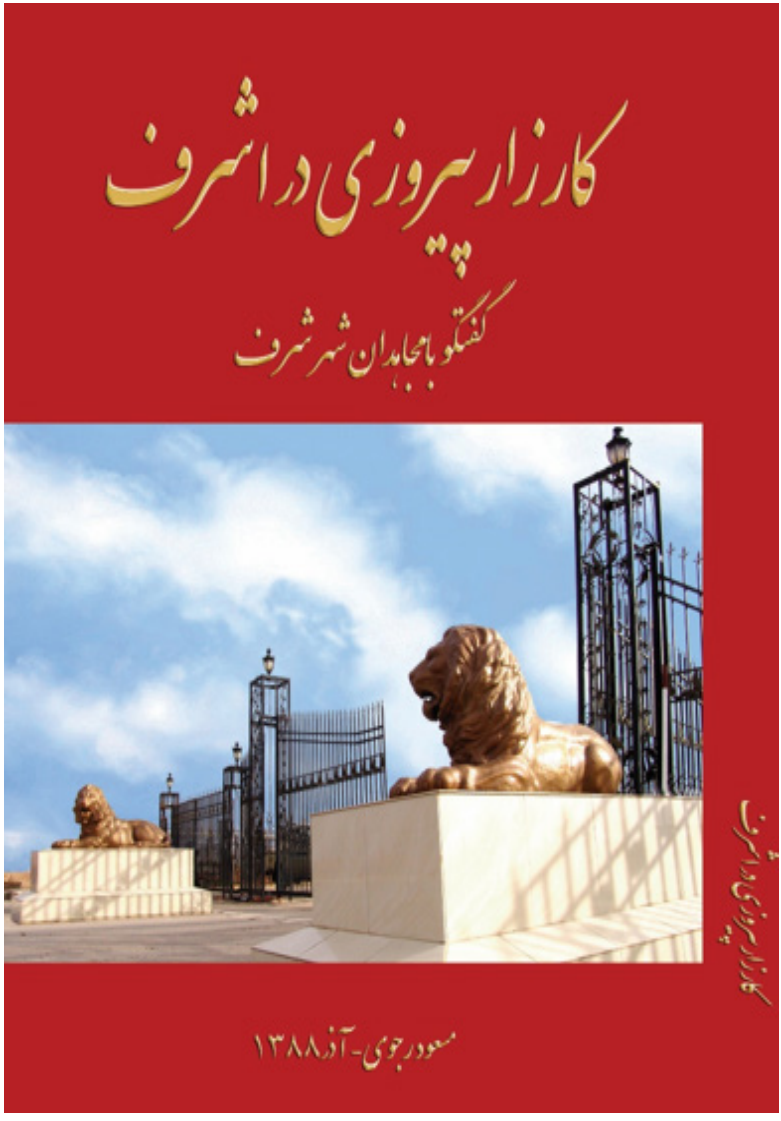

استفاده از «مکان موقت عبور» برای جدا کردن سر از بدنه و انهدام تشکیلات مجاهدین

موضوع این بود که در روز ۲۷مهر ۸۸، ۱۲روز بعد از آزادی گروگانها، علی الیاسری نماینده مالکی (رئیس رسمی کمیتهٔ سرکوب در نخست‌وزیری) مانند خرس تیر خورده به‌اشرف آمد و در حضور نمایندهٔ سازمان ملل و ژنرال آمریکایی، اولتیماتوم پر تهدید جابجایی اجباری در روز ۱۵دسامبر ۲۰۰۹ به‌سماوه (در ۹۰۰کیلومتری اشرف) را ابلاغ کرد. وی مدعی بود که اشرف وسعتی بیش از کشور بحرین دارد(!) و بایستی برای استفادهٔ عراقیان تخلیه شود...

کمیتهٔ سرکوب اشرف در نخست‌وزیری عراق اعلام کرده بود در روز ۱۵دسامبر ۲۰۰۹ (۲۴آذر ۱۳۸۸) به‌جابه‌جا کردن مجاهدان بی‌سلاح اشرف مبادرت می‌کند و آنها را به‌زندانی در یک منطقهٔ صحرایی نزدیک به‌مرز عربستان سعودی در جنوب غربی عراق منتقل خواهد کرد. این توطئهٔ مشترک خامنه‌ای و مالکی برای سرکوب و انهدام مجاهدین در پی شکست در اشرف و آزادی گروگانها از چنگال دژخیمان مالکی و نیروی تروریستی قدس بود.

۸روز قبل از فرا رسیدن ضرب‌الاجل ۱۵دسامبر، مالکی نخست‌وزیر عراق در ۱۶آذر در سایت خود و روزنامه نیمه رسمی الصباح «راجع به‌اخراج افراد سازمان مجاهدین از عراق یا انتقالشان به‌صحرای سماوه» گفت: «تصمیم به‌اخراج آنها از عراق است و اجازه نخواهیم داد آنها در عراق باقی بمانند و اقدامات ضروری را در زمان اتمام مهلتها اتخاذ خواهیم نمود. انتقال به«نَقره سلمان» گامی در راه اخراج آنهاست زیرا حضورشان در استان دیالی (در اشرف) خطرات زیادی دارد».

هم‌چنانکه در پیشگفتار کتاب کارزار پیروزی در اشرف آمده است: «در روزهای بعد، رژیم آخوندی و اطلاعات و رسانه‌ها و سایتها و مزدوران آن سر از پا نمی‌شناختند و در صدها خبر و تفسیر از انتقال سریع‌السیر مجاهدان اشرف به«نَقره سلمان» سخن گفتند که «دمای شنهای داغ آن در زیر تشعشع

مستقیم آفتاب تا ۷۰درجه سانتیگراد می‌رسد». جایی که حتی گیاهان «در زیر شنهای متحرک مدفون شده و بسیاری دیگر با این‌که ریشه‌های خیلی عمیقی دارند از جا کنده شده و همراه با گرد و غبار فراوان به‌دهها کیلومتر دورتر منتقل می‌شوند».

در ۱۸آذر رژیم آخوندی و اطلاعات بدنام آن در واکنش به‌برانگیختگی افکار عمومی علیه جابجایی خونین و اجباری، شماری از مزدوران خود را برای تبلیغ و لجن‌پراکنی علیه مجاهدین، به‌محل پارلمان اروپا برد.

در ۱۹آذر دباغ، سخنگوی مالکی تحت فشارهای روزافزون بین‌المللی برای مقابله با طوفان مخالفت افکار عمومی، یک گام عقب نشست و اعلام کرد در گام اول در روز ۱۵دسامبر ساکنان اشرف به‌جای سماوه به‌ساختمانهایی در بغداد منتقل می‌شوند. منظور او، انتقال به‌خانه‌های امن دژخیمان مالکی بود.

منظور من از این یادآوری این است که **تا آنجا که به‌رژیم و دست نشاندگانش در عراق مربوط می‌شود، بارها و بارها به‌صراحت گفته‌اند که صورت مسألهٔ آنها همانا تشکیلات مجاهدین و ارتش آزادیبخش ملی و جدا کردن سر از بدنه برای متلاشی کردن مجاهدین است والاّ با نفس انتقال مشتی افراد پراکنده و بی‌سازمان و بی‌خطر مشکلی ندارند... پس وقتی از خطرهای جدی و واقعی بر سر راه انتقال صحبت می‌کنیم، منظورمان انتقال مؤسسان چهارم به‌طور سازمان‌یافته و متمرکز است.**

کمااین‌که دو سال و نیم بعد از داستان سماوه و انتقال به‌خانه‌های امن در بغداد، در تابستان۱۳۹۱ هم دیدیم که وقتی مقاومت ایران، شکست پروژهٔ مشترک کوبلر و مالکی و رژیم، در مورد «مکان موقت عبور» را اعلام کرد و خاطرنشان نمود این مکان موقت عبور، طبق تعاریف خودتان نمی‌باید چند هفته یا حداکثر چند ماه بیشترطول می‌کشید، مارتین کوبلر و فالح فیاض بعد از سفر به‌تهران، فیلی به‌نام هتل یمامه هوا کردند تا مجاهدین از اشرف و لیبرتی به‌این هتلها در بغداد بروند! صورت مسأله باز هم تشکیلات مجاهدین بود .

متقابلا مقاومت ایران اسناد اجاره هتل یمامه در بغداد توسط سفارت رژیم ایران از ابتدای سال ۲۰۱۱ را که تحت پوشش «سازمان حج و زیارت ایران» در کنترل اطلاعات آخوندها بود وسیعاً و در سطح بین‌المللی افشا کرد.

National Council of Resistance of Iran

شورای ملی مقاومت ایران

اطلاعیه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۳مرداد۱۳۹۱

طرح نفرت‌انگیز انتقال ساکنان اشرف و لیبرتی به‌هتل، با واسطه‌گری سفارت رژیم ایران در بغداد

ارمغان سفر فالح فیاض و مارتین کوبلر به‌تهران، به‌جای اعلام شکست پروژهٔ «مکان موقت انتقالی»

مقاومت ایران افشا می کند: اسناد اجارهٔ هتل یمامه در بغداد توسط سفارت رژیم ایران از ابتدای سال۲۰۱۱

که اکنون تحت پوشش «سازمان حج و زیارت ایران» در کنترل اطلاعات آخوندهاست

دو ماه است که مشاور امنیتی حکومت عراق و نماینده ویژه دبیرکل در نقشه مسیری که برای ساکنان اشرف و لیبرتی ترسیم کرده‌اند، به‌هتلهایی اشاره می‌کنند که «برای جا دادن به‌باقیمانده ساکنان آماده است».

این طرح نفرت‌انگیز که ارمغان سفر فالح فیاض و مارتین کوبلر به‌تهران است در عین حال شکست پروژهٔ مکان موقت انتقالی را، که از ابتدا یک پروژه مبهم و مشکوک برای انهدام اپوزیسیون رژیم ملایان

بود،پرده‌پوشی می‌کند.

۱- مقاومت ایران در اطلاعیه ۲ اسفند۹۰ اعلام کرد: «به‌سندی از درون سپاه پاسداران دست یافته که نخست‌وزیری عراق، پس از انتقال اولین گروه ساکنان اشرف به‌لیبرتی، به‌نیروی قدس و سفیر رژیم در بغداد اطمینان داده است اعضای سازمان مجاهدین در لیبرتی فلج خواهند بود... این سند تکاندهنده هیچ ابهامی باقی نمی‌گذارد که پروژهٔ انتقال ساکنان اشرف به‌لیبرتی، به‌طور کامل در خدمت منویات رژیم آخوندی است و هدف آن انهدام اپوزیسیون دموکراتیک و مشروع این رژیم است» .

- سند تصریح می‌کند: «ما (دولت عراق) شروط خودمان را می‌گذاریم و می‌خواهیم اعضای سازمان در نهایت به‌آن گردن بگذارند... در بسیاری از مواقع سازمان ملل شرایط عراق را توجیه می‌کند و از اعضای سازمان مجاهدین می‌خواهد آن را قبول کنند زیرا لیبرتی فقط یک ایستگاه عبور است که اقامت در آن مدت کوتاهی طول می‌کشد».

- بر اساس این سند، دولت عراق از این‌که «همهٔ اعضای هیأت سازمان ملل در عراق در توافق کامل با دولت عراق نیستند» شکوه می‌کند «اما به‌طور خاص آقای کوبلر، نماینده ویژه دبیرکل درخواستهای دولت عراق را تأیید می کند. ما فکر می‌کنیم که او نمی خواهد با دولت عراق تضاد پیدا بکند و به‌خاطر سازمان مجاهدین روابطش را با دولت عراق تیره کند». سازمان مجاهدین خواستهایی را مطرح کرده است «ما به‌آنها عکس‌العمل مثبت نشان می دهیم که با سازمان ملل همگام باشیم. اما این خواستها هرگز اجرا نمی‌شوند. دولت عراق و مذاکره‌کننده آن، فقط موافقت کرده است که بر روی مسائل غیرمهم و جزیی گفتگو شود. مسائلی که تأثیر زیادی در وضع ندارد مانند بازدیدهای میدانی پزشکان یا هیأتها که مسائل غیرمؤثری هستند. دولت عراق به‌سایر درخواستهایی که بعضاً از طرف ساکنان اشرف مطرح می شود قویاً عکس‌العمل نشان می دهد... قرارگاه جدید باید مطابق نیازهای دولت عراق باشد و نه نیازهای اعضای سازمان. دولت عراق از مسائل اصلی کوتاه نخواهد آمد».

۲- فالح فیاض، مشاور امنیتی مالکی، پس از بازگشت از سفرش به‌ایران، در روز ۵ اردیبهشت۹۱ در تلویزیون دولتی عراق گفت:

«آقای مارتین کوبلر، نماینده دبیرکل سازمان ملل در عراق، مباحثات مفصّلی با طرف عراقی و طرف ایرانی داشته است، چه از طریق سفارت ایران یا از کانالهای ارتباطی دیگر، با طرف ایرانی مباحثاتی داشته است تا الزامهای اجرای تفاهمی را فراهم کند که بین او و عراق برای بستن قرارگاه اشرف و پایان دادن به‌حضور این سازمان در خاک عراق طی سال جاری مورد تفاهم قرار گرفته است. آنچه مورد بحث قرار گرفت شامل مکانیزمها و نقش ایران در انجام آنچه باید در حل این مشکل انجام دهد بود».

۳- مارتین کوبلر دو روز پس از انتقال پنجمین گروه ساکنان اشرف به‌لیبرتی، به‌ایران رفت. کمیتهٔ بین‌المللی در جستجوی عدالت که بیش از ۴هزار پارلمانتر در کشورهای مختلف جهان را در بر می‌گیرد در روز ۴خرداد (۲۴مه) در همین خصوص به‌دبیرکل بان‌کی‌مون نوشت:

«سفر اخیر آقای کوبلر به‌تهران و ستایش از نقش فاشیسم دینی حاکم بر ایران در امنیت عراق و گزارشهایی که از ملاقات وزارت اطلاعات ملایان با او در مورد مجاهدین می‌رسد، ما را شوکه کرده است.

ما مطلع هستیم که او از مدتها پیش قصد سفر به‌ایران را داشت و رژیم ایران تنها پس از این‌که گروه پنجم از ساکنان اشرف به‌لیبرتی منتقل شد، به‌او ویزای ورود به‌ایران را داد. در فوریه، آقای کوبلر در سفرش به‌اروپا به‌طرفهای اروپایی گفت که سفیر ایران در عراق شرط دیدار او از ایران را، انتقال مجاهدین خلق از اشرف گذاشته است».

کمیتهٔ بین‌المللی در جستجوی عدالت در روز ۲۳خرداد (۱۲ژوئن) در نامه دیگری به‌دبیرکل در همین باره خاطرنشان کرد که مارتین کوبلر «در عمل پس از انتقال دو سوم ساکنان ویزا دریافت کرد».

۴- در روز ۱۱خرداد کوبلر و جورج باکوس، مشاور سیاسی مالکی، با نمایندگان ساکنان در لیبرتی ملاقات کردند. مشاور مالکی در پاسخ

به‌شکایتهای ساکنان گفت: پیشنهاد می‌کنم که ۱۲۰۰نفر باقیمانده در اشرف، از اشرف به‌هتل بروند و تضمین می‌کنیم که ۲۴ساعته آب و برق، غذا و رسیدگیهای پزشکی‌شان فراهم باشد. کوبلر در حالی‌که به‌گفتهٔ خودش از این پیشنهاد «سورپریز» شده بود از آن حمایت کرد و گفت گروه پنجم که از نیاوردن اموال و برگرداندن تانکرهای خدماتی‌اش شکایت دارد و خواهان بازگشت به‌اشرف است می‌تواند به‌جای اشرف به‌هتل برود!

نمایندگان لیبرتی بلادرنگ این را یک طرح و توطئه رژیم ایران اعلام کردند که در برابر شکست پروژه مکان موقت انتقالی علم می شود. آنها به‌ملاقات پایان دادند و قصد ترک جلسه را داشتند اما آقای کوبلر خواهش کرد که بنشینند و به‌گفتگو ادامه دهند و باکوس هم به‌کوبلر گفت بحث هتل را کنار بگذارید، این فقط یک پیشنهاد بود...

۵- به‌دنبال آن، نماینده ساکنان در خارج عراق در روز ۱۴خرداد به‌کوبلر نوشت: «من از این‌که شما و نماینده دولت عراق پیشنهاد ظاهراً خودبه‌خودی انتقال همه ساکنان یا بیماران به‌هتلهایی در بغداد را در جلسه‌یی که برای بررسی مسایل و مشکلات زیربنایی... در کمپ لیبرتی ترتیب داده بودید، مطرح کردید، متعجب شدم. اما شما بخش اصلی پاسخ نماینده ساکنان را در صورتجلسه خود نادیده گرفته‌اید. آنها در پاسخ به‌این پیشنهاد گفتند که این طرح جدیدی نیست و از ۳سال قبل توسط رژیم ایران برای نابودی ساکنان دنبال شده و قبلاً برای کسانی که خواهان بازگشت به‌ایران هستند، در نظر گرفته شده است».

نماینده ساکنان در نامه خود به‌کوبلر افزود: «طرح هتل در ملاقات ۳۱مه (۱۱خرداد) با توجه به‌سوابق امر، این فرضیه را به‌ذهن می‌آورد که راه‌حل هتل، از تهران و رژیم ملایان سرچشمه می‌گیرد. شما حتماً از تجربه هتل مهاجر بغداد مطلعید که وزارت اطلاعات ملایان، آن را به‌صورت شعبه‌یی از این وزارتخانه درآورده است. دولت عراق افرادی را که در طول سالهای گذشته عراق را ترک می‌کردند در آنجا سکنی می‌داد

و عملاً تحت اختیار سفارت رژیم ایران در بغداد و عوامل وزارت اطلاعات آن از جمله حاج علی نویدی، ناصری و نوبختی که ما در سالهای گذشته یکایک آنها را افشا کرده‌ایم، قرار می‌داد تا افراد را پس از مدتی وادار به‌بازگشت به‌ایران و همکاری با گشتاپوی ملایان کند. در هر صورت، طرح مسأله انتقال ساکنان به‌هتل به‌خوبی نشان می‌دهد که مکان موقت انتقالی یک طرح شکست خورده است، چیزی که ما از چندی پیش آن را برای شما و برای دبیرکل نوشتیم. به‌خصوص که شما به‌هنگام امضای یادداشت تفاهم دوره زمانی مشخص شده ۶ماهه را برای مکان موقت انتقالی را از پیشنویس اولیه بنا به‌خواست دولت عراق حذف کردید...».

۶- طبق اسناد و گزارشهایی که مقاومت ایران از داخل رژیم آخوندها به‌دست آورده است، در اوایل ژوییه آقای کوبلر یونامی را در بغداد موظف می کند تمامی هتل یمامه را اجاره کند. همان هتلی که مشاور امنیتی دولت عراق آن را در یادداشت تفاهم با کوبلر به‌عنوان یک مکان موقت انتقالی دیگر مکتوب کرده است .

این هتل از ابتدای سال ۲۰۱۱ با یک قرارداد رسمی در اجاره «سفارت جمهوری اسلامی ایران در بغداد ـ رایزن بازرگانی» بوده و قرارداد مربوطه را یکی از مأموران اطلاعات رژیم ایران به‌نام مهدی نجات‌نیا به‌مدت یک سال - با تأکید بر این‌که قابل تمدید خواهد بود ـ امضا کرده است. سند ضمیمه است و به‌پیوست آن یک برگ «عقد تفاهم‌نامه با هتل یمامه بغداد» با آرم «جمهوری اسلامی ایران ـ وزارت بازرگانی ـ دفتر رایزنی بازرگانی ـ عراق ـ بغداد» دیده می شود.

این هتل هم اکنون در اجارهٔ «سازمان حج و زیارت ایران» است و با این پوشش، تحت کنترل اطلاعات آخوندهاست.

طبق گزارشهای موجود از داخل رژیم ایران، یونامی گفته است که بابت اجاره یکسالهٔ این هتل به‌منظور مستقر کردن ۴۰۰تن از اعضای مجاهدین در آن پول خوبی می‌پردازد تا قرارداد با سازمان حج و زیارت

ایران به‌قرارداد جدیدی با یونامی تبدیل شود.
مقاومت ایران با بالاترین انزجار از این طرح نفرت‌انگیز و مورد علاقه گشتاپوی فاشیسم دینی حاکم بر ایران، از دبیرکل ملل متحد می‌خواهد یونامی را از ورود به‌این قبیل توطئه‌ها و اقدامهای کثیف برحذر دارد و آن را به‌تضمین حداقلهای انسانی در لیبرتی موظف کند.

تعهدات و حداقلهای انجام ناشده که اجرای آن لازمهٔ حرکت گروههای بعدی از اشرف به‌لیبرتی است،

هم چنان‌که در اطلاعیه ۲۵تیرماه دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران آمده است، عبارتند از:

۱- وصل آب لیبرتی به‌شبکهٔ شهری یا انتقال تجهیزات لازم از اشرف برای پمپاژ آب از کانال آب واقع در ۱۵۰متری لیبرتی

۲- انتقال همهٔ ژنراتورهای موجود در اشرف به‌ویژه ۶ ژنراتور اصلی.

۳- برگرداندن ۶خودرو خدماتی (آب و فاضلاب و سوخت) گروه پنجم به‌لیبرتی.

۴- انتقال بنگالهای ویژهٔ بیماران از اشرف.

۵- انتقال ۵لیفتراک برای جابه‌جایی اقلام سنگین که اکنون با دست و بر شانه‌های ساکنان لیبرتی حمل می‌شوند.

۶-انتقال ۵۰ماشین سواری یا معادل آن اتوبوس برای ۲۰۰۰نفر (قبلاً ۳۰خودرو برای ۱۲۰۰نفر منتقل شده است).

۷- سازندگی در لیبرتی شامل پیاده‌رو، پاگرد، سایه‌بان، پلهٔ شیب‌دار، تأسیسات ویژه برای بیماران و فضای سبز.

۸- حل و فصل مسأله اموال منقول و غیرمنقول ساکنان اشرف، به‌ویژه اجازه ورود به‌اشرف به‌تاجران و خریداران

شایان یادآوری است که حکومت عراق از برگرداندن دو کانتینر متعلقات شخصی گروههای ۴و۵ به‌ارزش ۱۲۰هزار دلار، که از ۳ماه پیش آنها را توقیف کرده، خودداری می کند. تمامی این اموال قانونی و غیرنظامی

هستند و بسیاری از آنها در گرمای بالای ۵۰درجه از بین می‌رود.

در روز ۳تیرماه (۲۳ژوئن)، هزاران پارلمانتر از مجمع پارلمانی شورای اروپا و مجالس قانونی ۴۶کشور در ۵ قاره در بیانیه خود نسبت به‌زندان‌سازی در لیبرتی هشدار دادند و تأکید کردند: «ما برای دولت آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل نیز روشن ساخته‌ایم که برای محقّق کردن همین حداقلها وارد عمل شوند و مانند گذشته مشکل را با پرداخت یکجانبه از جیب ساکنان حل نکنند. این یک راه‌حل ناپایدار است و رژیم ایران و دولت عراق را به‌اعمال خشونت و نقض مضاعف حقوق آنها تشویق می‌کند».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۳مرداد ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الموضوع / اتفاق تعاون بين الملحقية التجارية الايرانية وفندق اليمامة

الطرف الاول : فندق اليمامة – بغداد
الطرف الثاني : الملحقية التجارية لسفارة الجمهورية الاسلامية الايرانية – بغداد

بسم الله العلي القدير وبعونه سبحانه وتعالى ، تم عقد اتفاق للتعاون بين الطرف الاول المعرف في هذاالعقد بفندق اليمامة ومقره في بغداد وبين الطرف الثاني والمعرف في العقد نفسه بالملحقية التجارية لسفارة الجمهورية الاسلامية الايرانية في بغداد، وبموجب المسؤوليات والواجبات لكل طرف ، تعهد كل من الطرفين على مايلي :

التزامات الطرف الاول :

يتعهد الطرف الاول (فندق اليمامة) للطرف الثاني (الملحقية التجارية الايرانية في بغداد) بتقديم خدماته الفندقية للضيوف الايرانيين (اشخاص - وفود رسمية – وفود شركات تجارية وصناعية) بموجب السياسة السعرية المتفق عليها بين الطرفين بتاريخ 16 / 1 / 2011 والذي نص على ما يلي :

(1) * سعر الغرفة لشخص واحد (85 $) مع فطور مجاني لشخص واحد .
* سعر الغرفة المزدوجة لشخصين (110 $)مع فطور مجاني لشخصين
* سعر الغرفة لثلاثة اشخاص (150 $) مع فطور مجاني لثلاثة اشخاص .
* سعر السويت (180 $) مع فطور مجاني

(2) اسعار الوجبات الغذائية بموجب الاتفاق بين الطرفين بتاريخ 16 / 1 / 2009 كما يلي :
* سعر وجبة الغذاء الواحدة (25 $) .
* سعر وجبة (V.I.P) بوفية مفتوح (30 $) .

(3) تقديم الخدمات الخاصة لاقامة الضيوف الايرانيين وباسعار مناسبة وكما يلي :
* خدمة انتقال الظيوف من المطار الى الفندق وبالعكس (65 $) .
* اللوندري / غسل وكوي الملابس حسب الاسعار السائدة في الفندق .
* خدمة الانترنيت داخل الغرف (10 $) لمدة 24 ساعة .

مسؤوليات الطرف الاول :

(1)- اعلام الملحقية التجارية الايرانية بموافقة الفندق على استقبال الضيوف الايرانيين بعد مخاطبة الملحقية التجارية ادارة الفندق للتعريف عن هوية الظيوف الايرانيين الذين سيتم استقبالهم في الفندق ، ويتم الاعلام والمخاطبة فيما بين الطرفين عن طريق البريد اللاكتروني اوالهاتف .

(2)- عدم احتساب اية مبالغ او اتباع سياسة الغرامة عندما يلغى الحجز المسبق للغرف لاسباب خارجة عن الارادة تحول دون وصول الضيوف الايرانيين الى العراق ،

(3)– يتم الاتفاق مسبقا مع الضيوف الايرانيين الذين يرغبون بالمغادرة من الفندق على ساعة المغادرة ، والتي ستكون قبل الساعة (3) بعد الظهر .

التزامات الطرف الثاني :

يتعهد الطرف الثاني (الملحقية التجارية الايرانية – بغداد) للطرف الاول (فندق اليمامة) ان يقوم بالاعلان والترويج عن خدمات الفندق في ايران لكل الايرانيين في داخل البلاد والايرانيين المقيمين في دول العالم بالشكل الاتي :

أ - تأييد الارتقاء الكامل لأداء الفندق ورقيها في تقديم خدماتها الفندقية للضيوف مع التأكيد على مقدرة الفندق ومن خلال كوادرها الامنية الجيدة على حفظ الامن والاستقرار في كافة مرافقها السياحية وحدائقها المنتشرة في ارجاء الفندق .

ب - القيام بالتعريف والاعلان عن فندق اليمامة وخدماته بالطرق التالية :

(1) - وضع مساحة لفندق اليمامة وخدماته الفندقية في الموقع الالكتروني لوزارة التجارة الايرانية .

(2) - أطلاع كافة المؤسسات الاقتصادية والغرف التجارية واتحادات الصناعات الايرانية .

(3) - أطلاع كافة الشركات السياحية والمسؤولين عن اقامة المعارض والوفود التجارية الايرانية

(4) - وضع البوسترات والصورالخاصة بفندق اليمامة في اروقة مؤسسات وزارة التجارة الايرانية والغرف التجارية والاتحادات الصناعية والملحقية التجارية الايرانية في بغداد.

ج - يتعهد الطرف الثاني (الملحقية التجارية الايرانية) في بغداد بحل جميع المشاكل والخلافات المحتملة والناجمة بين ادارة فندق اليمامة وبين الرعايا الايرانيين والشركات الايرانية المضيفة في الفندق .

د - عند حجز الغرف لاقامة الايرانيين (اشخاص - وفود رسمية – وفود شركات تجارية وصناعية) سيتم اعلام ادارة فندق اليمامة من قبل الملحقية التجارية الايرانية بالموعد لاغراض الحجز والاعداد للتحضيرات الاولية وذلك قبل يومين من تاريخ الاقامة الفعلية .

ه - يتعهد الطرف الثاني (الملحقية التجارية الايرانية) في بغداد بمخاطبة واعلام الطرف الاول (فندق [redacted]) للتعريف عن هوية الضيوف الايرانيين (افراد – وفود) والذين سيتم استقبالهم للاقامة في الفندق بتوصية الملحقية التجارية الايرانية في بغداد .

تعهدات توافقية بين الطرفين :

1- في حالة نشوب خلاف بين الطرفين فيحل موضوع الخلاف ودياً ، وبعكسه يتم لجوء الطرفين الى الطرق القانونية .

تم الاتفاق على الفقرات الواردة في الاتفاق اعلاه بين الطرف الاول (الملحقية التجارية الايرانية في بغداد) وبين الطرف الثاني (فندق اليمامة) ، ويكون هذا الاتفاق نافذ المفعول لمدة (عام كامل) ابتداء من تاريخ توقيع الاتفاق وقابل للتجديد باتفاق الطرفين.

تم توقيع اتفاق التعاون بنسختين وباللغتين العربية والفارسية بين الطرف الاول والطرف الثاني في بغداد بتاريخ ١٦ / ١ / 2011 ميلادية المصادف ٢٦/ ١٠ / 1389 هجري شمسي ، ويعتبر نص النسختين الاساس لدى الطرفين الموقعين .

الطرف الاول
عبد اللطيف حسن الكعبي
المدير المفوض
فندق اليمامة - بغداد
٢٠١١ / ١ / ١٦

الطرف الثاني
مهدي نجات نيا
الملحق التجاري
سفارة الجمهورية الاسلامية الايرانية – بغداد

رایزن بازرگانی سفارت ج.ا. ایران
عراق- بغداد

جمهوری اسلامی ایران
وزارت بازرگانی

تاریخ : ۸۹/۱۲/۹
شماره:۱۰۰۰/۸۲۰
پیوست : ---------

اطلاعیه

عقد تفاهمنامه با هتل یمامه بغداد

بمنظور رفاه حال تجار و هموطنان عزیز کشورمان در سفر به شهر بغداد با توجه به تعطیلی اکثر هتل های بزرگ این شهر به دلیل بازسازی ، این دفتر پس از بررسی های انجام شده مناسب ترین هتل به لحاظ امنیتی و بهداشتی که دارای شرایط مطلوب اسکان باشد در شرایط فعلی هتل یمامه را انتخاب نموده و پس از عقد قرار همکاری موفق به اخذ ۲۰ درصد تخفیف شده است که ذیلاً نرخهای قابل پرداخت جهت اطلاع ایفاد می گردد :

۱- اتاق یک تخته برای یک نفر ۸۵ دلار
۲- اتاق دوتخته برای دو نفر ۱۱۰ دلار
۳- اتاق سه تخته برای سه نفر ۱۵۰ دلار
۴- سوئیت برای افراد بیش از سه نفر ۱۸۰ دلار

شایان ذکر است که تمامی نرخهای فوق با احتساب صبحانه بوده و جهت هر وعده غذا در رستوران این هتل ۲۵ الی ۳۰ دلار شارژ می گردد . در ضمن جهت ایاب و ذهاب از فرودگاه برای هر ماشین با ۴ مسافر در هر مسیر ۶۵ دلار توافق شده است .
از علاقمندان به استفاده از این خدمات خواهشمند است یک هفته قبل از سفر مراتب را از طریق ایمیل به اطلاع این دفتر برسانند .

دفتر رایزنی بازرگانی ج.ا.ایران
عراق - بغداد

تلفن: ۰۰۹۶٤۱-٥۳۷۷۳۷٥ - ۰۰۹۶٤۱-٥۳۷۷۸٥٦ پست الکترونیک: Irantrade.Iraq@Gmail.com
تلفن همراه: ۳- ۰۰۹۶٤-۷۷۰۰۰٥٥۱٥۱ فکس: ۰۰۹۶٤۱ -٥۳۷۹۲٦٦ وب سایت: www.tpo.ir

پروتوکول همکاری
دفتر رایزنی بازرگانی ایران با هتل الیمامة

طرف اول : هتل الیمامة – بغداد
طرف دوم : دفتر رایزنی بازرگانی سفارت ج.ا. ایران – بغداد

این قرارداد میان هتل الیمامة که طرف اول نامیده مي شود و دفتر رایزنی بازرگانی ایران در بغداد که طرف دوم نامیده می شود منعقد می گردد .

تعهدات طرف اول :

طرف اول قرارداد متعهد مي شود که طبق مذاکرات دو طرف مورخه 16 /1 /2011 و با توجه به برنامه ها و قیمتهاي هتل که در ذیل آمده است ، تمامي خدمات هتلداري و مهمانداري را نسبت به (افراد - هیاتهاي رسمي و هیاتهاي اعزامي شرکتهاي بازرگاني و صنعتي) بر عهده گیرد .

(1) - ارائه اتاق براي يك نفر به قیمت " 85 دلار " با صبحانه
- ارائه اتاق براي دو نفر "110 دلار " با صبحانه براي دو نفر
- ارائه اتاق براي سه نفر " 150 " با صبحانه براي سه نفر
- ارائه سوئیت " 180 دلار " با صبحانه .

(2)- قیمتهاي ارائه شده براي وعده هاي غذایی
* " 25 دلار " براي پرس غذاي سفارشی .
* "30 دلار " بوفه آزاد (v. I .p).

(3)فراهم نمودن خدمات ویژه براي میهمانان ایراني با قیمتهاي مناسب به ترتیب ذیل :
* خدمات اياب وذهاب (فرودگاه – هتل) " 65 دلار "
* خدمات لباسشویي و خشکشویي طبق نرخهاي معمولی هتل
* خدمات اینترنت براي هر اتاق " 10 دلار " به ازاي هر 24 ساعت

مسئولیتهاي طرف اول :

(1) – اطلاع به دفتر رایزني بازرگاني در مورد استقبال میهمانان ایراني ، لازم به ذکر است که معرفي میهمانان از طریق مکاتبه اینترنتي " ایمیل " بین طرفین انجام خواهد شد و پس از آن به صورت تلفني تأکید می گردد .

(2) - عدم در یافت جریمه در صورت کنسل نمودن اتاق هاي رزرو شده در صورت وقوع امور غیر مترقبه و یا پیش بیني نشده .

(3) - توافق ساعت تخليه اتاق ها با مهيمانان ايراني كه قبل از ساعت 3 بعد از ظهر در نظر گرفته خواهد شد .

تعهدات طرف دوم :

دفتر رايزني بازرگاني ايران در بغداد بايستي با تبليغات خود هتل اليمامة را به تمامي ايرانيان داخل و يا خارج از ايران و به ترتيب موارد ذيل معرفي نمايد :

الف) دفتر رايزني موظف است كه خدمات هتلداري و امنيتي هتل اليمامة را تاييد نمايد .

ب) تبليغ از طريق :

1- قرار دادن اسم هتل و مشخصات آن در سايت اينترنتي وزارت بازرگاني

2- اعلام به كليه سازمانها و اتحاديه هاي بازرگاني و صنعتي ايران

3- اعلام به كليه آژانسهاي توريستي و مجريان برگزاري نمايشگاهها و هياتهاي تجاري ايران

4- نصب پوستر و تبليغات هتل اليمامة در دفتر رايزني بازرگاني

ج) تعهد حل اختلاف احتمالي آن هتل با اتباع و شركتهاي ايراني

د) اعلام قبلي جهت پذيرش مهمانان ايراني از دو روز قبل .

ه) ارائه معرفي نامه كتبي به هتل اليمامة جهت مسافران انفرادي و گروهي فقط از طريق ايميل

تعهدات توافقي دو طرف :

1-اگر مشكلاتي بين دو طرف اتفاق افتاد بطور دوستانه حل خواهد شد ، وخلاف ان از راه قانوني وقضائي قابل حل خواهد بود .

اين قرارداد به مدت يكسال ميان طرف اول (هتل اليمامة) و طرف دوم (دفتر رايزني بازرگاني ج.ا.ايران در بغداد) در دو نسخه فارسي و عربي در بغداد به تاريخ ١٦ / ١ / 2011 ميلادي كه مصادف است با ٢٦ / ١٠ / 1389هجري – شمسي به امضاء مي رسد كه بر اساس توافق دو طرف قابل تمديد خواهد بود .

طرف اول
مدير اجرايي
هتل بغداد – بغداد
عبد اللطيف حسن الكعبي

٢٠١١/١/١٦

طرف دوم
رايزن بازرگاني
سفارت ج.ا.ايران – بغداد
مهدي نجف تبار

اشاره به‌کارشکنی‌های مزدوران عراقی رژیم

نخستین گروه مجاهدین شامل ۳۹۸نفر در ساعت ۱بامداد شنبه ۲۹بهمن ۱۳۹۰ از اشرف به‌لیبرتی حرکت کرد . قرارگاه لیبرتی قرار بود مکان موقت عبور باشد (TTL) و چند هفته یا چند ماه بیشتر به‌درازا نکشد؛ با همین استدلال نگذاشتند اموال را از اشرف به‌لیبرتی ببریم، هر چند که در سالهای بعد توانستیم پس از حملات موشکی و چند فقره سیل اساسی با فشارهای بین‌المللی، در مجموع بیش از ۴۰۰تریلی وسایل ضروری و الزامات زندگی جمعی ، هم‌چنین ۶۰ کانتینر و ۸۰ خودرو و بیش از ۲۰هزار چمدان حاوی وسایل شخصی را با ۹ستون از افراد و با ۱۵کاروان مجزای بار، منتقل کنیم.

ارزش آنچه منتقل شد دستکم ۵۰میلیون دلار است که بعدا تأسیسات آبرسانی شامل ایستگاه پمپاژ آب و دستگاههای تصفیه به‌قیمتِ بیش از ۲ میلیون و ۵۵۰ هزار دلار به‌آن اضافه شده است.

VONTRON

200

629

315
الشركة العامة للنقل

UNIVERSE XPRESS

249

Water plan for Camp Liberty

July 28, 2012

Introduction:

The project to provide water to Camp Liberty is composed of the following 5 parts:

A. Water pumping station at the canal
B. Pipeline from the pumping station to inside the camp
C. Water purification station
D. Water reservoirs
E. Water network to consumption points (inside the camp)

A. WATER PUMPING STATION AT THE CANAL

This station will be built at water canal nearby the camp and will be composed of a pumping station with three 50 kW each water pumps that will be installed inside a 12 meter long container. Their intake pipes will be placed on a dock at the canal.

Electricity for this water station will be provided by two electric power generators. These generators will be placed under a shade and they will have a 30,000 liter fuel tank.

Electricity for the water station will be distributed by the main board and secondary electric boards of the pumps.

A small generator would also be installed at the water station to provide electricity to the staff's container and the water station lighting when there is no pumping of water.

A container will be allocated to the staff, including place for rest, tea room, and bathroom.

The water station would have a perimeter fence around it with a gate.

In the attached plan A, the abovementioned locations have been shown.

B. WATER PIPELINE FROM PUMPING STATION TO INSIDE THE CAMP

Along the determined route, a 6" high-pressure PVC pipeline would connect the pumping station to the sedimentation basin inside the camp.

The route for this pipeline will be the shortest route (to be marked) to

the camp and will be dug with backhoe. After the pipes have been laid, they will be covered with suitable non-coarse soil and hence the pipes would be buried. Marking the route of the pipeline will be done after.

C. WATER PURIFICATION STATION

The suitable location for the water purification station is between Sections 3 and 5.

The station will have five 100 m3 each tankers for sedimentation and five 100 m3 water purification tanks.

This station will have two purification units of 25 m3/hr capacity each and a second hand purification plant of 50 m3/hr capacity as reserve.

By installing a pumping station composed of four 40 kW water pumps that will be installed inside a 12 meter container, water would be pumped into the loop-shaped water network of the camp and water will connect to all consumer water tanks.

Electricity for this station will be provided by two electric power generators. These generators will be under a shade and have a fuel tank of 30,000 liters capacity.

Electricity for the station will be distributed by the main board and secondary electric boards related to the pumps.

A container will be allocated as the Repair Parts Room for the water purification plant.

D. Water reservoir

Five large water tanks for the reservoir for camp's seven sections

E. WATER NETWORK TO CONSUMPTION POINTS

Through building a loop network of 4" and 6" PVC pipes using Iraqi contractors, purified water will reach all water storage and consumption tanks of consumers in the camp's sections and blocks in addition to the kitchen, bakery, mosque, auto repair station, sport facility, etc.

A complete list of requirements for implementing this project, together with prices and table of wages are attached which amount altogether to $2,553,738.

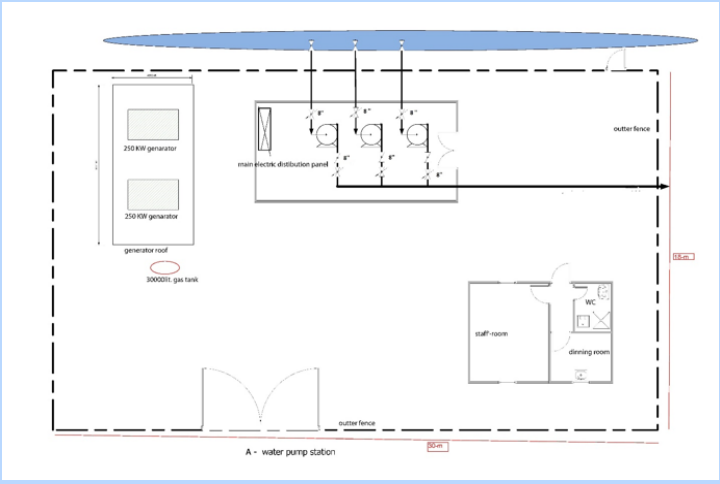
250 KW genarator
250 KW genarator
generator roof
3000Dlt. gas tank
main electric distibution panel
outter fence
WC
staff-roomn
dinning room
outter fence
A - water pump station

می‌بینید که مکان موقت عبور، از ۳۰بهمن ۱۳۹۰ تا امروز ۱۷بهمن ۱۳۹۴، ۴سال به‌درازا کشیده و به‌زودی وارد پنجمین سال می‌شویم. حالا اگر این هزینه‌ها و سرمایه‌یی را که به‌لیبرتی منتقل شده با ۳۶و نیم میلیون ساعت کار مجاهدین از ۳۰بهمن سال۹۰ تا ۳۰مهر ۹۴ در نظر بگیریم، ابعاد این مخارج و این تلاش عظیم روشن می شود.

یادآوری می‌کنم که طبق آنچه در دفتر ثبت اموال لیبرتی به‌دقت و با جزئیات ثبت شده است:

اولاً، جاناتان واینر مشاور ارشد وزارت خارجهٔ آمریکا در بازاسکان و انتقال مجاهدین پیوسته تأکید می کرد که در موضوع اموال مجاهدین، حق با مجاهدین است و حکومت عراق حق سلب مالکیت از آنها را ندارد و به‌خصوص همهٔ اموال مجاهدین در لیبرتی باید به‌آلبانی منتقل شود. او و تیم همراهش این مطلب را در ملاقات ۱۶دسامبر ۲۰۱۴ (۲۵آذر ۱۳۹۳) با رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت مورد تأکید قرار داده بودند که مشروح آن در دفتر ثبت اموال در لیبرتی، گزارش و نوشته شده است.

ثانیاً، در فروردین همین امسال (۱۳۹۴) وقتی فالح فیاض مشاور امنیتی حکومت عراق به‌واشنگتن رفته بود، سناتور توریسلی نماینده قانونی مجاهدین همراه با وزرای پیشین تام ریچ و مایکل موکیزی در ۱۵آوریل ۲۰۱۵ (۲۶فروردین۹۴) به‌سفارت عراق در واشنگتن رفته و با اعتراض شدید خواهان برگرداندن اموال مجاهدین یا مابه‌ازای آن برای تأمین مخارج بازاسکان و استقرار شدند.

فالح فیاض در این ملاقات می‌پذیرد که حتی اگر اموال دزدیده شده باشند، دولت عراق پول همهٔ آنها را بازپرداخت می کند و چند بار تأکید می‌کند ما پول اموال منقول را می‌دهیم و به‌وکلایتان بگویید بیایند ترتیب آن را بدهیم. اما وقتی سناتور توریسلی می‌گوید من هم با وکلا خواهم

بود، فالح فیاض می‌گوید این نقض حاکمیت ماست!

(یعنی که وکلا باید عراقی باشند تا طبق سناریوهای تکراری قبلی، اگر مزدور نشدند و اگر تحت امر مشاور امنیتی علیه مجاهدین قرار نگرفتند، در اسرع وقت ترور شوند).

اما در هر حال فالح فیاض در این ملاقات از جانب دولت عراق اصل برگرداندن اموال منقول یا مابه‌ازای آن را پذیرفته بود.

ثالثا، در طرح مشترک سفارت آمریکا و سازمان ملل در ۵سپتامبر ۲۰۱۳ برای تخلیهٔ نهایی اشرف تضمین شده است که دولت عراق از اموال مجاهدین در اشرف حفاظت می‌کند و مجاهدین حق دارند اموالشان را در اشرف به‌فروش برسانند. در روز ۶سپتامبر نیز خانم جونز معاون وزیر خارجهٔ آمریکا در امور خاورمیانه در نامه به‌مریم ضمن تایید طرح مزبور می‌نویسد مجاهدین می‌توانند شرکتهای خصوصی را برای حفاظت از اموالشان در اشرف به‌کار بگیرند. اما حکومت عراق مانع می‌شود و نگذاشته است این کار را بکنیم. علاوه بر این حکومت عراق، دهها تاجر عراقی را که برای خرید اموال اشرف به‌لیبرتی می‌آمدند، راه نداده و آنها را با تهدید و اذیت و آزار، برگردانده است.

واقعیت این است که لازمهٔ تأمین هزینه‌های هنگفت و سرسام‌آور انتقال و استقرار برای حدود ۳۲۰۰نفر بدون برخورداری از هر گونه کمک پناهندگی و بیمه‌های اجتماعی و پزشکی، برگرداندن پول اموال و دارایی‌های مجاهدین به‌خود آنهاست. مخصوصاً وقتی که به‌چشم می‌بینیم هر مسافری که می‌رود، نمی‌گذارند بیش از ۲۰ یا ۳۰کیلو فقط لباس و وسایل شخصی خودش را با خود ببرد. در مواردی که مسافران ما باری از این میزان بیشتر داشته‌اند، برای هر کیلو بار ۱۱دلار اضافه، از ما گرفته‌اند.

برگردیم به‌بحث انتقال: از روز اول روشن بود که رژیم تا بتواند، مانع انتقال امن و سازمان‌یافته و متمرکز مجاهدین تسلیم‌ناپذیر می‌شود

و به‌کمتر از قتل‌عام آنها رضایت نمی‌دهد مگر زمانی که در تعادل‌قوای مادی و مشخص، ما در چنین انتقالی بر رژیم تفوق پیدا کنیم. در این صورت پیروزی خیلی بزرگی خواهد بود اما باید ببینیم تا باور کنیم...

آخر یادمان هست که رژیم از روز اول، استرداد ما را می‌خواست و آخوند یونسی وزیر اطلاعات خاتمی ضمن تکرار درخواست تحویل و استرداد از آمریکایی‌ها به‌وضوح اعلام کرد:

«هر کشوری که اعضای منافقین را بپذیرد... به‌دولت ایران اعلان دشمنی آشکار کرده است».

حالا گوش کنید به‌قسمتهایی از نامهٔ جاناتان واینر مشاور ارشد وزیر خارجهٔ آمریکا در بازاسکان و انتقال مجاهدین که در شکایت‌نامه‌اش به‌رئیس‌جمهور برگزیدهٔ مقاومت در ۳۰سپتامبر امسال (۸ مهر ۹۴) اعلام بن‌بست می‌کند:

خانم رجوی گرامی،

الان دو سال است که وزیر کری به‌من مأموریت بازاسکان امن ساکنان کمپ لیبرتی را به‌خارج از عراق، به‌کشورهای دیگر داده است. طی این مدت، ما تقریباً همهٔ کشورهای عضو سازمان ملل را بررسی کردیم و به‌طور فعال در جستجوی بازاسکان مجاهدین خلق در ۷۵کشور بودیم. تنها کشورهایی انگشت‌شمار از جمله آمریکا تعدادی را قبول کردند. همان‌طور که می‌دانید، یک کشور، آلبانی، موافقت کرده است صدها نفر از ساکنان از جمله حداقل ۴۸۰نفر را در سال جاری بپذیرد و احتمالاً همین میزان و شاید بیشتر در هر سال، تا زمانی که کمپ لیبرتی تخلیه شود...

من از این‌که حالا مجاهدین خلق قول داده‌اند که مجدداً شروع به‌همکاری

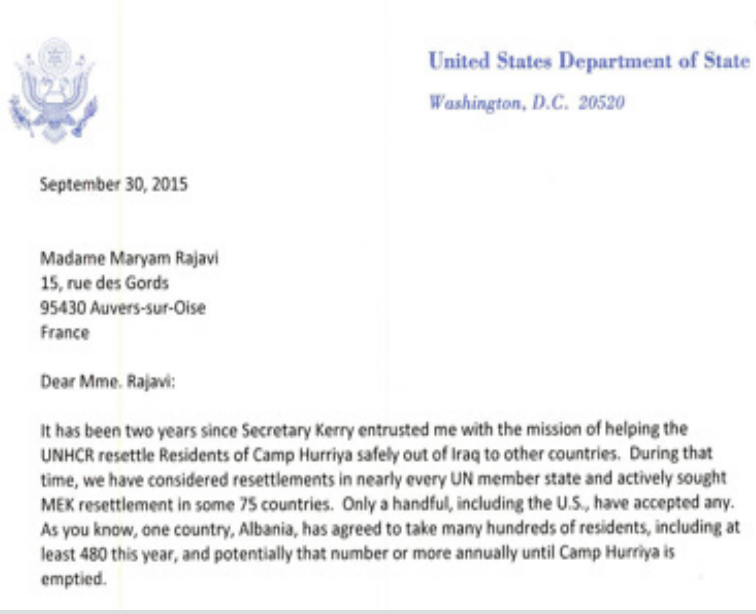

United States Department of State
Washington, D.C. 20520

September 30, 2015

Madame Maryam Rajavi
15, rue des Gords
95430 Auvers-sur-Oise
France

Dear Mme. Rajavi:

It has been two years since Secretary Kerry entrusted me with the mission of helping the UNHCR resettle Residents of Camp Hurriya safely out of Iraq to other countries. During that time, we have considered resettlements in nearly every UN member state and actively sought MEK resettlement in some 75 countries. Only a handful, including the U.S., have accepted any. As you know, one country, Albania, has agreed to take many hundreds of residents, including at least 480 this year, and potentially that number or more annually until Camp Hurriya is emptied.

با کمیساریا در پرواز به‌آلبانی بکنند، دلگرم شده‌ام. ولی کمیساریا یک نامه از آقای محدثین را برای من فرستاده که مورخ ۲۴سپتامبر است و در آن آمده که مجاهدین خلق می‌خواهد تعداد فرستادن نفرات به‌آلبانی را امسال (۲۰۱۵) محدود کند. زیرا در صورتی که پول اموالشان را از عراق دریافت نکنند، نمی‌توانند در آینده هزینهٔ بازاسکان کسی را در خارج از عراق بپردازند.

من نمی‌توانم از دیگر کشورها درخواست کنم که ساکنانی را (از لیبرتی) بپذیرند که مجاهدین خلق هزینهٔ بازاسکان آنها را نمی‌پردازند، یا از پرواز به‌جای امنی که به‌آنها پیشنهاد شده امتناع می‌کنند...

من متأسفم که به‌این بن‌بست رسیده‌ایم، ولی برای صحبت در مورد این وضعیت با شما و یا نمایندگان شما در دسترس خواهم بود.

این نامه، تقریباً یک ماه قبل از حمله موشکی ۷آبان ۹۴ نوشته شده و می‌بینید که آقای واینر از یاد برده است که لااقل همه اموال مجاهدین در لیبرتی باید به‌آلبانی منتقل می‌شد؛ طبعاً جایی هم برای تعهدات مشاور امنیتی حکومت عراق در برابر آن شخصیتهای آمریکایی در فروردین همین امسال، باقی نمی‌ماند.

قسمت نانوشته حرف واینر هم این است که رژیم آخوندها با هزار و یک ترفند و تهدید و تطمیع و رشوه‌های کلان از مایملک ملت ایران، دستکم مانع پذیرش مجاهدین در ۷۵کشور شده است.

یکی از این کشورها رومانی است که مجاهدین به‌توصیهٔ واینر و همراه با او، از اواخر سال۱۳۹۲ یک سال تمام مشغول و درگیر آن برای انتقال ۲۸۰۰نفر بودند. این پروژه، هزینه و وقت و انرژی زیادی را هدر داد و به‌نتیجه نرسید. معلوم بود که رژیم است که ممانعت و کارشکنی می‌کند.

سفیر رژیم در رومانی در همین رابطه گفت:

«یکی از جاهایی که ممکن است منافقین به‌آن منتقل شوند رومانی خواهد بود. بر پایهٔ این تحلیل، از همان حدود یک سال پیش ما اقداماتی را برای عدم حضور منافقین در این کشور انجام دادیم. خود بنده در دیدار دوره‌یی با تک‌تک مسئولان تصمیم‌گیرندهٔ این مسأله جلسه گذاشتم» ۲۶

مریم در این خصوص هم واقعاً آنچه توانست انجام داد. مسافرت و ملاقاتهای مسئولان و نمایندگان مجاهدین همراه با سناتور توریسلی، هم‌چنین انتظارات کشّاف طرف مقابل از مجاهدین، شرح و توضیحاتی جداگانه می‌طلبد که به‌آینده موکول می‌کنم اما مسئولان‌تان در لیبرتی از ابتدای کار در جریان بودند. طرفهای مقابل، تأکید مؤکد داشتند برای این‌که این پروژه نسوزد، مطلقاً درز نکند و علنی نشود.

به‌همین خاطر مریم خودش به‌رومانی نرفت و به‌رفتن شریف و بهنام و

۲۶-*سایت تابناک*-۲۳دی۹۲.

دیگر برادرانمان اکتفا کردند. اما سفرهای اعلام شدهٔ مریم به‌آلمان، ایتالیا، سوییس، نروژ، اسپانیا، استونی را که همه در همین راستا بود می‌دانید و وارد توضیحات بیشتر نمی‌شوم.

فصـــل پنجم

خطرها برسرراه انتقال مؤسسان چهارم
مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

۱۷بهمن ۱۳۹۴

(قسمت دوم)

بعد از این توضیحات فکر می‌کنم برای یکایک شما روشن است که برای انتقال سازمان‌یافته مؤسسان چهارم، با چه مشکلاتی باید دست و پنجه نرم کنیم.

واضح است که مشکلات پولی و مال و اموال به‌نسبت خطرات جانی، ثانوی است. بنابراین تمرکز بحث ما روی خطرهای جانی است که به‌محض کمترین غفلت، خون جاری می‌شود. معلوم است که ما دلمان انتقال و مأموریت بدون خسارت می‌خواهد. معلوم است که برای پرهیز از خطرات و خسارتها، حداکثر تلاش خودمان را می‌کنیم و تهدیدهای گوناگون را مورد به‌مورد، با صبر و حوصله به‌شیوه‌یی مینیاتوری بررسی می‌کنیم و برای هر کدام راه‌حلهای خودش را همراه با راه‌حل‌های جایگزین در جدول احتمالات، جستجو می‌کنیم. اگر بتوانیم همه خطرهای جدی و واقعی را خنثی کنیم، البته که شاهکاری شگفت و کاریست کارستان و تحسین‌انگیز و به‌قول شما معجزه آسا...

فعلاً من فهرست اجمالی مخاطرات را می‌خوانم. اغلب آنها را هم به‌چشم دیده و در عمل آزموده‌اید:

۱-حمله موشکی مانند ۷آبان

۲-حمله زمینی و شبیخون مانند ۱۰شهریور ۹۲، ۱۹فروردین ۹۰ و ۶ و ۷مرداد ۸۸ در اشرف

۳-وارد کردن خودرو یا کامیون انفجاری برای گرفتن تلفات زیاد انسانی و ایجاد خسارتها و ضایعات کلان.

ما قیمت خنثی کردن این خطر را به‌طور شبانه‌روزی با کمین و واحدهای آماده و بازدارنده و با کاربستون و موانع فیزیکی متعدد و گوناگون می‌پردازیم.

۴-محاصره و قطع ارزاق و دارو و سوخت و آب و برق و خدمات شهرداری

-برای قطع برق، به‌هر یکان یک ژنراتور کوچک با سوخت ذخیره بنزینی داده می‌شود.

-برای قطع آب، هر یکان باید در محوطهٔ خودش یک چاه عمیق احداث کند و برای تصفیهٔ آب آشامیدنی قرصهای کلر توزیع می‌کنیم.

-برای سوخت کل قرارگاه، شهردار باید ۳هفته سوخت ذخیره در نقاط مختلف داشته باشد.

-برای شرایطی هم که باتریها هم تمام شده و چراغ قوه کار نکند مجموعاً ۱۵۰فانوس نفتی توزیع شده است.

-مجتمع غذایی هر یکان در شرایط اضطراری به‌جای آشپزخانه کار می‌کند.

-اقلام پایهٔ مصرفی و خوراکی حداقل برای ۳هفته باید در نقاط مختلف انبار شده باشد.

BLACK WA

FINA
JP-8

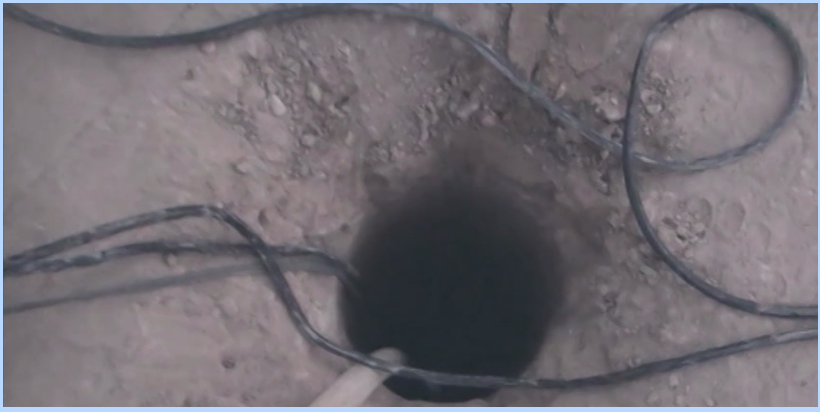

FINA

۵-سیرک مزدوران تحت‌عنوان خانوادهٔ مجاهدین مانند اشرف همراه با ۳۲۰بلندگو برای زمینه‌سازی حمله و قتل‌عام

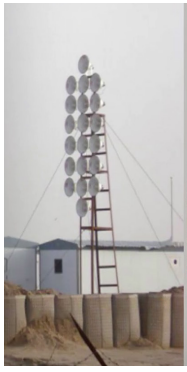

۶- **آدم‌ربایی و گروگانگیری** مانند برادرانمان پویان و زاهدی در مرداد۸۴ و ۳۶گروگان در مرداد۱۳۸۸

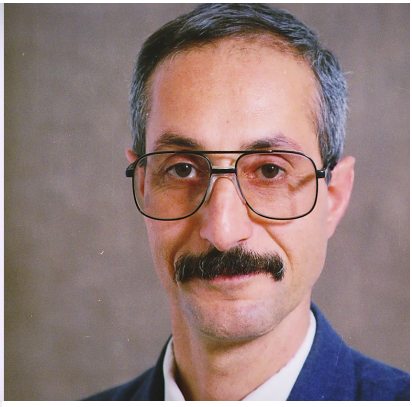

محمد علی زاهدی

حسین پویان

۳۶گروگان در یکی از زندانهای عراق

۷- دستگیری در جریان تصادفهای واقعی یا ساختگی رانندگی

مانند دستگیری یکی از برادرانمان در شب عید ۹۴ (۲۵ اسفند۹۳) که هاموی نیروهای سوات به‌تانکر ما زد و در حالی‌که طرف عراقی مقصر بود، اما مجاهد خلق صفر ذاکری را دستگیر کردند و به‌زندان بردند.

جالب این بود که قرار بازداشت غیرقانونی او به‌درخواست سفارت رژیم ۶بار تمدید شد.

ISJ International Committee In Search of Justice

URGENT

18 March 2015

Hon Antonio Guterres
United Nations High Commissioner for Refugees

Dear High Commissioner,

We have been informed with dismay that Mr Safar Zakeri, one of the residents of Camp Liberty, has been detained illegally for past 3 days and has been transferred to an undisclosed location. The lawyers and representatives of the residents have no news of him. According to reports by camp representatives, in the morning of Monday 16 March, he, a driver of one the swage tankers, and an Iraqi police who was accompanying him inside the vehicle, collided with a SOAT Humvee. According to local traffic officer and the policeman who was accompanying him inside the vehicle, the driver of the Humvee was at fault but Mr Safar Zakeri was detained by the Iraqi police.

For the past three days the residents of the camp have raised this issue with UNAMI and UNHCR and the American embassy on numerous occasions and asked them to get involved in releasing Mr Zakeri from detention according to their responsibility regarding the safety and security of the residents. But no effective action has been taken so far.

All the evidence indicate that Major Ahmad Khodheir and Capitan Heydar Azab, the intelligence officers who were involved in the massacre of the residents of Ashraf, are involved in this and are behind the illegal detention. They, who in a close contact with the terrorist Qods Force and under order from them, are responsible for repressing the residents, have even prevented taking Mr Zakeri's cloths, medicines and money to him. This arrest, 4 days before the Iranian New Year (20 March), is shocking and terribly disturbing for the residents of Liberty, all of whom are registered with UNHCR and have been interviewed. The unjustified arrest of an Iranian refugee, member of the PMOI, could be catastrophic given the free hand the Quds Force units and their affiliated militias have over vast areas of Iraq and particularly in Baghdad.

Noting the above I am writing to ask you to personally intervene to free the person who has been given written assurances of safety and security by various UN bodies in particular the UNHCR. There is no need to add that prolonging this detention will only add to the complexity of the issue and graver danger.

Dear High Commissioner, I thank you in advance for your prompt attention to this matter.

Alejo Vidal-Quadras

CC:
Ambassador Brett McGurk, Ambassador Stuart Jones, SRSG Ján Kubiš

About ISJ: International Committee In Search of Justice (ISJ) was initially formed in 2008 as an informal group of EU parliamentarians to seek justice for the Iranian democratic opposition. In 2014 it was registered as a non-profit NGO in Brussels expanding its membership beyond elected parliamentarians to former officials and other dignitaries with an interest to promote human rights, freedom, democracy, peace and stability. ISJ's campaigns have enjoyed the support of over 4000 parliamentarians on both sides of the Atlantic.

President: **Alejo Vidal-Quadras**, Vice President of European Parliament (1999-2014)
Board of Advisors: **Patrick Kennedy**, Congressman (1995-2011); **Günter Verheugen,** Vice President of EU Commission (2004-2010); **Nicole Fontaine**, President of European Parliament (1999-2002); General **Hugh Shelton,** Chairman of US Joint Chiefs of Staff (1997-2001); **David Kilgour**, Canadian Secretary of State (1997-2003); **Ingrid Betancourt** ; Prof. **Raymond Tanter**, President of Iran Policy Committee, Washington D.C.; Prof. **Horst Teltschik,** Chairman of the Munich Security Conference (1999-2008); Colonel **Wesley Martin**, Antiterrorism/Force Protection Officer of all Coalition forces in Iraq (2005-2007); Senator **Lucio Malan,** Quaestor of Italian Senate; **Alessandro Pagano** MP, President of Committee of Italian Parliamentarians for a Free Iran; **Antonio Razzi** Secretary of Italian Senate Foreign Affairs Committee; **Gérard Deprez** MEP, Chair Friends of a Free Iran intergroup European Parliament; **Ryszard Czarnecki,** Vice President of European Parliament; **Tunne Kelam**, Member of European Parliament; **Lord Carlile** of Berriew QC, Co - chairman of British Parliamentary Committee for Iran Freedom, former independent reviewer of UK terrorism legislations; **Lord Clarke** of Hampstead CBE, Former Chairman of UK Labour Party; **Lord Maginnis** of Drumglass; **Lord Dholakia** OBE, Deputy Leader of Liberal Democrats in House of Lords

UNHCR
United Nations High Commissioner for Refugees
Haut Commissariat des Nations Unies pour les réfugiés

مفوضية الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين
العراق – بغداد

UNHCR

UNAMI Compound
International Zone – Baghdad - Iraq

Tel.: 00964 79 01 941 275
00964 78 01 952 495
Fax: 0019173673615
Email: alshaikh@unhcr.org

Notre/Our Code: HCR/IRQ/BGD/2015/NV/0072

The office of the United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) in the Republic of Iraq presents its compliments to Al-Karkh Investigation Court and has the honor to inform the esteemed Court that the Iranian national, Mr Safar Zakery is a person of concern to UNHCR.

The Office of the United Nations High Commissioner for Refugees in the Republic of Iraq avails itself of this opportunity to extend to Al-Karkh Investigation Court the assurance of its highest consideration.

23 March 2015

The United Nations High Commissioner for Refugees
UNHCR
The UN Refugee Agency

Al-Karkh Investigation Court
Republic of Iraq
Baghdad

UNHCR
United Nations High Commissioner for Refugees
Haut Commissariat des Nations Unies pour les réfugiés

مفوضية الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين
العراق – بغداد

UNHCR
UNAMI Compound
International Zone – Baghdad - Iraq
Tel.: 00964 79 01 941 275
00964 78 01 952 495
Fax: 0019173673615
Email: alshaikh@unhcr.org

الرقم: HCR/IRQ/BGD/2015/NV/0072

يهدي مكتب مفوضية الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين في جمهورية العراق أطيب تحياته الى محكمة تحقيق الكرخ ويود إعلام محكمتكم الموقرة بأن الإيراني الجنسية السيد سفر زاكري محمد هو أحد فئات عناية مفوضية الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين.

يغتنم مكتب مفوضية الأمم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين في جمهورية العراق هذه الفرصة للإعراب لمحكمة تحقيق الكرخ عن فائق التقدير والاحترام.

٢٣ آذار ٢٠١٥

محكمة تحقيق الكرخ
جمهورية العراق
بغداد

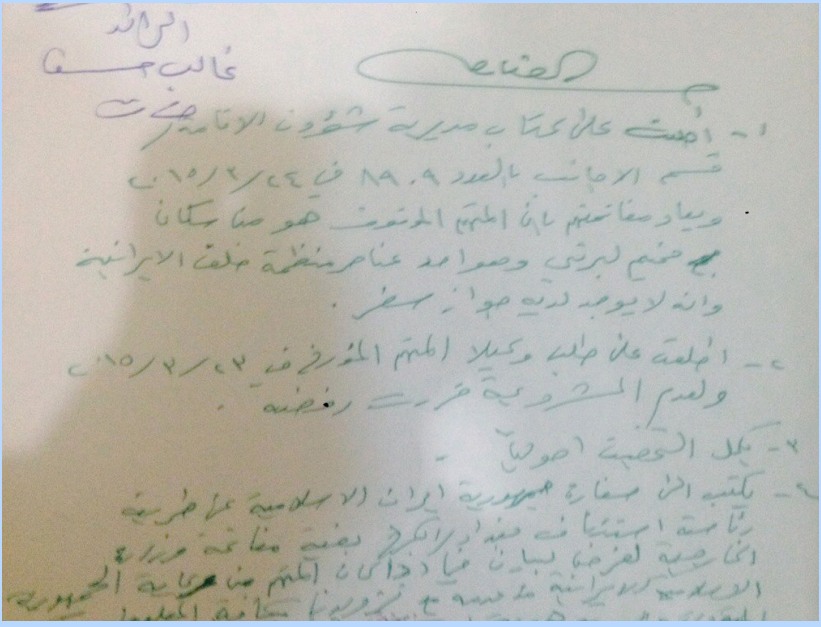

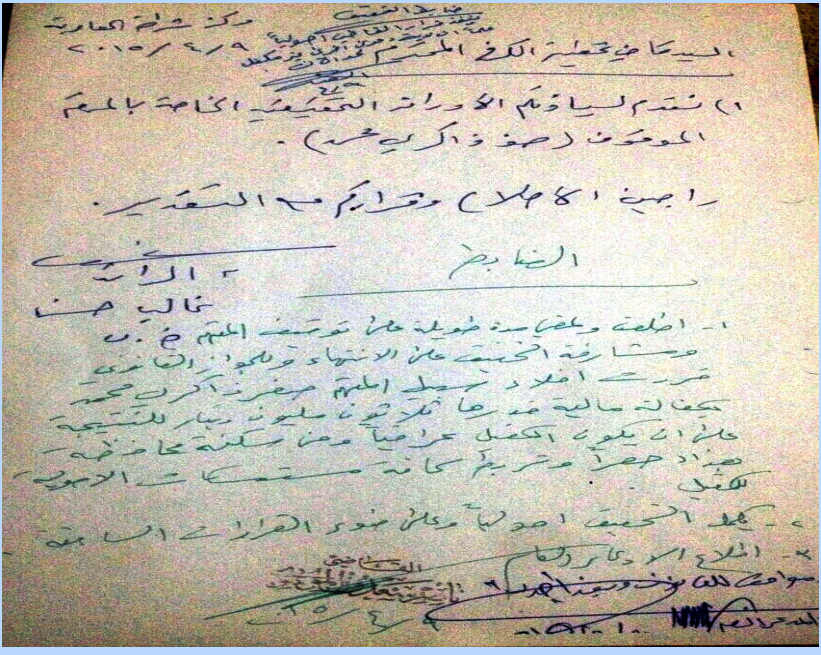

گروگانگیری یکی از ساکنان لیبرتی- شماره ۵

تمدید قرار بازداشت غیرقانونی صفر ذاکری ساکن لیبرتی به خواست رژیم ایران برای ششمین بار

بازداشت غیر قانونی، نادیده گرفتن اسناد ملل متحد، وارد کردن سفارت رژیم در پرونده و جاوگیری از جراحی از قبل تعیین شده ذاکری، از یک گروگانگیری برنامه ریزی شده خبر می دهد

در چهارمین هفته بازداشت غیرقانونی آقای صفر ذاکری، از ساکنان کمپ لیبرتی، به بهانه یک تصادف منکوک رانندگی، قاضی تحقیق ناصر موسوی به دنبال یک سلسله اقدامهای غیرقانونی و منکوک، روز گذشته برای ششمین بار بازداشت او را تمدید کرد و رسیدگی بعدی را به ۲۵ فروردین موکول کرد. او در انتظار دریافت پاسخ سفارت رژیم آخوندی در بغداد است، چیزی که آشکارا از یک توطئه جدید علیه صفر ذاکری و ساکنان لیبرتی خبر می دهد.

قاضی در حالی که می دانست صفر ذاکری یک پناهنده تحت پوشش کمیساریای عالی پناهندگان و مشمول یادداشت تفاهم امضا شده بین دولت عراق و ملل متحد در ۲۵ دسامبر ۲۰۱۱ است و کارت رسمی «تشخص حفاظت شده» او را در اختیار داشت، در روز ۳ فروردین در یک اقدام شوکه کننده در یک درخواست مکتوب، خواستار شد تا سفارت رژیم آخوندی در بغداد هویت و سابقه صفر ذاکری را مشخص کند.

پزشک متخصص در روز ۱۸ فوریه ۲۰۱۵ پس از ویزیت آقای ذاکری که از چند سال پیش از بیماری BPH رنج می برد، روز ۵ آوریل را برای عمل جراحی مشخص کرده بود. به رغم ارائه سند مزبور به دادگاه، مقامهای عراقی تحت امر قالح فیاض، مشاور امنیتی عراق، در یک صحنه سازی مسمئز کننده او را به بیمارستان بردند و با یک آزمایش ساده و بدون مراجعه به پزشک متخصص معالج، اعلام کردند نیاز به عمل جراحی ندارد و به این ترتیب قراری که مدتها در نوبت آن قرار داشت، به طور عملی لغو و به آینده نامعلومی موکول شد، امری که سلامت او را به خطر می اندازد.

به این ترتیب بازداشت آقای ذاکری در تصادفی که هیچ تقصیری در آن نداشته و ۶ بار تمدید قرار بازداشت و جلوگیری از انجام عمل جراحی از پیش تعیین شده او هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که نیروی تروریستی قدس و سفارت رژیم آخوندی پشت این گروگانگیری جنایتکارانه قرار دارند و به رغم اینکه تمامی بهانه ها حول اقامت او توسط کمیساریای عالی پناهندگان برطرف شده بازداشت او به طور مستمر تمدید می شود.

مقاومت ایران ضمن ابراز نگرانی شدید از نیات شوم و جنایتکارانه ادامه بازداشت صفر ذاکری که نقض آشکار یادداشت تفاهم امضا شده بین دولت عراق و ملل متحد و نقض قانون بین المللی پناهندگی است، دولت آمریکا، یونامی و کمیساریای عالی پناهندگان را که بارها در قبال سلامت و امنیت ساکنان متعهد شده اند به اقدام فوری برای خاتمه دادن به این گروگانگیری و آزادی بلادرنگ آقای ذاکری و جلوگیری از اجرای طرحهای شوم فاشیسم دینی حاکم بر ایران و عواملش در عراق فرا می خواند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران- پاریس

۱۸ فروردین ۱۳۹۴ (۷ آوریل ۲۰۱۵)

کار رذیلانه‌تر دیگر، جلوگیری از انتقال او به‌بیمارستان و لغو عمل جراحی ضروری بود که از مدتها پیش قرار آن چفت شده بود.

شورای ملی مقاومت ایران
National Council of Resistance of Iran

گروگانگیری یکی از ساکنان اشرف- شماره ۴

مأموران عراقی، به رغم حکم قاضی تحقیق با یک صحنه سازی مشمئز کننده از انتقال آقای ذاکری به بیمارستان برای عمل جراحی جلوگیری می کنند

روز یکشنبه ۱۶ فروردین (۵آوریل) مأموران عراقی در یک اقدام ضد انسانی از انتقال آقای صفر ذاکری از بازداشتگاه به بیمارستان برای انجام یک عمل جراحی که از دو ماه پیش تاریخ آن تعیین شده بود، جلوگیری کردند. وی سه هفته است به بهانه تصادف مشکوک رانندگی در مرکز پلیس عامریه بغداد در بازداشت به سر می برد. آنهم در تصادفی که به شهادت پلیس راهنمایی و رانندگی، آقای ذاکری هیچ تقصیری در آن نداشته است. وی به طور عملی به خواست رژیم ایران و توسط مأموران تحت امر فالح فیاض به گروگان گرفته شده است.

آقای ذاکری که از بیماری BPH رنج می برد امروز (یکشنبه) بعد از سه سال انتظار قرار، باید در بیمارستان تحت عمل جراحی قرار گیرد. قاضی تحقیق در حکم تمدید بازداشت او نیز قید کرده بود که بیمار برای این عمل جراحی باید به بیمارستان برود.

روز شنبه ۱۵ فروردین پلیس عامریه در یک صحنه سازی مشمئز کننده، آقای ذاکری را به بیمارستان برد و با یک آزمایش ساده، یک گزارشی ساختگی برای قاضی تهیه کردند که بیمار نیازی به عمل جراحی ندارد. این در حالیست که او پس از مدتها انتظار در روز ۱۸ فوریه ۲۰۱۵ پس از آزمایشهای ضروری توسط پزشک متخصص اورولوژی در بیمارستان در بغداد ویزیت شده و قرار عمل جراحی BPH برای ۵ آوریل به او داده شده بود. اوراق مربوط به بیماری وی و تشخیص پزشک متخصص و قرار عمل جراحی از سوی نمایندگان ساکنان در اختیار کمیساریای عالی پناهندگان، یونامی، مقامات آمریکایی و قاضی تحقیق قرار داده شده است.

این اقدام ضدانسانی سه هفته پس از دستگیری غیر قانونی صفر ذاکری هیچ تردیدی باقی نمی گذارد که نیروی تروریستی قدس و سفارت رژیم آخوندی در بغداد پشت گروگانگیری آقای ذاکری قرار دارند.

مقاومت ایران بار دیگر با تأکید بر اینکه بازداشت غیرقانونی آقای ذاکری نقض آشکار یادداشت تفاهم امضا شده بین دولت عراق و ملل متحد در روز ۲۵ دسامبر ۲۰۱۱ و نقض قانون بین المللی پناهندگی است، و با توجه به اینکه ممانعت از معالجات پزشکی یک جنایت ضدبشری است و مسئولین آن باید تعقیب و محاکمه شوند، دولت آمریکا، یونامی و کمیساریای عالی پناهندگان را که بارها در قبال سلامت و امنیت ساکنان متعهد شده اند به اقدام فوری برای خاتمه دادن به این گروگانگیری و آزادی بلادرنگ آقای ذاکری و انتقال او به بیمارستان جهت انجام عمل جراحی فرا می خواند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران- پاریس
۱۶ فروردین ۱۳۹۴ (۵آوریل ۲۰۱۵)

سرانجام مجبور شدند صفر را یک ماه بعد، به‌دنبال یک کارزار گستردهٔ بین‌المللی و عربی و عراقی آزاد کنند. البته با ۳۹میلیون دینار وثیقه و ضمانت و رشوه که همه را بالا کشیدند.

بعد هم مقامات ذیربط با کمال وقاحت تانکر را بالا کشیدند که سندهای خرید آن به‌مبلغ ۱۰۰هزار دلار را به‌دادگاه ارائه کرده بودیم. در اسنادی که به‌همان دادگاه معلوم الحال دادیم ، علاوه بر ۱۰۰ هزار دلار قیمت پرداخت شده تانکر ،رسید مالیات افزوده بر قیمت پرداخت شده هم به‌میزان ۵ درصد قیمت، ضمیمه شده بود .یعنی ما علاوه بر ۱۰۰ هزار دلار قیمت تانکر، معادل ۵میلیون و ۹۹۰هزار دینار عراقی هم به‌حکومت عراق مالیات تانکر را داده بودیم و حالا هم ۳۹میلیون دینار دیگر وثیقه و رشوه...

این هم یکی دیگر از وجوه « عراق جدید» است! آخر مالکی اسم قرارگاه اشرف را به« قرارگاه عراق جدید» تغییر داد، اما زبان گندیده خودش هم به‌آن نمی‌چرخید و در مقابل خبرنگاران هم‌چنان قرارگاه اشرف می‌گفت.

بسم الله الرحمن الرحيم

وكالة خاصة للسيارة

التاريخ: ٢٠١٢/٠٧/١٠

أقر أنا الموقع أدناه زهراء محمد حسين وأحمل بطاقة هوية فرد محمي رقم D40CF96A، ساكنة مخيم ليبرتي ومالكة شاحنة هينو قمارة أبيض - برتقالي م ٢٠٠٨ اليابان رقم الشاصي JHDGH1JMX81S12567 بأنني قد وكلت السيد صفر ذاكري محمد والحامل بطاقة هوية فرد محمي رقم BBAEB50E ساكن مخيم ليبرتي وذلك في اتخاذ كافة الاجراءات اللازمة في الشؤون الحقوقية والقانونية المتعلقة بشاحنة هينو قمارة أبيض - برتقالي م ٢٠٠٨ اليابان رقم الشاصي JHDGH1JMX81S12567 وجعلتها في حيازته وله الحق قياده السيارة وكافة اجراءات القانونية والقضائية والادارية والتنفيذية اللازمة وكذلك بيع السيارة.

وبما أنني ووكيلي نسكن في مخيم ليبرتي ولا يتوفر لدينا كاتب العدل نظمنا هذا العقد بحضور السادتين علي بهاري جوان والبرز بهادر المستشارين القانونيين للسكان ووقعنا عليه والمستشارون القانونيون قد صادقوا عليه أيضا.

الموكلة	المستشار القانوني	المستشار القانوني
زهراء	أؤيد هذا التوكيل علي بهاري جوان ١٠ تموز ٢٠١٣	أؤيد هذا التوكيل البرز بهادر ١٠ تموز ٢٠١٣

شركة التأمين الوطنية
شركة عامة

وصل قسط التأمين

صادر استنادا الى أحكام قانون التأمين الالزامي من حوادث السيارات رقم (٥٢) لسنة ٨٠

رقم ١٤٢٥٩٦

بيانات عن السيارة

بيانات عن السيارة	فلس	دينار
رقم تسجيل السيارة		
الجهة المسجلة بها		
نوع السيارة		
شكل السيارة		
سنة الصنع		
سعة سطوانة المحرك		
عدد المقاعد بما فيه مقعد السائق		
حمولة السيارة		
الغرض من استعمال السيارة		

التفاصيل

قسط التأمين فلس دينار

Insurance Premium Received For 6 months road motor
Car Motor Policy Premium Receipt Form
/ /200 to / /200

الشرط الاسقاطي عن عدم دفع قسط التامين بتاريخ الاستحقاق

المبلغ كتابة فقط

تسلمت من المؤمن له مبلغا قدره قسط التأمين الالزامي للسيارة المشار اليها اعلاه

عن شركة التأمين الوطنية

تصريحة رسم إعادة الإعمار

صفوان

القسم أ : بيانات المستورد او الوكيل

التاريخ 13/06/2008

رقم المستورد او الوكيل ---

رقم منفذ الكمارك 8

اسم المستورد زهراء محمد حسين

الموقف من الإعفاء غير معفي

رقم التسلسل الحدودي /86338

العنوان

نوع النشاط تجاري

رقم التصريحة الكمركية الآلي 0806130840028

بغداد

وسيلة الاتصال

رقم الهاتف

عنوان موقع

رقم الفاكس

البريد الالكتروني

رقم الموبايل

اسم الوكيل .....

رقم هوية الوكيل

تاريخ هوية الوكيل

القسم ب : تحديد رسم

تفاصيل الارسالية	قيمة البضائع المعفاة	قيمة البضائع الخاضعة للضريبة
شاحنةهينو قمارة وربع ابض +برتقالي م 2008 اليابان ش JHDGH1JMX81S12567	0.00	100,000.00

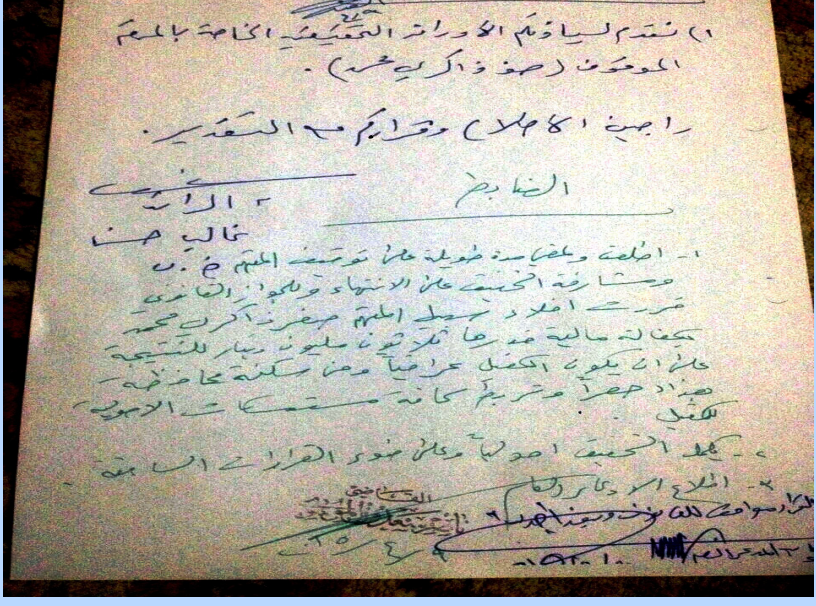

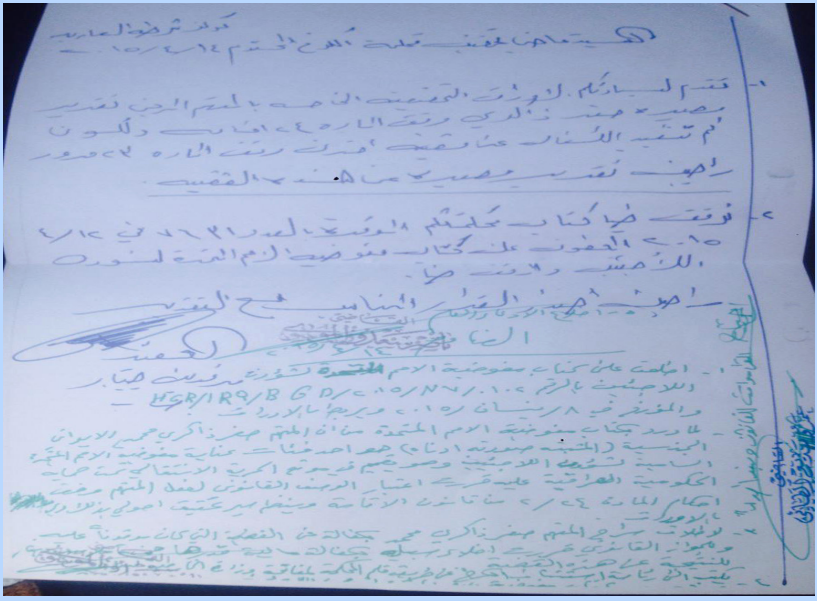

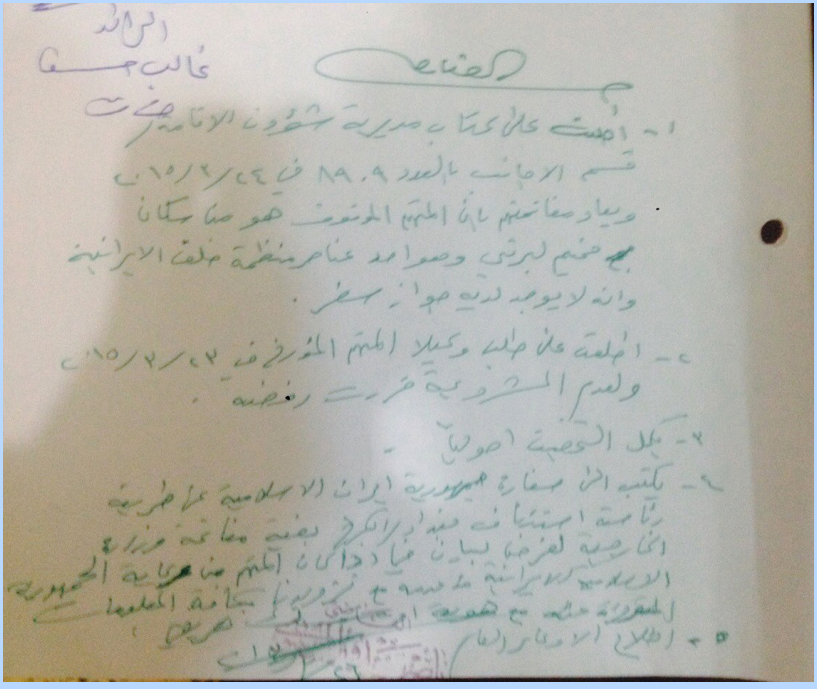

۸- حمله به‌هواپیماهای دربست و اختصاصی؛ که حامل تعداد زیادی از مجاهدین باشد این حمله تا وقتی هواپیما از خاک عراق خارج نشده، امکان‌پذیر است. تنها راه فریب دادن دشمن با زمان‌بندی و هواپیماهای متفاوت است به‌نحوی که سوژهٔ اصلی را نتواند تشخیص بدهد.

۹- بالون‌های جاسوسی برای برداشتن عکس و فیلم در ساعات مختلف شبانه‌روز که باید محلی را که در آن کاری جریان دارد به‌شیوه‌های مختلف استتار کنیم. آخرین راه‌حل که البته زیاد نمی‌توان استفاده کرد، آتش زدن پشته‌های خار و خاشاک، سوزاندن چوب یا تایرهای فرسوده خودروهاست تا دود آنها نقش تور استتار را بازی کند.

در ژوئیه۲۰۱۳ وزارت دفاع ۳بالن و ۶برج مراقبتی از طرف آمریکایی تحویل گرفت اما مالکی همه آنها را صرف استحکام سلطه و حکومت ننگین خودش کرد و یکی را هم مأمور مراقبت از لیبرتی کردند.

بالونی که بر فراز لیبرتی پرواز دادند

۱۰- بازرسی‌های سر زده و غافلگیرانه برای به‌دست آوردن اسناد و مدارک و سپس پرونده‌سازی بر اساس آنها.

-اگر بازرسی برای ضبط امکانات باشد نمی‌پذیریم و می‌گوییم مشروط به‌حضور نمایندگان سازمان ملل و یونامی است؛ اما در هر حال در بازرسی حداکثر تجمع را باید رعایت کنید تا آماده درگیری باشیم.

- نوع دیگری از بازرسی با حمله و هجوم برای دستگیری افراد خاص و اجرای احکام قضایی حکومت دست‌نشاندهٔ عراق همراه است که در این صورت همه لشکرهای فدایی همزمان وارد می‌شویم تا دشمن مجبور به‌عقب‌نشینی شود. در هر حال این‌که دشمن دست باز داشته باشد و بتواند با چند برگه کاغذ جعلی، کسی یا کسانی را از میان ما برباید، خط قرمز است و در این صورت همهٔ مجاهدین به‌هر قیمت وارد می‌شوند. ما در درگیری شروع‌کننده نیستیم اما باید ختم‌کننده باشیم. معلوم است که این قبیل بازرسی برای دستگیری افراد به‌خصوص، لشکرکشی برای حمله و کشتار است والاّ دشمن به‌آن نزدیک نمی‌شود زیرا قیمت آن را قبلاً در اشرف آزموده است.

- طرح کلی برای مقابله با حمله و بازرسی ناگهانی بدون اعلام و اطلاع قبلی، در یک بخش مشخص با نیروی محدود مانند پلیس ضدشورش، عبارتست از ۳یکان دفاع متحرک و ۳یکان آماده پشتیبان. در سایر قسمتها باید جلو دشمن صف ببندیم و زنجیر کنیم تا وضعیت تعیین‌تکلیف شود. نکته مهم این است که واحدهای تولید برای تلویزیون و ماهواره نیازمند یک یکان۳۱۳ دائمی هستند.

-کلیهٔ کامپیوترها، دستگاههای تلفن و موبایل در همهٔ مقرها باید صاحب و نگهبان خود را داشته باشند تا وحوش نتوانند آنها را از ما بگیرند و کارمان را مختل کنند.

- همزمان باید شکافهای ورودی به‌قرارگاه برای بستن راه خودرو انفجاری و وارد کردن نیرو یا هاموی بسته شود. این کار را سعی می‌کنیم

با عادیسازی انجام دهیم اما اگر امکان‌پذیر نبود، به‌صراحت باید گفت که دستور فرماندهی بعد از قتل‌عام در اشرف است. دفاع از خود حق مسلم ماست و جز رژیم و ریزه‌خواران و مزدورانش هیچ‌کس دیگر نمی‌تواند به‌آن ایراد بگیرد. حتی در سال ۹۰ هم هزاران پارلمانتر در «کمیتهٔ بین‌المللی در جستجوی عدالت» حق ما را برای دفاع از خود به‌رسمیت شناختند که این علاوه بر وکلا و حقوقدانان عراقی و عرب بود. به همین خاطر دشمن دست و پایش را جمع کرد. در غیر این‌صورت، اگر ما را ضعیف می‌دید حتماً پیشروی می‌کرد.

۱۱-پخش پارازیت برای مختل کردن ارتباطات زمینی و تلویزیون و موبایل ها

این همان شیوهٔ بسیار رایج رژیم در داخل ایران، مخصوصاً حول و حوش زندانیان ماست تا نتوانند با بیرون از زندان ارتباط برقرار کنند و مخصوصاً نتوانند به‌سیمای آزادی دسترسی داشته باشند.

بعد از ۶ و ۷مرداد ۸۸ ، اطلاعات سپاه پاسداران همراه با استخبارات مالکی در ضلع جنوب اشرف مستقر شدند و وسیعاً از پارازیت علیه ما استفاده می‌کردند .متقابلاً ما هم توانستیم دستگاه خنثی‌کننده آن را با قیمت گران تهیه و وارد اشرف کنیم. در همان ایام در روز ۲۰آذر ۸۹ وزارت اطلاعات به‌این موضوع پی برد و خبر آن را هم در یکی از سایتهای تابعه همراه با عکسی از دستگاه خنثی‌کننده در اشرف، منتشر کرد.

مجاهدین خلق (فرقه رجوی) از ابزار پیچیده پخش پارازیت آمریکایی استفاده می کنند

Iran-Interlink.org

IRAN-INTERLINK

Home | News | Information | Publications | Factfile | Contact us | About Search: Go فارسی

You are viewing our archived site. For updated news and campaigns please go to http://iran-interlink.org/wordpress/

facebook YouTube

Advanced Search
Archives
Audio / Video
Key Information

- Anne Singleton (khodabandeh): Sham report exposes Mojahedin Khaq (MEK, MKO)'s isolation in Washington (Januray 2013)
- Post Delisting, What Are the Mojahedin-e Khalq Up to Now? (aka; MKO, MEK, Rajavi cult) Massoud KhodabandehDirector, Middle East Strategy Consultants, Huffington Post (Blog), November 09 2012
- Protestors say Mojahedin Khalq (MKO, MEK, Rajavi cult) paid them to go to demo September 20 2012
- The Life of Camp Ashraf -

Mojahedin Khalq (MKO, MEK, NCRI, Rajavi cult) leaders use sophisticated American parasite equipment to intimidate families at the gates of Camp Ashraf

Mojahedin Khalq (MKO, MEK, NCRI, Rajavi cult) leaders

use sophisticated American parasite equipment

to intimidate families at the gates of Camp Ashraf

Families of Mojahedin Khalq (MKO, MEK, NCRI, Rajavi ... cult) members trapped inside the camp by cult leaders have spent ten months trying to get access to their relatives. Through loud speakers they have appealed to the camp leaders and sent messages of hope and love for their relatives. In response, the MEK have used sophisticated US made parasite equipment to deflect the messages and create an impossible atmosphere for anyone outside the camp. The MEK were eventually forced to remove the illegal equipment when they realised ... that reporters were present at the camp

به‌یاد دارید که در تیر ماه ۹۰ بیانیه مردم دیالی با ۵۲۵هزار امضا (که تماماً ۱۸سال به‌بالا و دارای اسم و آدرس مشخص بودند) در محکومیت قتل‌عام مجاهدین در ۱۹فروردین همان سال در اشرف، منتشر شد. آنها خواهان حفاظت اشرف از طرف ملل متحد شده بودند و مجاهدین را میهمانان گرامی عراق و دیالی خوانده بودند؛ با تأکید بر این‌که حضور مجاهدین در اشرف یک ضرورت ملی استراتژیک و امنیتی برای مردم دیالی و عراق در برابر مطامع و دست‌اندازیهای رژیم آخوندی به‌عنوان دشمن هر دو ملت است.

الأمانة العامة
مجلس العشائر الوطنية العراقية
ديالى

General Secretariat
Of Council
Of National Iraqi Tribes – Diyala
gotbe48@yahoo.com

بيان صحفي

تموز ٢٠١١

٥٢٥ ألف من أهالي ديالى يستنكرون مجزرة مجاهدي خلق ويطالبون الأمم المتحدة بتولي حماية اشرف

مجاهدي خلق هم ضيوف أعزاء على العراق وديالى ووجودهم في اشرف أمر وطني ضروري للعراقيين وتقلهم داخل العراق تمهيد لقتلهم

من دواعي الفخر والاعتزاز للأمانة العامة لمجلس العشائر الوطنية العراقية ـ فرع ديالى أن تعلن أن ٥٢٥ ألف من أهالي ديالى وبتوقيعهم بيانا يستنكرون بقوة الهجوم الوحشي الذي شنته القوات المؤتمرة بأمرة نوري المالكي على اشرف في ٨ نيسان ٢٠١١ معتبرين وجود مجاهدي خلق في العراق وأشرف يصب في خدمة المصالح الوطنية العراقية وأن ممارسة الضغوط عليهم للخروج من العراق أو أشرف أو نقلهم داخل العراق تصب في خدمة مصالح الفاشية الدينية الحاكمة في إيران التي وصفوها بأنها «عدو للشعبين» .

وجاء في هذا البيان الذي وقعه أهالي محافظة ديالى من مختلف الأطياف وجميعهم ممن تجاوزت أعمارهم ١٨ عاماً وبأسماء وعناوين محددة في متناول اليد ومؤيدة من قبل شيوخ العشائر والحقوقيين والمحامين العراقيين والوجهاء المحليين:

إن النظام الإيراني يتدخل منذ سنين في شؤون بلدنا الداخلية بزجه فرق الموت والقتل وتسريب أنواع الأسلحة والذخائر والمتفجرات والمرسلات الإذاعية والتلفازية إلى العراق وتأسيس أنواع أجهزة الإعلام المأجورة لاستخدامها بهذا الصدد في بلدنا إضافة إلى استهدافه مراكزنا الثقافية والاقتصادية والاجتماعية لغرض فرض هيمنته على العراق بشكل كامل غير أن الشعب العراقي أعرب عن كراهيته لتدخلات هذا النظام في مظاهراته المتواصلة هاتفاً بشعار إيران برة برة ولوصل صوته إلى أسماع العالم.

ومن أبرز هذه التدخلات هي محاولاته الجنونية للقضاء على سكان اشرف في ديالى والذين يعيشون في بلدنا منذ ٢٥عاماً فلم نر منهم إلا الخير والأخوة. وبذلك ينوي النظام الإيراني التغطية على أزماته الداخلية الخانقة وعزلته الدولية من جهة والقضاء على أقوى سد سياسي وثقافي منيع بوجه تدخلاته ومحاولاته لمد النفوذ الديني في العراق من جهة أخرى.

لقد أثار الهجوم الوحشي الذي شنته القوات المؤتمرة بأمرة المالكي يوم ٨ نيسان على أشرف ثلبة لطالب دكتاتور طهران أثار المزيد من الكراهية والإدانة لدى الشعب العراقي قاطبة بمختلف طوائفه وأقوامه باعتباره أن هذه الجريمة يندى لها جبين العرب والعراقيين وأبناء ديالى كونها أسفر عن سقوط ٣٦ شهيداً ٨ منهم نساء وجرح ٣٥٠ آخرين من مجاهدي خلق.

إن السفارة الإيرانية في بغداد تحاول عبثا وعن طريق عناصرها في ديالى وتهديد وإغراء الأهالي وإقامة المهازل أن توحي بأن الشعب العراقي يطالب بطرد مجاهدي خلق من العراق وذلك بغية تطهير الأيادي الملطخة للحكومة المدعومة منها تمهيداً لارتكاب جرائم أخرى ولكن هذا النظام قد أخطأ في حساباته، فنحن أهالي ديالى نعتبر مجاهدي خلق ضيوفاً أعزاء علينا ووجودهم أمرًا وطنيًا ضروريًا بوجه تدخلات النظام الإيراني .

ومن موقعي هذا البيان شيوخ عام وشيوخ عشائر العزة والجبور والعبيدي والكرورية والنداء والدليم والسادة الصميدعي والساعدي والخزرجي والكرخي والبياتي والمهداوي والمحمجي والنقيبي والحديدي والعساكرة والدهلكي والجبواني والربيعي وبني زيد والحشالي وبني ويس والدوري والزهيري والعزي والنعيمي والحامد والمسعودي والمشايخي والجنابي والخفاجي والعبكي والسامرائي والمويجري والجبالي والجحاف والبرزنجي والشمري والمشهداني والعبادي والطائي والزبيدي والحمداني والقيسي والذنيبي والعبالدي والجميلي وعشرات العشائر الأخرى يؤكدون ما يلي :

الأمانة العامة
مجلس العشائر الوطنية العراقية
ديالى

General Secretariat
Of Council
Of National Iraqi Tribes – Diyala
gotbe48@yahoo.com

١-نحذر الحكومة العراقية من التورط الأكثر في إراقة دماء مجاهدي خلق، كما ندعو القوات المسلحة إلى الكف عن توجيه أسلحتهم ضد مجاهدي خلق.

٢- نطالب جميع الأحزاب الوطنية المستقلة ونواب البرلمان والقيادات الدينية بالاحتجاج بصوت عال على جريمة ٨ نيسان لمنع الحكومة الحالية المتداعية نتيجة الاحتجاجات الاجتماعية من ارتكاب المزيد من الجرائم ضد أشرف بهدف كسب الدعم من النظام الإيراني.

٣- إن وجود سكان اشرف في العراق منذ ٢٥ عاما قانوني وهم لاجئون سياسيون وفقا لاتفاقية جنيف الرابعة ووجودهم في العراق يصب في مصلحة الشعب العراقي فعليه إن قرار الحكومة العراقية الماضي بإخراجهم من العراق انتهاك للقوانين والاتفاقيات الدولية وجاء تلبية لطلب النظام الإيراني للقضاء عليهم.

٤- نناشد الأمم المتحدة والولايات المتحدة تولي حماية مجاهدي خلق ماداموا موجودين في أشرف وإدانة نقلهم داخل العراق باعتباره مؤامرة حيكها النظام الإيراني وعملاؤه العراقيون لقتلهم.

٥- إننا إذ نعلن تأييدنا التام لورقة العمل المقدمة من قبل البرلمان الأوربي لحل سلمي للقضية مخيم أشرف بشروطها وطلباتها، نطالب بانسحاب القوات المسلحة من أشرف فوراً وتوفير الإمكانية لسكانه للحصول على العناية الطبية وفك الحصار المفروض على المخيم فوراً ومعاقبة المسؤولين عن مجزرة ٨ نيسان وإعادة ممتلكات السكان المسروقة.

الأمانة العامة
مجلس العشائر الوطنية العراقية –ديالى
٢٠١١/٠٧/٠٢

الشيخ فيصل حوم العلوي شيخ عام عشيرة البنداء – الشيخ عدنان محمد بندر شيخ عام عشيرة السادة الصميدع– الشيخ كريم محمود عباس الدليمي شيخ عام عشيرة الدليم في ديالى– الشيخ ابراهيم طاحان شيخ عام عشيرة الحامد– الشيخ حمد شطب عطوان شيخ عام عشيرة البدلكي – الشيخ ثامر حسين عويد شيخ عشيرة العبيد – الشيخ زيد عدنان علوي شيخ عام عشيرة بني ويس في ديالى – الشيخ احمد رحيم عاوان الخزرجي شيخ عشيرة الخزرج– الشيخ حميد عليفه كاظم شيخ عام عشيرة الساعدي – الشيخ وليد شعلان علي شيخ عشيرة المجمعي– الشيخ صالح حسن عبدالرحيم شيخ عشيرة الجنابي–الشيخ خليل ابراهيم مطلك شيخ عام عشيرة العساكرة– الشيخ سدار قادر جوامير شيخ عشيره الربيعي في ديالى– الشيخ عماد بندر عبدالله شيخ عام عشيرة الجبوري

بعد از انتشار این بیانیه، مالکی که افسار پاره کرده بود و قبلاً هم در جریان انتخابات عراق با وقاحت تمام ادعا کرده بود که مجاهدین از اشرف، نتایج انتخابات عراق را علیه او، یعنی مالکی تغییر داده‌اند، دستور از کار انداختن و متوقف کردن شبکه اینترنت داخل اشرف را بر اساس شکایت نامه‌یی از جانب وزارت کشور خودش صادر کرد.

سابقه امر از این قرار بود که در شب عید سال ۱۳۸۹ همزمان با انتخابات عراق که مالکی بازنده آن بود و علاوی دو کرسی بیشتر آورد، ادعای مالکی این بود که مجاهدین از اشرف از طریق اینترنت وارد کامپیوترهای کمیساریای عالی انتخابات در عراق شده و نتایج را به‌زیان او تغییر داده‌اند!

شركة حاسبات واتصالات مفوضية الإنتخابات مملوكة لمنظمة مجاهدي خلق وتدار من معسكر أشرف للكاتب : nuruls

شبكة عراق القانون
صالب خليل

على إثر نشر مقالتي السابقة عن خطورة تزوير نتائج الإنتخابات في العراق والمعنونة" الحاسبة ... المزوّر الصامت لأصوات الناخبين" (1) ، وصلني هذا اليوم من العراق من مصدر موثوق به من جانبي، معلومات هامة عن نظام الحاسبات المستعمل لدى المفوضية العليا المستقلة للإنتخابات.

ونأتي هذه المعلومات في ضوء الشكوك المتزايدة عن تزوير نتائج الإنتخابات التي تقوم المفوضية حاليا بإتمام عد اصواتها.

والمعلومات تقول أن النظام الحاسوبي الذي تستعمله المفوضية قد تم شراؤه من قبل بعثة الأمم المتحدة لمساعدة العراق (UNAM) من شركة تسمى "ناشيتا" (Nashta) (2) وأن الشركة تجهز المفوضية بكافة أجهزة الإتصالات بين مراكزها في المحافظات وبين المركز في بغداد، بواسطة شبكة اتصالات من خلال الأقمار الصناعية (VSAT) والذي يجهز إتصالات الإنترنت من خلال تلك الأقمار لتقديم خدمة البث الفيديوي الرقمي، من الجيل الثاني (S2-DVB).

ومن الطبيعي أن استعمال المفوضية لشبكة اتصالات فضائية للحاسبات بين مراكزها يتيح للآخرين، وخاصة الشركة المصنعة لأجهزة تلك الشبكة، ليس فقط التجسس على ما يدور داخل الشبكة فقط، وإنما التدخل وتغيير المعلومات داخل الشبكة والحاسبات أيضا. وهذا أمر في غاية الخطورة.

النقطة الأخرى الأكثر خطورة في تلك المعلومات هي أن هذه الشركة مملوكة لمنظمة مجاهدي خلق، وأن حساباتها المالية تدار من معسكر أشرف، وبمساندة من منظماتهم في الخارج!

هذا ما وصلني من معلومات، وإنني لا أستطيع التحقق منها من مكاني، أو تقديم البراهين عليها بأكثر من ثقتي بمصدرها بالنسبة لي، لذلك فإنني أضع هذه المعلومات أمام الشعب العراقي والحكومة وأدعوها إلى إجراء تحقيق فوري وموسع وشفاف للتحقق مما جاء فيها والتأكد منه ومن دقته، خاصة وأنه يمكن أن يكون تفسيرا للكثير من المفاجآت والشكوك التي أثيرت حول مصداقية عد الأصوات مؤخرا.

هذا التحقيق العاجل والشفاف ضروري لأستعادة ثقة الشعب ولتلافي تدمير نتائج الإنتخابات وفقدانها لكل مصداقيتها، ولتلافي فرض الإحتلال نتائج مزورة على الشعب العراقي، كما فعل مع الشعب الأفغاني قبل بضعة أسابيع، حيث فرضت نتائج الإنتخابات بالرغم من انكشاف التزوير إلى الدرجة التي اضطر معها الجميع إلى الإعتراف به، وبضمنهم المنظمات الأوروبية والأمريكية والأمم المتحدة، ولم ينكره حتى الأفغان أنفسهم. فالإحتلال يبحث عن الحمالات في كل بلاد يتواجد فيها، ويسعى إلى وضعهم على رأس سلطة البلاد، ونهيب بكم إلى أنقاذ العراق من هذا المصير المخجل والمخيف.

(1) الحاسبة ... المزوّر الصامت لأصوات الناخبين. إضغط هنا لقراءة الموضوع

(2) موقع شركة ناشيتا:
http://nashta-it.com/

نشاطات الشركة المعلنة، بعضها في العراق:
http://nashta-it.com/en/company/pro-acts.htm

زيارة الصفحة الأصلية من الموضوع

عراق-سایت دولت قانون (متعلق به‌مالکی)

تاریخ: چهارشنبه ۲۰۱۰/۳/۱۷ شب

شرکت کامپیوتری و ارتباطات کمیساریای انتخابات در مالکیت سازمان مجاهدین خلق بوده و از قرارگاه اشرف اداره می‌شود

....

سیستم کامپیوتری که الآن کمیساریا استفاده می‌کند از طریق سازمان ملل خریداری شده و شرکتی که کلیه تجهیزات را به‌کمیساریا داده شرکتی است که به‌نام ناشیتا (یونامی) المتحده لمساعدة العراق و ارتباطات بین مراکز آن در استانها و مرکز آن در بغداد، توسط شبکه ارتباطات کامپیوتری از طریق ماهواره‌ای تأمین می‌شود....

موضوع دیگر که خطرناکتر از این اطلاعات است، این است که این شرکت در مالکیت سازمان مجاهدین خلق است و حسابهای مالی آن از قرارگاه اشرف با کمک سازمانهای آنها در خارج اداره می‌شود....

اما پس از انتشار بیانیه ۵۲۵هزارتن از مردم دیالی در حمایت از مجاهدین در تیر ماه ۹۰، مالکی دیگر تاب نیاورد و چنانکه یادآوری کردم دستور توقف و از کار انداختن شبکه اینترنت داخل اشرف را صادر کرد. شکایت وزارت کشور و دستورات صادره بعدی را در این سند ببینید:

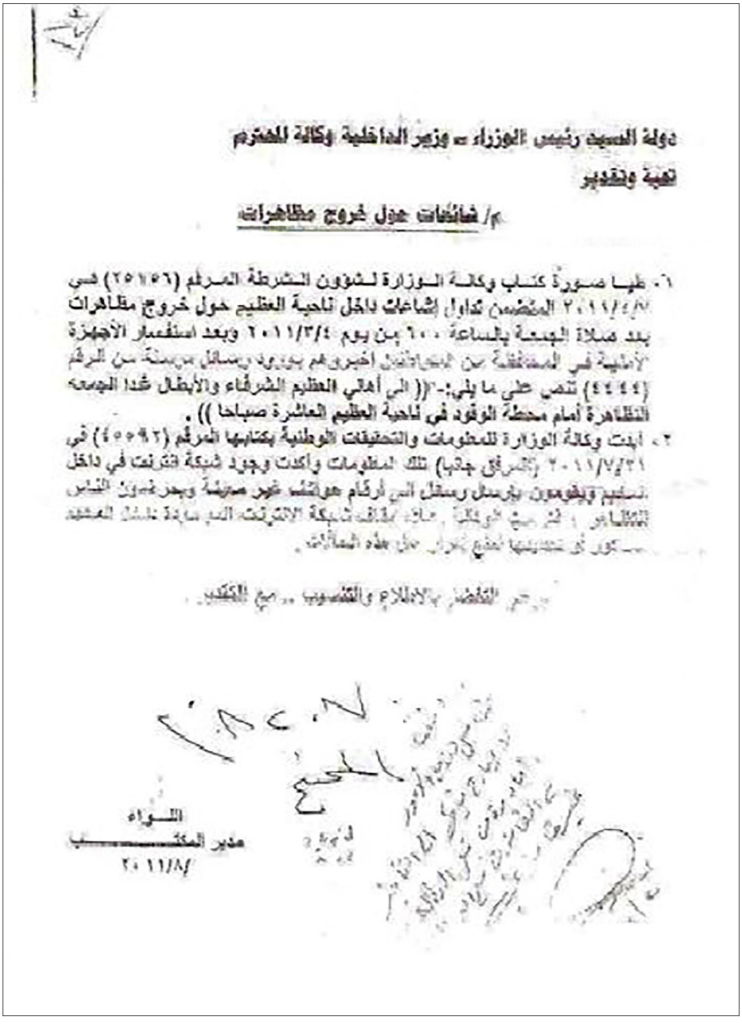

دولة السيد رئيس الوزراء ـ وزير الداخلية وكالة المحترم

تحية وتقدير

م/ تعليمات حول خروج مظاهرات

١- طيا صورة كتاب وكالة الوزارة لشؤون الشرطة المرقم (٢٥١٥٦) في ٢٠١١/٨/٤ المتضمن تداول إشاعات داخل ناحية العظيم حول خروج مظاهرات بعد صلاة الجمعة بالساعة ٦٠٠ من يوم ٢٠١١/٣/٤ وبعد استفسار الأجهزة الأمنية في المحافظة من المتجاوبين اخبروهم بوجود رسائل من سنة من الرقم (٤٤٤٤) تنص على ما يلي:-((الى أهالي العظيم الشرفاء والأبطال شدا الهمة التظاهرة أمام محطة الوقود في ناحية العظيم العاشرة صباحا)) .

٢- ابدت وكالة الوزارة للمعلومات والتحقيقات الوطنية بكتابها المرقم (٤٥٥٩٢) في ٢٠١١/٧/٣١ (المرفق جانبا) تلك المعلومات وأكدت وجود شبكة تنزلت في داخل [illegible] ويقومون بإرسال رسائل الى أرقام هواتف غير معرفة ويحرضون الناس [illegible] كون أي تظاهرات لغرض إثارة مثل هذه الحالات .

[illegible] بالاطلاع والتنسيب .. مع التقدير .

اللـــواء
مدير المكتـــــب
٢٠١١/٨/

جناب آقای نخست‌وزیر ـ سرپرست وزیر کشور
با درود و تقدیر

شایعات پیرامون برگزاری تظاهرات

۱- نسخه‌ای از نامهٔ معاونت وزارت کشور در امـور پلیس به‌شماره۲۵۱۵۶ در ۷/آوریل/۲۰۱۱ حاوی شایعه پخش شده داخل ناحیهٔ عظیم پیرامون برگزاری تظاهرات بعد از نماز جمعه در ساعت۰۶۰۰ در روز ۴/مارس/۲۰۱۱ می‌باشد. بعد از سؤال از ارگانهای امنیتی در استان، آنها گفتند که شهروندان به‌ما خبر دادند که پیامی از شماره۴۴۴۴ برایمان آمده است که متن آن از قرار زیر است:"به اهالی شریف عظیم و قهرمانان ـ روز جمعه تظاهراتی در مقابل ایستگاه سوخت در ناحیه عظیم در ساعت ۱۰۰۰صبح برگزار می‌شود."

۲- معاونت وزارت کشور در اطلاعات و تحقیقات ملی در نامه‌یی به‌شماره ۴۵۵۹۲ در تاریخ ۲۱/ژوئیه/۲۰۱۱ تأیید نمود و تأکید نمود که شبکهٔ اینترنت در داخل اردوگاه اشرف وجود دارد و آنها پیام به‌شماره تلفنهای نامعلومی می‌فرستند و مردم را تحریک می‌کنند که تظاهرات برپا کنند.

نمایندگی پیشنهاد می‌کند شبکه اینترنت داخل قرارگاه اشرف را متوقف کنید یا این‌که آن را از کار بیاندازید تا از تکرار چنین وضعیت‌هایی ممانعت به‌عمل بیاید.

امضاء-سرلشگر مدیر دفتر
اوت ۲۰۱۱

سپس در روز ۲شهریور۱۳۹۰ اطلاعات سپاه به‌نصب دو دکل پارازیت در ضلع جنوبی اشرف مبادرت کرد.

روز ۶شهریور ژنراتور آن را راه‌اندازی کرده و روکش دستگاهها را باز کردند.

روز ۸شهریور آموزش دکلهای پارازیت برگزار شد که ۱۲مزدور اطلاعات و نیروی قدس در آن آموزش می‌دیدند.

هر دستگاه تجهیزات تکمیلی خود را به همراه داشت

در کنار کانکس نیز دو ژنراتور کار گذاشته بودند که به تناوب آنها را روشن می کردند.

از روز چهارشنبه ۹شهریور پخش پارازیت بر روی کلیهٔ سیستم‌های ارتباطی اشرف و حتی رسیورهای سیمای آزادی با شدت فوق‌العاده شروع شد. مزدوران از صبح روی دکلها کار می‌کردند و ژنراتور دکلها روشن بود. در ساعت۵ بعدازظهر دیگر دریافت هر گونه سیگنال از سیمای آزادی در مقرهایی که بر سر راه پارازیت بودند، قطع شد. شبکهٔ یکانهای ۳، ۴، ۶ و ۹ و یکانهای خواهران شمارهٔ۱۵ در جنوب قرارگاه کاملاً قطع بود و سایر مقرها حالت قطع و وصل داشتند.

از این نقطه مهندسان اشرف به‌کار پرداختند و معلوم شد دکلهای حامل دستگاه پخش پارازیت روی همان فرکانسهای ماهواره‌یی سیمای آزادی رو به‌تله استار تنظیم شده است. اما آنتنهایی که در سمت جنوب نصب شده یا جلوی آنها مانع درخت و ساختمان وجود دارد قطع نشده‌اند. نتیجه این‌که با نصب موانع در شعاع عمل دستگاههای پارازیت دشمن می‌شد از تأثیر آن در امان ماند و در عمل هم با جابه‌جایی و نصب موانع و کار فوق‌العاده که یکانها با راهنمایی و مشاورت تیم مهندسان شبانه در اشرف انجام دادند، تمام طرح و برنامهٔ دشمن نقش بر آب شد و هیچ غلطی نتوانست بکند.

همزمان و فقط طی چند روز برای تضمین ارتباطات توانستیم ۱۲۰بیسیم با برد ۵کیلومتر وارد کنیم تا هر فرمانده عملیاتی یکی داشته باشد و از قطع ارتباط در شرایط حمله مصون بمانیم. ضمناً در تحقیقات بعدی روشن شد که اجرای پروژهٔ پارازیت از جانب اطلاعات سپاه برعهدهٔ بنیاد تعاون سپاه پاسداران قرار گرفته که در ارتباط با قرارگاه خاتم، قراردادهای رژیم در خارج را اجرایی می‌کند.

بنیاد تعاون سپاه پاسداران، از طریق ۳شرکت مخابراتی وابسته به‌سپاه، شامل شرکت مهندسی افق، شرکت مخابراتی و الکترونیکی موج نصر گستر و شرکت بهاران، مسئول اجرای پروژهٔ تهیه و نصب دکلها و تجهیزات جاسوسی در اشرف و جمع‌آوری اطلاعات شدند و هر یک قسمتی از کار را به‌عهده گرفته است.

به‌طور مشخص شرکت موج نصر گستر مسؤل نصب و راه‌اندازی آنتن‌ها و تجهیزات شد. دفتر مرکزی این شرکت در نارمک است و مدیر عامل این شرکت عباس رئیسی نام دارد. رئیسی شخصاً پروژه نصب و راه‌اندازی آنتن

را با سپاه پیش می‌برد. اطلاعات این پروژه مطلقاً به‌سایر پرسنل در شرکت داده نشده و فقط فردی به‌نام اسفندیاری از سپاه، طرف حساب این شرکت برای اعزام اکیپ‌های متخصص به‌اشرف قرار گرفت. این شرکت یک اکیپ ۱۲نفره از کارشناسان خود را به‌عراق اعزام و در هتل مهاجر مستقر کرد که اسامی همهٔ آنها و ردشان در داخل ایران را داریم.

شرکت مخابراتی بهاران تحت مدیریت پاسداری به‌نام سعید الفتی، یکی دیگر از شرکت‌های وابسته به‌بنیاد تعاون سپاه و در خدمت فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی سپاه است که در این پروژه مسئولیت پردازش و کار روی گزارشات ارسالی از تجهیزات جاسوسی را برای وزارت اطلاعات برعهده داشت.

اطلاعات سپاه برای این‌که مزدورانش شناخته نشوند مقرر کرده بود که حین کار همه بایستی از ماسک یا عینک استفاده کنند تا چهره‌های آنها قابل شناسایی نباشد.

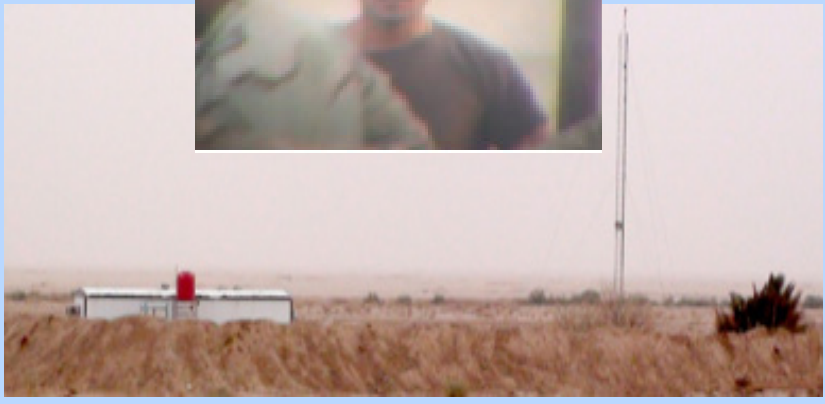

۱۲-احکام دستگیری و استرداد

همه می‌دانند که دستگیری و استرداد مجاهدین به‌رژیم پلید آخوندی از نخستین درخواستهای این رژیم بعد از بمباران قرارگاههای ارتش آزادیبخش در عراق توسط آمریکا بوده است که خود یکی از ننگین‌ترین زد و بندهای ارتجاعی و استعماری در تاریخ معاصر است.

آخوند خاتمی در روز ۲۶آذر ۸۲ استرداد همه مجاهدین را درخواست کرد و خاطرنشان کرد:

«بارها این مسأله را گفته‌ایم که ما خواستار ارجاع آنها به‌ایران هستیم».

آخوند یونسی وزیر اطلاعات خاتمی در ۱۳دیماه۱۳۸۲ می‌گفت:

«آمریکایی‌ها اگر راست می‌گویند و در مسأله مبارزه با تروریسم صادقند، سران منافقین را بازداشت کنند و بدنه و هواداران آنها را تحویل خانواده‌هایشان بدهند».

(این همان معنی خانواده از دید اطلاعات بدنام آخوندها از روز اول است!)

علاوه بر این آخوند یونسی به‌وضوح، چنان که گفتم، اعلام کرد:

«هر کشوری که اعضای منافقین را بپذیرد،.. به‌دولت ایران اعلان دشمنی آشکار کرده است».

همزمان آخوند حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت رژیم در روز ۲۵دی۸۲ در پاریس اعلام کرد:

«در زمینه مبارزه با تروریسم، امروز توپ در زمین آمریکاست، به‌دلیل این‌که چند هزار نفر منافق تروریست را در اختیار دارد که بر اساس مقررات بین‌المللی می‌بایست تحویل ما شوند» [۲۷]

۶ماه بعد واشینگتن‌پست در این باره نوشت:

«آنچه در مورد توجه دقیق به‌روابط ایران و آمریکا گزنده است این‌که منجر به‌طرحی برای یک معامله"ضد تروریستی" شد که هر دو کشور باید عاشق آن می‌بودند: ایران چند

۲۷-ایرنا- ۲۵دی۱۳۸۲

تن از فعالان ارشد القاعده را که در بازداشت داشت تحویل می‌داد و آمریکا تعدادی از زندانیانی را که از میان مجاهدین خلق در اختیار داشت تحویل می داد. گروهی که رسماً مارک تروریستی بر خود دارد...

*ایرانیان تقاضای خودشان را داشتند که بعد از این‌که آمریکا رژیم صدام حسین را در آوریل۲۰۰۳ سرنگون کرد به‌نقطه بلوغ خود رسید. حدود ۴هزار عضو مجاهدین خلق در قرارگاه‌های خود در عراق بازداشت شده بودند؛ قرارگاه‌هایی که سالها برای حمله علیه (رژیم) ایران مورد استفاده آنها قرار گرفته بود...»*۲۸

رفسنجانی در بهمن۸۳ به‌روزنامهٔ "یو.اس.ای. تودی" گفت:

«شما این سؤال را از آقای بوش بپرسید که چرا تروریستهای ایرانی را به‌ما تحویل نمی‌دهند و در عراق تحت حمایت دارند حتی در کشور شما در سازمان ملل و مجلس می‌آیند و می‌روند...» ۲۹

سه رأس لاریجانی نیز به‌طور مستمر خواهان استرداد مجاهدین بوده‌اند.

پاسدار علی لاریجانی رئیس مجلس رژیم در دیدار با هیأت‌رئیسه پارلمان عراق با رندی جلف و سخیف خود می‌گفت:

«ما معتقد به‌اجرای قوانین بین‌المللی هستیم و اکثر کسانی که در این گروهک حضور دارند طبق قوانین بین‌المللی مجرم هستند و باید به‌ایران مسترد شوند و فکر می‌کنیم تعلّل در این زمینه برای کشور عراق خوب نباشد» ۳۰

صادق لاریجانی سردژخیم قضایی ولی‌فقیه نیز به‌رئیس شورای عالی قضایی عراق می‌گفت:

« در چارچوب موافقتنامه استرداد مجرمین، تقاضا داریم مجاهدینی که در کشور عراق حضور دارند به‌ایران بازگردانده شوند تا محاکمه عادلانه شوند زیرا اگر محاکمه نشوند خلاف عدالت است» ۳۱

۲۸-روزنامه واشینگتن‌پست، ۱۹تیر۱۳۸۳
۲۹- ایرنا-۱۹بهمن۱۳۸۳
۳۰- خبرگزاری فارس ۱۳آبان ۱۳۸۸
۳۱- رسانه‌های حکومتی-۲۸اردیبهشت۹۳)

آخوند جنایتکار مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری روحانی می‌گفت:

«تحویل منافقین به‌ایران نیازی به‌درخواست ندارد اما اگر وزیر دادگستری عراق این‌گونه پیشنهاد کرد، ما مجدداً به‌طور رسمی درخواست می‌کنیم تا آنها را به‌دادگاههای ما تحویل دهند. این افراد جنایتکار و مجرمند و باید به‌دادگاههای ما تحویل داده شوند...»[۳۲]

با ذکر این نمونه‌ها که مشتی از خروار است، می‌خواهم بگویم از فردای اشغال عراق مخصوصاً بعد از آن که دولت وقت آمریکا با لگدمال کردن کنوانسیون چهارم ژنو، مجاهدین را عامدانه در دهان گرگ قرار داد و حفاظت آنها را به‌مالکی سپرد، مالکی پیاپی با بازیچه قراردادن قضاییهٔ این کشور برای ما احکام دستگیری و استرداد صادر می‌کرد.

مجاهدین البته احکام مالکی ساخته را به‌مفت نمی‌خریدند و حتی از تحویل گرفتن احکام که پیوسته توسط پلیس و نیروهای امنیتی و نظامی در اشرف و لیبرتی صورت می‌گرفت، خودداری می‌کردند. به‌همین خاطر نیروهای عراقی احکام جلب و دستگیری و استرداد را به‌در و دیوار و سیاج می‌چسباندند یا در زیر سنگ می‌گذاشتند تا بگویند ابلاغ کرده‌اند!

۳۲- خبرگزاری سپاه پاسداران-فارس ۱۸اسفند۹۲

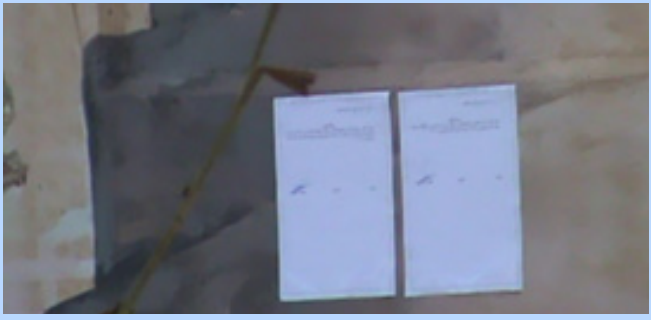

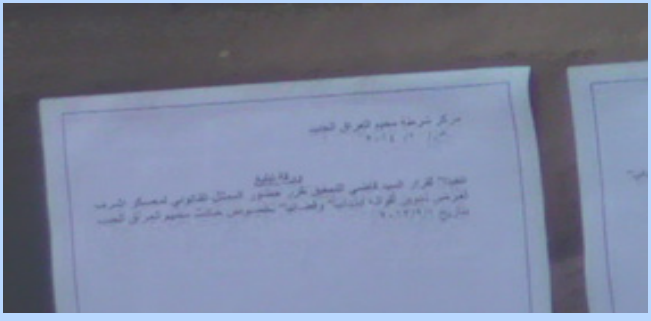

گذاشتن کاغذ روی زمین و مراجعه پلیس۲۰-۰۷-۲۰۱۰

سرانجام مأموران استخبارات حکم دستگیری را زیر سنگ قرار می‌دهند و می‌روند.

یادآوری می‌کنم که اولین حکم دستگیری در مورد خواهران مجاهد مژگان پارسایی و صدیقه حسینی و برادر مجاهد عباس داوری ۸روز بعد از انتقال کامل حفاظت اشرف به‌نیروهای عراقی در دوره اوباما به‌تاریخ ۸فوریه ۲۰۰۹صادر شد.

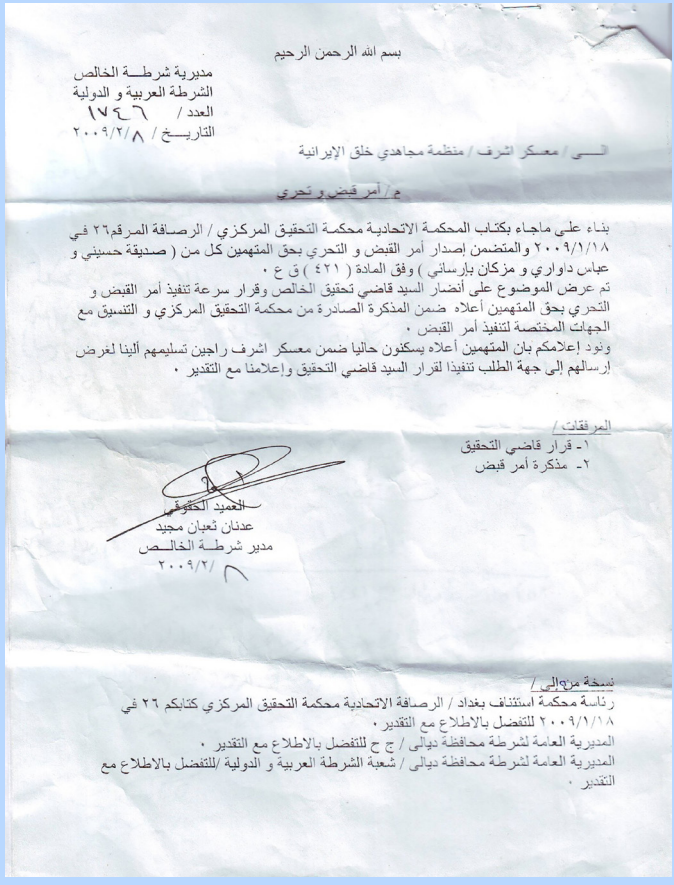

بسم الله الرحمن الرحيم

مديرية شرطـــة الخالص
الشرطة العربية و الدولية
العدد / ١٧٤٦
التاريـــخ / ٢٠٠٩/٢/٨

الـــى / معسكر اشرف / منظمة مجاهدي خلق الإيرانية

م / أمر قبض و تحري

بناء على ماجاء بكتاب المحكمة الاتحادية محكمة التحقيق المركزي / الرصافة المرقم٢٦ في ٢٠٠٩/١/١٨ والمتضمن إصدار أمر القبض و التحري بحق المتهمين كل من (صديقة حسيني و عباس داواري و مزكان بارساني) وفق المادة (٤٢١) ق ع ٠
ثم عرض الموضوع على أنضار السيد قاضي تحقيق الخالص وقرار سرعة تنفيذ أمر القبض و التحري بحق المتهمين أعلاه ضمن المذكرة الصادرة من محكمة التحقيق المركزي و التنسيق مع الجهات المختصة لتنفيذ أمر القبض ٠
ونود إعلامكم بان المتهمين أعلاه يسكنون حاليا ضمن معسكر اشرف راجين تسليمهم ألينا لغرض إرسالهم إلى جهة الطلب تنفيذا لقرار السيد قاضي التحقيق وإعلامنا مع التقدير ٠

المرفقات /
١- قرار قاضي التحقيق
٢- مذكرة أمر قبض

العميد الحقوقي
عدنان ثعبان مجيد
مدير شرطـــة الخالـــص
٢٠٠٩/٢/

نسخة مرفق الى /
رئاسة محكمة استئناف بغداد / الرصافة الاتحادية محكمة التحقيق المركزي كتابكم ٢٦ في ٢٠٠٩/١/١٨ للتفضل بالاطلاع مع التقدير ٠
المديرية العامة لشرطة محافظة ديالى / ج ح للتفضل بالاطلاع مع التقدير ٠
المديرية العامة لشرطة محافظة ديالى / شعبة الشرطة العربية و الدولية /للتفضل بالاطلاع مع التقدير ٠

اداره پلیس خالص
پلیس عربی و بین‌المللی
شماره۱۷۴۶
تاریخ ۲۰۰۹/۰۲/۸
به / قرارگاه اشرف/ سازمان مجاهدین خلق ایران

موضوع/ دستور بازداشت و بازرسی

بر اساس مفاد نامه بازپرسی دادگاه مرکزی فدرال / رصافه به‌شماره۲۶ در تاریخ ۲۰۰۹/۱/۱۸ که حاوی صدور حکم بازداشت و بازجویی در مورد متهمان (صدیقه حسینی و عباس داوری و مژگان پارسائی) و بر اساس ماده ۴۲۱قانون عقوبات می‌باشد، این امر به‌اطلاع قاضی تحقیق خالص رسید و دستور اجرای سریع حکم بازداشت و تحقیق در مورد متهمان فوق‌الذکر در کادر یادداشت صادره از دادگاه تحقیق مرکزی و در هماهنگی با ارگانهای مربوطه جهت اجرای حکم صادر گردید.

به‌اطلاع می‌رسانیم که متهمان فوق‌الذکر در حال حاضر در محدودهٔ قرارگاه اشرف زندگی می‌کنند. خواهشمندیم آنها را تحویل ما دهید تا آنان را مطابق اجرای حکم قاضی تحقیق تحویل طرف درخواست کننده بدهیم.

خواهشمندیم نتیجه را به‌اطلاع ما برسانید.

سرتیپ حقوقی عدنان ثعبان مجید
مدیر پلیس خالص
۲۰۰۹/۲/۸

رو نوشت به:
رئیس دادگاه فدرال استیناف رصافه بغداد/دادگاه تحقیق مرکزی
نامه شماره ۲۶در ۲۰۰۹/۱/۱۸احتراماً جهت اطلاع
اداره کل پلیس دیالی / ج ح احتراماً جهت اطلاع
اداره پلیس کل استان دیالی / شعبه پلیس عربی و بین‌المللی/
احتراماً جهت اطلاع با تشکر.

نمونه مشخص دیگر در روز ۳۰تیر ۱۳۸۹در اشرف بود که سرکردهٔ نیروهای نظامی مالکی در ساعت۸ شب احضاریه و احکام استرداد ۶تن از مجاهدین را به‌ما ابلاغ کرد و این‌که فردا صبح زود باید آماده انتقال به‌دادگاه باشند. این احکام شامل خواهران مجاهد مژگان پارسایی، مهوش سپهری، عذرا علوی طالقانی، فرشته یگانه و برادر مجاهد مهدی افتخاری بود. مهدی در آن زمان به‌شدت از سرطان رنج می‌برد و سرانجام در خرداد۹۰ جان باخت و این به‌رغم چندین عمل جراحی در بیمارستانهای اربیل بود که رفت و آمد و حفاظت هر کدام از این ترددات برای ما در آن زمان، مخصوصاً در مورد فرد تحت تعقیب و مشمول استرداد، واقعاً خیلی سخت‌تر و سنگین‌تر از یک عملیات بود.

بسم الله الرحمن الرحيم
((سريو شخصي))

((اللهم أحفظ العراق وأهله))

مديرية شرطة الخالص
العدد/ مكتب المدير/ ٥٨٦
التا[illegible]/ ٢٠١٠/٧/

إلى /ضابط مركز شرطة مخيم العراق الجديد شخصياً
م/ تامين إحضار متهمين

بناءً على ماجاء بكتاب وزارة الداخلية وكالة الوزارة لشؤون الشرطة المرقم محكومين ٩٥١٩ في ٢٠١٠/٧/٢٠ المبلغ الينا بكتاب المديرية العامة لشرطة محافظة ديالى- مكتب المدير العام ق٠س السري والشخصي المرقم ٥١٢ في ٢٠١٠/٧/٢١ نطلب تامين إحضار المتهمين الايرانيين الى المحكمة الجنائية المركزية بغداد الكرخ يوم ٢٠١٠/٧/٢٢ الساعة الثامنة صباحاً وهم كل من (فرشته بكانه وفركان امير برسا وعذره علوي طالقاني ومهدي افتخاري و مهوش سهيري ومحسن الباوي) لاتخاذ مايلزم واعلامنا اجراءاتكم هذا اليوم حتماً للتنفيذ وتأييد الاستلام

العقيد
إياد عبود شهاب
مدير شرطة الخالص
٢٠١٠/٧/٢١

((سري شخصي))

این حکم تا به‌حال به‌مدت۵سال و ۴ماه در ورای توافقات وزیر دادگستری مالکی با وزرای دادگستری احمدی‌نژاد و روحانی، به‌تأخیر افتاده و تمدید و تجدید و تکرار شده است. این کار هر بار با تلاشها و هزینه‌های فوق‌العاده‌ای همراه بوده است که فعلاً نمی‌خواهم از آنها صحبت کنم. آخرین نمونه تأخیر و تمدید با امضا ۳قاضی را که جلسه دادگاه ۲۵نوامبر۲۰۱۵ را به۲۵فوریه ۲۰۱۶ موکول کرده‌اند، ببینید:

بسم الله الرحمن الرحيم

٢٠١٥/١٧ <<

جمهورية العراق
مجلس القضاء الأعلى
محكمة الجنايات المركزية

تشكلت المحكمة الجنائية المركزية بكامل اعضائها وتودي على اطراف القضية المرقمة استرداد/٢/٢٠١٥ وحيث لم يحضر طرفي الدعوى في موعدها المقرر في ٢٠١٥/١١/٢٥ فقد قررت المحكمة تاجيل المرافعة الى يوم ٢٠١٦/٢/٢٥ .

القاضي
حسين عبد الرحمن كاظم
عضو

القاضي
احمد حسين حسن
عضو

القاضي
رئيس المحكمة

جمهوری عراق
شورای عالی قضایی
دادگاه جنایی مرکزی

دادگاه جنایی مرکزی با همه اعضایش تشکیل شد و به‌طرفهای ذیربط استرداد، به‌شماره۲۰۱۵/۲ اطلاع داده شد ولیکن به‌خاطر عدم حضور آنها در زمان مقرر شده در تاریخ ۲۰۱۵/۱۱/۲۵، دادگاه تصمیم گرفت جلسه دادگاه را به‌روز ۲۰۱۶/۲/۲۵ به‌تأخیر بیاندازد.

قاضی حسین عبد الرحمن کاظم **عضو**
قاضی احمد حسین حسن **عضو**
قاضی بلیغ حمدی حکمت **رئیس دادگاه**

از تابستان سال ۹۲ به‌بعد، برای به‌تأخیر انداختن و تمدید احکام استرداد ما باید روی دست دژخیم پورمحمدی وزیر دادگستری روحانی و قبل از آن هم روی دست حسن شمری وزیر دادگستری مالکی حرکت می‌کردیم.

این مزدور از فردای ۱۹فروردین در سال ۱۳۹۰ هر از گاهی برای دریافت دستمزد و رهنمودهای سرکوبگرانه جدید علیه مجاهدین به‌تهران می‌رفت.

شورای ملی مقاومت ایران
National Council of Resistance of Iran

اشغال اشرف- شماره ۸۲-۴ اردیبهشت ۱۳۹۰

سفر وزیر دادگستری مالکی به تهران برای دریافت دستمزد و رهنمودهای سرکوبگرانه جدید

در شرایطی که رسوایی مالکی و همدستانش به‌خاطر جنایت علیه بشریت در اشرف عالمگیر شده است، روز گذشته حسن شمری، وزیر به‌اصطلاح دادگستری مالکی، به‌تهران رفت. مقاومت ایران، روز ۳۱فروردین در اطلاعیهٔ۷۲ پیشاپیش این سفر را افشا کرد و نوشت: شمری برای دریافت دستورها و توجیهات جدید سرکوبگرانه علیه اشرف و برای دریافت دستمزد خود قرار است هفته آینده به‌تهران سفر کند. یک هیأت از وزارت دادگستری عراق از یک هفته قبل در تهران به‌سر می‌بردند.

قبل از آن در اطلاعیه‌های۴۶و۴۷ (۲۳و ۲۴فروردین) با استناد به گزارشهایی از درون رژیم اعلام شده بود که شمری به‌دستور نیروی تروریستی قدس، در جلسه ۲۲فروردین شورای وزیران، ضمن دفاع از جنایت ۱۹فروردین خواستار کشتن همه مجاهدان اشرف شد.

وی در تلویزیون الشرقیه، روز ۲۳فروردین، تصریح کرد: «منابع اطلاعاتی در بغداد گفتند برخی از وزیران، که از نظر تشکیلاتی به‌طور مستقیم به‌سپاه پاسداران انقلاب مرتبط هستند، در جلسه روز گذشته شورای وزیران عراق، خواستار بودند در ازای استمرار حمایت ایران از برخی جریانها در دولت عراق، برای اخراج مجاهدین به‌خارج از عراق، پرونده آنها را از شورای وزیران عراق به‌پارلمان احاله دهند".

بنا به‌رسانه‌های فاشیسم دینی حاکم، شمری نگرانی خود را از کارزار جهانی مقاومت ایران در افشای جنایت دولت متبوع وی برملا کرد و گفت: دولت عراق تصمیم قاطع برای اخراج مجاهدین تا پایان سال جاری میلادی از خاک عراق دارد، اما «به این نکته باید توجه داشت مجاهدین در طول این سال‌ها با سازمانهای حقوق‌بشری مختلفی ارتباط داشته‌اند که همین ارتباط باعث شده به‌کشور عراق فشارهایی وارد کنند».

کار این وزیر دادگستری تا آنجا به‌ابتذال کشیده شد که بنابه خبرگزاری سپاه پاسداران وی در مورد «ریزگردهایی که از خاک عراق به‌ایران می‌آیند و هوای ایران را آلوده می‌کنند» گفت :«این مناطقی که ریزگردها از آن به‌سمت ایران می‌آید در اشغال مجاهدین بود که امیدواریم با توجه به‌خروج آنها تا پایان سال، بیابان‌زدایی در آن منطقه نیز انجام شود تا دیگر شهروندان ایرانی نگرانی نداشته باشند».

به این مزدور بی‌سر و پا باید گفت عراق قبل از هر چیز به ارتجاع‌زدایی و خلع ید از فاشیسم دینی حاکم بر ایران و مزدورانش نیاز دارد که مردم و جوانان عراق در قیام شجاعانه خود در بغداد و موصل و بصره و در سراسر عراق به‌آن مشغولند.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۴اردیبهشت ۱۳۹۰ (۲۴آوریل ۲۰۱۱)

در پایان سال۹۲ حسن شمری وزیر دادگستری مالکی، کار را در زمینهٔ استرداد مجاهدین به‌رژیم آخوندی به‌آنجا رساند که کمیتهٔ بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف اخطاریه رسمی و علنی زیر را برای کوتاه کردن دست او، ضروری دانست.

Advisory Board

Founding President

LATE Rt. Hon. The Lord Slynn of Hadley, Former Judge at the European Court of Justice, UK

Honourary Presidents

M. Cherif Bassiouni, Distinguished Research Professor of Law; President Emeritus, International Human Rights Law Institute, US

Prof. Eric David, President, Centre of International Law, the Free University of Brussels, EU

Executive Director

François Serres, Lawyer Paris Bar

Canada

Hon. David Kilgour, JD, Former Canadian Secretary of State for Africa, Latin America and the Asia-Pacific

Paul D. Copeland, Director, Law Society of Upper Canada

Warren Creates, LLB, Head of Immigration Law Group

France

Mario Stasi, Former President, Paris Bar Association

Prof. Jean-Yves de Cara Faculty of Law, University of Paris V René Descartes

Bertrand Favreau, President, Human Rights Institute of the Bar of Bordeaux

Gilles Paruelle, Former President of the Val d'Oise Bar Association

Italy

Fabio Marcelli, Chairman, Association of Democratic Lawyers-Italy

Sweden

Kenneth Lewis, President, Lawyers Without Borders – Sweden

Switzerland

Prof. Marc Henzelin, LL.M, Exeter

The United Kingdom

The Rt. Hon. The Lord Waddington GCVO DL QC, Former Home Secretary under Prime Minister Margaret Thatcher

The Rt. Hon. The Lord Archer of Sandwell, QC, Former UK Solicitor General

Lord Taverne, QC

Sir Geoffrey Bindman, Consultant at Bindman & Partners

Prof. Bill Bowring, Barrister, Professor of Law, School of Law, Birkbeck College, University of London

Malcolm Fowler, Member, International Human Rights Committee of the Law Society, former President, Birmingham Law Society, former Chair, Criminal Law Committee of the Law Society of England & Wales

Stephen Grosz, Head of Public Law and Human Rights Department,

International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

Warning

March 4, 2014

Mr. Hassan al-Shammari
Minister of Justice of Iraq
Baghdad
Iraq

Mr. Hassan al-Shammari, Minister of Justice of Iraq,

I am writing this warning to you on behalf of Camp Liberty residents' lawyers and as the representative of the International Committee of Jurists in Defense of Ashraf (ICJDA) supported by 8,000 members in the United States and Europe.

Iraqi media and media of the religious fascism ruling Iran, including the Fars news agency affiliated with the Islamic Revolutionary Guards Corps (IRGC), have related horrible statements to you that undoubtedly will pave the way for a great massacre:

"According to an agreement signed between Iran and Iraq on the swap of prisoners, Iran can ask for the extradition of the MKO members," the website of the Islamic Supreme Council of Iraq (ISCI) quoted Al-Shammari as saying on Sunday.

"The Iraqi justice minister noted that if Iran asks for the extradition of MKO members, Iraq will hand them over to Iran."(Fars News Agency, 2 March 2014)

These wholly unlawful statements are in blatant breach of international covenants, including the Geneva Conventions, the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), the Convention Against Torture, and many other provisions of the International Humanitarian Law (IHL) and the International Human Rights Law.

These statements are also in flagrant breach of the Memorandum of Understanding signed between Government of Iraq and the United Nations on 25 December 2011 that guarantees the safety and security of Ashraf and Camp Liberty residents until their transfer to third countries.

Following this MoU, Government of Iraq has also numerously reiterated on the safety and security of all the residents until their departure from Iraq, including in the quadripartite accord of 16 August 2012 between the United States, the United Nations, the camp residents and the Government of Iraq. The United Nations and the U.S. government have also underscored in their abundant statements that Government of Iraq has committed itself to guarantee the protection and security of Camp Liberty residents until their departure from Iraq.

The residents of Camp Liberty are all protected persons under the Fourth Geneva Convention. As accentuated by numerous statements by the High Commissioner for Refugees, they are all refugees or asylum-seekers that enjoy international protection.

In 2003 and 2004, for a duration of 16 months and with the supervision of the International Committee of the Red Cross and the United Nations, the U.S. government and the Multi-National Force - Iraq screened the current residents in Camp Liberty who where then in Ashraf by various agencies and ultimately announced that there are no charges against any of them and they have no links to terrorism (New York Times – 27 January 2004). Based on these findings, the U.S. government and the MNF-I announced that the residents are all civilians under protection of the Fourth Geneva Convention (July

ICJDA - 29 bis, rue Chardon Lagache, 75016, Paris, France
Tel: + 33.1.47.55.67.00 Fax: +33.1.47.55.97.04 e-mail: int.cjda@gmail.com

2, 2004). Prior to that, the ICRC had also announced that Camp Liberty residents are under the Fourth Geneva Convention (24 April 2004).

Therefore, your recent statements are a clear case of paving the way for crime against humanity and another massacre of protected persons in Camp Liberty that is a serious offense liable to prosecution by international bodies.

Given the abovementioned points, the ICJDA demands that you swiftly take back the statements related to you on the extradition of members of the People's Mojahedin Organization of Iran stationed in Camp Liberty and to immediately send to us any evidence or document against our clients, the members of PMOI stationed in Camp Liberty; otherwise, we will have no resort but to bring charges against you at competent bodies.

Franccis Serres
International Committee of Jurists in Defence of Ashraf

cc:

- **Hon. Medhat AL-Mahmoud,** President of Iraq Supreme Judicial Council
- **Hon. Judge Ghazanfar Hamoud Al-Jasim,** Prosecutor General of Iraq
- **Hon. John Kerry,** U.S. Secretary of States
- **Hon. William Burns,** U.S. Deputy Secretary of State
- **Hon. Ambassador Brett McGurk**
- **Hon. Robert S. Beecroft,** U.S. Ambassador, Iraq
- **Hon. Ban Ki-moon,** UN Secretary General
- **Hon. Antonio Guterres,** UN High Commissioner for Refugees
- **Hon. Navi Pillay,** UN High Commissioner for Human Rights
- **Hon. Jeffrey Feltman,** Undersecretary General for Political Affairs
- **Hon. Baroness Catherine Ashton,** EU High Representative for Foreign Affairs
- **Hon. Laurent Fabius,** Foreign Minister of France
- **Hon. William Hague,** United Kingdom Foreign Secretary
- **Hon. Frank-Walter Steinmeier,** Foreign Minister of Germany
- **Hon. Alejo Vidal-Quadras,** Vice-President of the European Parliament and President of the ISJ
- **Hon. Struan Stevenson,** President of European Parliament's Delegation for Relations with Iraq

ICJDA - 29 bis, rue Chardon Lagache, 75016, Paris, France
Tel: +33.1.47.55.67.00 Fax: +33.1.47.55.97.04 e-mail: int.cjda@gmail.com

اخطار

۴مارس ۲۰۱۴ (۱۳اسفند۱۳۹۲)

آقای حسن الشمری وزیر دادگستری عراق

این اخطار را از سوی وکلای ساکنان لیبرتی از کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف که ۸هزار عضو در آمریکا و اروپا دارد برای شما می‌نویسیم.

رسانه‌های عراقی و رسانه‌های فاشیزم دینی حاکم بر ایران از جمله خبرگزاری فارس متعلق به‌سپاه پاسداران اظهارات بسیار زشت و ناگواری را به‌نقل از شما نوشته‌اند که بدون تردید زمینه‌ساز کشتار بزرگ خواهد بود.

وبسایت شورای عالی (انقلاب) اسلامی عراق به‌نقل از شما در روز اول مارس۲۰۱۴ نوشت: «طبق یک قرارداد امضا شده بین رژیم ایران و عراق درباره معامله پایاپای زندانیان، رژیم ایران می‌تواند استرداد اعضای سازمان مجاهدین خلق را طلب کند».

سپس خبرگزاری فارس در دوم مارس از قول شما به‌عنوان وزیر دادگستری عراق خاطرنشان کرد: «اگر ایران خواستار استرداد اعضای مجاهدین خلق ایران شود، عراق آنها را به‌ایران تحویل خواهد داد».

این اظهارات مطلقاً غیرقانونی و در نقض آشکار معاهدات بین‌المللی، از جمله کنوانسیونهای ژنو، پیمان بین‌المللی حقوق سیاسی اجتماعی مدنی، کنوانسیون منع شکنجه و بسیاری دیگر از مواد قانون انسان‌دوستانه بین‌المللی و قانون حقوق‌بشر بین‌المللی است.

این اظهارات هم‌چنین نقض آشکار یادداشت تفاهم امضاء شده بین دولت عراق و ملل متحد به‌تاریخ ۲۵دسامبر ۲۰۱۱ است که امنیت و سلامت ساکنان اشرف و لیبرتی تا انتقال آنها به‌کشور ثالث را تضمین می‌کند.

دولت عراق پس از این یادداشت تفاهم نیز بارها و از جمله در توافقنامه

۴جانبه ۱۶اوت ۲۰۱۲ بین آمریکا، ملل متحد، ساکنان و دولت عراق بر امنیت و سلامت همه ساکنان تا خروج از عراق تأکید کرده است. ملل متحد و دولت آمریکا نیز در بیانیه‌های متعدد تصریح کرده‌اند که دولت عراق متعهد شده است که حفاظت و امنیت ساکنان لیبرتی را تا خروج آنها از عراق تضمین خواهد کرد.

ساکنان لیبرتی تماماً افراد حفاظت‌شده تحت کنوانسیون۴ ژنو هستند. همه آنها به‌تصریح اطلاعیه‌های متعدد کمیساریای عالی پناهندگان، همه پناهنده یا پناهجو هستند و از حفاظتهای بین‌المللی برخوردار می‌باشند. .....

به این ترتیب اظهارات اخیر شما، یک زمینه‌سازی آشکار برای جنایت علیه بشریت و کشتار مجدد افراد حفاظت‌شده در لیبرتی است و یک جرم سنگین و قابل تعقیب در مراجع بین‌المللی است.

با توجه به‌نکات فوق، کمیته بین‌المللی حقوقدانان در دفاع از اشرف از شما می‌خواهد که اظهارات منتسب به‌خود درباره استرداد اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران را سریعاً پس گرفته و هر سند و مدرکی علیه موکلان ما، اعضای سازمان مجاهدین مستقر در لیبرتی دارید را فوراً برای ما ارسال کنید والا هیچ راهی جز این‌که علیه شما در مراجع ذیصلاح اقامهٔ دعوا کنیم باقی نمی‌ماند.

رو نوشت:

رئیس شورای عالی قضایی عراق

دادستان کل عراق

وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا

معاون وزیر خارجه ایالات متحده آمریکا

سفیر مک گرگ

سفیر بیکرافت سفیر آمریکا در عراق
دبیرکل ملل متحد
کمیسر عالی پناهندگان ملل متحد
کمیسر عالی حقوق‌بشر ملل متحد
سفیر فلتمن معاون سیاسی دبیرکل ملل متحد
کاترین اشتون نماینده عالی اتحادیه اروپا
لوران فابیوس وزیر خارجه فرانسه
ویلیام هیگ وزیر خارجه بریتانیا
والتر اشتاین مایر وزیر خارجه آلمان
دکتر آلخو ویدال کوادراس نایب‌رئیس پارلمان اروپا و رئیس کمیته بین‌المللی در جستجوی عدالت
استراون استیونسون رئیس هیأت پارلمان اروپا برای رابطه با عراق

کارزار بین‌المللی حقوقدانان جای خود را داشت اما در عین‌حال وحوش به‌خوبی می‌دانستند که به‌محض این‌که دست به‌اقدامی در جهت دستگیری و استرداد در اشرف یا لیبرتی بزنند، دیگر کنترل اوضاع از دست آنها خارج خواهد شد و ممکن است به‌ضرر خودشان تمام شود. آنها خوب می‌دانستند و آزموده بودند که اگر مجاهدین تصمیم بگیرند و به‌سیم آخر بزنند و مشت را با مشت و گلوله را با گلوله جواب بدهند، خودشان ضرر خواهند کرد.

در همان شبانگاه ۳۰تیر ۱۳۸۹ که سرکرده نظامی مالکی در اشرف حکم استرداد را به‌برادرانمان ابلاغ می‌کرد، برادرانمان قاطعانه رد کردند و گفتند بروید به‌دادگاه هم بگویید که باید با وکلای ما در کمیتهٔ بین‌المللی حقوقدانان تماس بگیرند.

از جمع این برادران الآن رحیم (قهرمان مجاهد خلق حمید باطبی)که مشاور حقوقی در دادگاههای عراق بود، شهید شده است. سلام الله علیه،

مجاهد شهید حمید باطبی

اما سه شاهد دیگر در همین نشست هستند: سعید مهدویه و بهزاد صفاری و فرید ماهوتچی که هر سه نفر مشاورت حقوقی ساکنان را در رابطه با حکومت عراق و سازمانهای بین‌المللی و آمریکا به‌عهده دارند.

در گزارش آنها که من همان شب خواندم، نوشته بود که ما در آخر همه استدلالهای قانونی و اعتراضها و جنجالی که بپا شد به‌سرهنگی که برای استرداد آمده بود گفتیم:

حتماً شما می‌دانید که هر اقدامی برای دستگیری حتی یکی از نفرات اشرف چه برسد به‌رهبری آنها، به‌چه معنی است. گفت بله می‌دانیم و برای همه مشخص است...

در پایان وقتی یک سرهنگ دیگر که او هم برای استرداد آمده بود و خیلی هم عجله داشت، غلاف کرد و دورتر رفت، سرهنگ اولی آهسته به‌ما گفت:

من کاری که بتوانم را می‌کنم تا اشرف شلوغ نشود و این احکام را هم برمی‌گردانیم...

ما گفتیم فقط برگرداندن احکام کافی نیست زیرش بنویس اصلاً چنین کسانی در اشرف نیستند. او گفت بله همین را می‌نویسم تا به‌لحاظ قانونی محکم‌کاری بشود...

۱۳-اعلام رسمی رسیدگی دادگاههای عراق به پرونده سازیهای جنایی برای ۱۵۰ نفر از مجاهدین

احکام دستگیری و استرداد سالهاست که ادامه دارد و تا روز آخر هم یک بحث جدی است. از قضا یکی از مهمترین شاخصهای توانمندی و قدرت مقاومت ایران درهم‌کوبیدن همین احکام رذیلانه و غیرقانونی و ضدانسانی است.

مثال در این باره را از عید نوروز همین امسال (سال۹۴) می‌زنم:

در روز ۳فروردین (۲۳مارس ۲۰۱۵) سفارت عراق که هیچ‌گاه جواب نامه‌های کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران را در مورد مجاهدان اشرف و لیبرتی نمی‌داد، جوابیهٔ رسمی دفتر نخست‌وزیر عراق را برای این کمیته فرستاد.

سفارت جمهوری عراق - لندن
شماره: ۷/ حقوق بشر/ ۱۲۴۳
تاریخ: ۲۳ مارس ۲۰۱۵

سفارت جمهوری عراق در لندن با احترام و ستایش نسبت به کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران و با استناد به نامهٔ امضا شده توسط لرد کارلایل با رتبه مشاورت ملکه انگلستان و سر دیوید ایمس نماینده پارلمان در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۱۵ به نخست وزیر عراق دکتر حیدر العبادی، افتخار دارد یک نسخه پاسخ رسمی به زبان عربی از طرف دفتر نخست وزیر عراق درباره"کمپ لیبرتی"، با یک ترجمه غیررسمی به زبان انگلیسی، را ضمیمه می کند.

سفارت جمهوری عراق از این فرصت استفاده می کند تا بالاترین اطمینان و توجهات خود را به کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران تجدید کند.

سفارت جمهوری عراق در لندن
به کمیته پارلمانی بریتانیا برای آزادی ایران

EMBASSY OF THE
REPUBLIC OF IRAQ
LONDON

بسم الله الرحمن الرحيم

سفارة جمهورية العراق
لـــنـــدن

No. : 7/Human Right / 1243
Date: 23/3/2015

العدد: / /
التاريخ: / / 2015

The Embassy of the Republic of Iraq in London presents its compliments to the British Parliamentary Committee for Iran Freedom (BPCIF) and referring to the letter to the Prime Minister of Iraq Dr. Haider Al Abadi signed by The Lord Carlile of Berriew QC CBE and Sir David Amess MP dated January 21, 2015, the embassy has the honour to enclose herewith a copy of the official Arabic reply from the office of Prime Minister of Iraq about "Camp Liberty", with an informal translation to English.

The Embassy of the Republic of Iraq avails itself of this opportunity to renew to the British Parliamentary Committee for Iran Freedom (BPCIF) the assurances of its highest consideration.

British Parliamentary Committee for Iran Freedom (BPCIF)

EMBASSY OF THE REPUBLIC OF IRAQ - LONDON

21 Queens Gate, London SW7 5JE
Tel: +44 (0)20 7590 7650

1. ان وضع قاطني مخيم العراق الجديد (أشرف سابقاً) منظم بموجب أحكام مذكرة التفاهم الموقعة بين الحكومة العراقية وبعثة الامم المتحدة لمساعدة العراق (اليونامي)، واستناداً الى أحكام تلك المذكرة، فأن الإجراءات المتخذة بنقل هؤلاء الأفراد الى مخيم الحرية تمهيداً لنقلهم الى دولة ثالثة، واجراءات توفير الحماية لهم في كل من مخيم الحرية ومخيم العراق الجديد هي من ضمن التزامات حكومة جمهورية العراق، وهي مقررة أساساً بموجب القانون الداخلي وأحكام تلك المذكرة. تعاملت الحكومة العراقية مع هؤلاء الافراد تحت رقابة بعثة اليونامي، وقدمت لهم التسهيلات التي تنسجم مع المعايير الدولية، ويمكن ملاحظة ذلك من خلال تقارير بعثة اليونامي، ابتداءً من تاريخ دخول المذكرة حيز التنفيذ في عام 2011 ولغاية اليوم. وتنفيذاً لتلك المذكرة، فقد تم نقل جميع الافراد المذكورين البالغ عددهم (3164) عنصراً وبشكل آمن وتحت رقابة بعثة اليونامي الى مخيم الحرية الانتقالي المؤقت في بغداد وعلى وجبات.
2. نص (البند الثالث/ب) من مذكرة التفاهم على أن (تسمح الحكومة العراقية للامم المتحدة بمراقبة أوضاع حقوق الانسان والوضع الانساني في الموقع الانتقالي وتضع اجراءات للإبلاغ والشكاوى).
3. يتواجد قاطنو مخيم الحرية الانتقالي في الوقت الحاضر قرب مطار بغداد، وتقوم مفوضية الامم المتحدة السامية لشؤون اللاجئين (UNHCR) باستلام طلبات اللجوء والنظر في قبولها، وان التقارير الشهرية للمفوضية تشير الى تقدم مراحل عملهم، إذ تضمن آخر تقرير للمفوضية لشهر كانون الثاني الماضي لسنة 2015 (مرافق طياً)، التقدم المحرز في سير إجراءات الحلول لقاطني موقع الحرية الانتقالي المؤقت.

وفي مجال العمل على إعادة توطينهم، وقد أدت التحركات الدبلوماسية الى نقل اكثر من (300) شخص منهم الى جمهورية ألبانيا وفقاً لاجراءات التوطين بعد موافقة الأخيرة وعلى شكل وجبات.

4. فيما يخص القضايا الانسانية، فان قاطني المخيم يتمتعون بكافة الحقوق وفقاً للمعايير العالمية، ويمكن ملاحظة تقارير بعثة (اليونامي) التي تراقب أوضاع المخيم، وكذلك الحق في الحصول على الرعاية الصحية، إذ أن هناك مستوصف طبي استشاري يقوم بالفحص على كل من يراجعه، ويقوم بإحالة أية حالة تتطلب الذهاب الى المستشفيات او أية

فحوصات اخرى، او اجراء تداخلات جراحية، ويمكن طلب الاحصائيات التي تؤيد ذلك من اللجنة المعنية.

5. نصت المادة (21/ثالثاً) من الدستور العراقي الدائم لعام 2005، على (لايمنح حق اللجوء السياسي الى المتهم بارتكاب جرائم دولية، او ارهابية، او كل من ألحق ضرراً بالعراق).
6. ان تواجد افراد مخيم الحرية داخل الحدود العراقية هو تواجد غير مشروع ومخالف للقانون العراقي، لعدم حصولهم على الموافقات القانونية الاصولية بموجب القوانين العراقية النافذة، إذ لايحمل قاطنو المخيم اية وثيقة رسمية تثبت دخولهم الاراضي العراقية بشكل قانوني، وان (هوية الشخص المحمي) تم تزويدهم بها من قبل القوات الأمريكية في العراق، وهي وثائق غير ملزمة للحكومة العراقية ولايترتب عليها اي أثر قانوني، كما لم يعترف العراق بهم كلاجئين، سياسياً او انسانياً داخل الاراضي العراقية وضمن السيادة العراقية، ولذلك لايترتب على الحكومة العراقية اي التزام تجاه أفراد المخيم. وفي المقابل فان على الحكومة العراقية إتخاذ كافة الاجراءات القانونية السيادية حيالهم، وان تمارس بحقهم مظاهر السيادة وفقاً للقانون الوطني والقانون الدولي، بما لايخل بمعايير إحترام حقوق الانسان، كونهم ضمن حدود السيادة العراقية.
7. تنظر المحاكم الوطنية العراقية في أكثر من (150) قضية جنائية ضد عدد من قاطني معسكر أشرف، الأمر الذي يورد تفعيل إستثناء المتهمين من الحماية التي يوفرها نص المادة (14) من الاعلان العالمي لحقوق الانسان، وذلك بموجب الاستثناء الوارد في الفقرة(2) من المادة ذاتها.
8. لايعتبر الاحتجاز تعسفياً اذا كان ناجماً عن قرار نهائي إتخذته هيئة قضائية وطنية، طبقاً للقانون الوطني والمعايير الدولية ذات الصلة بموجب قرار مجلس حقوق الانسان رقم (50/1997).
9. نؤكد ان أفراد مخيم الحرية لايحملون صفة اللاجئي في العراق وفقا للقوانين الوطنية الداخلية والدولية، وتتعامل الحكومة العراقية معهم من منطلق حقوق الانسان، وقد وفرت لهم كل متطلبات العيش الكريم، وهو أمر وثقته تقارير لجنة مختصة من الأمم المتحدة، وقد تضمنت خطة الحكومة العراقية مع الامم المتحدة، نقل سكان معسكر أشرف (سابقاً) الى مخيم الحرية تمهيداً لنقلهم خارج العراق، الا ان الامم المتحدة تلكئت في تنفيذ ما يخصها من التزامات، وطلبت مهلة اضافية لترتيب الإجراءات المتعلقة بإعادة توطينهم في بلد آخر.

Informal Translation

1. The status of the residents of the New Iraq camp (previously called Ashraf) is organized under the provisions of the Memorandum of Understanding signed between the Iraqi government and the UN mission to assist Iraq (UNAMI). According to that MOU, the procedures taken to transfer those individuals to AlHorya camp in preparation to transfer them to a third state and the procedures of providing them with the protection are considered within the commitments of the government of the Republic of Iraq ,which are mainly established by the domestic law and the provisions of that MOU. Under the surveillance of UNAMI, the Iraqi government has dealt with those individuals and provided them with the facilities that are consistent with international standards, and that can be seen by the reports of UNAMI starting from the date of entry into force of the memorandum in 2011 till now. In according to that MOU, all the individuals mentioned above amounted (3164) elements have been transferred in the form of groups in safely way under the control of UNAMI to the temporary Freedom camp in Baghdad.
2. The (Article three/B) of the MOU stipulated: (the Iraqi government permits the UN to monitor the human rights and the humanitarian situation in the transitional site and establish procedures for reporting and complaints.

3. The residents of AlHorya transitional camp currently exist near Baghdad Airport. The United Nations High Commissioner for Refugees receives the applications of the asylum of those residents and to consider their acceptance. The Commission's monthly reports indicate the progress of the stages of their work, for the last report of the Commission of January 2015 (enclosed herewith), includes the Progress in the course of the proceedings solutions for the residents of AlHorya Transitional temporary site.
Besides working on resettle them. The Diplomatic actions have led to transfer of more than 300 people to the Republic of Albania, according to the procedures of the resettlement after the approval of the latter to transfer the residents in the form of groups.

4. With regard to humanitarian issues, the residents of the camp have all the rights in accordance with international standards, (UNAMI) reports can be observed, which monitors the situation of the camp as well as the right to access to health care, for there is a medical consultant clinic to make examination to each resident, besides it refers the cases which require going to the hospital or any other tests, or to make a surgical interventions. The statistics can be requested which confirm these action by the related committee.

5. Article (21/3) of the permanent Iraqi constitution of 2005 stipulated: (the accused who committed international or terrorist crimes or anybody inflicted damage on Iraq shall not be granted political asylum).
6. The presence of the individuals of Al Horya camp within the Iraqi border, is considered illegal presence and against Iraqi law, for not having the legal approvals under Iraqi laws in force. The residents of the camp do not hold any official document proves their legally access to the Iraqi territories. The identity of a(protected person) was provided by US forces in Iraq. These documents are not binding for the Iraqi government and do not entail any legal effect, as Iraq did not recognize them as political or humanitarian refugees inside Iraqi territories and within the Iraqi territories. Therefore, the Iraqi government does not involve any commitment towards the individuals of the camp. In return, the Iraqi government should take all the legal sovereign proceedings towards them and exercise sovereignty against them according to the national and international law, which does not violate the human rights standards because they are within the limits of Iraqi sovereignty.
7. Iraqi national courts consider more than (150) criminal cases against some residents of Ashraf Camp ,the matter that activate the exemption of the accused from protection provided by Article(14) of the Universal Declaration of Human Rights, according the exception set out in paragraph (2) of the same article.
8. The detention could not be considered arbitrary if it resulted from a final decision by a national judicial body, in accordance with national law and relevant international standards under the Human Rights Council resolution No (50/1997).
9. We assure that the individuals of the AlHorya camp do not hold the refugee status in Iraq in accordance with the domestic, national and international laws. The Iraqi government deals with them in terms of human rights and has provided them with all the requirements of the decent living , which is a matter documented by the reports of a special committee of the United Nations ,The plan of Iraqi government with the United Nations included transferring of the residents of Ashraf Camp to AlHorya Camp in preparation for transferring them out of Iraq, but the United Nations dawdled to implement its own obligations, and requested additional deadline to arrange the procedures related to resettle them in another country.

۱- موقعیت ساکنان کمپ عراق جدید (قبلا به‌نام اشرف) تحت مفاد یادداشت تفاهم امضا شده بین دولت عراق و هیأت همیاری سازمان ملل در عراق (یونامی) سامان داده شده است.

بر طبق آن یادداشت تفاهم، روند انجام شده برای انتقال آن افراد به‌کمپ الحریه در آماده‌سازی برای انتقال آنها به‌کشور ثالث و روند تأمین حفاظت برای آنها در تعهدات دولت جمهوری عراق مطرح شده است که عمدتاً توسط قانون داخلی و مفاد یادداشت تفاهم بنا نهاده شده است...

۲- ماده سهB/ در یادداشت تفاهم تصریح می‌کند: «دولت عراق به‌سازمان ملل اجازه می‌دهد حقوق‌بشر و وضعیت انسانی در این محل موقت را مانیتور کند و روند گزارشات و شکایات را برقرار می‌کند».

۳- ساکنان کمپ موقت الحریه در حال حاضر نزدیک فرودگاه بغداد هستند. کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل درخواست‌نامه‌ها برای پناهندگی سیاسی آن ساکنان را دریافت می‌کند و پذیرش آنها را بررسی می‌کند. گزارشات ماهانهٔ کمیساریا بیانگر پیشرفت مراحل کار آنهاست، چرا که آخرین گزارش کمیساریا در ژانویه۲۰۱۵ (که در این‌جا ضمیمه شده)، پیشرفت در مسیر راه‌حلها برای ساکنان مکان موقت انتقالی الحریه را شامل می‌شود. این در کنار کار برای بازاسکان آنهاست. اقدامات دیپلوماتیک منجر به‌انتقال بیش از ۳۰۰نفر به‌جمهوری آلبانی، بر طبق پروسهٔ انتقال پس از تأیید انتقال آنها به‌شکل گروهی شده است.

۴- در رابطه با موارد انسان‌دوستانه، ساکنان کمپ از همهٔ حقوق مطابق استانداردهای بین‌المللی برخوردارند. گزارشات (یونامی) می‌تواند مشاهده شود، که وضعیت در کمپ را به‌علاوهٔ حق دسترسی به‌مراقبت پزشکی را مانیتور می‌کند، چرا که یک کلینیک پزشکی برای معاینه و رسیدگی به‌تک‌تک ساکنان وجود دارد، علاوه بر این‌که این کلینیک مواردی که نیازمند رفتن به‌بیمارستان هستند، یا هر آزمایش دیگری، یا انجام جراحی را ارجاع می‌دهد. آمار و ارقام می‌تواند درخواست شود که عمل و اقدام توسط کمیتهٔ مربوطه را تأیید می‌کند.

۵- مادۀ (۲۱/۳) قانون اساسی دائمی عراق در سال۲۰۰۵ تصریح می‌کند: «به متهمی که مرتکب جرایم بین‌المللی یا تروریستی شده یا به‌هر کسی که به‌عراق صدمه بزند، پناهندگی سیاسی داده نخواهد شد».

۶- حضور افراد کمپ الحریه در داخل عراق، حضوری غیرقانونی و علیه قانون عراق است، زیرا تأییدیۀ قانونی تحت قوانین جاری عراق ندارند. ساکنان این کمپ هیچ مدرک رسمی در دست ندارند که حضور قانونی آنها در سرزمین عراق را اثبات کند. هویت یک «فرد حفاظت‌شده» توسط نیروهای آمریکا در عراق برای آنها تأمین شد. این مدارک برای دولت عراق الزام‌آور نیست و هیچ اعتبار قانونی ندارد، زیرا عراق آنها را به‌عنوان پناهندگان سیاسی یا انسانی در داخل قلمرو خود به‌رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین دولت عراق هیچ تعهدی نسبت به‌افراد این کمپ ندارد.

در مقابل، دولت عراق باید کلیه پروسدور حاکمیت قانونی خود را در مورد آنها انجام بدهد و حق حاکمیت خود را علیه آنها طبق قانون داخلی و بین‌المللی انجام بدهد که استانداردهای حقوق‌بشر را نقض نمی‌کند زیرا آنها در محدودۀ حاکمیت عراق قرار دارند.

۷- دادگاههای ملی عراق بیش از ۱۵۰پروندۀ جنایی را علیه تعدادی از ساکنان کمپ اشرف بررسی می‌کند، موضوعی که محروم شدن متهم از حفاظت تأمین شده در مادۀ (۱۴) بیانیۀ جهانی حقوق‌بشر را، بر طبق استثنای درج شده در پاراگراف (۲) همان ماده، به‌کار می‌اندازد.

۸- بازداشت آنها اگر در نتیجۀ تصمیم نهایی یک ارگان ملی قضایی عراق باشد، نمی‌تواند خودسرانه تلقی شود چون طبق قانون ملی و استانداردهای ذی‌ربط بین‌المللی تحت قطعنامۀ شورای حقوق‌بشر شمارۀ «۱۹۹۷/۵۰» صورت گرفته است.

۹- ما یقین داریم که افراد در کمپ الحریه، بر طبق قوانین داخلی، ملی و بین‌المللی، موقعیت پناهندگی در عراق ندارند. دولت عراق با آنها در چارچوب حقوق‌بشر برخورد می‌کند و تمام نیازهای آنها را برای یک

زندگی مناسب تأمین کرده است که موضوعی است که در گزارشات یک کمیتهٔ ویژه سازمان ملل [منظورش کوبلر است] مستند شده است. طرح دولت عراق با سازمان ملل شامل انتقال ساکنان کمپ اشرف به‌کمپ الحریه در آماده‌سازی برای انتقال آنها به‌خارج عراق بوده است، اما سازمان ملل در انجام تعهدات خود اتلاف وقت کرده و مهلت اضافی برای ترتیب دادن پروسهٔ بازاسکان آنها در کشور دیگر درخواست کرده است.

ملاحظه می‌کنید کمیتهٔ سرکوب خودش را دفتر نخست‌وزیری عراق معرفی می‌کند با استناد به‌گزارشهای کوبلر دو قورت و نیمش هم باقیست و از سازمان ملل طلبکار است که وقت تلف کرده و مهلت اضافی خواسته و باید به‌فرمودهٔ نورچشمی ارتجاع و استعمار در عراق جدید، یا مجاهدین را سر ضرب می‌کشت یا به‌کشور دیگر منتقل می‌کرد!

اما با یک نگاه به‌این متن و کلمات و دعاوی آن، به‌سادگی می‌توان فهمید که این متن ناشیانه را یک جفت دژخیم از قبیل فالح فیاض و اربابش پاسدار شمخانی انشا کرده‌اند چرا که بی‌تعارف، منتهای کودنی و حماقت خود را آن هم در نگارش با یک کمیتهٔ پارلمانی بریتانیایی، به‌نمایش گذاشته‌اند.

اولاً، می‌گوید که ۱۵۰نفر از مجاهدین پروندهٔ جنایی دارند و از حقوق تعریف شده در اعلامیه جهانی حقوق‌بشر هم محروم هستند چرا که در این‌جا حاکمیت عراق عمل می‌کند و نه هیچ چیز دیگر (معنی ساده و رک و روشن این حرف در منطق وحوش این است که ۱۵۰نفر از این مجاهدین اعدامی هستند و این حرف ندارد!)

ثانیاً، در منتهای بلاهت و کودنی خاص وحوش و شکنجه‌گران، می‌گوید که مبادا دوباره کارگروه بازداشتهای خودسرانهٔ شورای حقوق‌بشر بیاید و مانند اجلاسهای۶۳ و ۶۴ خود در می۲۰۱۲ و اوت۲۰۱۲ زندانی کردن مجاهدین در لیبرتی را بازداشت خودسرانه و برخلاف مادهٔ۹ بیانیهٔ جهانی حقوق‌بشر و برخلاف مواد۹ و ۱۰ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی،تلقی کند.

United Nations A/HRC/WGAD/2012/16

General Assembly

Distr.: General
17 July 2012

Original: English

Human Rights Council
Working Group on Arbitrary Detention

Opinions adopted by the Working Group on Arbitrary Detention at its sixty-third session, 30 April–4 May 2012

No. 16/2012 (Iraq)

Communication addressed to the Government on 2 March 2012

Concerning Hossein Dadkhah, Farichehr Nekogegan, Zinat Pairawi, Mahrash Alimadadi, Hossein Farsy, Hassan Ashrafian, Hassan Sadeghi, Hossein Kaghazian, Reza Veisy and Mohammad Motiee

No response has been received from the Government.

The State is a party to the International Covenant on Civil and Political Rights.

1. The Working Group on Arbitrary Detention was established in resolution 1991/42 of the former Commission on Human Rights, which extended and clarified the Working Group's mandate in its resolution 1997/50. The Human Rights Council assumed the mandate in its decision 2006/102 and extended it for a three-year period in its resolution 15/18 of 30 September 2010. In accordance with its Methods of Work, the Working Group transmitted the above-mentioned communication to the Government.

2. The Working Group regards deprivation of liberty as arbitrary in the following cases:

(a) When it is clearly impossible to invoke any legal basis justifying the deprivation of liberty (as when a person is kept in detention after the completion of his or her sentence or despite an amnesty law applicable to the detainee) (category I);

(b) When the deprivation of liberty results from the exercise of the rights or freedoms guaranteed by articles 7, 13, 14, 18, 19, 20 and 21 of the Universal Declaration of Human Rights and, insofar as States parties are concerned, by articles 12, 18, 19, 21, 22, 25, 26 and 27 of the International Covenant on Civil and Political Rights (category II);

(c) When the total or partial non-observance of the international norms relating to the right to a fair trial, established in the Universal Declaration of Human Rights and in the relevant international instruments accepted by the States concerned, is of such gravity as to give the deprivation of liberty an arbitrary character (category III);

(d) When asylum seekers, immigrants or refugees are subjected to prolonged administrative custody without the possibility of administrative or judicial review or remedy (category IV);

(e) When the deprivation of liberty constitutes a violation of international law for reasons of discrimination based on birth; national, ethnic or social origin; language; religion; economic condition; political or other opinion; gender; sexual orientation; or disability or other status, and which aims towards or can result in ignoring the equality of human rights (category V).

Submission

Communication from the source

3. The case summarized hereinafter was reported by the source to the Working Group on Arbitrary Detention as follows:

(a) Hossein Dadkhah;

(b) Farichehr Nekogegan;

(c) Zinat Pairawi;

(d) Mahrash Alimadadi;

(e) Hossein Farsy;

(f) Hassan Ashrafian;

(g) Hassan Sadeghi;

(h) Hossein Kaghazian;

(i) Reza Veisy; and

(j) Mohammad Motiee.

4. According to the source, these 10 persons of Iranian nationality are part of a group of 400 dissident members of the National Council of Resistance of Iran (NCRI) who accepted relocation from Camp Ashraf to Camp Liberty, a former United States of America military base near Baghdad international airport, in order to begin the process of having their refugee status reconfirmed. Before being transferred to Camp Liberty, these persons and their belongings were processed for 11 hours by security forces, under similar procedures to those for admitting inmates to prisons. Many belongings, such as wheelchairs, communication and video equipment, personal photographs, medicine, heaters and sanitary equipment were not allowed and were confiscated.

5. On their arrival at Camp Liberty, the relocated people were ordered to line up for a headcount, and told by the commanding officer that he would assign them their rooms. They felt as if they were in a prison. They then found themselves in a situation of deprivation of liberty, with no possibility of obtaining authorization to go out of the camp without being accompanied by the security forces. They could not receive visits either from relatives or legal counsels. The source reports that one lawyer, Hamid Jalil, was refused entry to the camp on 21 February 2012, when he was supposed to meet with one of the relocated persons.

6. According to the source, Camp Liberty is surrounded by a four-metre high concrete wall, and residents are not allowed to go out. Armed Iraqi police agents guard checkpoints inside the camp. A police headquarters is located adjacent to Section One where residents are housed, and police stations are located at the north and south gates and at the northeast

end of camp. Police patrols regularly enter the residents' resting area, just as prison guards would inspect the cells of inmates.

7. The source describes the conditions in Camp Liberty as inhumane and appalling. Rather than a relocation centre conforming to international standards, Camp Liberty is said to be an open-air detention centre. The health of persons held in Camp Liberty is at risk. The camp allegedly lacks the most basic infrastructure and sanitary conditions, electricity is only intermittent and running water supplies are insufficient. The residential area is surrounded by layers of sand bags and a concrete wall. Surveillance cameras and sound bugs are installed all around the camp. The private life of the residents is constantly under surveillance.

8. The source adds that residents are not allowed to leave the camp without military or police escort and that they are subjected to headcounts, heavy police presence and invasions of privacy, similar to conditions in a prison. The residents suffer from the lack of adequate living conditions; restrictions on transfer of assets and restrictions to freedom of movement. The source also reports that the Government is not allowing international monitors or visitors access to Camp Liberty.

9. The source recalls that persons held in Camp Liberty have "Protected Person" status under the Fourth Geneva Convention. They are asylum seekers and have not been charged with or found guilty of any offence. Indeed, they have all been living in Iraq for over 25 years.

10. Furthermore, the source expresses fear for the physical and psychological integrity of these persons, as they are facing unnecessary suffering and trauma, as well as being subjected to degrading and humiliating treatment. It recalls that Camp Ashraf, from where they were transferred, had twice been attacked by Iraqi military forces since the Iraqi Government took control of the camp from the United States military in 2009.

11. The source submits that the detention of the 10 above-mentioned persons is arbitrary and contrary to article 9 of the Universal Declaration of Human Rights, and articles 9, paragraph 1, and 10, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights to which the Republic of Iraq is a State party.

Response from the Government

12. The Working Group transmitted the above allegations to the Government of Iraq, requesting it to provide detailed information about the current situation of Hossein Dadkhah, Farichehr Nekogegan, Zinat Pairawi, Mahrash Alimadadi, Hossein Farsy, Hassan Ashrafian, Hassan Sadeghi, Hossein Kaghazian, Reza Veisy and Mohammad Motiee, and to clarify the legal provisions justifying their continued detention. The Working Group regrets that it has not received a response from the Government.

Discussion

13. In the absence of a response from the Government and further to its Methods of work, the Working Group can render an opinion on the basis of the information submitted to it by the source. The Government has not rebutted this information, although it had the opportunity to do so.

14. The Working Group is not unfamiliar with the situation of the residents of Camp Ashraf from which the above-mentioned persons were transferred to Camp Liberty, a

former military base of the United States of America in Baghdad. It had already issued opinion No.11/2010 (Iraq)[1] concerning the detention of Camp Ashraf residents.

15. Residents of Camp Liberty have the status of "protected persons" under the Fourth Geneva Convention; they are asylum seekers and have neither been charged with or tried for any offence.

16. The conditions in Camp Liberty are synonymous with those in a detention centre, as residents have no freedom of movement, nor interaction with the outside world, nor do they have freedom of movement and the semblance of a free life within the Camp. The situation of the residents of Camp Liberty is tantamount to that of detainees or prisoners.

17. The Working Group considers that there is no legal justification for holding the above-mentioned persons and other individuals in Camp Liberty, and that such detention is not in conformity with the standards and principles of international human rights law, and more specifically violates article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9 and 10 of the International Covenant on Civil and Political Rights.

Disposition

18. In the light of the preceding, the Working Group on Arbitrary Detention renders the following Opinion:

> The detention of Hossein Dadkhah, Farichehr Nekogegan, Zinat Pairawi, Mahrash Alimadadi, Hossein Farsy, Hassan Ashrafian, Hassan Sadeghi, Hossein Kaghazian, Reza Veisy and Mohammad Motiee is arbitrary, being in contravention of article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9, paragraph 1, and 10, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights, and falling under category IV of the categories applicable to cases submitted for consideration to the Working Group.

19. Consequent upon the opinion rendered, the Working Group requests the Government to take the necessary steps to remedy the situation of these 10 persons and bring it into conformity with the standards and principles set forth in the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights.

20. Taking into account all the circumstances of the case, the Working Group considers that adequate remedy would be immediate release and lifting of all restraints on the free movement of these persons as well as an enforceable right to compensation, in accordance with article 9, paragraph 5, of the International Covenant on Civil and Political Rights.

[Adopted on 4 May 2012]

---

[1] Adopted on 7 May 2010 and concerning Jalil Gholamzadeh Golmarzi Hossein and 36 other persons.

United Nations A/HRC/WGAD/2012/32

General Assembly

Distr.: General
23 November 2012

Original: English

Human Rights Council
Working Group on Arbitrary Detention

Opinions adopted by the Working Group on Arbitrary Detention at its sixty-fourth session, 27–31 August 2012

No. 32/2012 (Iraq)

Communication addressed to the Government on 25 June 2012

Concerning Mehdi Abedi, Akram Abedini, Bahman Abedy, Aliasghar Babakan, Mohammad Reza Bagherzadeh, Sahar Bayat, Fatemeh Effati, Farhad Eshraghi, Maryam Eslami and Manijeh Farmany (residents of Camp Ashraf); and Asghar Abzari, Ali Reza Arab Najafi, Homaun Dayhim, Fatemeh Faghihi, Zahra Faiazi, Ahmad Fakhr-Attar, Effat Fattahi Massom, Jafar Ghanbari, Habib Ghorab, Robabeh Haghguo (residents of Camp Liberty)

The Government did not reply to the communication within the 60-day deadline.

The State is a party to the International Covenant on Civil and Political Rights.

1. The Working Group on Arbitrary Detention was established in resolution 1991/42 of the former Commission on Human Rights, which extended and clarified the Working Group's mandate in its resolution 1997/50. The Human Rights Council assumed the mandate in its decision 2006/102 and extended it for a three-year period in its resolution 15/18 of 30 September 2010. In accordance with its methods of work (A/HRC/16/47, annex, and Corr.1), the Working Group transmitted the above-mentioned communication to the Government.

2. The Working Group regards deprivation of liberty as arbitrary in the following cases:

(a) When it is clearly impossible to invoke any legal basis justifying the deprivation of liberty (as when a person is kept in detention after the completion of his or her sentence or despite an amnesty law applicable to the detainee) (category I);

(b) When the deprivation of liberty results from the exercise of the rights or freedoms guaranteed by articles 7, 13, 14, 18, 19, 20 and 21 of the Universal Declaration of Human Rights and, insofar as States parties are concerned, by articles 12, 18, 19, 21, 22, 25, 26 and 27 of the International Covenant on Civil and Political Rights (category II);

(c) When the total or partial non-observance of the international norms relating to the right to a fair trial, established in the Universal Declaration of Human Rights and in the

relevant international instruments accepted by the States concerned, is of such gravity as to give the deprivation of liberty an arbitrary character (category III);

(d) When asylum seekers, immigrants or refugees are subjected to prolonged administrative custody without the possibility of administrative or judicial review or remedy (category IV);

(e) When the deprivation of liberty constitutes a violation of international law for reasons of discrimination based on birth; national, ethnic or social origin; language; religion; economic condition; political or other opinion; gender; sexual orientation; or disability or other status, and which aims towards or can result in ignoring the equality of human rights (category V).

Submissions

Communication from the source

3. According to the source, for over 25 years, the members of the Iranian group known as the People's Mujahedin Organization of Iran (PMOI), also known as the Mujahedin-e Khalq (MEK), have legally lived in Iraq, in accordance with the laws of Iraq, at Camp Ashraf. In 2003, as part of Operation Iraqi Freedom, Coalition Forces took control of Camp Ashraf and subsequently designated all the members of the PMOI as protected persons under the Geneva Convention relative to the Protection of Civilian Persons in Time of War (Fourth Convention). On 1 January 2009, control of Camp Ashraf was transferred to the Government of Iraq as part of the United States of America–Iraq Status of Forces Agreement. From this point onwards, the safety and well-being of the residents at the camp deteriorated.

4. It was alleged that once in control of Camp Ashraf, the Government began to block the free flow of food, maintenance and medical supplies, and denied the camp residents freedom of movement in and out of Camp Ashraf and access to their lawyers. In 2009 and 2011, Iraqi security forces carried out two unprovoked attacks on Camp Ashraf, resulting in dozens of deaths and injuries among the camp residents. The Government then declared its intention to close Camp Ashraf by the end of 2011, threatening to *refouler* the camp residents to the Islamic Republic of Iran.

5. This series of events resulted in the Office of the United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR) declaring the camp residents to be asylum seekers on 13 September 2011, having committed to working with the Government of Iraq to extend the State's deadline for Camp Ashraf's closure. On 25 December 2011, the United Nations and the Government of Iraq signed a Memorandum of Understanding that provided for the voluntary and safe transfer of Camp Ashraf residents to Camp Liberty, at which point their identities would be confirmed and their refugee status would be determined, and then they could voluntarily resettle in third countries. As part of this process, the Memorandum of Understanding states that the Government of Iraq will ensure that Camp Liberty meets humanitarian and human rights standards, has proper infrastructure and accommodation facilities, and allows for camp residents to work with outside vendors for the provision of life support and utilities.

6. On 18 February 2012, the first group of camp residents was transferred from Camp Ashraf to Camp Liberty. The residents immediately discovered that the conditions at Camp Liberty fell short of what they expected and what is required under the Memorandum of Understanding and international law. The residents lacked prompt access to medical treatment; adequate housing space, water, sanitation, electricity and cooling mechanisms; proper facilities for the disabled; the opportunity to receive visits from family, friends and supporters; and the means to communicate regularly and freely with the outside world. In addition, they soon learned that they would be prohibited from leaving Camp Liberty, in

alleged violation of their rights as asylum seekers. The source states that while the residents of Camp Ashraf were also detained illegally from 2009, they were at least in a safe environment with proper infrastructure, which they had built over the course of more than 25 years of living there. At Camp Liberty, the first group learned that they had been moved to a small prison under harsh conditions.

7. Moreover, the camp residents found their due process rights being violated because their detention has never been authorized by law; their lawyers are prohibited from entering Camp Liberty and thus are unable to communicate and consult with camp residents; there is no grievance mechanism or complaints procedure to address their conditions; and the residents are unable to challenge their detention in a court of law.

8. As at 27 May 2012, approximately 781 of the almost 2,000 residents of Camp Liberty had completed the verification process to re-establish their identity. Thus far, only 361 of the residents of Camp Liberty have been interviewed by UNHCR. Since arrival at Camp Liberty on 18 February 2012, not a single individual has left for a third country.

9. On 13 September 2011, after receiving applications from all Ashraf residents for asylum, UNHCR declared the residents to be "asylum seekers under international law" which entitled them "to benefit from basic protection of their security and well-being".[1] Furthermore, UNHCR stated that it would "work together with the Government of Iraq and the United Nations Assistance Mission for Iraq (UNAMI) and other concerned actors to identify a location [for asylum processing] that ensures the safety and respects the rights of all individual applicants". As part of this, UNHCR also committed to "putting in place a process to consider these requests on an individual basis in a fair and efficient procedure".

10. On 21 December 2011, Iraq agreed to extend its deadline for the Camp Ashraf closure to April 2012. On 25 December 2011, the United Nations and the Government of Iraq signed a Memorandum of Understanding aimed at securing a humanitarian and peaceful resolution for the residents of Camp Ashraf. The residents of Camp Ashraf were initially consulted as part of this process but an agreement was signed without them having been given the opportunity to review or approve the final text. In short, the Memorandum of Understanding allowed for the safe transfer of Camp Ashraf residents to Camp Liberty, at which point their refugee status would be determined before they voluntarily resettled in either the Islamic Republic of Iran or other third countries.

11. As at 1 June 2012, approximately 1,949 residents had been transferred from Camp Ashraf to Camp Liberty, 611 are women and 9 are under the age of 18. However, the conditions in the camp have not met the expectations of Ashraf residents, the requirements set out in the Memorandum of Understanding, or relevant provisions of international law. Camp Liberty is 658,000 square metres in size, which is significantly smaller than Camp Ashraf. Residents are living in housing units that contain six people per unit. Each unit is approximately 12 metres by 3.6 metres (43 square metres) – about 7.2 square metres per person.

12. Prior to moving from one camp to the other, Camp Ashraf residents demanded a commitment that no Iraqi police would remain inside Camp Liberty, given the prior attacks on Camp Ashraf by Iraqi security forces. The residents report, however, that there exist several police posts inside the camp, with a 24-hour presence by 150 police guards armed with heavy machine guns. The residents also report that Camp Liberty is significantly smaller than they were told it would be. Men and women are living in separate living quarters. However, the Iraqi forces have encroached 70 metres into the female section of Camp Liberty

[1] UNHCR, "Camp New Iraq (formerly Camp Ashraf) residents and the determination of their refugee status claims", 13 September 2011. Available from www.unhcr.org/refworld/docid/4e857b3b2.html.

and settled there. This has caused tension and is a source of harassment for the women in the camp. The female residents of the camp have repeatedly, both in writing and verbally, protested against this situation to UNAMI.

13. Additionally, camp residents have reported circumstances that directly violate conditions set out in the Memorandum of Understanding. They report major inadequacies in camp conditions, including problems with drinking water and electricity, the lack of a proper sewage system, and that they are being denied free movement and access to medical services. As such, residents report that Camp Liberty is a prison rather than a temporary transit location. The provision of water and electricity are of particular concern. Because Camp Liberty is not connected to a central water source, the residents must procure their water from outside tanker trucks and from a broken internal water system.

14. The private companies bringing water to the camp, however, are faced with numerous impediments by the Iraqi security forces and are frequently prohibited from entering. Moreover, due to obstructions by the Government of Iraq, the residents of Camp Liberty have been unable to transfer their lift trucks and mechanical material needed to carry out repairs and unload supplies for daily living. The residents must purchase their food from outside contractors who face challenges getting the food into Camp Liberty. In some cases, it is reported that the Iraqis prohibit the food from being delivered, in other cases the Iraqi police threaten the drivers of the contractors, or the food is held outside for days and is no longer suitable for consumption.

15. Reliable and accessible electricity is also in short supply. Generators deliver all the power, as Camp Liberty is not connected to Baghdad's power grid. This supply problem is exacerbated by high fuel needs and costs.

16. Access to medical care, while available, is not prompt. There is a medical centre in Camp Liberty's vicinity, but those with serious medical problems must be taken to an outside hospital. There are delays of hours, and in some cases days, to transfer those who are seriously ill to a hospital.

17. Moreover, residents are prohibited from leaving the camp, which amounts to a denial of freedom of movement.

18. In the source's view, in addition to these challenging conditions, there are serious due process violations. The Government has prohibited all lawyers from obtaining access to the camp; the Iraqi lawyers representing the residents who have gone to the camp entrance have been threatened and turned away.

19. According to the source, the deprivation of the camp residents' freedom falls within category IV of the Working Group's classification of cases because they are asylum seekers subjected to prolonged detention without the possibility of administrative or judicial review or remedy. Specifically, the detention of the residents results from the deprivation of freedoms under the International Covenant on Civil and Political Rights, the Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment (Body of Principles), and the Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (Standard Minimum Rules). In addition, the deprivation of freedom amounts to violations of the UNHCR Revised Guidelines on Applicable Criteria and Standards relating to the Detention of Asylum-Seekers and the Working Group on Arbitrary Detention's Deliberation No. 5 concerning the situation of immigrants and asylum seekers (E/CN.4/2000/4, annex II).

20. The source adds that this is a straightforward situation in which the camp residents are asylum seekers who are being held arbitrarily in violation of their due process rights and the conditions under which they are being detained are in breach of minimum standards recognized under international law.

21. The source requests the Working Group to extend its prior opinion regarding the detention of 10 residents of Camp Liberty (opinion No. 16/2012) to all the residents of Camp Liberty and Camp Ashraf, in toto, as their situation is either identical to or fundamentally the same as that addressed in the opinion. In that opinion, the Working Group found the detention of the 10 camp residents to be in contravention of the obligations of Iraq under articles 9, paragraph 1, and 10, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights, and article 9 of the Universal Declaration of Human Rights, falling under category IV of the categories applicable to cases submitted to the Working Group for consideration.

22. The source adds that, as asylum seekers, the camp residents must be afforded protection under Covenant article 9, paragraph 1. However, for the following reasons they should be considered as being detained arbitrarily in violation of article 9, paragraph 1:

- First, their detention has not been authorized by domestic law. At no time has the Government issued legal documents authorizing the detention. Even if it had, such detention would be inconsistent with international law because, as discussed below, this would engender other human rights violations and thus would be in contravention of article 9;
- Second, the detention is both unreasonable and unnecessary. The camp residents pose no flight risk and have committed no crime. As demonstrated by their stay of over 25 years in Iraq, the camp residents are perfectly able and willing to live in Iraq in conditions similar to those found previously at Camp Ashraf before the Coalition Forces' invasion of Iraq while their asylum claims are processed. Moreover, there is no indication that the Government of Iraq has considered a less invasive means of detention;
- Third, there has been no judicial or periodic review of the detention. Even if Iraq had given legal justification for the initial detention, such authorization would now be immaterial, because for 42 months there has been no periodic judicial review of the camp residents' detention;
- Finally, Camp Liberty contains no grievance procedure or complaint mechanism, making it impossible for the residents to challenge their detention. As such, the camp residents are being detained arbitrarily.

23. The first camp residents legally entered Iraq 26 years ago and have since lived in the country in compliance with its laws. On 13 September 2011, UNHCR declared all camp residents to be asylum seekers. For these two reasons, the camp residents are considered to be "lawfully within the territory" of Iraq and thus afforded additional protection under article 12, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights. Moreover, the Government of Iraq has had full control of camp residents since re-acquiring control of Camp Ashraf from the United States on 1 January 2009. The Government has never provided any justification as to why such a process could only take place in the context of the camp residents' ongoing detention. Because the residents are prohibited from leaving Camp Liberty, the source submits that their right to freedom of movement under article 12, paragraph 1, is being violated.

24. According to the source, the conditions in both camps are in breach of the due process protections of the Body of Principles and the Standard Minimum Rules. Additional violations exist under the Body of Principles, namely, principles 17, paragraph 1, and 18, paragraphs 1 and 2, because the camp residents' counsels are prohibited from entering Camp Liberty, thus denying the residents the possibility to communicate and consult with them. The camp residents are also unable to challenge their detention in a court of law, in violation of principles 11 and 32.

25. The deprivation of the camp residents' freedom further violates the guarantees under Deliberation No. 5 of the Working Group. Where the Working Group determines whether the custody of an asylum seeker is arbitrary, there is also an assessment of whether certain due process guarantees contained in Deliberation No. 5 have been met. Asylum seekers in custody should be brought before a judicial authority.

26. In the source's view, residents are not permitted to leave Camp Ashraf or Camp Liberty, which constitutes detention. Established alternatives have not been considered by the Government of Iraq.

27. The source submits that these persons are being held in detention arbitrarily. They are being denied freedom of movement in violation of the International Covenant on Civil and Political Rights. Their detention conditions violate the Covenant, the Body of Principles for the Protection of All Persons under Any Form of Detention or Imprisonment and Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners.

Response from the Government

28. The Working Group regrets that the Government did not respond to the allegations transmitted by the Group within 60 days, in accordance with paragraph 15 of the Working Group's methods of work.

29. Despite the absence of any information from the Government, the Working Group considers that it is in the position to render its opinion on the detention of the 20 persons subject to this case, in conformity with paragraph 16 of its methods of work.

Discussion

30. In its previous opinion concerning Camp Liberty, the Working Group found that conditions in Camp Liberty "are synonymous with those in a detention centre, as residents have no freedom of movement, nor interaction with the outside world, nor do they have freedom of movement and the semblance of a free life within the Camp. The situation of the residents of Camp Liberty is tantamount to that of detainees or prisoners" (opinion No. 16/2012, para. 16). The Working Group also considered that "there is no legal justification for holding the ... individuals in Camp Liberty, and that such detention is not in conformity with the standards and principles of international human rights law, and more specifically violates article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9 and 10 of the International Covenant on Civil and Political Rights" (ibid., para. 17).

31. The Working Group reaffirms this rationale and considers that the same applies to the residents of Camp Ashraf. The Government chose not to rebut the fact that the 20 residents of the two camps, on whose behalf the communication was submitted, are prohibited from leaving the camp and deprived of the opportunity to receive visits from family, friends, and supporters, and that the means to communicate regularly and freely with the outside world is restricted. Indeed, the residents of both Camp Liberty and Camp Ashraf are effectively deprived of their liberty without any legal justification.

32. The residents of camps who have submitted requests for refugee status are formally asylum seekers under international law.[2]

33. The Working Group recalls that in its resolution 1997/50, the Commission on Human Rights requested the Working Group to devote all necessary attention to reports concerning

[2] See, for instance, UNHCR, "UNHCR calls for cooperation and solidarity amid efforts to find solutions for the residents of Camp 'New Iraq'", press release of 26 July 2012. Available from www.unhcr.org/501135259.html.

the situation of asylum seekers allegedly being held in prolonged administrative custody without the possibility of administrative or judicial remedy.

34. The Working Group reiterates that in order to determine the arbitrary character or otherwise of the custody of an asylum seeker, it considers whether or not the person is able to enjoy, inter alia, the following guarantees: (a) to be entitled to have the decision involving administrative custody reviewed by a higher court or an equivalent competent, independent and impartial body; (b) to have the possibility of communicating by an effective medium, such as the telephone, fax or e-mail, from the place of custody, in particular with a lawyer and relatives; (c) to be assisted by counsel, both through visits in the place of custody and at any hearing; and (d) to have the possibility to benefit from alternatives to administrative custody.[3]

35. In the case under consideration, none of the aforementioned guarantees are met by the authorities, which leads the Working Group to conclude that the custody of these individuals is arbitrary, and specifically in violation of article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9 and 10 of the International Covenant on Civil and Political Rights.

Disposition

36. In the light of the foregoing, the Working Group on Arbitrary Detention renders the following opinion:

> The detention of Mehdi Abedi, Akram Abedini, Bahman Abedy, Aliasghar Babakan, Mohammad Reza Bagherzadeh, Sahar Bayat, Fatemeh Effati, Farhad Eshraghi, Maryam Eslami, Manijeh Farmany (residents of Camp Ashraf); and Asghar Abzari, Ali Reza Arab Najafi, Homaun Dayhim, Fatemeh Faghihi, Zahra Faiazi, Ahmad Fakhr-Attar, Effat Fattahi Massom, Jafar Ghanbari, Habib Ghorab, Robabeh Haghguo (residents of Camp Liberty) is arbitrary, being in contravention of article 9 of the Universal Declaration of Human Rights and articles 9, paragraph 1, and 10, paragraph 1, of the International Covenant on Civil and Political Rights, falling within category IV of the arbitrary detention categories referred to by the Working Group when considering the cases submitted to it.

37. As a result of the opinion rendered, the Working Group requests the Government of Iraq to take all necessary steps to remedy the situation of these 20 persons and bring it into conformity with the standards and principles set forth in the Universal Declaration of Human Rights and the International Covenant on Civil and Political Rights.

38. The Working Group considers that, taking into account all the circumstances of the case, an adequate remedy would be the immediate release of and lifting of all restraints upon the free movement of these persons, and provision to them of the enforceable right to compensation in accordance with article 9, paragraph 5, of the International Covenant on Civil and Political Rights.

39. The Working Group urges the Government to consider alternatives to the detention of the asylum seekers in Camp Ashraf and Camp Liberty.

40. In accordance with article 33 (a) of its methods of work, the Working Group considers it appropriate to refer the allegations concerning conditions in Camp Ashraf and Camp Liberty to the relevant human rights mechanisms for appropriate action.

[Adopted on 30 August 2012]

---

[3] Report of the Working Group on Arbitrary Detention (E/CN.4/1999/63), para. 69.

ثالثاً، اگر مجاهدین در نتیجهٔ تصمیم قضاییهٔ ولایت‌فقیه یعنی آخوند صادق لاریجانی همراه با قاسم سلیمانی و مالکی ناپدید یا اعدام شدند، مبادا مبادا، دوباره کارگروه ناپدیدشدگان اجباری ملل متحد و کارگروه بازداشتهای خودسرانه و ۴گزارشگر ویژهٔ دیگر بیایند مانند آذر۹۲ عراق را محکوم کنند. منظور، گزارشگران ویژه ملل متحد دربارهٔ اعدامهای خودسرانه و فرا قضایی، دربارهٔ شکنجه و مجازاتها و رفتارهای بیرحمانه، دربارهٔ خشونت علیه زنان و در امر ترویج نظم بین المللی دموکراتیک و عادلانه است که بیانیهٔ آنها یعنی بیانیهٔ مشترک دو کارگروه تخصصی و ۴گزارشگر ویژهٔ ملل متحد دربارهٔ وضعیت مجاهدین در عراق و نقض حقوق آنها در ۹دسامبر ۲۰۱۳ منتشر شد.

بیانیه مشترک۲ کار گروه تخصصی و ۴ گزارشگر ویژه ملل متحد

ژنو-۹دسامبر۲۰۱۳

UNITED NATIONS EXPERTS URGE IRAQ TO ESTABLISH THE WHEREABOUTS OF THE SEVEN MISSING RESIDENTS OF CAMP ASHRAF

9 December 2013

GENEVA (9 December 2013) – A group of United Nations independent experts today called on the Government of Iraq to establish the fate and whereabouts of seven residents of Camp Ashraf, who were allegedly abducted last September after an attack in which 52 persons were killed. More than 3,000 Iranian exiles have been based at the Ashraf refugee camp near Baghdad since the 1980s.

The human rights experts expressed serious concern about the lack of information from the Iraqi authorities regarding the results of ongoing investigations into the attack.

"We call upon the Government of Iraq to speed up the investigations in order to disclose the fate and whereabouts of the individuals," the United Nations Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances said, while recalling that, at some point, Iraqi forces allegedly admitted having these individuals in custody.

The facts are still being established three months after the violent event. However, there are allegations that the attack and the abduction of the seven residents of Camp Ashraf, including six women, were conducted by Iraqi security forces. It has also been alleged that it is impossible for anyone to enter Camp Ashraf without the cooperation of Iraqi forces.

All of those killed reportedly died as a consequence of gunshot wounds, mainly in the head or neck. A number of those killed were found with their hands tied, an act apparently committed prior to their deaths. Some victims were allegedly shot while fleeing or seeking medical assistance after having been wounded.

"International law clearly requires Governments to ensure that all allegations of killings are investigated in a prompt, effective and impartial manner, irrespective of who the perpetrator is," the United Nations Special Rapporteur on extrajudicial, summary or arbitrary executions, Christof Heyns, noted. "Failure to do so is a violation of the International Covenant on Civil and Political Rights."

The group of experts stressed that "The impunity with which these crimes have been committed is particularly flagrant given the severity of the offences and the alleged evidence of engagement by Iraqi forces in the commission of these crimes." In their view, "the State has an obligation to exercise due diligence to prevent, protect, investigate, prosecute and punish all acts of violence, including those perpetrated against women, and to ensure their rights to be treated with dignity."

"The UN Working Group on Arbitrary Detention has consistently held that the detention in Camp Ashraf is arbitrary," said Mads Andenas, who currently heads the expert body. "The Iraqi Government has a particular responsibility to protect the detainees against human rights violations such as the recent deaths and abductions, and must now instigate independent investigations, end the detention regime, and in the meantime provide effective protection to those who remain in detention."

The United Nations Special Rapporteur on torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment, Juan E. Méndez, echoed the urgent call to establish the fate and whereabouts of the seven Iranian exiles. "Detention in secret places can facilitate the perpetration of torture and other ill-treatment and can in itself constitute a form of such treatment," he warned.

Concerns have been raised that the seven missing residents of Camp Ashraf may be forcibly returned to the Islamic Republic of Iran, where they might be at risk of being persecuted, tortured or subjected to other forms of ill-treatment. According to the UN Refugee Agency (UNHCR), the seven missing residents are asylum-seekers enjoying the status of protected persons.

"Iraq's obligations under international law are clear, the Government shall not expel, return, extradite or in any other way transfer a person to another State where there are substantial grounds for believing that the person would be in danger of being subjected to torture," Mr. Mendez underscored.

The United Nations Independent Expert on the promotion of a democratic and equitable international order, Alfred de Zayas, noted that this is the third time that the residents of Camp Ashraf have been subjected to physical assault. "I condemn the lack of proper investigation of the massacres and the impunity of those responsible for them," he said.

Mr. de Zayas pointed out that "Grave crimes of this nature, and the impunity that has accompanied them, entail violations of numerous international treaty provisions and constitute an assault on the rule of law, an affront to the international community and a threat to the international order."

"The families of the killed and disappeared are entitled to the right to know what happened to their loved ones, and to adequate reparation for the suffering endured," he stated.

The group of experts urged the Iraqi authorities "to take all necessary measures to clarify the whereabouts of the missing individuals, guarantee their safety and rights, and prevent their extradition to Iran."

*The United Nations Special Rapporteurs are part of what it is known as the **Special Procedures** of the Human Rights Council. Special Procedures, the largest body of independent experts in the United Nations Human Rights, is the general name of the independent fact-finding and monitoring mechanisms of the Human Rights Council that address either specific country situations or thematic issues in all parts of the world. They are charged by the Human Rights Council to monitor, report and advise on human rights issues. Currently, there are 37 thematic mandates and 14 mandates related to countries and territories, with 72 mandate holders. Special Procedures experts work on a voluntary basis; they are not UN staff and do not receive a salary for their work. They are independent from any government or organization and serve in their individual capacity.*

رابعاً، با ماورای وقاحت مدعی است که مجاهدین هیچ موقعیت و استاتوی پناهندگی در عراق نداشته و ندارند.

- انگار نه انگار که مادۀ۳۴ قانون اساسی موقت۱۹۷۰ که مجاهدین تحت آن قانون به‌عراق آمده‌اند، تصریح می‌کند: «جمهوری عراق به‌تمامی مبارزانی که به‌دلیل دفاعشان از اصول آزادیخواهانه و انسانی که مردم عراق نیز در این قانون اساسی به‌آن پایبند می‌باشند، در کشور خودشان تحت ستم و ظلم قرار دارند، حق پناهندگی سیاسی می‌دهد» و «استرداد آنها مجاز نیست».

-انگار نه انگار که اصلاحیۀ قانون پناهندگی سیاسی عراق شماره۵۱ در سال۱۹۷۱ صریحاً پناهنده را چنین تعریف کرده است :

پناهنده کسی است که «به دلایل سیاسی یا نظامی به‌جمهوری عراق پناهنده شود».

کمااین‌که در مادۀ چهارم همین قانون تصریح می‌شود: «در هر وضعیتی استرداد پناهنده به‌کشور خودش ممنوع است».

-انگار نه انگار که قانون اقامت خارجیان در عراق در سال۱۹۷۸ و اصلاحیۀ آن در دسامبر سال۲۰۰۰ و پاراگراف آخر آن در ژانویه ۲۰۰۲ که می‌گوید به‌هیچ خارجی حق اقامت موقت یا بیش از ۵سال در عراق نمی‌دهد، مگر پناهندۀ سیاسی و عضو سازمانهای مبارزی که عراق میزبان آنهاست.

خامساً، بالکل نادیده می‌گیرد که حتی وزارت خارجۀ همین حکومت عراق و رئیس دایرۀ قانونی آن، در ۲۸نوامبر ۲۰۱۲ در پاسخ به‌دادگاه استیناف دیالی که از موقعیت حقوقی مجاهدین در عراق سؤال کرده است، در عین انکار شخصیت حقوقی سازمان مجاهدین در عراق اشغال شده توسط رژیم آخوندی، باز هم ناگزیر، ولی با صراحت، افراد مجاهدین را پناهندگان موقت شناخته است.

REPUBLIC OF IRAQ
MINISTRY OF
FOREIGN AFFAIRS
Legal Department

جمهورية العراق
وزارة الخارجية
الدائرة القانونية

العدد : ١/٩/ عامة/ ٤٥٦٣
التاريخ: /١١/٢٠١٢
٢٨

٢٥٧
٤٢٦

رئاسة محكمة استئناف ديالى الاتحادية / محكمة بداءة بعقوبة

م/ اجابة

اشارةً الى كتابكم المرقم ١٤٩٣/ب٢/٢٠١٢ في ٢٠١٢/١٠/١٥ الوارد إلينا بتاريخ ٢٠١٢/١١/٦ المتضمن التساؤل حول مدى تمتع منظمة مجاهدي خلق الايرانية بالشخصية المعنوية، نود أن نبين بأن العراق لا يعترف لهذه المنظمة بالشخصية القانونية المعنوية وإنما يتعامل مع افرادها كلاجئين مؤقتين فقط.

للتفضل بالاطلاع ... مع التقدير .

السفير
محمد حسين الشامي
رئيس الدائرة القانونية
٢٠١٢/١١/ ٢٨

وزارة الخارجية - دائرة الشؤون القانونية
Ministry Of Foreign Affairs
Legal Department

٨٠٢
المملكة دير بالط بالدول
الرقم ١٤٩٢/ب/٢
٢٠١٢/١١/١٤

نسخة منه الى/

- وزارة الخارجية / دائرة شؤون الدول المجاورة - للتفضل بالاطلاع ... مع التقدير.

جمهوری عراق
وزارت خارجه
اداره قانونی
شماره : ۱/۹/عامۀ /۴۵۶۳
تاریخ :۲۰۱۲/۱۱/۲۸

ریاست دادگاه استیناف مرکزی استان دیالی / دادگاه بدوی بعقوبه

درجواب نامۀ شماره ۱۴۹۳/ب۲۰۱۲/۲ در تاریخ ۲۰۱۲/۱۰/۱۵ که در تاریخ ۲۰۱۲/۱۱/۶ دریافت کردیم و شامل سؤال در رابطه با برخورداری سازمان مجاهدین خلق ایران از شخصیت حقوقی بود، به‌اطلاع می‌رسانیم که عراق شخصیت حقوقی این سازمان را قبول ندارد ولی با افراد آنها صرفاً به‌عنوان پناهندگان موقت برخورد می‌کند .
باتشکر جهت اطلاع

اداره قانونی وزارت خارجه
سفیر محمد حسین الشامی
رئیس اداره قانونی
۲۰۱۲/۱۱/۲۸

مطلع شدم ودر پرونده شماره ۱۴۹۳/ب۲۰۱۲/۲ قرار داده شود
مهر و امضای قاضی عبدالرزاق کاظم شکر معاون رئیس دادگاه استیناف
۲۰۱۲/۱۲/۶

سادساً، استناد فاشیستی به‌حق حاکمیت یک دولت برای توجیه کوره‌های آدم‌سوزی یا قتل‌عام زندانیان سیاسی، دیگر در دنیای معاصر چنگی به‌دل نمی‌زند. هیچ کودنی جز دیکتاتورها و نویسندگان انشاهای دژخیمان را نمی‌فریبد.

قطعنامه ۱۰مارس ۲۰۱۱ پارلمان اروپا به‌خوبی روشن کرده است که «موضوع حاکمیت و قلمرو داخلی دیگر نمی‌تواند مورد استفاده حکومتها به‌عنوانِ سپری برای جلوگیری از مورد تحقیق قرار گرفتن پیشینهٔ آنها در زمینهٔ حقوق بشر قرار گیرد».

در همین قطعنامه آمده بود: «پارلمان اروپا از ابتکار ایالات متحده در مورد قطعنامهٔ محکومیت (رژیم) ایران استقبال می‌کند و کشورهای عضو اتحادیهٔ اروپا را فرا می‌خواند تا از تعیین مکانیزم ویژه‌یی در مورد ایران قویا حمایت کنند...».

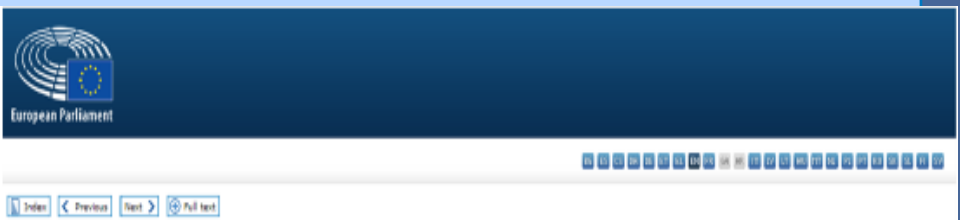

The European Parliament ,

– having regard to the Universal Declaration of Human Rights, to the European Convention on Human Rights, and to the EU Charter of Fundamental Rights,

...

E. whereas issues of sovereignty and domestic jurisdiction can no longer be used to shield states from scrutiny on their human rights records,

....

3. Welcomes this year's nominations of Special Rapporteurs on these key topics, and takes note of the reports to be presented by the Special Rapporteurs on torture and other cruel inhuman or degrading treatment or punishment, on freedom of religion or belief, and on the situation of human rights defenders; calls on the EU Member States to contribute actively to these debates;

4. Welcomes the new Directorate for Human Rights and Democracy and supports the establishment of a Brussels-based EU Council Working Group on Human Rights (COHOM) that would include human rights experts from all 27 EU Member States, as Brussels is better placed for monitoring EU policies, and which will help to organise multilateral work in relation to bilateral work;

5. Supports the appointment of a high-level EU Special Representative for Human Rights and stresses again the necessity of the human rights and democracy country strategies;

.....

The work of the Human Rights Council

.....

7. Reiterates its call on EU Member States to actively oppose any attempt to undermine the concept of the universality, indivisibility and interdependence of human rights, and to encourage the UNHRC to pay equal attention to discrimination based on all grounds, including gender, disability, racial or ethnic origin, age, sexual orientation, and religion or belief;

...

10. Believes the UNHRC should be better equipped to address both chronic and emergency situations, perhaps through the expansion of the human rights 'toolbox', by using panels not just during but also in between sessions, and by bringing sessions to regions away from Geneva; regrets that on several occasions the UNHRC has been unable to address serious human rights situations in an urgent and timely manner because of the absence of adequate instruments, and supports the idea of independent 'triggers'; actively seek the creation of dedicated UNHRC mechanisms to respond promptly to the human rights crises like in the Middle East and North Africa, Iran and Belarus;

...

12. Welcomes the initiative of the US to introduce a country resolution on Iran; calls upon the EU Member States to strongly support the instalment of a Special Mechanism regarding Iran; calls upon the High Representative and the EEAS to coordinate the cooperation between the EU and the United States on human rights issues of common concern, while the EU should act fully independently in order to be effective and credible;

.....

49. Instructs its President to forward this resolution to the Vice-President of the Commission/High Representative of the Union for Foreign Affairs and Security Policy, the governments and parliaments of the Member States, the UN Security Council, the UN Secretary-General, the President of the 64th General Assembly, the President of the UN Human Rights Council, the UN High Commissioner for Human Rights and the EU–UN Working Group established by the Committee on Foreign Affairs.

فصـــل ششم

خطرها برسرراه انتقال مؤسسان چهارم
مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

۱۷بهمن ۱۳۹۴

(قسمت سوم)

۱۴-سوءاستفاده از سازمانهای بین‌المللی برای اخلال و توقف انتقال و مقصر جلوه دادن مجاهدین

در ۳دههٔ گذشته، ما صدها بار هدف سوءاستفاده رژیم از سازمانهای بین‌المللی با انبوه دروغپردازی و لجن‌پراکنی بوده‌ایم. رژیم به‌منتهی درجه آنها را با کارزار شیطان‌سازی و با ردیف انبوهی شاهدان دروغین علیه مقاومت یک خلق در زنجیر به‌کار گرفته است تا فی المثل در زمینه حقوق‌بشر، نه فقط توجیه جنایتهایش مبادرت کند، بلکه جای جلاد و قربانی بالکل عوض شود. این سازمانها که فعلاً نمی‌خواهم اسم ببرم اما شما هیچ ابهامی در مورد هیچ‌یک از آنها ندارید و هر یک در مقطعی بخشی از پروژهٔ انهدام و نابودسازی مقاومت خلق ما به‌سود ارتجاع و استعمار بوده‌اند.

شاید راه درست برای هر جنبشی این بود که با این قبیل سازمانها وارد کنش و واکنش نشود، زیرا قانونمند به‌وسیله آنها بلعیده خواهد شد. کسب اطلاعات غیرمجاز، جاسوس‌پروری و انبوه گزارشها و پرونده‌سازیهای دروغین، گویای همین حقیقت است؛ اما اگر با سازمانهای بین‌المللی و کسانی که از قبیل کوبلر به‌خون شما تشنه‌اند، نشستید و وارد زد و خورد شدید، آن وقت دیگر باید استخوان خرد کنید. باید به‌طور شبانه‌روزی در آماده‌باش و حالت

شکنجهٔ روانی از جانب طرف مقابل باشید. چرا که "خرمن کوفتن" کار هر کس نیست...

همه می‌دانیم که مأموران کوبلر برای شکار طعمه و جاسوس‌پروری، قرارهایی از هتل مهاجر برای ساکنان لیبرتی می‌آوردند تا در پشت کلینیک عراقی یا نقاط دیگر، طعمهٔ خود را دیده و به‌شکار آن بپردازند. این ترفند کثیف را بارها برادرانمان با جزئیات افشا کردند. ارتباط مستمر و دائمی و ملاقاتهای ۵ساعته کوبلر با پاسدار دانایی‌فر سفیر رژیم نیز به‌وسیلهٔ طاهر بومدرا فاش شده و چیز پنهانی نیست. ملاقاتهای کوبلر با مزدوران و جاسوسان محلی از قبیل قربانعلی حسین‌نژاد و با مأموران گشتاپوی دینی که از تهران فرستاده می‌شدند از قبیل مزدور ابراهیم خدابنده را خودمان در سال ۹۱ بعد از سنگباران مجاهدین در اشرف، توسط مزدوران و زخمی شدن برادرانمان، از جمله مجاهد شهید حسن جباری، افشا کردیم.

National Council of Resistance of Iran
شورای ملی مقاومت ایران

ملاقات مأمور گشتاپوی ملایان با کوبلر و گفتگو درباره سرنوشت مجاهدین

دخالت دادن رژیم آخوندی در پرونده ساکنان لیبرتی و اشرف، یک اقدام مجرمانه و شایان پیگرد قضایی است

تحقیقات مشترک پنتاگون و کنگره آمریکا دربارهٔ وزارت اطلاعات ملایان در مورد ۳تن از مأموران گشتاپوی فاشیسم دینی به‌نامهای ابراهیم خدابنده، مسعود خدابنده و زنی به‌نام ان سینگلتون خاطرنشان کرده است که دو برادر مزبور قبلاً عضو سازمان مجاهدین خلق ایران بوده‌اند اما «در ۱۹۹۶مسعود خدابنده تصمیم به‌ترک سازمان گرفت. بعد با ان سینگلتون ازدواج کرد و به‌فاصله کمی بعد از ازدواج، وزارت اطلاعات با تهدید به‌این‌که اموال گسترده مادر خدابنده را در تهران ضبط می‌کند، آنها را مجبور به‌همکاری نمود. آنگاه سینگلتون و خدابنده پذیرفتند برای وزارت اطلاعات کار کنند و علیه مجاهدین خلق جاسوسی نمایند. در ۲۰۰۲ سینگلتون در تهران با عوامل وزارت اطلاعات که نسبت به‌سابقه او علاقمند بودند، ملاقات کرد... آموزشها و تعلیمات وزارت اطلاعات را فراگرفت و پس از بازگشت به‌انگلستان در زمستان ۲۰۰۲ سایت ایران اینترلینک را راه‌اندازی کرد... در سال ۲۰۰۴ سینگلتون بالاخره برادر همسر خود به‌نام ابراهیم را بعد از این‌که در سوریه دستگیر و از سوریه به ایران فرستاده شده بود، ملاقات کرد. سرانجام وزارت اطلاعات ابراهیم را هم مجبور به‌همکاری نمود».

تحقیقات پنتاگون و کنگره تصریح می‌کند: «دولت ایران مجاهدین خلق را سازمانی ارزیابی می‌کند که بیشترین تهدید را برای آن ایجاد کرده است. یکی از اصلی‌ترین مسئولیتهای وزارت اطلاعات، انجام سلسله عملیات مخفی

علیه مجاهدین خلق و شناسایی و از بین بردن اعضای آنست».

ابراهیم خدابنده همان مأموری است که خبرگزاری حکومتی ایسنا به‌نقل از او نوشته بود: «ملاقاتی با کوبلر نماینده سازمان ملل در عراق داشتم که ایشان گفتند در قرارگاه لیبرتی با حدود ۱۰۰نفر از اعضای سازمان صحبت کردیم و از آنها پرسیدیم که می‌خواهید از سازمان خارج شوید؟ آنها گفتند نمی‌خواهیم خارج شویم و می‌خواهیم در سازمان بمانیم.

من به‌ایشان گفتم مطمئنید آن افرادی که با آنها صحبت کرده‌اید اصلاً می‌دانند خارج از سازمان یعنی چه؟ کسی که ۲۰سال در اشرف بوده است، چه ایده‌ای خارج از سازمان می‌تواند داشته باشد و کسی که ۲۰سال یک فضای جهنمی نسبت به‌خارج از سازمان در ذهنش ایجاد شده مشخص است که با ۱۰دقیقه حرف زدن نمی‌تواند از سازمان خارج شود».

گفتگوی مارتین کوبلر با مأموران گشتاپوی رژیم ایران دربارهٔ سرنوشت پناهندگان ایرانی، یک اقدام مجرمانه و نقض آشکار قانون پناهندگی و قابل پیگرد قضایی است.

مقاومت ایران از این پیش‌تر، بارها به‌کوبلر هشدار داده و هر گونه دخالت دادن رژیم ایران را از جمله در ۱۸اردیبهشت ۹۱، همزمان با سفر کوبلر به‌تهران «نقض آشکار بسیاری از معاهدات و قوانین بین‌المللی» اعلام کرده است.

روز ۲۲اردیبهشت دبیرخانهٔ شورای ملی مقاومت ایران اعلام کرد: مأموران اطلاعات آخوندها «روز ۱۹اردیبهشت زیرعنوان انجمن نجات، با آقای کوبلر، در هتل لاله تهران ملاقات کردند و خواستار استرداد گروهی از ساکنان اشرف به‌رژیم آخوندی شدند... نمایندهٔ ویژه هم‌چنین با شماری از عوامل وزارت اطلاعات زیر عنوان خانوادهٔ ساکنان اشرف دیدار کرده و با نمایندگان صلیب‌سرخ بین‌المللی در تهران، موضوع خانوادهٔ ساکنان اشرف و لیبرتی را مورد بحث قرار داد».

قبل از آن در روز ۵اردیبهشت (۲۴آوریل ۲۰۱۲) مشاور امنیتی مالکی، در تلویزیون دولتی العراقیه پس از بازگشت از تهران و دیدار با سلیمانی، سرکرده نیروی تروریستی قدس گفت: «آقای مارتین کوبلر، مباحثات

مفصّلی با طرف عراقی و طرف ایرانی داشته است، چه از طریق سفارت ایران یا از کانالهای ارتباطی دیگر با طرف ایرانی مباحثاتی داشته است تا الزامهای اجرای تفاهمی را فراهم کند که بین او و عراق برای بستن قرارگاه اشرف و پایان دادن به‌حضور سازمان در خاک عراق طی سال جاری مورد تفاهم قرار گرفته است. آن‌چه مورد بحث قرار گرفت، شامل مکانیزمها و نقش ایران در انجام آن‌چه باید در حل این مشکل انجام دهد بود».

علاوه بر این در ۱۶مهر (۷اکتبر ۲۰۱۲) پاسدار دانایی‌فر سفیر رژیم ایران در عراق، از فرماندهان نیروی قدس در تلویزیون حکومتی عراق گفت: «من امروز جلسه‌یی را با آقای کوبلر نماینده سازمان ملل که مسئول این پرونده در بغداد است، داشتم بحثهای مفصّلی توی این زمینه داشتیم و توقّعات ما در این جلسه مطرح شد». سفیر ملایان در ۲و ۴بهمن سال گذشته (۲۲و ۲۴ژانویه ۲۰۱۲) نیز از گفتگوهای مشابهی خبر داده بود.

یک مقام ارشد مستعفی یونامی در جلسه استماع در کنگره آمریکا، در ۲۳شهریور (۱۳سپتامبر۲۰۱۲) تحت سوگند شهادت داد: «من به‌تأکید در اینجا تأیید می‌کنم که یونامی هیچ استقلالی ندارد. زیرا هر موضوع مربوط به‌اشرف در نخست‌وزیری عراق و گاهی اوقات در سفارت ایران در بغداد تصمیم‌گیری می‌شود».

کمیتهٔ بین‌المللی در جستجوی عدالت در ۲۸مهر (۱۹اکتبر ۲۰۱۲) در این باره به‌دبیرکل نوشت: «گفتگو با رژیم ایران در مورد اعضای اپوزیسیون... فی‌نفسه یک اقدام مجرمانه است».

کمیتهٔ بین‌المللی در جستجوی عدالت تصریح کرد: «ارتباطات نمایندهٔ ویژهٔ دبیرکل در عراق با نمایندگان رژیم ایران در مورد مخالفان ایرانی نتایج حفاظتی و امنیتی وخیمی دارد و راه را برای سومین کشتار ساکنان هموار می‌کند که بدون تردید برای نماینده ویژهٔ دبیرکل و ملل متحد الزام قضایی خواهد داشت».

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران

۱۸ دی ۱۳۹۱ (۷ ژانویه۲۰۱۳)

حمله مزدوران وزرات اطلاعات رژیم آخوندی به مجاهدان اشرف در روز ۳مهر۱۳۹۱ (۲۴سپتامبر۲۰۱۲)

مزدور قربانعلی حسین نژاد

درهم شکستن اشیاءدرحمله مزدوران و ماموران

مجاهد مجروح حسن جباری

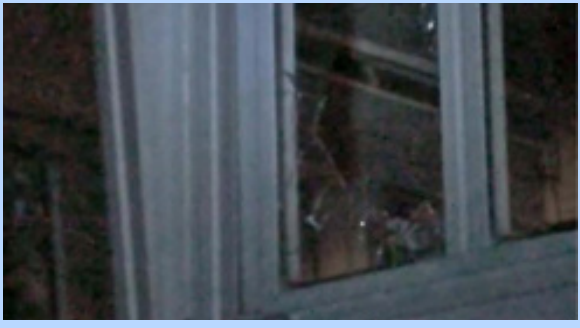

بنگال مورد تهاجم

جاسوسی و همکاری قربانعلی حسین نژاد با قاتلان عراقی و مأموران نقابدار نیروی تروریستی قدس (۲۴سپتامبر۲۰۱۲)

دادن اطلاعات به حیدر عذاب(قاتل ساکنان اشرف در ژوئیه۲۰۰۹و آوریل۲۰۱۱)

همکاری با مأمور نقابدار نیروی تروریستی قدس

در اضلاع اشرف همراه با سایر مأموران اطلاعات ملایان

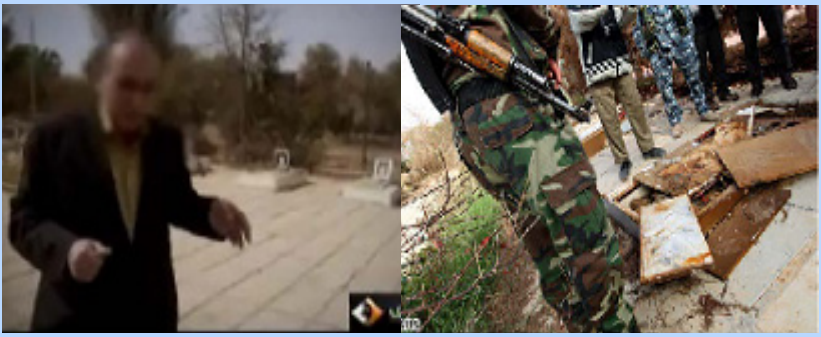

تخریب قبرهای مجاهدین دراشرف وانتشار تصاویر در تلویزیون دولتی رژیم ایران و خبرگزاری سپاه پاسداران

مزار خانم فاطمه عضدانلو(مادر خانم مریم رجوی) در اشرف

دیدار مخفیانه و همکاری با قاتل شناخته شدهٔ مجاهدین صادق محمد کاظم تحت تعقیب در دادگاه اسپانیا در کمپ لیبرتی(۲۵آوریل۲۰۱۲)

اما منظور من از این مثالها و یادآوریها که دهها و صدها نمونه آن را به‌یاد می‌آوریم و اسناد آن هم موجود است، تکرار مکررات پیشین نیست. بلکه می‌خواهم توجه شما را به‌این جلب کنم که رژیم از طریق عوامل نفوذی یا خریداری شده خود، در سازمانهای بین‌المللی که تعداد آنها کم نیست، پیوسته درصدد اخلال در کار ما، توقف روند انتقال و انداختن تقصیرش به‌گردن خود ماست. طعمه‌یابی و شکار طعمه هم پیوسته موزیک متن و روش جاری ارکستر هماهنگ حضرات بوده است.

در این رابطه بسیاری از شما در جریان لیست ۱۰۹نفرهٔ گزینشی انتقال هستید که از ابتدای امسال قصد تحمیل آن را به‌ما داشتند. کارزاری که وقت خیلی زیادی گرفت و مجاهدین به‌قاطعانه‌ترین صورت با آن مقابله کردند. این لیست که بحث جداگانه و مبسوط دیگری می‌طلبد، دستپخت مشترک سازمان ملل با طرف آمریکایی و کمیتهٔ سرکوب و سفارت رژیم بود. مجاهدین به‌آن"لیست طعمه" می‌گفتند.

"سجاد" وزارتی (کیانمهر) با گزارشهای بریده مزدوران و دعاوی به‌اصطلاح خانواده‌های ساکنان، این اسامی را تحت عنوان بریدگانی که به‌زور و اجبار در لیبرتی نگه‌داشته شده‌اند، به‌جریان انداخته و آن طرفهایی را که گفتم، جلو انداخته بود. به‌نحوی که وقتی برادرانمان نامه می‌نوشتند و توطئه را افشا می‌کردند، نمایندهٔ کمیساریا می‌آمد توی قرارگاه حتی سرزده داخل بنگالها و محل استراحت می‌شد، تا تست کند و مطمئن شود که نامه را، امضاکننده، خودش نوشته است. برخی را هم صدا می‌زدند آن طرف دیوار در دفتر کمیساریا تا "خصوصی" صحبت کنند، اما مجاهدینش مطلقاً به‌این قبیل کارهای "خصوصی" در آن طرف دیوار تن ندادند و گاه آن‌قدر برمی‌آشفتند که مشاوران حقوقی باید می‌رفتند و آنها را آرام می‌کردند. از این مورد می‌گذریم...

در مورد عملکرد برخی عناصر در سازمانهای بین‌المللی، قسمتهایی از نامه سال گذشتهٔ برادرمان بهنام به‌مسئول حفاظت بین‌المللی کمیساریا را که از معاونان ارشد کمیسر عالی است یادآوری می‌کنم تا نیاز به‌هیچ توضیح دیگری نباشد.

نامهٔ زیر که برای نمایندهٔ ساکنان و مشاور حقوقی در لیبرتی هم رونوشت فرستاده شده بود و مفاد آن از هر بابت گویاست.

Letter

M. Mohaddessin

To:turk@unhcr. org

Cc:

Janice Lyn Marshall [marshalj@unhcr. org]; coutroub@unhcr. org; baraei. mehdi@pmoi-ir. org; bssaffari@gmail. com

Thursday, October 16, 2014 1:28 PM

Dear Mr. Türk

I am writing this letter to bring to your attention some instances of the manner that UNHCR staff have approached Camp Liberty residents in the recent days that are most harassing and cause of great concern and to request your intervention for them to stop such approach. These actions is to the detriment of residents' trust for the UNHCR and negatively affect their thorough cooperation with the UNHCR.

On Monday, October 13, one of the residents was called to the UNHCR office and a UNHCR agents told him that he may tell them whatever he wishes and that this will remain confidential. He was also given the phone number of his brother who a while ago went to Mohajer Hotel in Baghdad (this hotel is under the control of the Iranian regime Intelligence Ministry). He was told that he may talk with his brother on the phone. This conduct by the UNHCR met strong protest on part of this resident who asked the UNHCR not to send for him anymore and stop conveying messages from his brother.

In yet another example on this same day, UNHCR calls for Mr. Parviz Nazari to refer to the UNHCR office. When he returned from this interview he wrote a protest letter to the United Nations, a copy of which he also sent to me. In this letter he says:

"The interviewer told me that the reason that I have been called is the fact that the UNAMI monitoring team, during its visit around the Camp, has reported that I (me) have private problems that I want to share with the monitoring team. Actually, on September 28, 2014, I met Mr. Rueben and shared the daily problems I face due to the siege imposed on the camp and harassment carried out by Iraqi forces. I told him that this camp was designated as TTL but it has been turned into prison. I don't know what kind of problems the interviewer wanted to listen hear from me, but strangely, when I started to explain my problems, he didn't listen to me anymore…. He said that he is a simple agent and the interview is finished.

I have strong objection to such behavior, for changing the realities and the truth, and for calling me with a special agenda. I also object to the way the monitors work as they were not concerned to hear my real problems instead they are perusing pursuing other objectives that would fit the Iranian regime's aim? I also object to this kind of carrying out interviews ".

Regarding these conducts that severely hurt residents' trust there are a few points that I would like to bring to your attention.

1-These referrals to residents are taking place while the residents' legal advisor and representative and I have informed the UNHCR and the United Nations both verbally and in writing on numerous occasions that anyone who cannot tolerate Camp Liberty conditions that General James Jones, the first National Security Advisor to President Obama, described as worse than Guantanamo (CNN, 11 March 2012), he/she may leave Camp Liberty at any time he/she wishes.

On December 21, 2012, I wrote on this matter to the High Commissioner that" we have repeatedly said to the UNHCR' people in Geneva and Liberty that the residents are all free to leave the Camp Liberty at any time they wish with or without informing the camp representatives or Mojahedin's officials to go to the UNHCR, UNAMI or the GoI. UNHCR at Liberty is very well aware of the fact that the People's Mojahedin Organization of Iran (PMOI) announces to all the residents every other months, as it did few weeks ago, that if they cannot tolerate difficult situation of the Camp, could freely leave Camp Liberty with no difficulty or moral impediment. You may be aware that over this

period a limited number have left the camp to go to Iraqi forces. The PMOI even gives them financial aids to enable them to pay for their expenses. "

2-This sort of referrals, especially passing on messages from those who have been transferred to Mohajer Hotel and irrespective are under the control and supervision of the Quds Force (QF) and the Ministry of Intelligence (MOIS) , is cause of concern for the residents. You are certainly aware of the machination by the mullahs' regime and its proxies in Iraq such as Maliki to get individuals to cooperate with the suppressive forces in the massacre of the PMOI members. An example of this was Bahman Afrazeh (Masoud Dalili) who left Ashraf in September 2011 and went to Mohajer Hotel and was recruited by the QF and MOIS. He was the one who guided the Iraqi assaulting force that attacked Ashraf on September 1, 2013. Had this agent who was familiar with Ashraf buildings and layout not been along, the number of the residents killed would have been markedly less than 52. At the end of the assault and to erase the evidence, the criminal attackers kill this agent and burn his face with acid so that he may not be identified.

3- As you are informed and as we have numerously stated and written to you, the UNAMI Human Rights headed by Francesco Motta (who was appointed to this position by Kobler) is conducting a demonizing campaign against Camp Liberty residents and the PMOI. It passes on falsified reports to the Secretary-General and other UN bodies, as well as to the U. S. government and other pertinent parties. These reports pave the way for bloodletting and massacre of the residents and we are following this matter on legal grounds. It was a while ago that we talked over this matter in Geneva and I referred to the role of Francesco Motta in passing on totally distorted and biased materials to the UNAMI and UNSG reports. You concurred as well that these reports were false and inaccurate. In his letter dated 26 May 2014, copies of which were also sent to you and the High Commissioner, the residents' representative Mr. Baraei wrote: "I wish to let you know that many residents have recently complained about the UNAMI monitors' attitude over past few weeks …. Such an attitude is a reminder of monitors' attempts for preparing distorted reports against the residents when Martin Kobler was SRSG for Iraq. "

Two months later, in another letter on July 26, 2014 that was sent to the High Commissioner, residents' legal advisor strongly protested the suspicious behavior of people from the UNAMI Human Rights section.

Dear Mr. Türk

This attitude that is similar to that at Kobler's time in effect serves the religious fascism ruling Iran and its intelligence ministry and is thus improper for the UNHCR. It is a blow to the residents' trust and shall negatively affect their cooperation. You do remember how hard we tried from Paris to get the residents to continue with their interviews at the UNHCR office outside Camp Liberty in the conditions after the September1 massacre in Ashraf and during the 108-day hunger strike and while Camp Liberty was under rocket attack. You recall the great volume of protest letters by the residents and their lawyers against the behavior of Kobler and his colleagues.

Therefore, given the well intentions of the High Commissioner and yourself for a peaceful resolution of the issues of Camp Liberty residents, it is my request that you advise the UNHCR people at Camp Liberty to end this kind of conduct and to keep themselves away from the machination of the Iranian regime that has so far led to six bloodbaths in Ashraf and Liberty.

Finallt, you know that after 14 years of investigations on all the allegations and the demonizing and machinations by the Iranian regime against the PMOI where many of the mullahs' intelligence agents, including a number of those in Mohajer Hotel, were employed, the French judiciary declared void all charges and ended the prosecution. This dismissal Order, therefore trashes all the demonizing scenarios that I alluded to above. It is indeed high time to end the suppression and the prison-like conditions at Camp Liberty and to revoke the anti-human siege, especially the medical blockade that has led to twenty-one deaths so far.

Best Regards

M. Mohaddessin

پنجشنبه۲۴ مهر(۱۶اکتبر ۲۰۱۴)

من این نامه را می‌نویسم تا برخی از برخوردهای افراد کمیساریا با ساکنان لیبرتی را در روزهای اخیر که بسیار آزاردهنده و نگران‌کننده است، با شما در میان بگذارم...

روز دوشنبه ۱۳اکتبر یکی از ساکنان به‌دفتر کمیساریا فراخوانده شد و یک مأمور کمیساریا به‌او می‌گوید تو هر چه می‌خواهی می‌توانی به‌ما بگویی و این محرمانه باقی می‌ماند و شماره تلفنی از برادرش که مدتی پیش به‌هتل مهاجر در بغداد (تحت کنترل وزارت اطلاعات رژیم ایران) رفته بود را به‌او می‌دهد... این برخورد کمیساریا با اعتراض شدید فرد مزبور مواجه شده و از کمیساریا می‌خواهد دیگر در این باره او را صدا نکنند.

در یک نمونهٔ دیگر در همین روز کمیساریا یکی دیگر از ساکنان را به‌دفتر کمیساریا صدا زد. او در بازگشت از این مصاحبه در یک نامه اعتراضی به‌ملل متحد که نسخه‌ای از آن برای من نیز فرستاده نوشته است:

«مصاحبه کننده به‌من گفت مانیتورینگ‌های یونامی که در لیبرتی گشت می‌زنند، گفته‌اند که تو حرف خصوصی داری و برای این تو را صدا زده‌ایم. من در تاریخ ۲۸سپتامبر ۲۰۱۴ در کمپ با آقای روبین از تیم مانیتورینگ یونامی صحبت کرده بودم به‌او مشکلاتم در این کمپ را گفته بودم که در این کمپ تحت محاصره نیروهای عراقی هستیم و ما را اذیت می‌کنند؛ کمپی که اسم آن تی.تی.ال بوده به‌زندان ما تبدیل شده است. من نمی‌دانم که مصاحبه‌کننده دنبال شنیدن چه حرفهایی از من بود که وقتی من شروع به‌گفتن مشکلات کمپ و محاصره ضدانسانی کردم، دیگر گوش نمی‌داد، وقتی من اعتراض کردم و گفتم که به‌وکیلم می‌گویم گفت که من یک مأمور هستم این گزارش به‌من داده شده و اگر حرفی نداری تمام است. من به‌این نحوه گزارش‌دهی که قلب واقعیت می‌کند و این‌گونه برای مصاحبه صدا زدن که هدف آن روشن است و به‌نحوه کار مانیتورینگ‌های یونامی که دنبال این نیستند که مشکلات واقعی مرا بشنوند و در عوض می‌خواهند اهداف دیگری که خواسته رژیم ایران است را دنبال کنند، اعتراض و شکایت دارم زیرا وقتی داشتم مشکلاتم را در لیبرتی می‌گفتم مصاحبه‌گر دیگر گوش نمی‌داد و گفت تمام است».

در ارتباط با این رویکردها که به‌شدت اعتماد ساکنان را خدشه‌دار می‌کند، مایلم چند نکته را به‌اطلاع شما برسانم.

۱- این مراجعات در حالیست که مشاور حقوقی و نماینده ساکنان و خود من پیش از این بارها به‌صورت مکتوب و شفاهی به‌کمیساریا و سازمان ملل اطلاع داده‌ایم هر فردی که نمی‌تواند شرایط لیبرتی را که به‌گفته ژنرال جیمز جونز اولین مشاور امنیتی پرزیدنت اوباما بدتر از گوانتانامو است[۳۳] تحمل کند **هر زمان که خواست می‌تواند لیبرتی را ترک کند.**

در همین رابطه من در ۲۱دسامبر ۲۰۱۲ برای کمیسر عالی نوشتم:

"ما بارها به‌همکاران شما در ژنو و لیبرتی گفته‌ایم که همگان آزادند هر زمانی که خواستند با اطلاع یا بدون اطلاع نمایندگان کمپ یا مسئولان مجاهدین، لیبرتی را ترک کنند و به‌نزد کمیساریا یا یونامی یا دولت عراق بروند. همکاران شما در لیبرتی به‌خوبی می‌دانند که سازمان مجاهدین هر چند ماه و از جمله چند هفته قبل، به‌ساکنان اعلام می‌کند هرکس که می‌خواهد، آزادانه و بدون هیچ محذور اخلاقی لیبرتی را ترک کند... سازمان مجاهدین حتی به‌این افراد برای تأمین هزینه زندگیشان کمک می‌کند".

.....

چنان که می‌دانید و ما پیش از این بارها برای شما نوشته و گفته‌ایم، دستگاه حقوق‌بشر یونامی که توسط فرانچسکو موتا که منصوب کوبلر است اداره می‌شود، یک کارزار شیطان‌سازی علیه ساکنان لیبرتی و سازمان مجاهدین را پیش می‌برد و گزارشهای دروغ به‌دبیرکل و دیگر مراجع ملل متحد و هم‌چنین به‌دولت آمریکا و طرفهای ذی‌ربط دیگر می‌دهد؛ این گزارشات زمینهٔ خون‌ریزی و کشتار ساکنان را فراهم می‌کند و ما به‌طور حقوقی این موضوع را تعقیب می‌کنیم. من چندی پیش این موضوع را در ژنو نیز حضورا با شما در میان گذاشتم و نقش فرانچسکو موتا را در درج مطالب سراپا مخدوش و مغرضانه در گزارشهای یونامی و دبیرکل، با شما

۳۳- تلویزیون سی.ان.ان ۱۱مارس ۲۰۱۲

در میان گذاشتم. گزارشهایی که شما نیز نسبت به‌عدم صحت و دقت آن اذعان داشتید...

این رویکردها که مشابه زمان دوران کوبلر است عملاً در خدمت به‌فاشیسم دینی حاکم بر ایران و وزارت اطلاعات آن است و در شأن کمیساریا نیست و ضربه به‌اعتماد ساکنان است و روی همکاری آنها تاثیرات منفی می‌گذارد. شما به‌خاطر می‌آورید که ما از پاریس، ساکنان را با چه تلاش فشرده و گسترده‌ای در شرایط بعد از قتل‌عام اول سپتامبر در اشرف و حین اعتصاب‌غذای ۱۰۸روزه و در شرایطی که لیبرتی مورد حملات موشکی قرار داشت، به‌از سرگرفتن مصاحبه‌ها در دفتر کمیساریا در خارج از لیبرتی متقاعد کردیم. شما پیش از این از انبوه نامه‌های اعتراضی ساکنان و وکلای آنها در اعتراض به‌این‌گونه رویکردهای کوبلر و همکاران او مطلعید. لذا با توجه به‌حسن‌نیت کمیسر عالی و شخص شما در حل مسالمت‌آمیز مسائل ساکنان لیبرتی، از شما می‌خواهم به‌افراد کمیساریا در لیبرتی توصیه کنید که به‌این‌گونه برخوردها پایان دهند و خود را از سناریوهایی که رژیم ایران در پشت آنها قرار دارد و پیش از این باعث ۶حمام خون در اشرف و لیبرتی شده است، دور نگه دارند.

نهایتاً شما می‌دانید قضاییهٔ فرانسه ماه گذشته بعد از ۱۴سال تحقیقات در مورد کلیهٔ اتهامات و شیطان‌سازیها و سناریوهای رژیم ایران علیه سازمان مجاهدین خلق ایران را که بسیاری از مزدوران اطلاعات آخوندها، شامل برخی از افراد هتل مهاجر در آن به‌عنوان شاهد به‌کار گرفته شده بودند، باطل و حکم منع تعقیب صادر کرد. به‌این ترتیب دیگر جایی برای سناریوهای شیطانی رژیم ایران که فوقاً اشاره کردم باقی نمی‌ماند.

برخی از شما در جریان هستید که یکی از ترفندهای اطلاعات آخوندی در نامه‌نگاری از هتل مهاجر به‌لیبرتی، استفاده از جوهر و نوشته‌های نامریی در لابلای نامه‌های عادی و به‌اصطلاح خانوادگی برای

کسب اطلاعات و "تماس در زمان مناسب" با شیوه‌هایی بود که در اطلاعیه‌های کمیسیون امنیت فاش شده است.

۱۵-بازیچه قرار دادن انترپل علیه مجاهدین و مقاومت ایران

پلیس بین‌الملل یا انترپل، یکی دیگر از سازمانهای بین‌المللی مشابه صلیب سرخ یا یونامی و سازمان ملل است که تا منتهی درجه بازیچهٔ رژیم قرار گرفته است.

صورت مسأله این است که رژیم آخوندی به‌صورت فله‌یی و مانند علف خرس از برگه‌های قرمز انترپل علیه مخالفانش استفاده کرده و آنها را به‌انواع و اقسام اتهامات و جنایتها در داخل ایران متهم می‌کند. این کاری است که رژیم به‌طور فراوان، از سال ۲۰۰۰ دربارهٔ مجاهدین و اعضای شورای ملی مقاومت ایران انجام می داد. البته بهایی نداشت، اما در مسافرتها و عبور از مرزهای زمینی و هوایی دردسرساز می‌شد. موضوع هم به‌یک یا ۱۰ یا ۲۰ یا ۱۰۰فقره ختم نمی‌شود و تا آنجا که ما می‌دانیم ای بسا که تا آن روز به‌صدها فقره رسیده باشد. هر چند که وکلا با تلاشهای بسیار، تعدادی از آنها را به‌دلیل اثبات تقلب رژیم خنثی و منتفی یا بلوکه کرده‌اند؛ والاّ مجاهدین در خروج از عراق علاوه بر احکام دستگیری از جانب قضاییه عراق برگه‌های قرمز انترپل برای بازداشت هم جلوشان بود و نمی‌توانستند خارج شوند.

ملخص التهمة :

بـــتأريخ ٢٠٠٠/٣/١٤ شـــارك ضمن مجموعة مسلحة شنت هجوما" بمدافع الهاون على مجمع سكني .

الاســـــــماء :

١. مسعود رجوي

٢. فرشته يكانه

٣. زهرة شفيعي

٤. مهواش سبهري

٥. مهناز سليماني

٦. حكيمة سادات نزاد

٧. دولت نوروزي منكلي

٨. زهرة مريخي أهنكر كولئي

٩. نيكو خيفي آشكزاري

١٠. مهري حاج نزاد

١١. فاطمة داوران

١٢. ليلى دشتي

١٣. معصومة بولو رشتي

١٤. فهيمة آرواني

١٥. علي أفشار كبيري حسيني

١٦. مشكان أمير برسائي

١٧. علي رضا أمام جومي

١٨. أمير زارعي

ملخص التهمة :

بـــتأريخ ٢٠٠٢/٢/٥ كان عضوا" في مجموعة مسلحة شنت أعـــتداءا" بقذائف الهاون على مجمع سكني ومطبعة ، قتل أثناءه رجل وجرح أشخاص آخرين .

الأســـــــماء :

١. مريم قاجار عضد أنلو

٢. جلال كنجئي

٣. سهيلة شعباني

٤. بارنيان سرامد

٥. سيد محمد سيد المحدثين

٦. محمد حيابي

٧. يزدان حاج حمزة

٨. برويز خزائي

٩. محمد إبراهيم مازندراني

١٠. بهزاد نظيري

١١. عزيز آله باكين زاده

١٢. صالح رجوي

١٣. آزاد رضائي

١٤. حميد رضا أسحاقي

١٥. زهرة عطار نفر

١٦. محمود قاجار عضد أنلو

ملخص التهمة :

بـــتأريخ ١٩٨١/٩/٥ قـــام بوصفه عضو في مجموعة مسلحة بأطلاق النار على مواطن إيراني فقتله .

الأســـــــماء :

١. شهرزاد صدر حاج سيد جوادي

٢. أحمد شكراني

٣. جعفر طهراني

٤. قدسي خرساني

٥. فائزة حيات هيمساري

٦. فرهاد ألفت

٧. عباس علي داوري فيض بور آذر

٨. مهين أبريشمجي

٩. كبرى طهماسبي

ملخص التهمة :

بـــتأريخ ١٩٨١/١٠/٢٤ كان ضمن مجموعة مسلحة أطلقت النار على رجل فقتلته .

الأســـــــماء :

١. بهشته شادرو

٢. عذرا علوي طالقاني

٣. ميترا باقر زاده

٤. بتول رجائي

٥. محمد عطائي كاريزي

رسوایی بین المللی بی سابقه رژیم آخوندی در شصتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد

گفتگو با بازرگانی، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت

ترفند سخیف رژیم علیه هیأت مقاومت ایران در کمیسیون حقوق بشر رسوایی بیشتری برای آخوندها به بار آورد

● سیل از ۳۰ سازمان غیردولتی مدافع حقوق بشر وارد‌اته دو نومار یکی خطاب به مدیرکل ملل متحد در ژنو و دیگری خطاب به رئیس کمیسیون حقوق بشر اقدام ننگین رژیم را به‌شدت تقبیح کردند.
● یک شخصیت برجسته ملل متحد در سوییس در جمعی از دیپلوماتهای ژنو به ما گفت: « جلوگیری دشمنان شما حتمی نیست، بهترین راه این است که آنرا تو و جنبش شما آنرا تو و دبوکراتیک رژیم آنهاست.»

در پایان اجلاس جاری کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ژنو، نمایندگان دائمی یا اتاق بغل نظری، عضو کمیسیون خارجه شورای ملی مقاومت و یکی از اعضای سابق شورا در مذاکره با سازمان حقوق بشری جهانی شناخته شده است.

● محبت را با این سلول شروع می‌کنیم که جز رژیم ایران بر خلاف معمول همه کشورها همه سابه پاسخ ارزی بیان نداشتن می‌کند که ادعاهای علت مقاومت ایران در زندان چیست؟

کمیسیون حقوق بشر مقابله کند و اسال ابن در دنیه مقاومت را تکرون نه تصویب ۱۵ قطعنامه توسط اوپزیسیون خودش در سحه کمیسیون حقوق بشر.

رژیم ایران در برابر افشای نقض حقوق بشر در ایران بطور عام و اعلام سالانه کمیسیون حقوقدان ملل متحد در ژنو بطور خاص همواره یکی از صحنه‌های جنگ و رویارویی مقاومت با این رژیم ضد بشری بوده و تاکنون نه تصویب ۱۵ قطعنامه توسط کنگره‌ای مخالف ملل متحد این رژیم وحشی که در سراسر جهان به نقض فزیکی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی متهم است، موفق شده بود که به این ترتیب از افشاگری‌های رژیم آخوندی در سطح بین‌المللی جلوگیری کند.

سال گذشته هم رژیم سعی کرده بود با این بهانه که نام دولت‌ها در لیست تروریستی است، مجلو ورود ما را به کمیسیون بگیرد، اما از آنجا که این پوچ‌ست هیچ‌گونه مبنای حقوقی نداشت و محصول یک زورنیه را رژیم آخوندی است و در اثر روشنگریهای مقاومت، سازمان ملل متحد به مقابر رژیم در ژنو پاسخ داد که نه این خارج کشور و در عرصه سیاسی و بین‌المللی علیه مقاومت ایران فعالیت می‌کند و در داخل کشور وحشیانه‌ایی است که در داخل کشور بربان دارد. اما رژیم آخوندها که از سالهای بعد از جنگ دوم ۱۲۰هزار عضو و هوادار یک جنبش اعلام نشده اند.

● اصال رژیم به چه شیوه‌ایی متوسل شد؟

آنها بفرط جدیدی روی آوردند. اطلاعات دقیق چند حفظ علیه مقاومت ایران و آن اعضای مقاومت ایران از جمله سه تن از اعضای هیأت مقاومت در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ژنو، تهیه کرده و به اداره پلیس بین‌المللی سوسیه به نام انتربول فرستادند تا بازداسه‌ها، حقو ورود را به کمیسیون بگیرند.

در اینجا لازم است که به اجمال اشاره کنم که سیستم انتربول هرگونه حکم سیاسی که از اینطرف یک دولت دریافت کند ثبت نمی‌کند و حتی اگر رژیم ایران به آنرو تقاضا خود آنرا بدهد، بدون این که در جریان محتوای این حکم و صحت و سقم آنها باشد، آنرا ثبت می‌کند. اما متاسفانه سخت کوتاهی مقاومت در صحه سیاستهای شاخه بود، خود را از این دیدگاه سنگین که تقاضای رژیم آخوندها در کشور سوییس می‌باشد، آگاه نکرد. اگاهی در رأس هیأت مقاومت ایران بدون بحوجه آورده بود برهاند.

اولین رأی صادر شده از سوی انتربول از گذشت این سالها از کارمندان ساده ملل متحد گرفته تا مقامهای عالیرتبه و سفرای کشورهای مختلف در ژنو و از جانب جهان آنکه تنگی که فرمگل از دامان این رژیم تروریس پاک نخواهد شد. این رأی صادر شده توسط انتربول که بر اساس همان اطلاعات مقاومت ایران بوجود آورده بود برهاند. تقاضا کرده بود که هیچ یک از این افراد نباید به کمیسیون بگیرد.

● محبت را با این سلول شروع می‌کنیم که جز رژیم ایران بر خلاف معمول همه کشورها همه سابه پاسخ ارزی بیان نداشتن می‌کند که ادعاهای علت مقاومت ایران در زندان چیست؟

کمیسیون حقوق بشر مقابله کند و اسال ابن در دنیه مقاومت را تکرون نه تصویب ۱۵ قطعنامه توسط اوپزیسیون خودش در سحه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد.

رژیم آخوندی که در چند هزار کیلومتری ژنو اتفاق افتاد، بلکه در یک محیط جهانی که همه رژیمها و مخالفانشان توانا حضور دارند، اعمال اپوزیسیون خودش را که مورد بی‌رحمت سرکوبی است که در داخل میهنش هیچ‌گونه امکان و آزادی برای بیان و فعالیت ندارد، آنقدر با وقاحت تمام تحریف کرد، که نمایندگان کشورهای مختلف را به خنده واداشت. از این قرار، سازمان ملل متحد که همواره از آن به عنوان مجلی برای بیان دیدگاه‌ها و مواضع مختلف استفاده می‌شود، به صحنه‌ای برای تحریف و دروغ‌پردازی تبدیل شده بود.

● واکنش سازمانهای غیردولتی نسبت به توطئه رژیم ایران در کمیسیون چگونه بود؟

در میانهای سازمان ملل متحد موضوع به حد نفر فراتر از موضع اقدام مشخص و حتی فراتر از موضع افشا است. این قضیه باعث شد که مجموعه سازمانهای غیردولتی که به موضوع حقوق بشر می‌پردازند، از روزنامه‌ها گرفته تا سازمانهای بین‌المللی، به‌طور گسترده‌ی به موضوع بپردازند. توجهات این روزنامه‌ها و سازمانها به موضوع اعضای اپوزیسیون حتی آن دسته از دیدگاه‌ها را که با رژیم ایران همراه بودند، تحت‌الشعاع قرار داد. این قضیه باعث شد که رژیم در جلسات سازمان ملل معرفی کرده بود، تحولات اصلی کمیسیون را دستخوش تغییر کند.

● آیا از آنجا که ماهیت این رژیم حتی برای دولتهایی که با آن تعاملات کلان اقتصادی دارند شناخته شده است و وحشی می‌داند، از صحنه بین‌المللی و جلوگیری از صحنه بین‌المللی و جلوگیری از فعالیت‌های رژیم در کشورهای خارجی به چه نیروها و حلقه‌هایی متوسل می‌شود. مخصوصا در مقابل کشور آلمان که رژیم از حضور فیزیکی و فعالیتهای علنی سفارت خود بسیار بهره می‌گیرد؟

● اصال رژیم به چه شیوه‌ایی متوسل شد؟

آنها بفرط جدیدی روی آوردند. اطلاعات دقیق چند حفظ علیه مقاومت ایران و آن اعضای مقاومت ایران از جمله سه تن از اعضای هیأت مقاومت در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد در ژنو، تهیه کرده و به اداره پلیس بین‌المللی سوسیه به نام انتربول فرستادند تا بازداسه‌ها، حقو ورود را به کمیسیون بگیرند.

در اینجا لازم است که به اجمال اشاره کنم که سیستم انتربول هرگونه حکم سیاسی که از اینطرف یک دولت دریافت کند ثبت می‌کند و حتی اگر رژیم ایران به آنرو تقاضا خود آنرا بدهد، بدون این که در جریان محتوای این حکم و صحت و سقم آنها باشد، آنرا ثبت می‌کند. اما متاسفانه سخت کوتاهی مقاومت در صحه سیاستهای شاخه بود، خود را از این دیدگاه سنگین که تقاضای رژیم آخوندها در کشور سوییس می‌باشد، آگاه نکرد. اگاهی در رأس هیأت مقاومت ایران بوجود آورده بود برهاند. تقاضا کرده بود که هیچ یک از این افراد نباید به کمیسیون بگیرد.

اولین رأی صادر شده از سوی انتربول از گذشت این سالها از کارمندان ساده ملل متحد گرفته تا مقامهای عالیرتبه و سفرای کشورهای مختلف در ژنو و از جانب جهان آنکه تنگی که فرمگل از دامان این رژیم تروریس پاک نخواهد شد. این رأی صادر شده توسط انتربول که بر اساس همان اطلاعات مقاومت ایران بوجود آورده بود برهاند. تقاضا کرده بود که هیچ یک از این افراد نباید به کمیسیون بگیرد.

● آیا از آنجا که ماهیت این رژیم حتی برای دولتهایی که با آن تعاملات کلان اقتصادی دارند شناخته شده است و وحشی می‌داند، از صحنه بین‌المللی و جلوگیری از صحنه بین‌المللی و جلوگیری از فعالیت‌های رژیم در کشورهای خارجی به چه نیروها و حلقه‌هایی متوسل می‌شود. مخصوصا در مقابل کشور آلمان که رژیم از حضور فیزیکی و فعالیتهای علنی سفارت خود بسیار بهره می‌گیرد؟

رژیم آخوندی، می‌توانند دیگر بسیار مورد توجه هیأتهای حاضر در کمیسیون قرار گیرند. در مقابله با حضور افراد اپوزیسیون خود در جلسات مختلف، رژیم همچنین تلاش می‌کند تا با حضور یکی جلسه، به صورت مستقیم و غیر مستقیم در جلسات کمیسیون حضور داشته باشد. این تلاشها، در حالی صورت می‌گیرد که تنها در سال گذشته، از این سازمان، ۱۵ قطعنامه علیه رژیم ایران صادر شده است.

● چه نیروهایی در کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، رژیم را در این اقدام سخیف حمایت کردند؟

رژیم در ژنو، از آن جهت موفقیت داشت که توانست با استفاده از عبارات عام الثور روزولت و آگاه ورنه کاسن (نویسندگان بیانیه جهانی حقوق بشر) ما «نمایندگان ملل متحد» کنون کمیته اعلام و حقوقی بشر که مجموعه با ایران اعضاء خود به حقوق انسانی بشر وجود و فعالیت پیشرفت اجتماعی و استقرار شرایط بهتر زندگی را به‌عنوان‌ابزار از آزادی پیشتر مستند.

بنابراین از مجموعه‌ای که که نسبت به ایران در مباحث عنوانها داشت شکل می‌گیرم و در انتظار خواندن پاسخ شما، عناصرشما، آقای مدیر عامل، احساسات صمیمانه خود را ابراز می‌داریم.

با احترام

- کمیسیون بین المللی حقوقدانان
- سازمان جهانی عفو بین‌الملل
- کمیسیون بین‌المللی از شکنجه
- سازمان بالا کس رومانیا
- فدراسیون بین‌المللی مدتیست ها
- بین الملل مدافعه
- بین الملل اصلاح حقوق جزا
- جنبش علیه الغا برسوی و حرکت دوستی خلقها
- جمعیت بین المللی برای حقوق و آزادی خلقها
- فدراسیون بین المللی جنبش های روستایان سیحی
- انتلاف بین المللی زنان
- انجمن آوپلایی حقوق بشر بین المللی و تطبیقی
- و ۵هشدای دیگر

نامه به رئیس کمیسیون حقوق بشر

در یک اقدام منقلبانه و سوءاستفادهٔ آشکار از مکانیسمهای بین‌المللی

رژیم ایران دست به جعل کامل «احکام دستگیری بین‌المللی» علیه چند مخالف زده است که به‌خاطر فعالیتهای مسالمت‌آمیزشان به‌نفع حقوق بشر به‌خوبی شناخته شده اند

ملاحظات دیگار است
رئیس شعبهس اجلاس کمیسیون حقوق بشر
کاخ ملل - ژنو

یکبار دیگر، گزارشهای متقل انقول سازمان ملل متحد و سازمانهای بین المللی مدافع حقوق بشر حاکی از ادامهٔ موارد نقض و رخیم انقض بسابقهٔ وضعیت حقوق بشر در ایران هستند. یک قطعنامه جدید که در تاریخ ۲۶ مارس ۲۰۰۳ توسط مجمع عمومی ملل متحد در نیویورک به تصویب رسیده است، این وضع را تأیید می کند.

در این وضعیت، سازمانهای غیر دولتی اعتراض شدید خود را علیه ممنوعیتی که بیرو یک اقدام به عمل آمده توسط رژیم تهران، علیه چند مدافع حقوق بشر برای ورود به صحن ملل متحد و شرکت در اجلاس جاری کمیسیون حقوق بشر اعمال شده است، ابراز داشته اند. این اقدام که پیرو درخواست سفیر جمهوری اسلامی ایران به عمل آمده است، موجب یک نگرانی عمیق در بین تمامی سازمانهای غیر دولتی شده است.

در واقع، در کنار یک اقدام منقلبانه و سوء استفادهٔ آشکار از مکانیسمهای بین المللی، رژیم ایران دست به جعل کامل «احکام دستگیری بین المللی» علیه چند مخالف زده است که به خاطر فعالیتهای مسالمت آمیزشان به نفع حقوق بشر به خوبی شناخته شده اند و بعضی از آنها اتباع کشورهای غربی به تمام معنی هستند.

تا آن جا که به «احکام دستگیری بین المللی» مورد بحث برمی گردد که صدور فتوای مرگ برای بعضی از افراد مربوط را مورد تأیید قرار می دهند، این احکام به طور رسمی در نزد دفتر مرکزی انتربول به ثبت رسیده اند تنهایی که امکان تحقیق در مورد صحت اطلاعات دریافتی و اجرای این ارتداد را ندارد. لذا، آنها را به کشورهای عضو انتقال داده و به هر یک از آنها امکان به اجرا گذاشتن آنها را داده اند و هر یک از آنها امکان به اجرا گذاشتن آنها را داده اند.

در حالی که که سوییس، کشور میزبان ملل متحد، هماند کشورهای محل اقامت افراد موضوع احکام دستگیری بین المللی، صادره توسط مقامات تهران، هیچ یگرد و اقدامی علیه این افراد انجام نگرده اند، این بسیار نگران کننده است که می بینیم که دستگاه اداری سازمان ملل متحد در ژنو و دبیرخانهٔ کمیسیون حقوق بشر و هم چنین قسمتهای حقوق بشری دیرها، تصمیمات خود را در مبنای شناسای توجیه کننده که هیچ ارزش حقوقی ندارند» و بروه این که مراجع ملل متحد می بایستی در این قضیه هیچ عکس العمل نشان دهند و مخصوص آن آن بایت ناظر بگیرند است که هیچ مقررات داخلی در سازمان ملل متحد وجود ندارد که طق آن فردی که موضوع یک حکم دستگیری بین المللی است، بایستی از ورود به سازمان ملل متحد ممنوع شود.

در چنین شرایطی، هرگونه اقدام از جانب مقامات سازمان ملل متحد به منظور ارتداد پاسخ مثبت به درخواست های مقابلانهٔ رژیم ایران تناقض حامل برای سازمان ملل متحد و منظور ضلب حق حرف به حقوق مدنی و سیاسی و ابتدائی ترین حقوق بشر مدافعین حقوق بشر، پیش از همه، تأثیر بسیار منفی بر ارتداد سازمان ملل متحد در مقابل حقوق مدنی و سیاسی و کمیسیون ارویایی حقوق بشر را خواهد داشت و به طرق عضوی که از بیش از ۳۰ سال پیش تاکون در بین المللی انگیخت نشه شده است و از طرفی مراجع ملل متحد موضوع ۵۰ قطعنامه محکومیت، وقع شده است. برای ساده‌ساد در سطح تکلیسهای سازمان ملل متحد به منظور ضلب حق حرف داشته باشد. فعل مراجع ملل متحد نیز نباید از اتارج خویش یکیه از اتباع سایر دولتهای عضو، سایه فحیح و محرمی را ایجاد خواهد کرد که ناقض حق مشروع سازمانهای غیر دولتی در زمینهٔ انعقای مجازی برای شرکت در جلسات کمیسیون حقوق بشر است.

در واقع، در کادر

«حاجی آقا» در ملل متحد

شعبده بازی جدید رژیم درشصتمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد

پرویز خرایی

پس از یک دوره تعزیه گردانیها و کفنها و تهدید استاد معلوم شده است که سازمان ملل متحد نظیر سایر نهادهای بین المللی به وحشت وامه حقوق بشر و افزایش احترام به حقوق بشر در کشورها و مناطق مختلف جهان، بی توجه و بی اعتنا است و از آن بیزار است. مرداد ژانویه گذشته، در حالی که رژیم سرگرم ترور و کشتار و سرکوب مردم ایران بود، سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر خود را در ژنو تشکیل داد و در آن به بررسی وضع حقوق بشر در کشورهای مختلف پرداخت. در این کمیسیون، نمایندگان کشورهای مختلف، از جمله نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به افشاگری و محکوم کردن نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف پرداختند. اما در این کمیسیون، نه از نقض حقوق بشر در ایران سخنی به میان آمد و نه از نمایندگان رژیم که در ژنو حضور داشتند، سئوالی در این مورد شد. گویی که رژیم در ایران، در بهشت زندگی می کند و هیچ مشکلی در زمینه حقوق بشر وجود ندارد.

در حالی که رژیم در ایران، هر روز صدها نفر را به جوخه های اعدام می سپرد و هزاران نفر را در زندانها شکنجه می کرد، در ژنو، نمایندگان رژیم، با گستاخی و وقاحت تمام، از پیشرفتهای رژیم در زمینه حقوق بشر سخن می گفتند و از همکاری رژیم با سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر دم می زدند. در این کمیسیون، نمایندگان کشورهای مختلف، از جمله نمایندگان کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به افشاگری و محکوم کردن نقض حقوق بشر در کشورهای مختلف پرداختند. اما در این کمیسیون، نه از نقض حقوق بشر در ایران سخنی به میان آمد و نه از نمایندگان رژیم که در ژنو حضور داشتند، سئوالی در این مورد شد. گویی که رژیم در ایران، در بهشت زندگی می کند و هیچ مشکلی در زمینه حقوق بشر وجود ندارد. در حالی که رژیم در ایران، هر روز صدها نفر را به جوخه های اعدام می سپرد و هزاران نفر را در زندانها شکنجه می کرد، در ژنو، نمایندگان رژیم، با گستاخی و وقاحت تمام، از پیشرفتهای رژیم در زمینه حقوق بشر سخن می گفتند و از همکاری رژیم با سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر دم می زدند.

مدينة الصدر تثأر لحرمة نسائها وتعلن اعتصاما سلميا شاملا

AL-BAYYNA AL-JADIDAH

البيّنة الجديدة

في هذا العدد

الكاظمي في دمشق.. حريصون على اقامة علاقات بين البلدين الشقيقين 2
عراقيون يحتجبون في كهوف فراراً من القصف الايراني 2
مذكرة قبض من الانتربول بحق مسعود ومريم رجوي 2
زوجية الضيافة الاردنية بين ابنة الديكتاتور وبعثة العراق 13
متنبئا الايلي ينبأ بشاوه غدا بطاقة الاربلي الاماراتي 14

www.albayyna-new.com
Albayna_new@yahoo.com
جريدة يومية سياسية عامة
صاحب الامتياز ورئيس التحرير ستار جبار
السنة الثانية العدد (٤١٥) الثلاثاء ٢١/٨/٢٠٠٧ م ـ ٧ شعبان ١٤٢٨ هـ
رقم الاعتماد في نقابة الصحفيين العراقيين (١٢٤)
رقم الايداع في دار الكتب

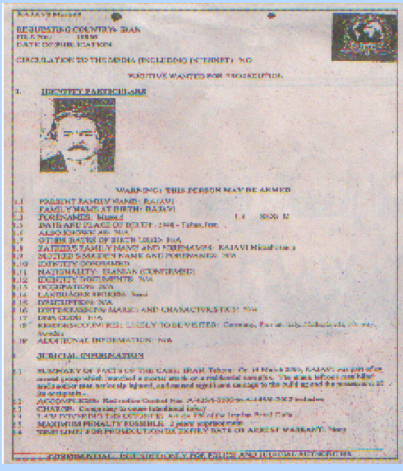

REQUESTING COUNTRY: IRAN

CIRCULATION TO THE MEDIA (INCLUDING INTERNET): NO

POSITIVE WANTED FOR PROSECUTION

1. IDENTITY PARTICULARS

WARNING: THIS PERSON MAY BE ARMED

مذكرة قبض من الانتربول بحق مسعود ومريم رجوي

البينة الجديد/سمير العراقي.. اصدرت الشرطة الدولية (الانتربول) مذكرة القاء قبض بحق كل من مريم رجوي ومسعود رجوي زعيمي تنظيم منظمة خلق الايرانية.

وقد عممت الشرطة الدولية وثيقة القبض على جميع انحاء العالم وتعد هذه المذكرة هي الثانية بعد ان اصدر القبض بحق كل من رئيس صدام وعزة الدوري.

وكانت الحكومة العراقية قد زودت المحكمة الخاصة بجرائم ارتكبتها المنظمة بحق الشعب العراقي عام ١٩٩١

حالا با همدیگر نگاهی به‌اسناد توطئه‌های دشمن‌مان و حکومت عراق علیه مجاهدین می‌اندازیم:

سند شماره ۱: ملاقات پاسدار دانایی‌فر سفیر رژیم در بغداد با حیدر عبادی نخست‌وزیر عراق در ۱۷دسامبر ۲۰۱۴ (۲۶آذر۹۳)

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ ٧٥ /١٧/ ٢٠١٤

بسم الله الرحمن الرحيم

الساعة ١٠:٤٠ صباحاً

الى : .....

تم اللقاء مع السيد حسن دانائي للتباحث حول المستجدات في الوضع العراقي والتعاون العراقي والايراني حيث دار اللقاء حول

١- اكد السيد دانائي على التعاون الستراتيجي بين العراق وايران حسبل تقوية تلك العلاقات.

٢- اكد دانائي حول امكانية انضاء اتفاق عسكري استراتيجي بين العراق وايران على غرار الاتفاق الامني العراقي الامريكي.

٣- اكد دانائي على ان ايران مستعد بارسال الامدادات العسكرية الى العراق من حيث عدد المقاتلين والعدد.

٤- اكد الدكتور العبادي على ان يكون هناك اتفاق عسكري بين العراق وايران حول الية القانونية لتفعيلها وفي الوقت الان مناسب لذلك

٥- اكد الدكتور العبادي ان الامور جرت بين العراق وايران كزيارة المدعوة اي مذكرات رسمية ولكن بعد الانتهاء من قتال داعش سيتم اتفاقات امنية وعسكرية واستراتيجية واضحة المعالم بين البلدين.

٦- رفض الدكتور العبادي اية جهة ومن تكون وحتى الولايات المتحدة

يقبع

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ ١٧ / ٧ /٢٠٢٤

الى : .....

الامريكية التدخل بين العراق وايران وان اي حملة أحجمة قاوله

تأثير الوضع بين العراق وامارات سكوت ان العراق قوي واضح

جاصرا .....

٧- اكد السيد حناني بأن ايران مستعدة الى تزويد العراق

بالرح المتطور ان طلبة الحاجة وبصفقات جدت مقابل وحث

استعار أخر لحين الانتهاء من العمليات العسكرية .....

٨- اكد الدكتور العبادي حاجة العراق الى الخبرات الايرانية في

العمليات الاستخبارية وخصوصاً الايام القادمة بسبب المعلومات

الواردة عن تسلل المئات من داعش عبر الراضي السورية وطمأن

السيد حناني العبادي بان كل شيء ايران مع العراق .....

٩- اكد السيد حناني على ان يقوم العراق بتسليم المطلوبين

من منظمة خلق الارهابية والموجودين حالياً في معسكر الحرية /

ليبرتي والبالغ عددهم ٣٠ والمطلوبين وسيا الى ايران .....

١٠- كما اكد على العراق ان يسرع قدر الامكان على اخراج

الاجانب من منظمة خلق خارج العراق لتفادي اي خطر قد .....

شيع

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ ٢٠١٤/١٠/٢٧

الى:

بواجبة العراق وايران خصوصاً الواجب الامريكي المتامين في العراق

١١- طالب جانب العراق ان تقوم بمحاكمة الايرانيين من مقاتلة

خلق الايرانية المطلقة اليهم بدماء العراقيين والبالغ عددهم

(١٠٠ شخص) وان ايران مستعدة لمساعدة العراقيين بهذا الصدد.

١٢- ذكر الدكتور العبادي ان العراق ملتزم وهتم بتلك

القضايا الخاصة بأرهاب خاق الا ان الوضع الحالي الان

وارتباط العراق بمعاهدات مع الامم المتحدة (يونامي) سيؤجل

اتخاذ القرارات تجاه ساكن ليبرتي ... كما ذكر العبادي ان

القوات الامنية قامت لعكا مواقف مشرفة من حيث التصدي

في الهجمات الامنية تجاه قاطني ليبرتي.

عرض السيد الدكتور العبادي بعض الوثائق الخاصة بتقسيم

الحدود وكيفية التعديل على اتفاقية ١٩٧٥ واخر ما توصلت اليه

اللجنة العراقية الجديدة حول ترسيم الحدود بين البلدين.

استمر اللقاء

الساعة ١١:٤٥ صباحاً

(٣)

جمهوری عراق
دبیرخانهٔ شورای وزیران
ساعت ۱۰۲۰صبح
تاریخ: ۲۰۱۴/۱۲/۱۷
یادداشت داخلی

یک ملاقات با آقای حسن دانایی انجام شد که در آن راجع به‌تحولات جدید، وضعیت عراق و منطقه و همکاری عراق و ایران بین دو طرف بحث شد. این ملاقات حول موضوعات زیر برگزار شد:

دانایی بر روی همکاری استراتژیکی بین عراق و ایران و روشهای تقویت این روابط تأکید کرد.

آقای دانایی گفت در صورتی‌که نیاز باشد ایران الآن آماده است با قراردادهای نظامی و بدون پول تا اطلاع ثانوی سلاح پیشرفته به‌عراق بدهد تا این‌که عملیات نظامی پایان پذیرد.

دکتر عبادی بر روی نیاز عراق به‌تجارب ایران در زمینهٔ عملیات اطلاعاتی به‌ویژه در روزهای آینده تأکید کرد زیرا اطلاعات وارده نشان می‌دهد که صدها نفر از داعشی‌ها از خاک عربستان سعودی به‌داخل عراق نفوذ کرده‌اند. آقای دانایی به‌عبادی اطمینان داد که ایران با تمام وزن خودش با عراق خواهد بود.

آقای دانایی بر روی این موضوع تأکید کرد که عراق افرادی از سازمان تروریستی خلق را که تحت تعقیب هستند و در حال حاضر در قرارگاه الحریه/لیبرتی می‌باشند، تحویل دهد. تعداد این افراد ۳۲نفر است و آنها رسماً تحت تعقیب ایران هستند.

دانایی از عراق درخواست کرد که ایرانی‌های سازمان خلق را که دستشان به‌خون عراقیان آغشته است و تعدادشان به۱۰۰ می‌رسد را محاکمه کند. ایران آماده است که در این رابطه به‌عراقیان کمک کند.

دکتر عبادی تأکید کرد که عراق به‌مسائل مربوط به‌تروریستهای خلق ملتزم است و به‌آن توجه می‌کند اما وضعیت بین‌المللی و تعهد عراق در مورد پیمانهایی که با سازمان ملل‌متحد (یونامی) دارد تصمیم‌گیری راجع به‌ساکنان لیبرتی را به‌تاخیر می‌اندازد. هم‌چنین عبادی گفت که نیروهای امنیتی از نظر سختگیری‌ها در اقدامات امنیتی در مورد ساکنان لیبرتی پشتیبان این وضعیت هستند.

پایان ملاقات-ساعت ۱۱۴۵صبح

سند شماره ۲: ملاقات رحمانی فضلی وزیر کشور آخوند روحانی در بغداد با الغبان وزیر داخلهٔ عراق از ۹بدر در ۱۷ژانویه ۲۰۱۵ (۲۷دی۹۳)

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارة الداخلية

مذكرة داخلية

٢٠١٥/١/١٧

بسمه تعالى

عقد أجتماع مع وزير داخلية الجمهورية الاسلامية السيد عبدالرضا رحماني فضلي وقد تمحور في محورين :-

المحور الاول :- حول الموقع السياسي والستراتيجي والعسكري بين البلدين .

المحور الثاني :- حول منظمة خلق الارهابية .

بدء اللقاء بالترحيب بالسيد الغبان والوفد المرافق له . وأثنوا على الجمهورية المبذولة لسيادته في مكافحة الارهاب رغم الفترة القصيرة وعلى منظمة بدر في مقاتلتها لداعش بقيادة السيد العامري والبطولات التي تحققت على يد منظمة بدر ، كما أثنوا ورحبوا بالجانب العراقي [redacted] الذي أستقبل الخبراء الايرانيين بأرفاد الجانب العراقي من الخبرات العسكرية والخبرات الاستراتيجية .

اكد السيد فضلي على التعاون بين الجمهورية الاسلامية الايرانية والعراق في المجالات العسكرية والاستراتيجية موضحاً أن الحكومة العراقية بدأت تأخذ منحى خارج الاطر السياسية التي كانت قائمة بين الجمهورية الاسلامية الايرانية والسيد نوري المالكي وان هذا المنحى قد تم ايقافه بقوة بعد الحرب على داعش حيث لولا القتال المقاومة الاسلامية في العراق لاستمرت حكومة الدكتور العبادي بأتخاذ منحى أمريكي صرف ونحن نعتقد كما قالها السيد فضلي أن السيد العبادي عاد الى رشده مرغماً بعد أن وجد نفسه مناصة من أن يعمل متفاوناً مع الجمهورية الاسلامية الايرانية .

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارة الداخلية

مذكرة داخلية

أكد السيد العبادي الحكومة العراقية تعرف جلياً . لا تستطيع ان تعمل حالياً أي شيء في مهامها العسكرية والستراتيجية لمقاتلة داعش ومكافحة الإرهاب أن لم تحصل على خبرة الجمهورية الإسلامية الإيرانية وان تستمد القوة منها وخصوصاً نحن نعرف هذا الشيء كبيرين فلولا دعم الجمهورية الإسلامية الإيرانية لما تحقق الانتصار على داعش .

اكد السيد العبادي على خطورة الموقف في الوقت الحالي بسبب تدخلات الخارجية التي تؤثر على الحكومة العراقية لفك أرتباطها مع الجمهورية الإسلامية الإيرانية الا أننا بين حين وأخرى نتدارك هذا الموضوع .

أكد السيد فضلي نحن نعرف جيداً بأن الضغوط التي تمارس ضد الحكومة العراقية وخصوصاً السيد العبادي ولكن لرمناصه من التعاون من اجل انقاض العراق من الوضع الأمني والوضع السياسي الذي يريد البعض منه عودة الكفر والالحاد باسم حزب البعث .

أكد السيد فضلي ان الجمهورية مستعدة لتطوير القدرات الأمنية والاستخبارتية لوزارتنا ومدها بأجهزة متطورة تعمل على مساعدتنا في الكشف عن العبوات والمتفجرات اي كانت حجمها (عرض السيد فضلي علينا منهاج قصير فيه مجموعة من الدورات التدريبية لضابطنا في الداخلية)

طرح السيد العبادي موضوع ان يرسل مجموعة من كوادر الوزارة بمختلف صنوفها الى ايران لإعطاء دورات وهذه القدرات لعمليات استباقية مستقبلية .

تحدث السيد فضلي حول خطورة قانون المساءلة والعدالة الجديد وحول خطورة قانون أقامة حرس وطني في المحافظات السنية فقط قام بالتحذير لعودة البعث وداعش بصيغ أخرى اذا أقر قانون المساءلة والعدالة الجديد .

وأكد نهاياً (نحن نعلمكم رسالة شفوية من السيد العبادي ان يتوخى الحذر في هذين القانونين لكي لاتوجد فرصة سهلة في عودة البعث الى العراق .

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارة الداخلية

مذكرة داخلية

قدم السيد وزير الخارجية العراقي اوراق ومستندات أثبات دامغة حول الاعتداءات التي وجهت من قبل الجمهورية على أعضاء منظمة خلق الارهابية ومن ضمنها وثائق أستندت عليها الجمهورية بغلوع أرهابي خلق في التعاون مع تنظيم القاعدة سابقاً وعصابات داعش حالياً في العراق وسوريا ولبنان وتزويدهم أي منظمة خلق بعناصر عسكرية مدربة ومن القادة حصراً لتدريب الارهابين كما أعطت الجمهورية أدلة بينت فيها مساعدة جبهة النصرة وتنظيم داعش على استخدام السلاح الروسي كون أرهابي خلق قد أستخدموا هذا السلاح سابقاً في الحرب المفروضة على الجمهورية في زمن النظام المقبور.

أكد السيد فضلي أن على العراق ان يقدم وبشكل صريح وفعال على أبعاد أرهابي خلق من العراق كجزء من المهمة الكبرى والتي هي تسليم المتورطين بدماء الشعب الايراني الى الحكومة الايرانية من أجل محاكمتهم ،

أكد السيد الغبان أن العراق ساعي بها تطلبة أيران الا أن هناك بعض المعوقات التي ستزال مستقبلاً ولكن ليس بالوقت القريب جداً الا وهي :-

① للعلم والاطلاع ان نسبة المتورطين بسفك دماء أبناء الجمهورية الموجودين في معسكر ليبرتي هم ٧٥-٨٠٪.

② هناك أتفاقات وقعت بين رئيس الوزراء (الدكتور العبادي) وبين القوى السنية (لولد هذة الاتفاقات لمجاء الدكتور العبادي الى السلطة) تجبر السيد الدكتور على تنفيذ الكثير من المتطلبات السياسية الداخلية والخارجية الا بعد التشاور مع تلك القوى (بين السيد الغبان الازمة الحيزة التي حدثت بين القوى السنية والدكتور العبادي بسبب مماطلة الاخير في تنفيذ أوراق الاتفاق فيما بينهم).

ان القوى الشيعية وبالاجماع يرغبون بأخراجهم وهذا ماسيتم فعلاً، وكل من سفك دماء العراقيين والايرانيين سيحالون الى المحاكم حتى وان كانوا خارج العراق ، الا أن طرح أبعادهم ومحاكمتهم قد طرح بشكل غير رسمي لمعرفة بعض الجهات الخرى فكان ردهم بالتريث لهذه الحال ، كون بقائهم المستفيد منه القوى السنية المتشددة (أنتم تعرفون لماذا).

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارة الداخلية

مذكرة داخلية

أكد السيد الغبان أنه تم طرح معلومات لبعض الأحزاب خلق جو من شرطة الدستربول ومحكمة العدل الدولية في لاهاي من أجل ألقاء القبض على هولدا ومحاكمتهم . وانتم أعرف بأن هذا الطلب قدم في زمن حكومة السيد نوري المالكي الا أن الجانب الدولي قد أهمل هذه الطلبات فلهذا السبب نحن ننتظر . فليس هناك قصور من ناحية الحكومة السابقة والحكومة الحالية .

أكد السيد الغبان أن على أيران أن ترسل وفد للأطلاع على مدى تحقيقه من أمور أدارية ولوجستيه تجاه الساكنين في معسكر ليبرتي على الرغم . وهذه حقيقة أننا قد وجهنا في تخفيف عنهم في المعسكر لأسباب أنسانية فقط لاغير . فمهما فعلنا بالتشدد أو بالرخاء فهم تحت قبضتنا بسبب ضغوط الامم المتحده والاتفاقيات التي وقعت مع الحكومة السابقة ولم تنفذها تلاع الحكومة جعلتنا نتعامل قليلاً بأنسانيات القانطين في المعسكر .

أكد السيد فغالي - نحن لانريد أن يدخل العراق في أشكاليات مع الدول الحاضنه لهم وايضاً مع الامم المتحدة في الوقت الحاظر ولكن نحن نرجوا ان يكون هناك أسرع تنفيذ مدى الاتفاق عليه بين الجمهورية الاسلامية وبين العراق الموقع مع السيد نوري المالكي .

أكد السيد الغبان أن التحقيقات جارية بهذا الصدد أضافة الى ذلك بعض من الساكنين في معسكر ليبرتي . بدأوا يحاولون تقديم اللجوء الى العراق أو الى ايران كونهم لم يفعلوا شيئ تجاه البلدين كأعضاء فقط في هذا التنظيم الارهابي أن يعودوا الى ايران . فعلى العموم قمنا بعزل أغلبيتهم الراغبين بالعودة الى ايران أو بالبقاء في العراق عن البقية وقد حجبت أسمائهم عن باقي اعضاء التنظيم الارهابي .

اكد السيد فغالي انه سيعد العراق بلجان بالاسراع وفض هذا الملف نهائياً وسيكون محمل بجميع الادلة والبراهين حول ذلك وأكد أن اعضاء منظمة بدر ومنهم السيد الوزير سيكونون عوناً لنا رغم التغيرات المنهجية والفكرية في الحكومة الحالية ...

تم الحديث حول امكانية مساعدة الجمهورية الاسلامية بتطوير المقدرات الاستخبارتيه لمنتسبي وزارة الداخلية .

وزارت کشور
یادداشت داخلی
۲۰۱۵/۱/۱۷

یک نشست با وزیر کشور جمهوری اسلامی آقای عبدالرضا رحمانی فضلی برگزار شد. این ملاقات دو محور داشت که در زیر آمده است:

محور اول: در مورد وضعیت سیاسی و استراتژیکی و نظامی بین ایران و عراق

محور دوم: در رابطه با سازمان تروریست خلق

این ملاقات با خوشامدگویی به‌آقای الغبان و هیأت همراه وی شروع شد. آنها از تلاشهای آقای الغبان در مبارزه با تروریسم به‌رغم مدت کوتاهی که سر کار آمده است، قدردانی کردند. هم‌چنین آنها از سازمان بدر در مبارزه‌اش علیه داعش به‌فرماندهی آقای هادی العامری و قهرمانی‌هایی که به‌وسیلهٔ سازمان بدر انجام شد، قدردانی کردند. هم‌چنین آنها از عراقیان به‌خاطر پذیرایی از کارشناسان ایرانی برای کمک به‌عراقیان از بابت تجارب نظامی و استراتژیکی، تشکر کردند.

آقای فضلی بر روی همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و عراق در زمینه‌های نظامی و استراتژیکی تأکید کرد و گفت که کشور عراق مسیری خارج از چارچوبهای سیاسی در پیش گرفته بود. همان چارچوبهایی که قبلاً بین جمهوری اسلامی ایران و آقای نوری المالکی توافق شده بود. بعد از این‌که جنگ با داعش شروع شد، جلو این مسیر به‌شدت گرفته شد. به‌نحوی که اگر جنگهای مقاومت اسلامی نبود حکومت دکتر عبادی به‌این سمت می‌رفت که یک دولت آمریکایی صرف بشود. همان‌طور که آقای فضلی گفت ما فکر می‌کنیم که آقای عبادی سر عقل آمده است. وی بعد از این‌که مشخص شد هیچ چاره‌یی ندارد، مجبور شد که با جمهوری اسلامی ایران همکاری کند.

...

وزیر خارجه ایران برگه‌ها و سندهای اثباتی مستدلی را در مورد اتهاماتی که از طرف جمهوری اسلامی به‌اعضای سازمان خلق تروریست‌زده شده است، ارائه داد. از جمله اسنادی که جمهوری اسلامی به‌آنها استناد می‌کرد در مورد دست داشتن تروریستهای خلق در همکاری با تشکیلات القاعدهٔ سابق و داعش کنونی در عراق و سوریه و لبنان بود و این‌که سازمان خلق عناصر نظامی و آموزش دیده و به‌طور مشخص فرمانده را برای آموزش تروریستی در اختیار این تشکیلات گذاشته است. هم‌چنین جمهوری اسلامی دلایلی ارائه کردند که در آن نشان می‌داد سازمان خلق به‌جبهه النصره و تشکیلات داعش برای به‌کارگیری سلاح روسی کمک می‌کند. زیرا تروریستهای خلق سابقاً از این سلاحها در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی در زمان رژیم قبلی استفاده می‌کرده‌اند.

آقای فضلی گفت که عراق باید به‌شکل روشن و فعالی اقدام به‌دور کردن تروریستهای خلق از عراق کند و این بخشی از ماموریت بزرگ تحویل دادن کسانی است که دستشان به‌خون مردم ایران آغشته است و به‌دولت ایران برای محاکمه تحویل داده می‌شوند.

آقای الغبان گفت که طرف عراقی در مورد آنچه که خواست ایران است، تلاش می‌کند اما یک سری موانعی وجود دارد که در آینده حل خواهد شد. اما این کار در آینده نزدیک نخواهد بود. این موانع عبارتند از :

۱- جهت اطلاع، کسانی که در ریختن خون مردم جمهوری اسلامی دست داشته‌اند به‌میزان ۷۵ تا ۸۰درصد در لیبرتی حضور دارند.

۲- توافقاتی بین نخست‌وزیر (دکتر العبادی) و نیروهای سنی به‌امضا رسیده است که دکتر عبادی را مجبور می‌کند که بسیاری از درخواستهای سیاسی داخلی و خارجی را پس از این‌که با این نیروها مشورت کرد، اجرا کند (اگر این توافقات نبود دکتر عبادی به‌حکومت نمی‌رسید). . آقای الغبان به‌بحران اخیری که بین نیروهای سنی و دکتر عبادی به‌دلیل

وقت‌کشی سنی‌ها در اجرای برگه‌های توافق ایجاد شده بود، اشاره کرد.

... ...

آقای الغبان گفت که اطلاعات بعضی از گروههای تروریستهای خلق به‌پلیس بین‌المللی انترپول و دادگاه عدالت بین‌المللی در لاهه داده شد تا آنها را دستگیر کرده و محاکمه کنند. شما می‌دانید که این درخواست در زمان دولت نوری المالکی داده شد اما طرفهای بین‌المللی این درخواستها را نادیده گرفتند به‌این خاطر ما منتظر هستیم. لذا هیچ کوتاهی در کار از طرف دولت قبلی و دولت فعلی نبوده است.

آقای الغبان گفت که ایران باید هیأتی را اعزام نماید تا نسبت به‌آنچه که از نظر اداری و لجستیکی در مورد ساکنان قرارگاه لیبرتی محقق شده است، اطلاع پیدا کند. به‌رغم این مسأله، این نیز حقیقت دارد که ما به‌دلایل انسانی ولا غیر در این قرارگاه نسبت به‌آنها سختگیری کمتری کردیم. لذا صرف‌نظر از این‌که ما چقدر به‌آنها سخت یا آسان بگیریم، آنها به‌دلیل فشارهای سازمان ملل و توافقاتی که با دولت قبلی امضا کرده‌اند تحت کنترل ما هستند. دولت قبلی این توافقات را اجرا نکرده است و باعث شده است که ما در مورد مسائل انسانی ساکنان این قرارگاه کمی تخفیف بدهیم.

آقای فضلی گفت که ما نمی‌خواهیم در حال حاضر عراق با کشورهایی که این افراد را در خاک خود پذیرفته‌اند یا با سازمان ملل دچار مشکل بشود. اما خواهش می‌کنیم که در مورد آنچه بین جمهوری اسلامی و عراق توافق به‌عمل آمده و با آقای نوری المالکی به‌امضا رسیده، سرعت به‌خرج داده شود...

سند شماره ۳: ملاقات رفسنجانی با نخست‌وزیر عراق در تهران-۱۷ژوئن ۲۰۱۵ (۲۷خرداد۹۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ ٢٠١٥/ ٦/ ١٧

لقاء قصير

الى :

عقد اجتماع مع السيد رئيس مجمع تشخيص مصلحة النظام علي اكبر هاشمي رفسنجاني وجرى الحديث حول قضية اعضاء منظمة خلق الايرانية.

حيث اكد السيد رفسنجاني ان اعضاء منظمة خلق أغدق عليها من ارضنا كانة السبل حول هذة القضية لحد الان لدى العراق بدء يماطل حول هذا الملف وانا الى بيد الحكومة العراقية... اكد السيد العبادي اننا نريد حلا لهذه المشكلة لحلها سلميا راحة نفس... لقد تابعة اجراءات حول قضية سكان ليبرتي وحتى ايصال العراق اليهم ان الاجراءات الرسمية اخذت الكثير اضافة الى ذلك صدر منع من قبل سكان ليبرتي في لقاء العراقيهم... كما قمنا ايضا برفع دراسة كاملة لترحيلهم خارج العراق باقرب فرصة ممكنة... ان وجودهم يدمر الاقليم لذا نكم بعدم اتصحت ان هناك عناصر من منظمة خلق تقاتل معنا مع داعش وتنضمات حزب البعث العامل في الانبار والموصل.

اكد السيد رفسنجاني حين حن على استعداد لتسخير كل معطيات

يتبع

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ ٢٧/ ٦/ ٢٠١٥

الى: .....

تنظيم خلق وما سيفعله في العراق مهما كان التنظيم اداة بيد الطاغية الذي هو اداة بيد واشنطن.

كما اكد السيد رمسجاني على ان العراق اما ان يكون مع امريكا او مع الحشد وايران طريق الاستطاعة بالجمع بين الاثنين وهذا نقول ليكون العراق والحكومة مع ايران والحشد لتحقيق الانتصار.

اتفق الجميع على

١- استلام المعلومات الكاملة عن المقاتلين من منظمة خلق التي تقاتل مع داعش.

٢- استلام ايران معلومات كاملة افراد سكان ليبرتي من هم اعداء ومطلوبة ايديهم بدماء الايرانيين ليتم محاسبتهم.

انتهى اللقاء

جمهوری عراق
دبیرخانهٔ کل شورای وزیران
یادداشت داخلی
تاریخ: ۲۰۱۵/۶/۱۷
دیدار کوتاه

جلسه‌یی با آقای رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، علی اکبر هاشمی رفسنجانی برگزار شد و صحبت حول حل قضیهٔ اعضای سازمان خلق ایران بود.

آقای رفسنجانی تأکید نمود، اعضای سازمان خلق، آفتی هستند که باید آنان را از بین برد و ما برای حل آن، همهٔ راههای حول این موضوع را در نظر داریم. ولی طرف عراقی شروع به‌کش‌دادن حول این پرونده کرده، در حالی که راه‌حل به‌دست حکومت عراق است.

آقای عبادی تأکید نمود، ما امروز رو به‌حل این مشکل داریم و حل آن، به‌راحتی نفس کشیدن است. ما حول موضوع ساکنان لیبرتی اقدام به‌چند کار، از جمله رساندن خانواده‌ها به‌آنان کرده‌ایم، ولی روشهای روتین، این دیدار را بسیار به‌عقب انداخت، علاوه بر آن، خودداری ساکنان لیبرتی از دیدار با خانواده‌هایشان نیز بوده‌است.

هم‌چنین اقدام به‌تنظیم بررسی کاملی برای فرستادن آنان به‌خارج از عراق، در نزدیکترین فرصت ممکن نمودیم. ولی بعد از این که روشن شد، عناصری از سازمان خلق هستند که عملاً همراه داعش و تشکیلات حزب منحله بعث در انبار و موصل می‌جنگند، وجود آنان، شروع به‌ایجاد نگرانی برای ما کرده است.

آقای رفسنجانی تأکید کرد، ما آمادگی کامل برای کشف همهٔ طرحهای تشکیلات خلق و هر آن‌چه در عراق انجام خواهد داد را داریم، مثلاً این تشکیلات ابزاری به‌دست طاغی بود و اکنون ابزاری به‌دست داعش است.

هم‌چنین آقای رفسنجانی بر این تأکید داشت که عراق، یا باید با آمریکا باشد یا با بسیج و ایران. نمی‌توان این دو را با هم داشت. ما می‌گوییم، عراق و حکومت جهت تحقق پیروزی باید با ایران و بسیج باشند. همه بر موارد زیر توافق کردند؛

۱- دریافت اطلاعات کامل دربارهٔ رزمندگان سازمان خلق که همراه داعش می‌جنگند.

۲- ایران، اطلاعات کامل افراد ساکن لیبرتی را تحویل می‌گیرد تا مشخص کند که کدام آنها دشمن هستند و کدام دستشان به‌خون ایرانیان آلوده است، تا حسابرسی شوند.

پایان دیدار

سند شماره ۴: نشست فالح فیاض مشاور امنیتی حکومت عراق با سردژخیم نظارت بر قرارگاه لیبرتی در ۲۱ژوئن ۲۰۱۵ (۳۱خرداد۹۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

لقاء قصير

((مذكرة داخلية))

التاريخ ٢٠١٥/ ٦/ ٢١

الى :

عقد اجتماع مع السيد فالح الفياض ومشير + لجنة الساعات
عن معسكر ليبرتي وتم التأكيد على :

١- جرد وفرز اضابير كانت ليبرتي وتحديد المشمولين بهم
بان يسلم ملفات بعض الاسماء وكذلك اثارة الضابير
المتهمة بهم مشاركتهم في الانتفاضة الشعبانية ١٩٩١.

٢- تشكيل لجنة خاصة بتسليم ملفات الضابط الى الجمهورية.

٣- تشكيل لجنة سرية من اجل اعداد العوائل العائدة لزيارة
ابنائها الساكنة في ليبرتي.

٤- اعداد اسلوب النقطة الواحدة في اسماء لقادات العوائل
وترك اسلوب الروتين واعداد اكثر من نقطة للبحث
والتحقيق في العوائل.

٥- تشكيل لجنة خاصة من الامن الوطني والخارجية من اجل
التفاوض مع ام المدة بشأن ترحيل اعضاء منظمة خلق.

انتهى اللقاء

ملاقات کوتاه
جمهوری عراق
دبیرخانه شورای وزیران
(یادداشت داخلی)
تاریخ: ۲۰۱۵/۶/۲۱

یک نشست بین فالح فیاض و رئیس کمیتهٔ نظارت بر قرارگاه لیبرتی برگزار شد و روی موارد زیر تأکید شد:

۱- لیست‌برداری وجداسازی پرونده‌های ساکنان لیبرتی و مشخص کردن افرادی که مشکوک به‌این هستند که دستشان به‌خون ایرانیان آغشته است. هم‌چنین پرونده‌های کسانی که مشکوک به‌این هستند که علیه شورش شعبانیه در سال ۱۹۹۱ شرکت داشته‌اند نیز مشخص و جدا شود.

۲- یک کمیته تشکیل می‌شود تا این پرونده‌ها را به‌جمهوری اسلامی تحویل دهد.

۳- یک کمیته سریع تشکیل می‌شود تا خانواده‌هایی را که برای دیدن فرزندانشان به لیبرتی می‌آیند، آماده کنند.

۴- برای پایان دادن به‌ملاقاتهای خانواده‌ها از شیوه یک نقطه استفاده می‌شود و شیوهٔ روتین و آماده‌کردن چند نقطه برای جستجو و چک خانواده‌ها به‌کناری گذاشته می‌شود.

سند شماره ۵: ملاقات نخست‌وزیر عراق با محمد جواد ظریف وزیر خارجه رژیم در بغداد - ۲۷ژوئیه ۲۰۱۵ (۵مرداد۹۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ ٢٠١٥/٧/٢٧

الى : .....

جرت لقاء مع السيد وزير خارجية جمهورية ايران الاسلامية السيد محمد جواد ظريف والوفد المرافق له.

حيث دار الحديث حول الاوضاع الامنية والسياسية في العراق والمنطقة وتعزيز العلاقات الثنائية بين البلدين في مختلف المجالات وخاصة عمليات داعش الارهابية على المنطقة.

اولا السيد العبادي اوضح للوفد حيث اكد ان الخروقات الاقتصادية جريمة بحق الشعب العراقي وبحق الشعوب وقد عانينا نحن العراقيين كثيرا من الخروقات التي عرضت في السابق.

اكد السيد ظريف ان النجاح الذي تحقق على المستوى النووي ليس فقط لايران بل للدول المجاورة وخصوصا العراق والدول التي تطمح ان تتعامل مع ايران بشكل مفتوح وبأحترام من اجل المصلحة العامة والمصلحة الخاصة بين ايران والعراق.

اكد السيد ظريف اننا من اليوم ان كانت الخروقات مبنية على تفاهم المباحثات فان العلاقات المستقبلية بيننا ستكون مصيرية وناجحة على مستوى واحد الوجه القضاء على الارهاب والوقوف عمليات داعش

يتبع

(٢)

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ /٧/ ٢٠١٥

الى: .....
وزير الدفاع المحترم
.....
المنطقة لا تتحمل بشكل كبير
.....
اكد السيد العبادي ان تحالف ايران هو تحالف العراق والامة الاسلامية
.....
ولكل الدول التي تتوجه الخير من قبل الاستعمار والتبعية وتحن
.....
لنا الفخر والاعتزاز انا نسير في طريق واحد لبناء علاقات قوية
.....
ومتينة
.....
اكد السيد العبادي حكمة ايران الواقعية الايجابية تجاه العراق
.....
رغم ازمة ايران الاقتصادية العالمية
.....
تناول السيد كيري مباحثاته مع السيد السيستاني والرسالة
.....
التي نقلها من السيد الخامنئي الى السيد السيستاني
.....
اضافة الى ذلك قام السيد ظريف بشرح مفصل عن الاتفاق النووي
.....
الايراني والمباحثات الجانبية التي حدثت خلال الاتفاق
.....
كما وضح السيد ظريف طمأنة اهل الخليج بان ايران ليس
.....
عدائية ولكنها عمق ايديولوجية الاستقرار في بلدها
.....
هدد السيد ظريف حكومة العراق بان فتح ايران للتسليح والاقتصاد
.....
مفتوحة على مصراعيها للعراق
.....

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ ب ت/ ب /٢٨٥

الى : .....

كما طالب السيد نائب رئيس الوزراء كافة دولة برفع الحصار
عن ممتلكات واستثمارات ايران في العراق .....
اكد السيد العابدي عدم ايصال صوت الحكومة العراقية للقادة الايرانيين
انهم كانوا الذين عصابات داعش وان الدعم الايراني المتواصل
هو العامل الاساسي في الافراج عن العراق من داعش وانه استمراره
يعتمد على مساندة الجمهورية للعراق .....
تباحث الجانبان حول ابعاد منظمة خلق الايرانية حيث قام المستشار
العسكري للسيد العابدي شرح مفصل عن عمل اعضاء منظمة خلق
مع داعش وتم تسليم السيد نائب رئيس الوزراء ملفات تخص المتورطين مع
داعش كذلك تم تسليم اسماء المتورطين من منظمة خلق خلال
الحرب المفروضة على ايران .....
طلب السيد نائب رئيس الوزراء ارسال ملف منظمة خلق نهائيا
من اجل استقرار البلدين كما طالب ان يكون هناك مبادرة من
العراق لارسال هذا الملف .....
استمع مستشار الشؤون الخارجية والعلاقات الى الاجراءات التي اتخذها
.....

يتبع

(٤)

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهورية العراق
الامانة العامة لمجلس الوزراء

((مذكرة داخلية))
التاريخ ٢٠١٥/ ٧/ ب

الى : .....
.العراق في الرتبة الاخيرة لارهاب صنفته منظمة خلق)).....
اكد السيد طريف ان الحكومة الايرانية واثقة من العراق اطاعة
النظام منظم كما جدد طريف ان يبلغ الحكومة العراقية ان الجمهورية
ستزود العراق بأحدث وطائرات كثير تطور القضاء على داعش
واكمال تحرير الاراضي العراقية.....
اكد الجانبان الايراني والعراقي بأنهم سيرفعون درجة تمثيلية
بأعتبار منظمة خلق ايرانية قامت بها داعش داخل الاراضي
التي حصل عليها الجانبين العراقي والايراني هي اداة بايدي ابرامهم
في العراق.....
اكد السيد طريف ان ايران مستعدة ايضا للتعاون مع العراق
فوريا القضايا الساعية منها الكهرباء والطاقة البديلة في
الصناعة.....
.....
.....
انتهى اللقاء.....
.....
.....
.....
.....
.....

جمهوری عراق
دبیرخانهٔ شورای وزیران
یادداشت داخلی
تاریخ: ۲۰۱۵/۷/۲۷

یک ملاقات با وزیر خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران آقای محمد جواد ظریف و هیأت همراهش برگزار شد.

در این ملاقات راجع به‌وضعیت سیاسی و امنیتی در عراق و منطقه و تقویت روابط دوجانبه بین دو کشور در زمینه‌های مختلف و خطر گروه تروریستی داعش در این منطقه بحث شد.

آقای عبادی توافق هسته‌یی را تبریک گفت...

آقای ظریف گفت موفقیتی که در سطح جهانی کسب شد، فقط برای ایران نبود؛ بلکه عملاً برای کشورهای مجاور و به‌ویژه برای عراق و کشورهایی که تمایل دارند با ایران همکاری داشته باشند نیز بود...

آقای عبادی گفت که موفقیت ایران، موفقیت عراق و امت اسلام و همه انسانیت خواهد بود...

آقای ظریف دعوت خود از عراق را تکرار کرد و گفت که درهای انبارهای سلاح ایران و اقتصادش برای عراق باز است. هم‌چنین آقای ظریف از عراق خواست که اولین کشوری باشد که محاصرهٔ بانکها و سرمایه‌گذاری در عراق را بردارد...

هر دو طرف راجع به‌اعضای سازمان خلق ایران صحبت کردند. مشاور نظامی آقای عبادی توضیح مفصلی راجع به‌کار اعضای سازمان خلق با داعش ارائه داد و پرونده‌های آن دسته از سازمان خلق را که در جنگ تحمیلی دست داشتند را به‌آقای ظریف تحویل داد.

آقای ظریف از عراق خواست که به‌خاطر ثبات در دو کشور، به‌پروندهٔ

سازمان خلق به‌طور نهایی پایان دهد. وی هم‌چنین از عراق خواست که ابتکارعمل برای پایان دادن به‌این پرونده را در دست بگیرد.

مشاور امور خارجی، اقداماتی را که عراق در مدت اخیر برای پایان دادن به‌پروندهٔ سازمان خلق اتخاذ کرده است، توضیح داد.

آقای ظریف گفت دولت ایران به‌عراق اعتماد دارد که این کشور می‌خواهد از این سازمان خلاص شود. هم‌چنین ظریف به‌دولت عراق گفت که ا یران به‌عراق سلاح و هواپیماهای پیشرفته‌یی خواهد داد تا داعش را از بین ببرد و خاک عراق را آزاد کند.

هم ایران و هم عراق تأکید کردند که هر دو کشور یک دعوای قضایی ارائه خواهند داد مبنی بر این‌که سازمان خلق به‌دلیل پشتیبانی از داعش یک سازمان جنایتکار بوده است و برگه‌هایی که هر دو کشور از این سازمان به‌دست آورده‌اند، دلایل اثباتی جنایتهای آنان در عراق است».

در پایان مرور اسناد که در نشستهای قبلی هم به‌اختصار اشاره کردیم، یک نکتهٔ مهم دربارهٔ ترفندهای کثیف و ننگین رژیم را لابد خودتان در لابلای دعاوی و حرفهایش علیه مجاهدین دریافته‌اید؛ بنابراین من اشاره‌یی می‌کنم و در می‌گذریم. نکته این است که آن‌چنان در حرف از داعش فاصله می‌گیرد که انگار نه انگار خودش به‌لحاظ تاریخی و ایدئولوژیک، پدرخواندهٔ داعش است و به‌لحاظ سیاسی هم داعش و خلافت اسلامی، عکس برگردان سنی مذهب ولایت‌فقیه به‌اصطلاح شیعی است. به‌واقع اگر خمینی و رژیم ولایت‌فقیه در کار نبود، از بازتاب به‌اصطلاح سنی آن هم خبر و اثری نبود. با این همه، رژیم هم نان داعش را می‌خورد و هم آن را علیه ما چماق می‌کند. دجالیت یعنی همین! مانند همان دجالیت ضداستکباری که نعره‌هایش را خمینی و پاسدارانش کشیدند، اما بمب و برچسبهایش نصیب مجاهدین شد!

کلت و کیک سهم خمینی شد، اما سلاح و قرارگاه مجاهدین را گرفتند.

مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

درقسمت اول خطرهای جدی و واقعی بر سر راه انتقال را در ۱۵محور که بحث شده بود، خلاصه کردیم. واقعیت این است که برخی از این محورها مثل محاصره و قطع ارزاق و دارو و سوخت و آب و برق و خدمات شهرداری، خودش ۵-۶مقوله است. اما چنان‌که گفتم بنای کار ما بر خلاصه‌سازی است و خودتان هر محوری را که لازم باشد در نشستهای خودتان باید باز و تشریح کنید.

از طرف دیگر در برخی محورها مثل وارد شدن خودرو یا کامیون انفجاری، اقدامات بازدارنده را هم که لازمهٔ آماده‌باش در این مورد است، اشاره کردیم. کمااین‌که در مورد ذخیرهٔ ارزاق و سوخت و توزیع فانوس و مجتمع‌های غذایی برای هر یکان صحبت شد. یا عملیات فریب دشمن در پروازهای هوایی با زمانبندیهای متداخل و متفاوت...

در بحث بازرسیهای سرزده و غافلگیرانه هم خطوط قرمز خودمان را معین کردیم و این‌که در چه صورتی با تمام قوا باید وارد و درگیر شویم و یورش دشمن را پس بزنیم یا مهار کنیم. مأموریت یکانهای دفاع متحرک و یکانهای آماده و پشتیبان نیز معین و ابلاغ شده است. برای پخش پارازیت از جانب دشمن نیز باید حداقل آمادگی را داشته باشیم. دستگاههای اشرف را در لیبرتی نداریم، اما وسایل دست‌ساز خودتان کفایت می‌کند.

نتیجه این‌که وقتی می‌گوییم آماده‌باش در جمیع جهات برای حرکت سفینهٔ نجات در شرایط و دریای طوفانی، معنی‌اش این است که باید انتظار هر گونه توطئه و ترفندی را از جانب دشمن داشت و قیمت آن را هم داد. در این میان مهمترین موضوع باز هم امنیت و حفاظت مجاهدین در لیبرتی تا آخرین نفر است. توجه کنید که هر چقدر تعداد نفرات کمتر می‌شوند، ریسکها بالاتر می‌رود. به‌همین خاطر مریم در پاریس و ژنو و

واشنگتن و آلبانی ستادهای حاضر و آماده‌ای را مستقر کرده است که ارتباطات لیبرتی با هر کدام که قطع شد بتوان با دیگری ارتباط برقرار کرد. به‌نحوی که هیچ مسأله‌ای روی زمین نباید رها شده باقی بماند.

گوش کنید! حتی یک برگ سند و مدرک نباید به‌دست دشمن بیفتد. حتی یک بیسیم یا تجهیزات ویژهٔ دیگر نباید باقی بماند و به‌دست دشمن برسد. همه مکانها و مقرها قبل از این‌که نفراتشان بروند باید به‌طور کامل پاکسازی شده باشد. یعنی دشمن به‌هیچ چیزی دست پیدا نکند.

من الآن نمی‌خواهم وارد سازماندهی سیال دوران انتقال بشوم؛ اما بعد از رفتن خواهر مژگان و خواهر زهره و خواهر صدیقه و همردیفان و معاونان مسئول اول سازماندهی شما عوض می‌شود. یک ستاد جدید فرماندهی اداره امور را تا بیرون رفتن آخرین نفر از قرارگاه به‌دست می‌گیرد.

عمد داریم که خواهرانمان با توجه به‌تجربهٔ اشرف دو هفته زودتر لیبرتی را ترک کرده باشند تا اگر در فرودگاه ممانعت کردند یا در لیبرتی درگیر شدید، از همه جهت آماده باشیم.

خلاصه کنم: تشکیلات پولادین برادران این‌جا باید آزمایش بدهد.

معاونت سیاسی، بخشهای روابط خارجی، تبلیغات، ارتباط با سازمانهای بین‌المللی و ارتباطات با سفارتها، مخصوصاً سفارت آمریکا را بر عهده دارد.

در قسمتهای ستادی فرماندهی قرارگاه، معاونت عملیات، معاونت امنیت، معاونت پشتیبانی، معاونت بودجه و معاونت ارتباطات مثل همیشه کارشان را می‌کنند. یادتان باشد که اتاق عملیات در هیچ شرایطی تعطیلی نمی‌پذیرد. مانند پست مهندسی و امداد قرارگاه که در معاونت پشتیبانی ادغام می‌شوند. این سیستم شامل ۹یکان است که به‌نوبت از لیبرتی می‌روند.

گفتم که مهمترین موضوع از همین الآن تا روز آخر باز هم امنیت و حفاظت یکایک مجاهدین است. بنابراین وقتی از آماده‌باش در جمیع جهات صحبت می‌کنیم، یعنی تضمین امنیت و حفاظت تا رسیدن

به‌مقصد. هر کسی که دست در آتش یک عملیات ولو کوچک داشته، به‌خوبی می‌داند که همه چیز دست ما نیست و ما با یک جدول احتمالات پر طول و تفصیل مواجه هستیم. اما مهم این است که از همین امروز در راستای همین امنیت و حفاظت، آنچه از دستمان بر می‌آید، مثل آنچه که تاکنون انجام داده‌اید، انجام بدهیم.

لیبرتی پر از حماسه‌های خاموش است. یک نمونه آن تلاشهای طاقت‌فرسای فرماندهان گردانهای انقلاب در تاریکی شب برای جابه‌جا کردن سنگرها، بازسازی سقفها مخصوصاً سقف سالنهای نشست و اجتماعات، تقویت سقفها طبق محاسبات دقیق مهندسی برای تحمل ضربهٔ موشکی، جابه‌جا کردن اتاق فرماندهی و ستاد زیر ضربات دشمن و در یک‌کلام چیزی است که به‌آن می‌گوییم مأموریت بدون خسارت.

من نمی‌دانم آیا به‌آن خواهیم رسید یا خیر؟ البته که ما برای پرداخت هر قیمتی باید آماده‌باشیم. ولی درعین‌حال، تا آنجا که به‌عزم و خواست خودمان مربوط است، تلاش می‌کنیم مأموریت بدون خسارت، یا با حداقل خسارت باشد.

در مورد حماسه‌های خاموشی که تابه‌حال انجام داده‌اید ترجیح می‌دهم برخی عکسها و فیلمها را ببینیم. تصاویر گویاست و نیازی به‌توضیح ندارد. جابه‌جا کردن سنگرها و دیوارهای بسیار سنگین بتونی در زیر چشم دشمن واقعاً کار شاق و فوق‌العاده‌یی بود که انجام دادید و باز هم ادامه دارد.

به‌خصوص که دور هر محوطه‌یی که کار در آن جریان داشت، ابتدا باید با نصب تیوالهای بلندتر دید دشمن از بیرون را می‌پوشاندیم، تا دوربینهای جاسوسی نتوانند پشت آن را ببینند.

تصاویری از اجرای پروژه ها و«حماسه های خاموش»

تاریخ شروع:۳۱ خرداد۹۴- تاریخ پایان:۳۱تیر۹۴

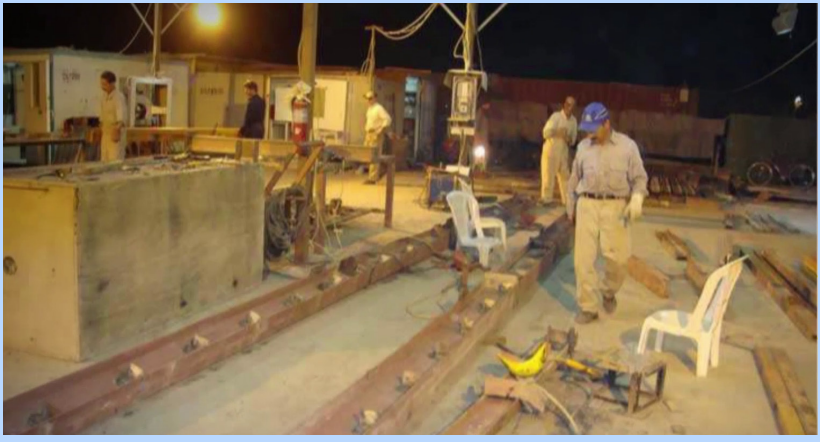

از همان اولین حمله موشکی به‌بعد، حین ساختن و تقویت سقفها، حرارت فضای بسته زیر سقف که در آن کار می‌کردند، به۶۰ الی ۷۰درجه می‌رسید. نفس می‌گرفت و مجاهدان۳۱۳ مجبور بودند هر چند دقیقه یکبار برای نفس کشیدن بیرون بیایند و این در حالی بود که تمام لباسهایشان خیس عرق بود.

برخی اوقات برادران و فرماندهانتان بایدساعتها به‌حالت درازکش کار می‌کردند.

انتقال گونیها زیر رسقف و آماده کردن برای بردن به بالای سقف

در تاریکی شب هم نباید از هیچ طرف رؤیت می‌شدند.

958

سنگر فرماندهی

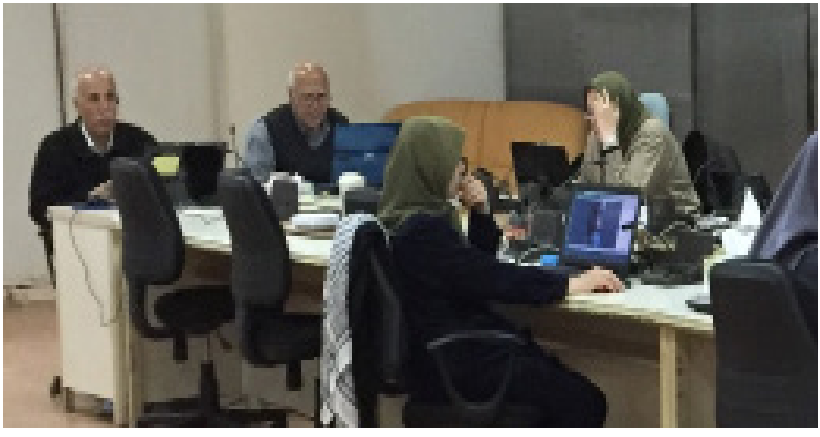

فصـــل هفتم

خطرها برسرراه انتقال مؤسسان چهارم
مفهوم و الزامات آماده باش در جمیع جهات

۱۷بهمن ۱۳۹۴

(قسمت چهارم)

اتمام حجت نهایی

قبل از آزمایش بزرگ و اعزام به‌مأموریت

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُوْلَئِكَ هُمُ الصَّادِقُون [۳۴]

جز این نیست که مؤمنان و مجاهدان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و پیامبرش ایمان آوردند و از آن پس شک و شکاف نداشته و بازگشت ناپذیرند، آنان با اموال و جانهایشان در راه خدا جهاد کردند، آنانند که صادقند.

برای آمادگی تمام‌عیار ایدئولوژیکی و تشکیلاتی قبل از انتقال بزرگ ترجیح می‌دهم با این آیه از سورهٔ حجرات شروع کنیم. گفتیم که مفهوم و الزامات آماده‌باش در چنین آزمایش بزرگی، همه‌جانبه و در جمیع جهات است. پس ما علاوه بر آمادگی‌های نظامی و سیاسی و امنیتی، در رأس هرم آمادگیها، قبل از اعزام به‌مأموریت و آزمایش بزرگ، نیازمند آمادگی آرمانی و ایدئولوژیکی هستیم.

یادش به‌خیر حنیف بنیانگذار که همیشه از جیاپ نقل‌قول می‌کرد که در گرماگرم نبرد دین‌بین‌فو، ما مبارزهٔ ایدئولوژیک را

۳۴-سورهٔ حجرات، آیه ۱۵

فراموش نمی‌کردیم و هم‌چنین انتقاد و انتقاد از خود تعطیل‌ناپذیر بود؛ چرا که لازمهٔ نبرد و پیروزی است...

دربارهٔ اصطلاح «لم یرتابوا» یا شاخص «بازگشت‌ناپذیری»

در یکی از نشستهای قبلی، یکی از برادرانی که در همین سالهای آخر بعد از اشغال عراق، شاید در سال۱۳۸۷ به‌اشرف آمده، از من قول گرفت که مجدداً معنی اصطلاح «لم یرتابوا» را که در محاورات و فرهنگ درونی مجاهدین رواج دارد، با سابقهٔ آن توضیح بدهم.

ما این کلمه را به‌اختصار و به‌طور خلاصه «بازگشت‌ناپذیر» معنی می‌کنیم که شاخص یک مجاهد حقیقی و عضو واقعی سازمان است .همیشه گفته‌ایم که در سلسله مراتب و رده‌بندی درونی مجاهدین، مرز کیفی، عضویت با برخورداری از ۷شرط ضروری با خصیصه و شاخص «بازگشت‌ناپذیر» است. این‌که می‌گویم، همیشه گفته‌ایم، مبالغه نیست و در تمام بحثهای عضویت در سالهایی که من به‌یاد دارم با همان شاخص «بازگشت‌ناپذیری» روی آن تأکید شده است. از بحثهای مربوط به‌شرایط عضویت، بعد از ضربهٔ اپورتونیستهای چپ‌نما در زندانهای شاه که در اوین در سال۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ در بحث هویت، فرموله و مکتوب شد، تا بحثهای هویت و عضویت در سال۱۳۶۴ در پاریس بعد از انقلاب مریم. هم‌چنین در نشستهای۱۳۶۸ در اشرف و نشستهای مؤسسان دوم در۱۳۷۴ و سپس در تابستان۱۳۸۰ در قرارگاه باقرزاده و بعد هم در مؤسسان سوم. این بحث آخرین بار برای اعضای جدید و کاندیداهای عضویت در سال۱۳۸۹ در نشستهای رمضان در اشرف انجام شد. ملاحظه می‌کنید که سابقهٔ طولانی دارد و همیشه هم تأکید می‌شد.

به توصیه مسئول اول سازمان، عیناً از روی «آیین‌نامهٔ عضویت و رده‌بندی» برایتان می‌خوانم:

«عضویت کیفی‌ترین مرز در سلسله مراتب تشکیلاتی است و با ۷خصوصیت و شاخص بازگشت‌ناپذیری شناخته می‌شود به‌نحوی که از دست دادن هر کدام از این ۷ویژگی، عضویت را ساقط و منتفی می‌کند:

۱) قبول آگاهانه و مختارانهٔ ایدئولوژی اسلام و تشیع مردم‌گرای انقلابی و ضداستثماری با شاخص حضرت علی (ضد خمینی و آخوندهای ارتجاعی) با پایبندی به‌شعائر.

۲) قبول آگاهانهٔ استراتژی با پایبندی به‌ارتش آزادی و سیاستهای انقلابی (ضدشیخ و شاه = ضد استبداد و وابستگی= ضدارتجاع و بورژوازی غارتگر و ضد مردمی)

۳) تشکیلات‌پذیری و جمع‌پذیری = سانترالیسم دموکراتیک در تشکیلات = فرمان‌پذیری نظامی در ارتش

۴) شهادت‌پذیری

۵) مبارزهٔ حرفه‌یی (تمام وقت)

۶) انتقادپذیری = جهاد اکبر = مبارزه وقفه‌ناپذیر ایدئولوژیک = عملیات جاری با تضمین جمعی

۷) انقلاب‌پذیری (ضد ایدئولوژی جنسیت و فردیت) با پایبندی به‌هژمونی خواهران ذیصلاح مجاهد

تذکر: *حداقل تحصیلات کلاسیک برای عضویت، دیپلم است. کسانی که کمبود دارند، باید تحصیلات نظری را تا سطح لیسانس یا دیپلم در داخل سازمان جبران کنند و گواهی‌نامه بگیرند. اگر جنگ با دشمن ضدبشری و مسئولیتهای انقلابی فرصت تکمیل آموزشهای لازم برای عضویت را نداده است، در زیر سوگندنامه باید قید شود آموزشهای نظری لازم در ردهٔ تشکیلاتی خود را در اولین فرصت می‌گذرانم و امتحان خواهم داد».*

اما خصیصه و شاخص «بازگشت‌ناپذیری» در آرمان و ایمان و مجاهدت، بی‌شک و شکاف، همان معیار صدق و یگانگی است که شرایط عضویت را در خود گره می‌زند و تثبیت می‌کند.

بنابراین تکرار می‌کنم که دیگر با این ۷شرط و با این خصیصه و شاخص، بین اعضای جدیدالورود تا بالاترین و قدیمی‌ترین مسئولین سازمان و حتی مسئول اول، در مجاهد بودن، تفاوت و مرز کیفی وجود ندارد؛ تفاوت، در مجاهد بودن یا نبودن، یا همان مجاهد ماندن و مجاهد مردن است. بقیه‌اش، تا آنجا که به‌کار و مسئولیت و سلسله مراتب تشکیلاتی برمی‌گردد، الزامات ادارهٔ امور و تقسیم کار و سازمان رزم است که بسته به‌شرایط می‌تواند تغییر کند. پس در "فرم" (به‌معنی دقیق سازمان درونی هر پدیده) دعوایی نیست، دعوا در محتوا به‌معنی عناصر متشکلهٔ ایدئولوژیکی و مشخصاً در ماهیت یعنی پایدارترین عنصر محتوایی است.

این‌جاست که هر عضو سازمان، با شاخص و خصیصهٔ «بازگشت‌ناپذیری» مشخص می‌شود. در غیراین‌صورت معلوم می‌شود که شک و شکاف، حفره و کمبود یا مشکلی در کار بوده است.

در این آیه (شماره ۱۵) که از سورهٔ حجرات خواندم، خیلی جالب است که توجه کنیم این آیه، در ادامهٔ آیه‌یی است (شماره ۱۴) که خدا خودش، خیلی صریح و بی‌تعارف و به‌تیزترین صورت، فرق اسلام آوردن و ایمان آوردن را گوشزد می‌کند. واضح است که مخاطب، همه ما هستیم. گوش کنید:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُم مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۳۵

اعراب گفتند ایمان آوردیم، بگو خیر، ایمان نیاورده اید بلکه بگویید که پذیرفته‌اید و اسلام آورده‌اید و هنوز ایمان به قلبهایتان وارد نشده و آن را سرشار نکرده است هر چند که اگر خدا و رسولش را اطاعت کنید، از اجر کارهایتان هیچ چیز کم نمی‌کند و همانا که خدا آمرزندهٔ مهربان است...

پس می‌بینید که یکی بحث پذیرش و اسلام آوردن (به‌معنی عام پذیرش و انطباق) است و دیگری بحث ایمان و بازگشت‌ناپذیری و مجاهدت با تمام توش و توان که این همان مرز کیفی و کیفی‌ترین مرز است.

۳۵-همان سوره، آیه۱۴

یکی دیگر از تفاوتهای پذیرفتن و پذیرش با ایمان و آرمان در دو آیهٔ بعد به‌گویاترین وجه بیان شده است:

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۳۶

بر سر تو منّت می گذارند که اسلام آورده اند، بگو بر سر من بخاطر اسلام آوردن و آنچه پذیرفته اید منّتی نگذارید بلکه این خداست که بر شما منّت دارد که اگر صادق باشید شما را به سوی ایمان هدایت کرد.

می بینید؟ از این واضح‌تر نمی‌شد! تفاوت قبول و پذیرش با مرحلهٔ ایمان را به‌خلاصه‌ترین صورت توضیح داد و شاخص آن را برجسته کرد. هر مجاهد و هر مبارزی که ایمان و آرمان دارد، هرگز به‌خاطر مجاهدت و مبارزه‌اش بر سر کسی منت نمی‌گذارد و به‌قول مجاهدین هیچ‌گاه طلبکار نیست؛ بلکه سراپا بدهکار است. از ناکرده‌هایش می‌گوید نه این‌که بر سر خلق منّت داشته باشد. این چه مجاهد خلق است که بر سر خلقش و سازمانی که او را پرورانده، منّت داشته باشد و طلبکار باشد.

به عکس، آن کسی که آرمان دارد و قلب او لبریز و سرشار از ایمان است، با شاخص صدق و صداقت که مبین آرمان و ایمان است، نه فقط در آزمایشات و مصائب روزگار، زبان به‌شکوه و شکایت و طلبکاری نمی‌گشاید، بلکه خدا را به‌این ایمان، شاکر و بدهکار است.

این چنین بود که پیشوا و فرمانده تاریخی ما، امیر مؤمنان می‌گفت که حتی اگر خودش هم تک و تنها در برابر دنیای پر از دیو و دد و مالکی و فالح فیاض و ابن ملجم و خمینی و خامنه‌ای قرار بگیرد... نه می‌ترسد و نه وحشت می‌کند، بلکه یک‌تنه همهٔ آنها را حریف است؛ بر فرقش هم که شمشیر می‌خورد به‌جای آه و ناله می‌گوید به‌خدای کعبه پیروز و رستگار شدم...

برای خیلی از شما، تفسیر آیاتی که خواندم تکراری است. بنابراین خلاصه می‌کنم که من و شما با هم یک بحث ذهنی یا به‌اصطلاح روشنفکری

۳۶-همان سوره، آیهٔ۱۷

نداریم و مشغول عبارت‌پردازی نیستیم. قرآن مؤمنین و مجاهدین را با خصوصیت ویژهٔ آنها توصیف می‌کند: صاحب ایمان و آرمان، ارزش و گوهری که خاص انسان است. حیوانات ایمان و آرمان ندارند، به‌همین خاطر کلمه‌یی به‌نام وفا یا فدا و کلمه‌یی به‌نام صدق، اصلاً در دنیای حیوانی مفهوم و کاربرد ندارد.

توجه کنید که خدا نمی‌گوید که مؤمنان و مجاهدانش عیب و ایراد ندارند و منزه هستند. خیر، اصلاً این‌طور نیست؛ بلکه یک خصوصیت دارند که بر تمام پروسهٔ زندگی و مبارزه آنها سایه افکنده و آن رگ سرخ ایمان و آرمان و مجاهدت آنهاست، **بازگشت‌ناپذیر** هستند؛ در مقابل رژیم و دشمنان خلق و انقلاب، در مقابل ارتجاع و استعمار، **تسلیم ناپذیر** هستند، به‌آغوش ارتجاع و کفر و شرک بازگشتنی نیستند، از این بابت عوض‌شدنی نیستند.

به همین خاطر، کارکرد آنها را می‌گوید: ***جاهدوا باموالهم و انفسهم***... مجاهدت می‌کنند با دارایی‌ها و جانهای خود. مثل همین مجاهدین که از اموالشان هم در اشرف، وسیله‌یی برای جنگ ساختند و آن را بین‌المللی کردند.

کوبلر از جانب مالکی آمد و گفت بیایید ۵میلیون دلار بگیرید و رضایت بدهید. مجاهدین گفتند: تف بر تو و مالکی و ۵میلیون دلار او!

آخر این مجاهدین قبل از آن، صدها و هزاران برابر بیشتر، در ایران مال و اموال داشتند که هنوز رژیم دارد ارثیهٔ برخی مجاهدین را مثل خانواده کلثوم شهید و خانواده نعمت (اولیایی) غارت می‌کند و در روزنامه‌هایش هم می‌نویسد و البته باعث افتخار ماست.

پس مجاهد بازگشت‌ناپذیر و صاحب آرمان به‌جای این‌که کارش به‌قول قرآن «***يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ***» یعنی بهره و لذت‌بردن از زندگی و خوردن مانند چارپایان و حیوانات باشد، کارکردش مجاهدت در راه خدا و خلق با تمام دارایی و جان و خصوصیت ویژه‌اش بازگشت‌ناپذیری است.

این را برای خودش و برای کرسی و مثلاً اسم در کردن و ژست و

قیافه گرفتن نمی‌خواهد، بلکه صادقانه و فی‌سبیل الله است. آن‌چنان‌که در سورهٔ فجر آمده برای یتیم و مسکین و برای کارتن خواب است. برای زحمتکشان و رنجبران و خلق اسیر و میهن در زنجیر است .پس شاخص صدق و ایمان، بازگشت‌ناپذیری در جهاد با مال و جان در راه خدا و خلق است، همین!

حالا برگردید در تاریخ ۵۰ساله سازمان، نفر به‌نفر را از شهیدان تا کسانی که باقی مانده‌اند، با این معیار ارزیابی کنید. همه چیز روشن می‌شود.

در علم پزشکی، از اعضا و جوارح عکس می‌گیرند، یا اسکن یا «ام آر آی» یا شیوه‌ها و فنون دیگر که من نمی‌دانم؛ اما دکتر متخصص با شیوه‌های خودش بالاخره درمی‌آورد که توی جمجمه یا قلب یا امعاء و احشا و کل این پیکر آدمی، چه خبر است. در پهنهٔ ایدئولوژیک و انسان‌شناسی هم با همین آیه همه این کارها و عکسبرداری‌های ایدئولوژیک را می‌توان انجام داد.

اگر شاخص صدق، بازگشت‌ناپذیری است؛ اگر کارکرد ایمان و آرمان، جهاد با جان و تمام توش و توان است، اگر اینها را ملاک و معیار قرار بدهیم، حالا برگردید و از روز اول که وارد مبارزه و سازمان شده‌اید، همهٔ افراد و همهٔ گروهها و همهٔ مجاهدینی را که دیده‌اید یک به‌یک از نظر بگذرانید؛ لطفاً روی عیبهای آنها متمرکز نشوید، این جای خود را دارد؛ اما اصل موضوع نیست، لطفاً روی کم و کسری آنها متمرکز نشوید این جای خود را دارد؛ اما اصل موضوع نیست، شاخص را بازگشت‌ناپذیری قرار بدهید. هم‌چنانکه خدا در قرآن گفته است؛ کارکرد را جهاد فی‌سبیل الله و مجاهدت در راه خدا و خلق و مبارزه در راه آزادی و عدالت قرار بدهید. آن وقت ناگهان، برای من و شما، یک خط قرمز و مرز سرخ بازگشت‌ناپذیری، به‌گونه‌یی آتشین بیرون می‌زند، پرده کنار می‌رود و معنی صدق و صادق مفهوم می‌شود:

صدق در آرمان و ایمان، با شاخص بازگشت‌ناپذیری که کارکرد آن

مجاهدت با جان و مال در هر شرایطی است؛ زمان و مکان و اشرف و لیبرتی یا آلبانی و غیر آلبانی و داخل و خارج کشور نمی‌شناسد. "واو"شدن و وا رفتن در برابر جاذبه‌های دنیوی و بورژوازی نداریم.

مقهور نشوید، مقهور بکنید!

این بازگشت‌ناپذیری، همان «استاتوی رستگاری» است. همان که گفتم، تنها چیزیست که در مورد هر مجاهد خلق از سرنگونی هم که جانمایهٔ همه کارهای ماست، مهمتر است.

یک یادآوری ضروری

حالا قبل از اتمام‌حجت نهایی برای آماده‌باش ایدئولوژیکی، یک یادآوری دیگر هم ضروری است.

یادتان هست در پایان سال ۱۳۹۰ که ابتدای آن قتل‌عام ۱۹فروردین در اشرف و انتهای آن به‌خاک مالیدن پوزهٔ مالکی و رژیم در ضرب‌الاجل ۳۱دسامبر بود، وقتی که سرانجام خانم کلینتون وزیرخارجه آمریکا در ۱۰اسفند۱۳۹۰ در کنگرهٔ آمریکا پیشنهاد خروج از لیست تروریستی در مقابل جابه‌جایی از اشرف به‌لیبرتی را اعلام کرد، ما دو هفته بحث و جمعبندی داشتیم و به‌این نتیجه رسیدیم که پس از یک دهه پایداری در اشرف، تغییر دوران در چشم‌انداز است.

تغییری که خودمان آن را با گوشت و پوست و استخوان ساخته و پرداخته بودیم. تغییری که اشرفی نخستین (مریم) آن را در کارزار جهانی هدایت می‌کرد.

ستون اول و دوم به‌لیبرتی آمد و در نشست اشرف در شب عید۹۱ دوباره به‌بحث نشستیم.

هنوز پیام لایهٔ عضو و کاندیدای عضو که خواندید در گوشم زنگ می‌زند؛ چون که بحث از سختی‌ها و مشکلات لیبرتی بود که جلو ما قرار داشت. خلاصه پیام این بود که این مأموریتها برای مجاهدین، حلقات زنجیر

سرنگونی است و از ما مجاهدین زالوصفتی و میدان دادن به‌اپورتونیسم دور باد! آخرش هم به‌من نوشتید و گفتید: بتاز، بتاز، بتاز...! که اینها در همان زمان از ماهواره پخش شده است. منظورم از این یادآوری، این قسمت است که ترجیح می‌دهم دوباره قبل از آزمایش و مأموریت بزرگی که عازم آن هستید با هم بشنویم. گوش کنید:

اشرف- نشست عمومی
تغییر دوران پس از یک دهه پایداری
۲۷ اسفند۱۳۹۰

از سال ۹۰ و بعد از این یک دهه می‌دانید با خودم چه می‌گویم؟ چه در مورد فرد چه در مورد جمع؟ شما به‌من گفتید بتاز! پس اول به‌خودمان می‌گویم و مشخصاً به‌خودم و به‌تک‌تک شما؛ همه، چه خواهر و چه برادر حواستان را جمع کنید، شش‌دانگ حواستان را جمع کنید! یا عرضه داریم در این یکی آزمایش هم که بغرنج‌ترینش است، دشمن را سرویس کنیم، یا مجاهدین از پس این آزمایش برنمی‌آیند و لهیده و چروکیده می‌شوند. دندشان نرم! تا خلق قهرمان از دست اینها خلاص بشود. لابد شما می‌گویید آخر چرا این را می‌گویی؟ برای این‌که در این یک دهه رفته و در جایی نشسته‌اید که خیلی جاست! نمی‌دانم با چه کلمه‌یی بگویم؛ پولادین بگویم؟ زرین بگویم یا درخشان بگویم؟

فقط این کنفرانس‌های بین‌المللی که می‌بینید و کدهایی که از اشرف می‌گویند که من اینها را یادداشت کرده‌ام، یک کتاب می‌شود. باشد تا روزی در فرصتی، نشستی، یا پیامی، بتوانم اقلاً یک مقدارش را بیاورم. آن‌قدر، آن‌قدر مردم و جوانان ایران، آنهایی که شما را می‌شناسند، آنهایی که ۱۹فروردین را دیدند، از استرالیا تا کانادا از سوئد تا آمریکا از مصر تا یمن و بچه‌های سوریه به‌شما ارادت می‌ورزند و احترام قائلند؛ آن‌قدر جایگاه تاریخی و شأن و مقام پیدا کرده‌اید که شاید خودتان نمی‌دانید.

کوربت فقید گفت: شجاعترین شجاعان. درجات و فضیلتهایی برای اشرف، یعنی برای مجاهدینش گفته‌اند که من هرگز نگفته بودم. یادتان هست ۳سال پیش که بحث قدر اشرف را می‌کردیم سقف حرف ما کانون

استراتژیک نبرد بود. بعد جهانی به‌آن افزوده شد و بهمن‌وار پیش رفت و پیش رفت و دائماً افزوده می‌شود.

باور کنید که وقتی من اطلاعیهٔ اتحادیهٔ جهانی وکلا را دیدم، چون اولین بار در ۱۰سال گذشته بود که چنین چیزی می‌دیدم، یکه خوردم. چون دو میلیون وکیل، بیش از دو میلیون حقوقدان و وکیل از ۱۱۰کشور در این اتحادیه هستند. تابه‌حال ما کانون وکلای انگلستان را دیده بودیم که ۱۴۰-۱۵۰هزار حقوقدان و وکیل بودند. کمیته بین‌المللی دفاع از اشرف را که ۸۵۰۰نفر بودند. در عراق هم کمیتهٔ وکلای عراقی را داشتیم که یادتان هست ۱۲هزار وکیل بودند. اما حالا رسیدید به‌مرز ۲میلیون حقوقدان و وکیل از ۱۱۰کشور. یک اطلاعیه کوتاه و خلاصه بود که به‌زندان‌سازی در لیبرتی اعتراض کنید، نیروهای مسلح باید خارج شوند...

واقعا یکه خوردم که چگونه حتی وارد زیرساختهای لیبرتی و فاضلابهای لیبرتی و آب و برق لیبرتی شده و از کوبلر می‌خواهد که بیطرف باش! بدون زد و بندها و ملاحظات سیاسی برو به‌دفاع از حقوق پناهندگان ایرانی! در مقابل سرکوب دولت عراق سکوت نکن! در مقابل رفتار سرکوبگرانه‌اش برو دنبال حداقلها و بدان که این شرایط برای زنان مسلمان مطلقاً غیرقابل‌قبول است!

حالا نتیجه‌ام را می‌خواهم بگیرم: در این جایگاهی که قرار گرفته‌اید از این یکی هم سرفرازانه عبور می‌کنید و به‌مداری بالاتر می‌رسید...

بنابراین من می‌گویم اگر مجاهدین نکشیدند، دندمان نرم. آیا ما می‌خواستیم در یک چنین جایگاهی قرار بگیریم و خود را به‌این خلق در زنجیر عرضه کنیم؟ نه، این قابل‌قبول نیست. اگر عرضه نداریم خدا بهتر از ما را می‌آورد. مگر این‌که بتوانیم استخوان خرد کنیم، قیمت بدهیم، جنگ ایدئولوژیک را صد روی صد، بدون شکاف و این پرچم (ایستادگی) را بالا و بالاتر ببریم.

شما گفتید بتاز! من هم اول از همه، با جمع خودمان تازیدم! که یا دندتان نرم، بگذارید ملت ایران از دست ما خلاص بشود و بهترش را پیدا کند، یا یک‌به‌یک، در مقام یک سازمان، نه فقط عبور خودتان، عبور دادن این سازمان و جنبش.

دیگر تمام شد، از گهوارهٔ اشرف درآمدید، بالغ و پخته و آبدیده شدید. تغییر دوران یعنی این! یا از گردونهٔ تاریخ حذف می‌شوید یا جایگاه خود را نه فقط تثبیت می‌کنید بلکه بالا و بالاتر می‌برید.

****

راستی بعد از معنی مجاهد بودن و تعریف مرز کیفی عضویت در مجاهدین با شاخص «بازگشت‌ناپذیری» و تسلیم و مغلوب و مقهور نشدن، این یادآوری برای چیست؟

برای همان آماده‌باش ایدئولوژیکی، در رأس هرم آمادگیها قبل از حرکت و اعزام به‌مأموریت، چون هم فرد و هم سازمان آزمایش بزرگی در پیش دارد.

مثل همیشه مجاهدین باید از خودشان شروع کنند؛ زیرا جنگ ما با رژیم و جبهه ارتجاع به‌مدار بالاتری ارتقا پیدا می‌کند. موشکهای دشمن ما را در لیبرتی از پا درنیاورد. اما موشک دنیاطلبی و آزمایش آن در پستوهای نمور بورژوازی، در پیش است.

حتی روزی که در ۱۹۴۹ انقلابیون چین پکن را تسخیر کردند، مائو هشدار داد که خمپاره‌های آتشین ما را از پا درنیاورد، اما خمپاره‌های شکرین بورژوازی در راه است...

در تاریخ اسلام نیز هم‌چنان‌که حضرت علی به‌رساترین و فصیح‌ترین بیان در نهج‌البلاغه تصویر کرده است، چه بسیار کسانی که در برابر شمشیر در جبههٔ جنگ مغلوب و مقهور نشدند، اما در قدمهای بعد طمع و زرق و برق دنیا، آنها را با خود برد :

فَإِنَّمَا هُمْ أَهْلُ دُنْيَا مُقْبِلُونَ عَلَيْهَا وَ مُهْطِعُونَ إِلَيْهَا وَ قَدْ عَرَفُوا الْعَدْلَ وَ رَأَوْهُ وَ سَمِعُوهُ وَ وَعَوْهُ... ۳۷

همانا که آنان اهل دنیا هستند و با شتاب به‌آن رو آوردند در حالی‌که عدل و داد را شناختند و دیدند و شنیدند و دانستند...

در نشست عمومی ۲۸آذر یادتان هست که گفتم :«بگذارید اگر تابلو هجرت بزرگ، یعنی انتقال همگانی و حرکت به‌سوی پایگاه امن محقق شود، پیشاپیش به‌همه اشرف‌نشانها و هواداران مجاهدین که با مشتهای گره کرده و هفت عصا و کفش آهنین سالیان سال، همه جای جهان را با طولانی‌ترین تحصنها و تظاهرات و اعتصابها برای حفاظت و امنیت و سلامت شما، درنوردیدند، بگویم که همراه با خلق در زنجیر، حق دارند هر روز از مسئولین و کادرها و اعضای مجاهدین بپرسند که آیا "هم‌چون خودش" (اشرفی نخستین مریم را می‌گویم) با عزم "جنگ" هر چه بیشتر، از عراق خارج می‌شوید یا "نه جنگ"؟ برای رزم یا برای بزم؟ راستی کدام یک؟»

در همان نشست قرار گذاشتیم که ادامه این موضوع حیاتی را به‌نشست دیگری موکول کنیم که حالا نوبت آن است. در همان نشست در انتهای ماجرای صبرا و شتیلا هم گفتم :

«ای خواهران و ای برادران، علت این‌که من در این سالها، پیاپی با شما اتمام‌حجت می‌کنم، علت چراغ خاموش، علت ابلاغیه‌های تصفیه و اخراج، همین است که می‌خواهم در کمال آگاهی و اختیار تصمیم بگیرید. می‌خواهم هیچ مانعی، بر سر راه رفتن برای هرکس که می‌خواهد جان به‌درِ ببرد، وجود نداشته باشد. بنابراین در حالی‌که به‌عنصر مجاهد خلق واقعاً برمی‌خورد، این اتمام‌حجتها و ابلاغیه‌ها را عام و عمومی یعنی از بالا تا پایین و بدون هر گونه استثنا کرده‌ایم تا خاص یک رده یا یک لایه در تشکیلات شما و در سازمان رزم ارتش آزادیبخش نباشد. تا بالا و پایین و

۳۷- نهج البلاغه، نامهٔ ۷۰

قدیمی و جدیدی نداشته باشد. می‌خواهم حساب این سازمان و حساب این مقاومت، پاک و پاکیزه و روشن باشد.

خوب می‌دانید که این هم از خودمان نیست، بلکه مجاهدین سنت چراغ خاموش و هم‌چنین سنت برافراشتن پرچم فروغ جاویدان را از امام حسین آموخته‌اند. خوب می‌دانید که امام حسین در طول مسیر چندین نوبت چراغ خاموش داد و می‌گفت هر کس می‌خواهد پی کارش برود... در غیراین صورت تابلو عاشورا این‌چنین نمی‌درخشید.

در عین حال، این اتمام‌حجت ایدئولوژیکی و تشکیلاتی ما، تودهنی محکم ایدئولوژیکی و سیاسی و تشکیلاتی به‌رژیم و مستخدمان و همدستان و هم‌خطان است...». همین روش که از پیامبر جاودان آزادی آموختیم، اسطورهٔ اشرف و لشکر فدایی ۱۰۰نفرهٔ آن را در ۱۰شهریور۹۲، جاودانه کرد. این‌چنین بود که از پس کوبلر و همدستان و همریشان برآمدید. این‌چنین بود که اتوبوسهای مالکی از اشرف خالی برگشت و کسی به‌هتل یمامه نیروی قدس و فالح فیاض نرفت.

واضح است که شأن و جایگاه مجاهدین بازگشت‌ناپذیر نیز در این اتمام‌حجتها و ابلاغیه‌ها به‌لحاظ تاریخی و ایدئولوژیکی و سیاسی بسا بالاتر رفت و خوشا مردم ایران با این گوهران بی‌بدیل و نوامیس ایدئولوژیکی یک تاریخ و یک خلق و یک میهن. تاریخ ایستادگی و فدای تمام‌عیار در برابر ایلغار خمینی و خلافت ارتجاعی...

به‌راستی که من در تمام ابلاغیه‌ها و اتمام‌حجتهای ۱۳سال گذشته در اشرف و لیبرتی حتی یک مجاهد بازگشت‌ناپذیر ندیدم که به‌موضوع از ته دره یا از سر ضعف و ناتوانی نگریسته باشد. هر چه بود، در مورد مجاهدین حقیقی و بازگشت‌ناپذیر از نوک قله فتح و پیروزی ایدئولوژیک بود.

بله امروز می‌خواهم قبل از خاتمه نشست، آخرین اتمام‌حجت ایدئولوژیک و تشکیلاتی را در لیبرتی به‌عمل بیاوریم. به همین منظور دوباره خطرات پیش رو را خاطرنشان می‌کنم. ما فهرستی از خطرات را

مرور کردیم؛ اما این، همهٔ خطرات نبود و باید حساب عوامل نامعین و پیش‌بینی ناشده را هم کرد. می‌خواهم از جمیع جهات هوشیار باشید و بتوانید تصمیم بگیرید. من هر آن‌چه را می‌دانستم، با فرضیات مختلف جلو شما گذاشتم تا بتوانید انتخاب نهایی خود را در همین لیبرتی با خطراتی که در پیش دارد، به‌عمل بیاورید. دوران موجهای بزرگ و تکانهای عظیم فرا رسیده است. مجاهدین و نسل آنها این افتخار را داشته است که چند نسل پیاپی در معرض بزرگترین و خطیرترین و مهیب‌ترین و طولانی ترین ابتلای تاریخ ایران قرار بگیرند .

الهی لک الحمد که ما را شایستهٔ این آزمایش دانسته‌ای.. نعمت و منتی که در تاریخ ایران به‌هیچ‌کس دیگر عطا نکردی. خدا کند که شایسته باشیم و مجاهد بمانیم و مجاهد بمیریم...

امروز هم می‌خواهم آخرین اتمام‌حجت را بعد از ۱۳سال باز هم با تک‌تک شما انجام بدهم .علاوه بر فرد فرد شما، به‌لحاظ سیاسی هم، هدف، مشت محکمی بر دهان دشمن ضدبشری است، قبل از ترک لیبرتی و عراق. یادتان باشد به‌هر کشوری هم که رفتید، طبق سنت مجاهدین آنجا، دوباره اگر خواستید باید درخواست عضویت کنید. طبق سنت سازمان در پایان دورهٔ آزمایشی که من نمی‌دانم در هر کجا و هر شرایطی، چقدر طول می‌کشد، جمع، مخصوصاً هم‌رده‌های خودتان که شما را می‌شناسند، باید عضویت شما را با احراز ۷شرط عضویت و همان شاخص، مجدداً و در کمال افتخار در مداری زرین و بسا بالاتر، تصویب و ابلاغ کنند. این قلهٔ بالابلندتر دیگری از افتخارات تاریخی و ایدئولوژیکی مجاهدین در این هجرت کبری است. به‌رغم فاصله جغرافیایی، مجاهد را بر سر چشمهٔ صدق به‌پیشوای آرمانی‌اش امام حسین نزدیکتر و با او یگانه‌تر می‌کند. آخر او هم که سیاهی لشکر نمی‌خواست. هفتاد عضو بازگشت‌ناپذیر تا بیکران و جاودان کفایتش کردند.

بله، این همان کیفی‌ترین مرز است. اگر کسی بر سر سوگند جلاله

باقی باشد، معلوم است که مثل نمازهای روزانه به‌غایت از آن استقبال می‌کند زیرا معنی سیاسی و ایدئولوژیک و تشکیلاتی و حتی امنیتی آن را در محیط‌های جدید می‌داند.

از جنبه امنیتی یک خاطره می‌گویم از ۴۲سال پیش. از مجاهد شهید و والا، فرهاد صفا که سال ۱۳۵۰ دستگیر شد. او از شیراز، مهندس کشاورزی و بسیار با استعداد و محکم و جاافتاده بود.

در سال ۵۱ در زندان قصر، بعد از این‌که بسیاری از کادرهای سازمان را به‌زندانهای شهرستانها مثل مشهد و شیراز و سایر نقاط تبعید کردند، فرهاد با موسی و من مرکزیت آن روز زندان شد. اما چون مدت محکومیت او اگر اشتباه نکنم، ۳سال بود، خیلی رعایت می‌کردیم که لو نرود و بتواند آزاد شود و زودتر بیرون برود و به‌سازمان بپیوندد. یکی از ترفندهای ساواک در آن ایام نفوذ دادن افرادی در میان گروههای مبارز در زندان بود تا از کارهای ما سر دربیاورد. ما هم قرار گذاشته بودیم که با هر تغییر و جابجایی در زندانها، برای هر فردی که جدید وارد می‌شود، هر سابقه و رده‌یی هم که داشته باشد یک دورهٔ آزمایشی بگذاریم و خلاصه سرضرب در معرض همه اطلاعات قرار نگیرد، تا اگر خدای ناکرده در کار او شیله پیله‌یی هست، ضربه نخوریم.

یکی دو ماه بعد فرهاد را از پیش ما که حبس ابد داشتیم به‌زندان قزل‌حصار بردند که در آنجا زندانیان با حبس‌های کمتر بودند. سال بعد، فرهاد را قبل از آزادی‌اش دوباره پیش ما به‌زندان قصر آوردند. شاید که می‌خواستند چک کنند و البته ما هم از این فرصت برای انتقال آخرین تجارب دستگیریها و بازجوییها به‌او و سایر بحثهای سیاسی و تشکیلاتی آن روزگار و هم‌چنین جاسازی و ارسال مدارک و اطلاعات به‌بیرون، حداکثر استفاده را کردیم. اما نکته جالب این بود که در اولین نشست در گوشهٔ اتاق۷ که من و موسی می‌خواستیم بحثها را با او شروع کنیم، همان ابتدا گفت این نشست فول است و شما دو نفر نباید با من بنشینید! با تعجب

گفتم چرا؟ گفت مگر قرار این نبود که وقتی کسی به‌زندان دیگری می‌رود و برمی‌گردد و در هر گونه انتقال و جابجایی یک دورهٔ آزمایشی داشته باشد؟ گفتم بله درست می‌گویی ولی...

گفت: «ولی شما دارید این را در موردِ من نقض می‌کنید! »

از این حرف او به‌خاطر این‌که مطلقاً به‌او اعتماد داشتیم، خنده‌مان گرفت، ولی بعد دیدیم او خیلی جدی می‌گوید و چندین نمونه از ترفندهای ساواک در زندان قزل‌حصار را برای ما گفت که واقعاً جدید بود.

منظورم از این مثال، جدیت فرهاد به‌لحاظ امنیتی، در قراری بود که از قبل در سازمان گذاشته شده بود.

دو نکتهٔ مهم

قبل از این‌که آخرین ابلاغیهٔ اتمام‌حجت را برایتان بگویم، این نکته را هم بگویم، که در آلبانی یا هر کجای دیگر که ابتدا وارد کمپهای پناهندگی می‌شوید، موقع ترخیص از این کمپها، طبق سنت مجاهدین، یکبار دیگر هم شما را مخیر خواهند کرد که اگر می‌خواهید در خارجه، به‌دنبال زندگی مطلوب خود بروید. هدف، آب‌بندی درخواست عضویت است تا هیچ شک و شبهه و شکافی در آن باقی نماند. طبق همان آیه‌یی که خواندیم، مجاهد بودن من و شما، اگر آرمانی و صادقانه و بازگشت‌ناپذیر است، منتی است که خدا بر سر ما گذاشته، نه این‌که منت ما بر سر خلق و سازمان مجاهدین خلق باشد.

هشدار آخر: در ماههایی که در پیش داریم جماعت شمر و یزید زمانه، اگر راه ما را بستند، یا حتی اگر مانع خروج یک نفر از مجاهدین، مخصوصاً خواهران و برادران مسئولمان شدند، مجاهدین می‌مانند و تا نفر آخر می‌جنگند و در ارض امام حسین و خاک‌پای او به‌شهادت می‌رسند.

اگر هم زور دشمن نرسید و راه باز شد و انشاءالله مجاهدین به‌سلامت منتقل شدند، باز هم هر مجاهد خلق، در هرکجا که باشد، در رکاب امام

حسین، یک افسر ارتش آزادی در چارچوب مؤسسان چهارم است. اینها را می‌گویم که خوب و بدون هر گونه شک و شبهه و شکاف فکرهایتان را بکنید. فکر نکنید من نمی‌فهمم که این حرفها برایتان فشار و حتی شوکه‌کننده است. باور کنید می‌فهمم و حس می‌کنم که در اندرون دل هر مجاهد خلق در این لحظات چه غوغایی است؛ اما توجه کنید که من دارم تک‌تک شما را از یک آبشار ناباوری بر روی خون شهیدان، به‌خط آتش دیگری پرتاب می‌کنم که می‌دانم آزمایش سخت و بزرگی است.

ابلاغیه مجدد ترک لیبرتی

با تشکر از برادران و خواهرانی که صحبت کردید، جای خوشوقتی است که اغلب، با ادراکات عالی و فوق‌العاده عالی، گفتید که این واجب‌ترین اتمام‌حجت در همهٔ این سالهاست.

در عین این‌که من و شما هنوز نمی‌دانیم که طرفهای مقابل ما، چه زمانی پای این انتقال، آن هم به‌شکل سالم و امن و سازمان‌یافته و متمرکز که ما می‌خواهیم می‌آیند. ولی پیشاپیش می‌خواهیم برای آن آماده بشویم و کارمان را انجام بدهیم تا عقب نیفتیم. توجه کنید که هر روز عقب افتادن به‌مثابه فرصت دادن به‌دشمن و توطئه‌های آن است (اخبار موثق و خبرهایی که باید تحقیق شود، در این باره زیاد داریم که می‌گذارم برای بعد).

از طرف دیگر تا آخرین روز و تا آخرین ساعت و آخرین دقیقه‌یی که در لیبرتی هستید، مبادا مبادا از حفاظت اضلاع و مسائل امنیتی و حفاظتی گرفته تا رسیدگی به‌مسائل گوناگون قرارگاه و شهرداری و موضوعات روحیه و رفاه، کوتاه بیایید.

حالا من برای این‌که هیچ ابهامی نباشد، شما، یعنی همهٔ شما را تک‌به‌تک در برابر ابلاغیهٔ مجدد ترک لیبرتی قرار می‌دهم.

گزینهٔ اول: هر کس خواست از لیبرتی، با این همه خطراتی که در پیش دارد برود، او را خودمان به‌کمیساریا معرفی می‌کنیم تا حقوق قانونی

را هم مراعات کنند. فعلاً نیم‌میلیون دینار هم کمک مالی برای کسی است که می‌خواهد برود. کاش بیشتر می‌داشتیم، اما وضعیت را می‌دانید.

شاید در جمع مجاهدین گفتن این حرف زشت باشد که اگر کسی خواست، می‌تواند به‌ایران و نزد رژیم برود. می‌تواند نزد خانواده یا زن و بچه‌اش برود یا می‌تواند با موقعیت پناهجویی و پناهندگی که سازمان با هزینهٔ گزاف برای او گرفته از کمیساریا بخواهد که او را به‌کشورهای خارجی که مطلوب اوست بفرستند. این دیگر بسته به‌خود فرد است. اما من باید حرف را به‌صورت کامل و جامع بگویم تا چیزی ناگفته نماند. کاش این کمیساریا جای جداگانه‌یی از خودش می‌داشت. اما زیر بار این چیزها نمی‌رود و متقاضیان را به‌هتل مهاجر بغداد می‌فرستد و هر کس را هم که تابه‌حال ما گفته‌ایم بیا و با خودت ببر، می‌گوید طبق قوانین عراق که کمیساریا به‌آن التزام دارد، فرد باید به‌مقامات عراقی معرفی شود و به‌محل اقامتی که آنها تعیین می‌کنند برود و سپس کمیساریا سراغ او می‌رود.

گزینه دوم: اگر کسی در خارجه به‌هر دلیل در تشکیلات مجاهدین نمی‌گنجد و می‌خواهد به‌دنبال زندگی مطلوب خودش برود، ما او را تا آلبانی و کمپ پناهندگی می‌رسانیم و از آن پس دیگر حل و فصل کلیه مسائل فرد مربوطه، به‌عهدهٔ خود اوست. حال اگر فرد با رژیم مرز دارد و می‌خواهد هوادار مجاهدین باقی بماند در این‌صورت می‌تواند صادقانه اعلام هواداری کند؛ به‌شرط این‌که به‌مرزبندی‌های سیاسی و امنیتی و اخلاقی مجاهدین ملتزم باشد و از هر گونه کار غیرقانونی که برای مجاهدین مرز سرخ است، پرهیز کند.

گزینه سوم: این گزینه، خاص مجاهدین با پرچم فروغ جاویدان حسینی در استراتژی هزار اشرف به‌معنی هزار کانون شورشی است. همان عهد و پیمانی که در عاشورای۹۳ پرچم آن را بر دوش کشیدید. قبل

از آن هم در تشکیل مؤسسان چهارم ارتش آزادی و قبل از آن هم در سالهای پایداری پرشکوه در اشرف.همان ایمان و آرمان بی‌شکاف و مجاهد بازگشت‌ناپذیر با تمام توش و توان. همان مجاهد ماندن و مجاهد مردن و جاودانگی و رستگاری...

در پایان من در آستانهٔ ۱۹بهمن، عاشورای مجاهدین، ۳ماه پس از حملهٔ موشکی ۷آبان، فقط شما را قسم می‌دهم که عجله نکنید و صادقانه انتخاب کنید. به‌خاطر خودتان و به‌خاطر سازمان و خلق قهرمان با آزادی و اختیار کامل، انتخاب نهایی خود را انجام بدهید.

ابلاغیهٔ مجدد اخراج و ترک لیبرتی
۱۷ بهمن ۹۴

در آستانهٔ ۱۹بهمن، سالگرد عاشورای مجاهدین و ۳ماه بعد از آخرین حملهٔ موشکی به‌لیبرتی، در شرایطی که سازمان بر روی دریای رنج و خون شهیدان و مجاهدان آزادی ایران، با هزینه و وقت و انرژی کلانی، برای من موقعیت پناهندگی به‌دست آورده است و در شمار اشخاص مورد نگرانی، برخوردار از حمایت بین‌المللی و مشمول اصل نان‌رفولمان ثبت‌نام شده‌ام:

سازمان در یک آتشباری درخشان سیاسی و ایدئولوژیک دیگر، در برابر دعاوی دشمن ضدبشری و مزدوران اطلاعات آخوندی، مجدداً با ابلاغیهٔ اخراج و ترک لیبرتی، بار دیگر مرا مخیر کرده است به‌هر کجا می‌خواهم بروم.

گزینه هایی که به‌عنوان آخرین اتمام‌حجت در برابر من است، به‌شرح زیر است تا هر کدام را که می‌خواهم با آزادی و اختیار کامل انتخاب کنم:

گزینهٔ اول، ترک لیبرتی با معادل نیم‌میلیون دینار کمک مالی و معرفی به‌کمیساریا برای رفتن به‌هر کجا که می‌خواهم.

گزینهٔ دوم، اعلام صادقانهٔ هواداری در صورت نداشتن شرایط عضویت در تشکیلات مجاهدین و درخواست اعزام به‌آلبانی که بعد از آن حل و فصل کلیهٔ مسائل قانونی و مالی و استقراری، بر عهدهٔ خودم است.

گزینهٔ سوم، هم‌چنان که سال گذشته همزمان با عاشورای حسینی نوشتم، با پرچم فروغ جاویدان و استراتژی هزار اشرف، بر سوگند مجاهدی خود استوارم و در هر شرایطی، مانند نمازهای روزانه، پیمان مجاهدت می‌بندم و درخواست مجدد عضویت می‌کنم و آن را مشت محکمی بر دهان دشمن ضدبشری و همدستان و پشتیبانان و مزدوران آن می‌دانم.

گزینه و جواب من این است:

نمونه های پاسخ‌ها که در موزهٔ مقاومت نگهداری می‌شود

با کمال افتخار و اوج آگاهی و به‌عنوان عضو کوچکی از خانوادهٔ مجاهدین، گزینهٔ سوم را انتخاب می‌کنم و با عمق وجودم نسبت به‌این نعمت راه‌یافتگی شاکر هستم و گواهی می‌دهم که مجاهدین به‌یمن رهبری پاکبازشان در ۴دهه مبارزه با رژیم ضدبشری آخوندی از هیچ فدا و از خود گذشتگی فروگذار نکرده‌اند. با خون اشرف و موسی راه خود را باز کرده و به‌جلو پیش رفته‌اند و همواره با ذبح عظیم و با شاخص «کس نخارد» از همهٔ توطئه‌ها و ابتلائات با سربلندی عبور کرده‌اند. همراه با بقیه هم‌سنگرانم، غزل‌خوان و پاکوبان، برای جنگیدن هر چه بیشتر و برای فدای خالصانه‌تر، این مسیر را انتخاب می‌کنم. هیهات منا‌الذّلة!

۱۳۹۴/۱۱/۱۷

مجاهد می‌مانم، مجاهد می‌جنگم و مجاهد می‌میرم، سرم بلند است که در لشکر فدایی ۳۱۳، در هر کجا که لازم باشد، با نیازمندی مطلق و بدهکاری مطلق، انجام وظیفه کنم و یقین دارم که با سلاح درخشان انقلابم و با تکیه به‌سلطان نصیر جمعی در برابر هر ابتلا و آزمایشی، مستحکم و با صلابت هستم و در اثبات هزار اشرف و تکثیر ارزشهای ناب مجاهدی‌ام کوتاهی نخواهم کرد و برای پرداخت هر بهایی، حاضر، حاضر، حاضر!... هیهات منا‌الذّلة!

سلام بر مریم پاک رهایی! زنده باد ارتش آزادی!

۹۴/۱۱/۱۷

اینک وارد دوران جدیدی می‌شویم که ابعاد ناشناخته‌ای دارد، ولی ما هر جا که باشیم، برای فدای حداکثر و باز کردن راه به‌هر قیمت آماده هستیم و با این آمادگی از هر تنگه‌ای عبور خواهیم کرد. من هم سوگند می‌خورم مجاهد بمانم، مجاهد بجنگم و مجاهد بمیرم.

زنده باد ارتش آزادیبخش ملی بازوی استوار و پر اقتدار خلق قهرمان ایران! مرگ بر اصل ولایت‌فقیه! درود بر رجوی! زنده باد آزادی! مجاهد ۳۱۳

گزینه‌ام گزینهٔ سوم است. گزینهٔ شرافت، گزینهٔ وفاداری به‌سوگند مجاهدی‌ام، گزینهٔ عشق به‌خدا و خلق و رهبران آرمانی‌ام،آری این زیباترین گزینه است و من با تک‌تک سلولهای وجودم هر لحظه و تا ابد، گزینهٔ مجاهدی‌ام را فریاد می‌زنم. گزینهٔ من به‌عنوان زن مجاهد خلق، گزینهٔ زینب کبری علیها سلام می‌باشد و سوگند یاد می‌کنم که مجاهد بمانم، مجاهد بجنگم، مجاهد عشق بورزم و مجاهد بمیرم.

هیهات منا الذله! عاجزانه از سازمان محبوبم درخواست می‌کنم مرا برای بار دیگر عضوگیری کند و این درخواستی است که روزی هزار بار آن را تکرار می‌کنم. متعهد می‌شوم مجاهدی باشم که همیشه پا در راه و آمادهٔ فدای همه چیز باشم. عضویت در سازمان مجاهدین خلق ایران، افتخاری است که هرگز آن را از دست نمی‌دهم مجاهد می‌مانم و مجاهد می‌میرم، اللهم لک‌الحمد و لک‌الشکر!

۹۴/۱۱/۱۷

گزینهٔ سوم را با تمام عشقم به‌آرمان و آزادی خلق اسیرم انتخاب می‌کنم و خودم را به‌عنوان عضو لشکر فدایی۳۱۳ در لیبرتی ثبت‌نام کرده و سوگند می‌خورم. مجاهد ماندن و مجاهد مردن با تمام ارزشهای / نقلاب مریم رهایی و اصول تشکیلاتی سازمان، بالاترین شرفم است. در سالگرد عاشورای مجاهدین، با سمبل فدا و صلابت زن مجاهد خلق، شهید اشرف پیمان می‌بندم؛ با آگاهی و سرشارتر از همیشه، در جنگی صد برابر، پیروزی را محقق خواهیم کرد. سلام بر آزادی! سلام بر شهیدان مجاهد خلق!

۹۴/۱۱/۱۷

من یک مجاهد خلق لم‌یرتابوا، مجاهد مریمی و عضو لشکر فدایی۳۱۳ هستم و برای هر شرایطی که بعد از این پیش بیاید، آماده‌ام و برای تحقق آرمان والای مجاهدین که همان اسلام انقلابی و جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی است و آزادی میهن اسیر و خلق در زنجیر، آماده و حاضر حاضر می‌گویم. دشمن ضدبشری باید بداند که با شورای مرکزی و تشکیلات پولادین برادران، ریش و ریشهٔ ولایت‌فقیه و ارتجاع و بنیادگرایی را برخواهیم کند. هیهات منا الذله! زنده باد ارتش آزادیبخش ملی!

۹۴/۱۱/۱۷

تار و پود من با نام سرخ مجاهد خلق پیوند خورده، بالاترین منتی که خدا بر من گذاشته است، افتخار شناخت عضویت در سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران به‌عنوان گنجینهٔ ملی و میهنی است. مجاهد ماندن

و مجاهد مردن، هویت من است. زندگی برای من یعنی جنگ و نبرد برای آزادی، فقط همین! حالا دیگر بعد از این ۱۳ سال پایداری، بعد از عبور از طوفانها و ابتلائات مختلف، بعد از پرکشیدن همهٔ آن یاران قهرمان و دلاوری که از کنارم رفتند و شهید شدند، بیش از پیش پیروزی را لمس می‌کنم. پیروزی در نام مجاهد خلق خلاصه می‌شود. حال با استراتژی هزار اشرف چه باک از زنده بودن یا افتخار شهادت و رستگاری، آن هم بر خاک مقدس امام حسین، من و ما در این آرمان زنده و جاودان هستیم.
مجاهد اشرفی از لشکر فدایی ۳۱۳–
۹۴/بهمن/۱۷

با تک‌تک سلولهایم بر سوگند جلالهٔ مجاهدی خود استوارم، نیازمندتر از همیشه، سرشارتر و استوارتر و بدهکارتر از همیشه، تقاضای عضویت در سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران را دارم تا دوشادوش مجاهدان قهرمانی که افتخار همرزمی با آنها را دارم، تحت مسئولیت شورای مرکزی سازمان پرافتخار مجاهدین خلق ایران، هر نقطه از جهان را به‌کانون مقاومت و مجاهدت تبدیل کنم؛ تا چنان ریشهٔ رژیم آخوندی را بسوزانیم که اثری از ارتجاع و بهره‌کشی در ایران نماند. سوگند می‌خورم که مجاهد بمانم و مجاهد بمیرم و هرگز نعمت راه‌یافتگی را که به‌خاطرش در دنیا و آخرت مدیون مسعود و مریم هستم، از کف ندهم.
۹۴/۱۱/۱۷

در سالگرد عاشورای مجاهدین، در خاک پای امام حسین (ع) فریاد می‌زنم که مجاهد خلقم، مجاهد می‌مانم، مجاهد می‌جنگم و مجاهد می میرم! و چه افتخاری بالاتر از این و آن را هر روز و هر لحظه تجدید می‌کنم. بالاترین افتخار همواره برایم بودن زیر چتر این رهبری و در تشکیلات پاک و مقدس مجاهدین است و خدا را به‌خاطر داشتن چنین نعمتی شکرگزارم. در سازمان از روز اول فراتر از ظرف و مکان مبارزه، آموختم که با چنگ و ناخن و دندان و به‌هر قیمت باید جنگید و جنگید و این دشمن خدا و خلق را سرنگون کرد و این دیگر تبدیل به‌یک تعهد و آرمان ملی و میهنی شده است. الذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا

۱۷ بهمن ۹۴

پاسخ به ابلاغیه ترک لیبرتی

گزارش معاونت پرسنلی ارتش آزادیبخش

بهمن ۱۳۹۴

آمار نهایی ابلاغیه ها

گزینهٔ اول: بریدهٔ متقاضی ترک لیبرتی [به‌منظورتسلیم و رفتن به‌هتل مهاجر بغداد تحت کنترل قاسم سلیمانی] = **یک نفر**

گزینهٔ دوم: بریدهٔ متقاضی خارجه [با هزینه و امکانات مجاهدین] با اعلام هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران و التزام به‌مرزبندیهای سیاسی و امنیتی و اخلاقی مجاهدین و پرهیز از هر گونه کار غیرقانونی = **۸ نفر**

گزینهٔ سوم: درخواست عضویت مجدد در سازمان مجاهدین خلق ایران و قبول دورهٔ آزمایشی با پرچم فروغ جاویدان حسینی در مأموریت، با استراتژی هزار اشرف در چارچوب مؤسسان چهارم ارتش آزادی= **تمامی نفرات و مجاهدان باقیمانده در لیبرتی**

اتمام‌حجت پرچم فروغ و ابلاغیهٔ ترک لیبرتی

نمونه‌های عهد پرچم در لیبرتی
و ابلاغیهٔ «چراغ خاموش»
در آستانهٔ فروغ جاویدان حسینی
۱۱ آبان ۱۳۹۳

People's Mojahedin Organization of Iran

سازمان مجاهدین خلق ایران

People's Mojahedin Organization of Iran **سازمان مجاهدین خلق ایران**

۱۳۹۳، ۰۸، ۱۱

محمد پرچم در لیبرتی و ابلاغیه «چراغ خاموش» در آستانه فروغ جاویدان حسینی

دهها سال که تحت امر خمینی ارتجاع به نابودی مجاهدین کمر بسته بود، رفت. من و ما ماندیم. مجاهدان اشرف در این نبرد تاریخی پیروز شدند. با پایداری پرشکوه در برابر هجمه بی‌سابقه نظامی و سیاسی و بالجن پراکنی و جنگ روانی ارتجاع با دشمن شد بیشتر علیه سازمان در عراق و خارج از عراق... مجاهدین همچ خط‌ها، محاصره ضد انسانی و زندان سازی از لیبرتی در سرزمین امام حسین و در رکاب او را به جان خریدند. مجاهدین به محمد خود با پیشوای آرمان و مؤسسه تاریخی خود مسعود رجوی و آزادگان وفا کردند.

آنچه مجاهدین کردند برای آزادی خلق و میهن خود بود و با رهبری نجات انقلاب ایدئولوژیک درونی و پرچمداری خواهر مریم اینگا نیذیر شد که در مرحله جدید با پرچم فروغ و هزار اشرف به تشکیل شورای مرکزی سازمان با بالغ بیش ۵ و نیم سی ساختار مجاهدین و ارتش آزادی را در می نوردد.

دو سال پیش در همین ایام سازمان به من تعذیه و اجازه ابلاغ کرد که به نشریهٔ مولایم تا طاقانه جواب دادم؛ بعهات... در این فاصله چند بار تعویق محمد کردم و نقشه مسیر نوشتم. اما اکنون پس از جنگ زدایی، با پرچم فروغ، همزمان با فروغ جاویدان حسینی، سازمان بار دیگر به سنت خاموش کردن چراغ تو در راه امام حسین، ابلاغیهٔ اتمام حجت داده و من را به ترک رزمگاه لیبرتی مخیّر کرده است تا اگر تحمل ندارم، در اسرع وقت به هر کجا که می خواهم بروم.

میدانم که ادامهٔ ماندن در لیبرتی برای کسی که نمی‌خواهد طعمهٔ رژیم و مزدوران اطلاعات آن در زالو خانه شود مراعات ضوابط زندگی و امنیت و مراعات حیثیت و شرافت دستجمعی بدون هرگونه تزلزل و لنگان است.

میدانم که مجاهد پایدار اشرفی آنها پیشنهای خود را داده و در برابر ابلاغیه وضعیت چراغ خاموش به آتشباری روشنگر و درخشان مبادرت میکند. پرایمان و ارتقاء ایدئولوژیکی خود بمبارزه و نسبتی و ضعف و ذلت نمی‌پذیرد.

همچنین میدانم که هیچ گونه پیمان شکنی و نقض عهد پذیرفته نیست و سازمان در این موارد هیچ تعهد و مسئولیتی نخواهد داشت.

جواب من به اتمام حجت پرچم فروغ و ابلاغیه ترک لیبرتی این است:

من مجاهد خلق مریم و حسینی بوده، هستم و خواهم بود. برای من هر لحظه جنگ هر لحظه سختی و هر ابتلاء در رزمگاه لیبرتی در مسیر پرشکوه مجاهدین که ادامه راه امام حسین(ع) بوده و هست، جهاد و جلادت و افتخار و لذت مبارزه است. توطئه های دشمن و عوامل آن در هر کجا و جهان که باشد را به سخره می‌گیرم و بآن می‌خندم و می‌رقصم. بأبی أنت وأمي... ذره ذرهٔ وجودم برای سازمان، برای نام رجوی، برای خواهر مریم و انقلابیون می تپد و با انقلاب خواهر مریم تا پای نهایی مجاهدی جنگ آور می مانم، می جنگم و می میرم و تازنده هستم گلوله ای آخرین خواهم بود به قلب دشمن شوم ایران و تا سرنگونی این ولایت ذلیل و خمینی از پای نخواهم نشست و می کشم می کشم هر آنکه خواهرم کشت، آنکه برادرم کشت.

اللهم لك الحمد حمدَ الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي

اللهم ارزقني شفاعة الحسين يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين و أصحاب الحسين

الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام

مجاهد خلق مریم رجوی

۱۳۹۳، ۰۸، ۱۱

People's Mojahedin Organization of Iran

سازمان مجاهدین خلق ایران

۱۱ آبان ۱۳۹۴

عهد پرچم در لیبرتی و ابلاغیه «چراغ خاموش» در آستانه فروغ جاویدان حسینی

بیشک مالکی که تحت امر خلیفه از تجاع به نابودی مجاهدین کمر بسته بود، رفت. من و ما ماندیم. مجاهدان استوار در این نبرد تاریخی پیروز شدند. پایداری پرشکوه در برابر حملات ستر یظامی و سیاسی و بالجن پراکنی و جنگ روانی از جانب دشمن ضد بشر علیه سازمان در عراق و خارج از عراق ...

مجاهدین در همه خطرها، محاصره ضد انسانی و زندان سازی در لیبرتی در سرزمین امام حسین و در رکاب او را به جان خریدند. مجاهدین به عهد خود با پیشوای آزادی و فرزانه تاریخی خود، سرود شهیدان و آزادگان وفا کردند.

آن چه مجاهدین کردند، برای آزادی خلق و میهن خود بود و با رسیدن نجات انقلاب ایدئولوژیک درونی و پرچمداری خواهر مریم امکانپذیر شد که در مرحله جدید با پرچم فروغ و هزار اشرف به شکل شورای مرکزی سازمان بالغ شده و تمامی ساختار مجاهدین و ارتش آزادی را دربرمی گیرد.

دو سال پیش در همین ایام، سازمان به من تصفیه و اخراج ابلاغ کرد که به شیوهٔ سولایم ماطلانه جواب دام: هیهات ...

در این فاصله چند بار تجدید عهد کردم و نشسته سیر نوشتم. اما اکنون پس از بختک زدایی، با پرچم فروغ، همزمان با فروغ جاویدان حسینی، سازمان بار دیگر به سنت خاموش کردن چراغ توسط امام حسین، ابلاغیه امام محبت داده و من را به ترک رزمگاه لیبرتی مجبور کرده است تا اگر تحمل ندارم، در اسرع وقت به هرکجا که می خواهم بروم.

می دانم که لازمه ماندن در لیبرتی برای کسی که نمی خواهد طعمه رژیم و مزدوران اطلاعاتی آن در زالوخانه بشود، مراعات ضوابط زندگی و امنیت و مراعات هیئت و شرافت و شجاعت بدون هرگونه تزلزل و شکاف است.

می دانم که اگر از دشمن بچینم، این منت مکلی بردهان او و همدستان و پشتیبانان و مزدوران است.

می دانم که مجاهد پایدار استوری آزمایش های خود را داده و در برابر ابلاغیه وضعیت «چراغ خاموش»، به آتشباری روشنگر و درخشان مبادرت می کند.

برایمان و ارتشاء ایدئولوژیکی خود می افزاید و سستی و ضعف و ذلت نمی پذیرد.

همچنین می دانم که هیچ گونه پیمان شکنی و نقض عهد پذیرفته نشده نیست و سازمان در این موارد هیچ تعهد و مسئولیتی نخواهد داشت.

جواب من به اسلام محبت پرچم فروغ و ابلاغیه ترک لیبرتی این است:

فردا روز تاسوعاست و فرزانه دسته ما روان تا که درسی را به خون بر دیوارهای شهر زمان بنگارد تا دوری من و ما و آینگان، به حکم منت راهیابی شکنی، سرخی از آن را برگرفته در ضمیر خود حک کرده و تا آخرین انسان که ای کاش شهادت در سیر آرمان توجیهی باشد با همان آگاهی به پیش تازم. آری درس «وفای به پیمان» در سیر انقلاب آرمانی خواهر مریم و با تمسک به شورای مرکزی سازمان برای آزادی ایران و بشریت. این درسی است که من هر روز دوتویی می کنم. در کلاس فرزانه دسته مجاهدین «عباس» در مدرسه عشق حسین، این درسی جاودان است. رجب از قنبی شفاعت الحسین یوم الورود.

پاسخ من به ابلاغیه ترک این مقدس رزمگاه این است که خیر. چون یاران حسین، استوار و سرسار تا به آخر و همچون خدش خدا را به زیبایی انقلابات لیبرتی شکری کنم و تمام به انتهای صدف دشمن است برای اجرای مأموریتی که ابلاغ شده، گرفتن انتقام خون حسین.

مجاهد خلق

۱۱ آبان ۱۳۹۴

شیب ناسوتای حسینی

نماد مشعل فروغ با پاسخ‌های مجاهدین بازگشت‌ناپذیر به‌ابلاغیهٔ چراغ خاموش

موزه مقاومت در لیبرتی –آبان ۱۳۹۳